



کتاب و وقت

شماره آبان ۱۳۶۰، مطبوعه مهرالبرز، تهران، آبان ۱۳۶۰
سازمان انتشارات سیدالشهدا، تهران، شماره مسلسل ۵۵۰۰۰۰۰۰
۴۷

Ketabton.com

در گفت دست تان چیست

عشق و فان

صفا صفا میایی

سپاروون

شماره "چهارم" ماه مردان ۱۳۷۰ سال چهارم شماره مسلسل ۴۳



چند سال پیش پدر رئیس خانواده بود و حق داشت فرزندانش را به راه مستقیم رهنمایی کند و پدر میتواند کار کند و لقمه نانی که تهیه می کند تن فرزندانش را سیر سازد و در چنین حال فرزندانش از پدر اطاعت داشتند و جوانان پدر و مادر را نمیگرفتند. اما امروز بچه‌ها پدر نمیخوانند در سن سختی روزگاران شکم سورتیهه کند بسیاری شان یا در استان خود عزیزتر - بین جوانان خانواده را دفن کرد و پسران و دختران دیگر در سراق فرزند پسر شدند و حسرت و پندار بر دل هنوز منتظر برگشت آنان اند.

امروز بسیاری از جوانان از پدرها - پشان اطاعت ندارند امروز بسیاری از - برایم های ما از همین امر ناشی میگردد که جوانان نسبت به بزرگان ادب و احترام قایل نیستند و امروز بسیاری از جوانان به معلمان و استادان - اهمیت قایل نمیشوند امروز بسیاری از خانواده ها شیرازه و و راپنه های سنتی دیروز را از دست داده اند و در نتیجه بد بختی های زیادی داشته اند که شان شده است و این همه هدیه جنگ و مهابه است که پیش از سیزده سال از همراس می گذرد - میتوان تره ویران شده را آباد کرد و میتوان اقتصاد پرباد رفته را رونق داد اما مشکل اصلی انسان های پرباد شده رابه ساده کسی از نو ساخت و درد بزرگ مابین است و هر روز که جنگ عمر بیشتر کسب می کند این درد بزرگتر میشود.

اداره مجله دوربرایس مطالب دست باز دارد
عقاید و نظریات در مضامین
نویسنده گان معلق است

بیماری های ژنتیکی

صفحه ۶۶

برونی کشور پرتوتمند

صفحه ۸۲

عشق و نان

داستان کوتاه

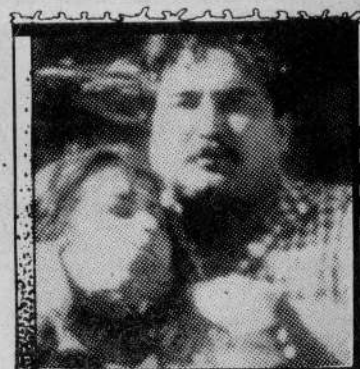
صفحه ۲۸

سرنوشت شما در کف دست

صفحه ۳۲

ملیونا

صفحه ۵۴



قلع رودنا

صفحه ۴۰



باغ وحش کابل

صفحه ۱۱



SABAWOON
Monthly Magazine of
Journalists Union of
Afghanistan
Editor-in-Chief
Dr. Z. Tanin
Assistant
M.A. Mar



حساب بانکی (۲۳۳۰۰۰۸۰۰۰۰)
د افغانستان بانک

Add:
Block 106, 3rd Microstan
Kabul - Afghanistan

مدیرمسوول: دوکوردظاهرطنین
تلفون: ۲۴۵۱۰
معاون: محمد آصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
مکرمترمسوول: ضیاء عیادی
نشریه اتحادیه ژورنالهاستان

خطاط: کبیرامیر و محمدنعمیم
نیکزاد
مگرافیک: نورمحمد ورغیبه
عکاس: شمعین گل
نایب: محمدجمعه، خواجه
مرزا — و زلمی "بول"
آمر چان: عبدالله
آدرس: مکسروریان سوم،
بلاک (۱۰۶)
کابل - افغانستان

زموڼر ستره نړۍ

صفحه ۱۴



تصویر ترملودی ها معنی و رس

هند طلا تولید نمی کند اما به فروش می رساند.

کشور هند یکی از بزرگترین کشورهای خریدار طلا در جهان است. در سال ۱۹۸۱ هند ۱۶۶ تن طلا خریداری نمود. که این رقم به مراتب بیشتر از سالهای قبل است. ولسی این مقدار طلا نیز برای هند وستان گاهی نبود. قاچاقچیان به کندی زنگران هندی شتافتند و در سال ۱۹۰ مقدار ۱۶۸ تن طلا اضافی را به هند وستان وارد نمودند.

اما تعجب آورینا است نه با وجود نیازند به این کشور به طلا هند در لیلیم زوین ۲۰ تن طلا را به فروش رسانید. که از دیگر آن ۲۴۰ میلیون دالر بدست آورد.

فروص خارجی هند وستان به بیس از ۷۰ میلیارد دالر بالغ میشود. به اساس گزارش آژانس نووستی هند وستان برای رفع بحران بولی خود قرار است ۱۰ تن طلا دیگ وجود را بفروش برساند. اما معلوم نیست که هند وستان را رفع خواهد کرد یا خیر.

در خود کشور هند وستان سالانه پیدایی دو تن طلا تولید می شود.



بن چه میشود؟

در گزارش در مدت ۸ الی ۱۰ سال، پارلمان و حکومت آلمان بهرین انتقال باید در پیر از جنگ دوم جهانی که آلمان به دو بخش تقسیم کرد بد روز ران کشور قرار گرفته بود.

بزرگ آلمان شرق برلین و مرکز آلمان فدرال بن تعیین کرد بد اما این که بروسه وحدت آلمان تکمیل کرد بد به مساهله انتقال مجدد پایتخت آلمان واحد به برلین یعنی از سایل د روز ران کشور قرار گرفته بد.

اشعه آفتاب بهترین وسیله تدایوی

از اثر تجیع تشعشعات نور آفتاب تا تیر معالجوی اشعه نور آفتاب بالای ارتقا بین انسان بلند می رود. نور این آفتاب ای جسم مریض انداخته میشود و عمیق تیره جسم فرو می رود که سایر وسایل معالجه بسا چنین عمق به جسم انسان تاثیر افکنده نمی تواند.

به اساس گزارش آژانس نووستی به اثر استعمال این جسم مریض تحت اشعه قرار می گیرد و این شیوه تدایوی غرض معالجه امراض پراکنشیت ران بد کولیت و امراض ساری استفاده می شود.

در نتیجه تحقیقات به اثبات رسیده که از اشعه آفتاب میتوان به حیث بهترین آله تدایوی که از نقطه نظر ایکلوزیک صاف و قدره تدایوی هر گونه امراض است استفاده کرد. بعد از تحقیقات همه جانبه تولید چنین آله تدایوی در قزاقستان شوروی آغاز گردیده است. این آله از است ایینه مقعره قطر ۷۰ سانتی که با الکترونی که اهتزازات را بوجود می آورد ترتیب یافته است.

در اکثر کشورهای جهان حقوق بشر نقض شده

سازمان عمومی بین المللی که چگونه می تطبیق حقوق بشر در کشورهای جهان را مورد ارزیابی قرار میدهد در این اواخر گزارش آزادی را بهرامون وضع حقوق بشر در کشورهای جهان به نشر سپرده است.

این گزارش آزاد وضع حقوق بشر را در سال ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای سواره ما مورد بررسی قرار داده است.

مغربین المللی به مجازات های کلوی در عراق و کوهستان در هنگام اشغال کوهت توسط عراق نیز تاکید شده است.

در گزارش مذکور همچنان به حادثه قتل سی نفر از ارضی ها که در نتیجه مناقشه مسلمانان و آذیها جهان بوقوع

به اساس اطلاع آژانس اطلاعاتی نووستی که این گزارش سال زمان مغربین المللی را راهبر داده است در بعضی از دول جهان زندانها با خاطر داشتند عقاید مذهبی محسوس کرد بد اند. در ۱۰ کشور جهان حکم اعدام وجود داشته که هشتاد فیصد اعدام شدگان در اتحاد شوروی و چین انجامیها بود است.

وزارت صحت عامه کشور بلانکا برای جلوگیری از تشعشعات در موسسات طبی اروپا های کنترولی را بوجود آورده است که بنام (گروپ های پرواز کننده) پاد می گردد.

اعضای این گروپ ها بطور ناگهانی از شناخته ها باز بد می کنند و از وجود پست ودم موجود بت برسول طبی کنترولی حمل می آورند.

آنها همچنان تعمیر و سروطه شناخته را بکنترول می نمایند که همسایر های طبی مطابقت دارند یا نه.

گروپ های پرواز کننده

بنای یادگاری اسرای جاپانی

در دهکده لیبونیکا واقع در ساحل جنوبی پایتخت که در ۷۰ کیلومتری ایرتوتست اتحاد شوروی قرار ارد بنای یادگاری اسرای جنگی جاپانی افتتاح گرد بد است.

آژانس خبرسانی نووستی گزارش داده که در تخته سنگ این بنا اسای آن سده جاپانی های که در این منطقه بدون اند و قبل از جنگ اسیر بوده اند در آن است. این جاپان در جنگ دوم جهانی اسیر شده بودند.

هنرمندان زودتر از سیاستمداران متحد می شوند

کریا و جمهوری کوریا در شهر ساخالین جنوبی دایوگرد بد به مقصود بهبترکریمن این فستیوال رسد قات هنرمندان گام دیگری به سوی اتحاد کوریا خواهد بود. جمهوری کوریا این پیشنهاد را بد نوشته اما جمهوری دموکراتیک کوریا تا هنوز بمان باسخی نداد مانت.

انجمن کوریایی های ساخالین که یک انجمن جانب دار اتحاد مجدد کوریا است پیشنهاد نموده تا در ماه اگست (اگست - سنبله) سال جاری عیسوی فستیوال هنرهای ملی کوریا با شرکت هنرمندان جمهوری دموکراتیک کوریا م

بیکاری در چین

برایلم بیکاری یکی از بایلهای های اجتماعی چین است. آنچه که آژانس نووستی گزارش داده بیشتر از ۲ فیصد اهالی مستعد به کارشهرهای مختلف چین بیکاراند.

چین برای رفع بیکاری در سال ۱۹۸۶ سیستم بیه را بوجود آورد.

مطابق ارزیابی های اولی این سیستم نتایج مثبت بهبار آورد.

در حال حاضر این سیستم ۴ (۴) میلیون نفر را در موسسات و ادارات مختلف چین احتوا کرده است.

توفان بی سابقه در جزیره تاسین

در این اواخر در جزیره تاسین توفان بی سابقه بی توقع بود. سته است. توفان مذکور ملغم کشتی نظامی را با نیروی عظیم به ساحل پرتاب نموده که کشتی مذکور به یک منزل اصابت نمود. که منزل مذکور را تخریب کرده اما تلفات جانی به بار نیاورده است.



تعمیر از صفحہ جاری

از زمین و از زمان

از آئین و آئینگری



از وواج شہرہ آفاق

الہیازت تاپلور ہنرہ شہسہ مشہور سینیما ہالیوڈ اخیرا اعلام نموده است کہ برای ہار ہشتم ازدواج میکند . داما د یک کارگر سی و نہ سالہ سا۔ ختمانی بنام فورتمسکی است کہ الہیازت تاپلور اورادریک در مانگاہ معتادین مواد مخدرہ کہ ہر دو در آن جاتحت تدای قرار داشتند ملاقات نمود .

این ہنرہ شہسہ پنجاہ و نہ سالہ گفتمہ است : " زندگی لذت بخش و شیرین است بسا سپری شدن ہر روز بوشتر از

روز دیگر عاشق ہم می شوم . مراسم عروسی ہر دو قسرا است در ماہ اکتوبر صورت گورد آنها در کلنہیک بیٹی فورد کہ یک در مانگاہ معتادین مواد مخدرہ و الکول در شہر رانچو۔ مہراز در ایالت کلفورنیا موقعیت دارد باہم ملاقات کردہ اند . خانم تاپلور در گذشتہ ہفت بار ازدواج کردہ کہ دو بار آن باہر چارڈ ہسرتسون ستارہ نامدار سینیما ہالیوڈ بودہ است . فورتمسکی از خانمش طلاق گرفتہ است .

نور کوشی و کوشی

خانم دول انور ستارہ مشہور سینیما و تلو یز یون بنگلہ دیش با گرفتن مقدار زیاد تابلوٹ۔ های خواب آور خود کش نمود . پولیس بنگلہ دیش گفتمہ : خانم دول انور کہ چہل و سہ سال عمر داشت قبل از آنکہ دست بہ خود کشی بزند پیامی رانوشتمہ بود کہ در آن گفتمہ آمدہ است : " هیچ کسی سمو و ل مرگ من نیست ہ ولی از شوشہرش تقاضا کردہ کہ قبل از آن کہ اورا بہ خاک بسپارد از وی عکس برداری نماید .

زنانی زندانی گشتہ

یک زندانی پاکستانی زندانی دیگر را کہ ہندو بود در شہر کویتہ بہ روز دوشنبہ (۲۲) جو۔ لای صرف بہ خاطر آن کشت کہ او در بسترش برای لحظہ لمبده بود .

اللہ دیتا مرد سی و پنج سالہ و تیکہ دید گوہر لال در بسترش لمبده فوق العادہ ۔ خشکی شدہ و بہ گسو ہر لال حمل کرد مازگلویش گرفتہ وسرترتا وقتی بہ زمین کوبید کہ جگان از تنش برآمد . مقامات زندان بعد از آن اللہ دیتا را بمسلول یک نفری انتقال دادند . وی کہ بہ اتهام قاچاق زندانی شدہ

است اکنون انتظار محاکمہ مجدد خود را باخاطر آدم کشی می کشد .

تعمیر زنا

یک مرد امریکایی کہ در رشتہ کمیو تر کار می نماید در ایالت کونکتیکت ایالات متحدہ امریکہ بہ این اتهام بازداشت شد کہ سی ہزار مکالمہ تیلیفونی را انجام داد و در جریان آن بہ زنان مخاطبش می گفتمہ کہ اگر در برابر منازل شان برہنہ ایستادہ نشوند یکی از اعضای خانوادہ او کشتہ خواہد شد . این شخص کہ انتونی گارا۔ نستی نام دارد بہ زنانکہ بہن سنہن سی و چہار تاہفتاد و چہار سال دارند تیلیفون نمودہ می گفتمہ کہ وی اعضای خانوادہ شان را اسارت دارد و اگر طبق خواست او عمل نکنند او گروگانش را خواہد کشت . پولیس گفتمہ است کہ وی زنان را بطور تصادفی انتخاب می کرد و یک روز یک روز حتی بہ یکصدوسی زن تیلیفون کردہ است . شخص مذکور بعد از پرداخت ۴۵۰۰ دالر جریمہ رہا گردید .

زنان بہ منزل دادگی

در حدود صد زن طرفدار حصن محمد ارشاد رئیس جمہور مخلوع بنگلہ دیش باجا۔ روپ ہا بر منزل یک قانون دان دولتی کہ دوسوہ ارشاد را در محکمہ پیش می برد حملہ نمودند . آنها کہ مربوط بہ جناح زنان حزب جتایا ارشاد استند بہ محلہ دہانندی کہ اقامتگاہ امون الحق مدعی العموم ۔ بنگلہ دیش است را ہمیبایی نمودند . و چاروہا را کہ با خود حمل می کردند بہ منزل مدعی۔ العموم پرتاب کردند .

یک روز نامہ رسمی چاپ بکونگہ گزارش دادہ است کہ یک خدمتہ بہ طور تصادفی کودک یک سالہ را بعد از آنکہ تلاش کرد اورا در ماشین رختشویی غسل بدہد کشت .

این تراژدی ماہ گذشتہ در منطقہ خنچانگہ در خانہ شخصی بنام ہیرکوما و ہیرکولی ہمسرش کہ ہر دو معلمین مکتب اند اتفاق افتاد .

انہا بہ خدما گفتمہ بودند کہ بعد از ختم رختشویی طفل را نیز شستشو دہد این خدمتہ سادہ کہ فکر میکرد کودک نیز مانند لباس در ماشین شستہ می شود بعد از ختم شستشو لباس طفل را نیز در ماشین انداختہ و ساکت ماشین را روشن نمودہ کہ در نتیجہ کودکی در ماشین لباس شویی غرق گردید و جسدش کہ آغشته از خراشیدہ گی ہا و کبودی ہا بود بدست آمد . روزنامہ می افزاید کہ ایمن زن و شوہر بعدا بہ خاطر استخدام یک خدمتہ سادہ و بی عقل اظہا تاہ سف نمودند .

زن ہای پیشتر از مرد ہا در فلپین کارمندانی

روزنامہ " فلپین ستار " اخیرا نوشتہ است کہ کارمندان زن در دستگاہ دولتی خانم کورا زون آکینو رئیس جمہور فلپین نسبت بہ کارمندان مرد افزایش یافتہ اما مردان پست های حساسی پالوسی سا زرا احراز کردہ اند . این روز نامہ طبق ارقام دفتر احصائہ فلپین نوشتہ است کہ در فلپین ہشتصد ہزار زن

بحث کارگر در دستگاه حکومت کاری نمایند در حالیکه تعداد مردان کارگر به هفتصد هزار نفر می رسد. خانم کور - از زن آکنو اولین رئیس جمهور زن در فلپین است. اما او سوماتی را اتخاذ نکرده که به استخدام زنان ترجیح داده شود.

فهمیده نشد که آیا اعضای خانواده وی آگاهانه بود رکننده را خورده اند و یا خمر؟
فلپینانو خسر کابینی گفته است که خانواده دامادش به پراپلم های زیاد پولی مواجه بودند و همیشه دامادش را - نصیحت می کرد که باکم بخود گذران نموده و تشویق نکند.

مجازات بخاطری محکوم شدند که در اطراف های شان سگرت دود کرده بودند. اجساد این دو مسرود ختر که چهار ده و شانزده سال عمر داشتند به روز هفت اسد در یک کانتینر - متروک که از طرف این مرکز در هپرو شیا جاپان برای تدا - بیرونظاطلی استفاده میشد در هانت شد.

در ششوی از دواج زوج

مردان مسلمان سنگاپوری - متاهل به سوی جزایر باتام و نیتان اندو نیز با رجوع می نمایند تا در خفای خانم های شان بار دیگر با زنان اندو - نیز یابی ازدواج نمایند.
روز نامه سندی تایمز نوشته است که بسیاری این زنان کما - نی اند که بهین - نهین بیست الی سی ساله گی قرار داد - شته و از شوهران شان طلاق گرفته اند.

این زنان ازدواج با یک مرد مسلمان سنگاپوری رایگانه نجات شان از فقر می دانند. بسیاری مردان سنگاپوری بعد از ازدواج با زنان جواتر اند و نیز یابی همسران و اطفال شان را در - سنگاپور رها کرده اند.

پولیس با وقت رسیدن

تهران چندین قبل در قسمت جنوبی شهر تهران هنگام کندن کاری تعداد یک گنج بزرگی از سکه های طلائی مسو ط عرسامانی هاسال های ۸۳۳ - ۱۱۱ و عباسی ۸۷۴ - ۱۱۱ و عباسیان سال های ۷۵۰ - ۱۲۵۸ کشف گردید پولیس ناوقت رسید کارگران ساختمان تار سیدن انها ۳۶۰ سکه طلائی را بالای زوگران به فروش رسانیده بود که از آن خشت طلائی به وزن ۱۰۲ کیلوگرام بوجود آمد و به تعداد ۸۶۰ سکه را پولیس ضبط نمود.

این دو نفر برای چهل و چهار ساعت در داخل کانتینر قفل شدند و آنها اجاز داشتند صرف یک جرعه چای بنوشند با وصف آنکه درجه حرارت هوادر ساه به سی و پنج درجه سانتی گراد میرسد.
پولیس، آمر این مرکز را که یک موزه شخصی است تحت تحقیق قرار داده است.

صدراعظم ایران

هند اجاز میباید

میرا قتل میگرد

چند را شکر صدر اعظم سابق هند در یک نشیوال اجاز نیافت مو ام، را قطع نماید - نهرا انفرادی امنیتی استفاده از چاقو را درین محل منع قرار داده بودند.
شکر از نوامبر سال ۱۱۱۰ تا انتخابات یکماه گذشته صدر اعظم هند بود حتی اعضای حزب جناتادال شکر در نشیوال سالانه (منگو) که در شهر شاهجهان بود برگزار شده بود اجاز نه یافتند نزدیک وی قرار گیرند به تعقیب این ادعا که ترتیبات امنیتی بیشتر می توانست از قتل راجهو گانندی صدر اعظم سابق هند جلوگیری کند. حفاظت شخصیت های بسیار مهم در هند بطور اساسی تشدید یافته است.

دو نفر زوجه جوان

در یک کابینه

جان سپردند

پولیس بتاريخ ۱۸ اسد سال جاری در توکیوگت دو تن از زوجوانان جاپانی بعد از آنکه در یک مرکز تریه مجد دنوجوا - نان بخاطر مجازات، در یک کانتینر قفل شدند، جان سپردند.
زوجوانان مذکور همین

مردی بخانه خود از راه رفت

یک روز نامه فلپینی نوشته است که یک کارگر کابینی یک نجار فقیر فلپینی بخاطر آنکه نمی توانست برای نفقه خانواده اش پول کافی بدست بیاورد اعضای خانواده خود را زهر داد و خودش نیز خودکشی کرد.
روز نامه مانها تایمز نوشته است کابینی که بیست و نه سال عمر داشت به تاریخ پنج جولای بعد از آنکه پودر کشنده را به خورد خانواده اش داد و خود نیز آنرا سر کشید با همسر و سه طفلش در شفاخانه جان سپردند.

قتل

بخاطر

جهنم عروسان

دو بارلمان هند به روز نهم ۲۷ سرطان گفته شد که پولیس هند هشتصد و هفتاد و هشت قفسه قتل یک هزار و چهار صد و هفتاد و نه حاد می خودکشی را در ال. ۱۱۱۰ ثبت کرده که به جهنم زنان ارتباط داشته است.

علاوه به آن دو هزار و چهار صد و هفتاد و هشت قفسه مرگ در بخش قانون جزای هند ثبت شده است.

پرداخت جهنم از طرف فانیل مروس به خانواده داماد در سال ۱۹۶۱ در هند غیر قانونی اعلام شد اما این عمل با تقاضای صریح تر به شمول پرداخت جوهرات تلوهینون، موتو موتو سیکل علاوه ادا یافته است.

روزنامه های برجسته شهری هند هر روز گزارشات را بر آمون خودکشی عروسان نشر می نمایند. این خودکشی ها زمانی بر وقوع می پیوند که خانم خانه احساس می نمایند که نمی تواند فشار خانواده خسر را بخاطر جهنم بیشتر تحمل کند و هم نمی تواند از خانواده پدر تقاضای جهنم بیشتر نماید.
ارقام نشان میدهد که مرگ های مربوط به جهنم در دهات هند رو به افزایش است.

گروپ های حقوق بشر می گویند که صرف یک بخش کوچک مرگ های مربوط به پرداخت جهنم در دفتر پولیس ثبت میشود.

فرد روز بزرگ میسر خواهد بود

چرا این همه ازدحام و ترافیک وحشتناک شهری را می توانیم

توافق هر چه عاجلتر کنترل سرعت وسایط را در دست های محین این جاده اعمار نماید و برای کنترل از سرعت در جاده های دیگر شهر نیز ازین نوع موانع عبور یا سرعت ایجاد شود البته این موانع نباید بلند از ده سانتی باشد زیرا بعضی ازین موانع در ایام سرما موجب ایجاد مشکلات میگردد در بسیاری کشور های جهان این موانع را از طریق نصب سنگ ها در فاصله های نزدیک ایجاد میکنند

تاجانیکه دیده میشود بعضی از راننده گان دارای اجازه نامه در پوری نبودند یا برخی شان دارای اجازه نامه هستند اما در پوری را درست بلد نیستند یا شاید باید قرار گیرد تا کتوبن که دیده شده شرایط مجازاتی برای راننده های که موجب ایجاد حوادث ترافیکی میشوند مخصوصاً وسایط دولتی را متضرر می سازند خیلی جدی نبوده و احتیاط " قوانین موجود یا حداقل در تطبیق آن تجدید نظر شود و برخورد مجازاتی شدید تر وضع شود اداره مجله سبازون در نظر دارد تا در زمینه نظریات شهریان و مسوولین راه نشیر رسانند

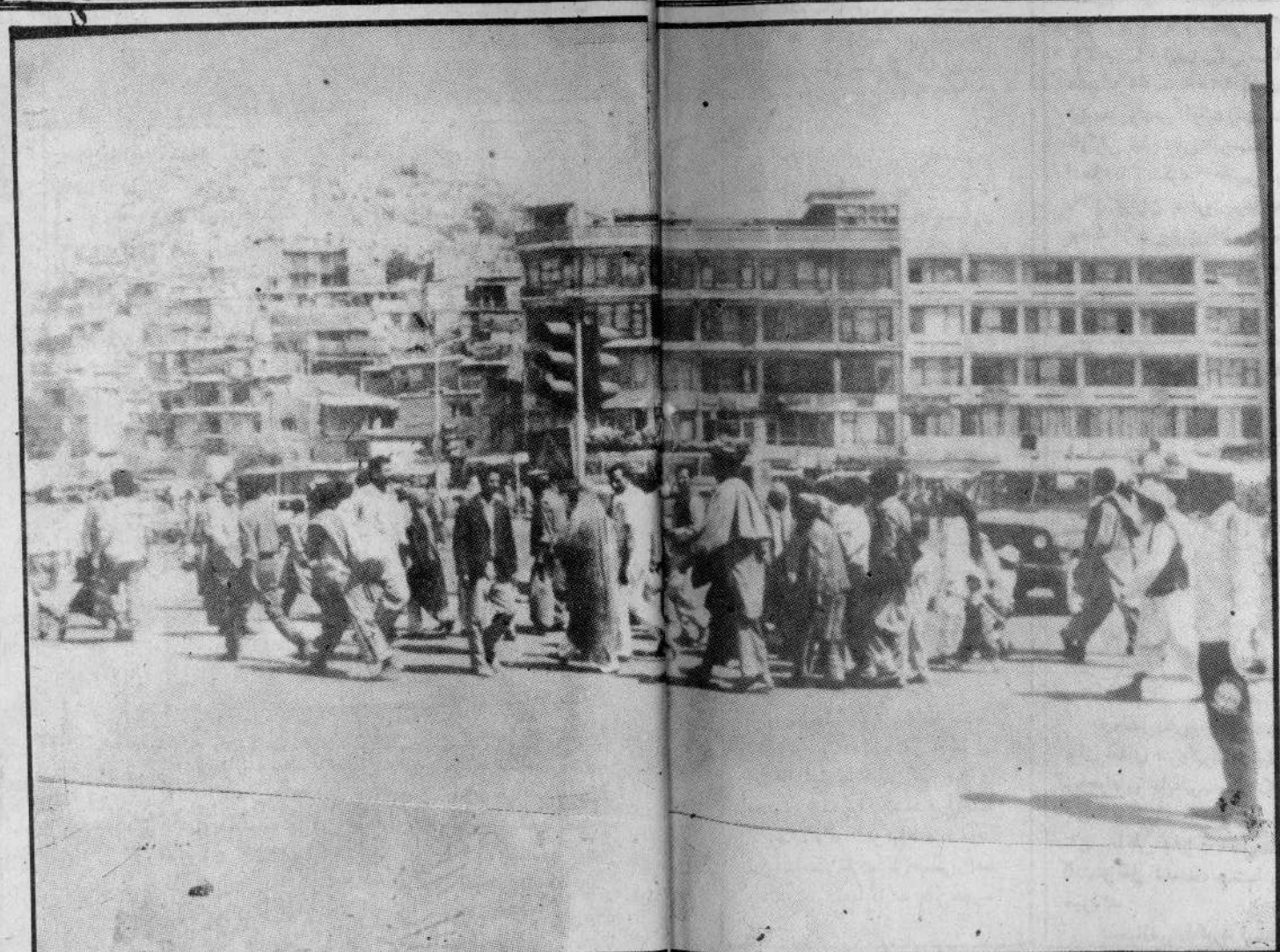
در ورترا مرکز شهر انتقال با بنسلا چنین ازدحام در جاده نالند که اوت مقابل وزارت تعلم و ترهه نیز وجود دارد که گاهی موجب ایجاد درد سر زیاد برای راننده گان میگردد

چگونه ممکن خواهد بود که جلو سرعت موترها در شهر گرفته شود و وسایط نقلیه در شهر با معمارها و موازین بین المللی قانون ترافیک را رعایت کنند و جان همشهریان را از خطر محفوظ داریم

بختراست برخورد ترافیک نسبت به تخلفات همه وسایط نقلیه قاطع و جدی باشد در پورورد رعایت و جانبداری خلاف عدالت است

در مورد جاده های مزدحم تجدید نظر شده و برای وسایط نقلیه همشهریان که در شهر ضرورت دارند محلات پارکنگ جستجو شود بهتر خواهد بود در این پارکنگ ها وسایط از طرف یک نگهبان محافظت شود ضمناً از نظریق از وقوع حوادث انفجاری نیز جلوگیری بعمل آید

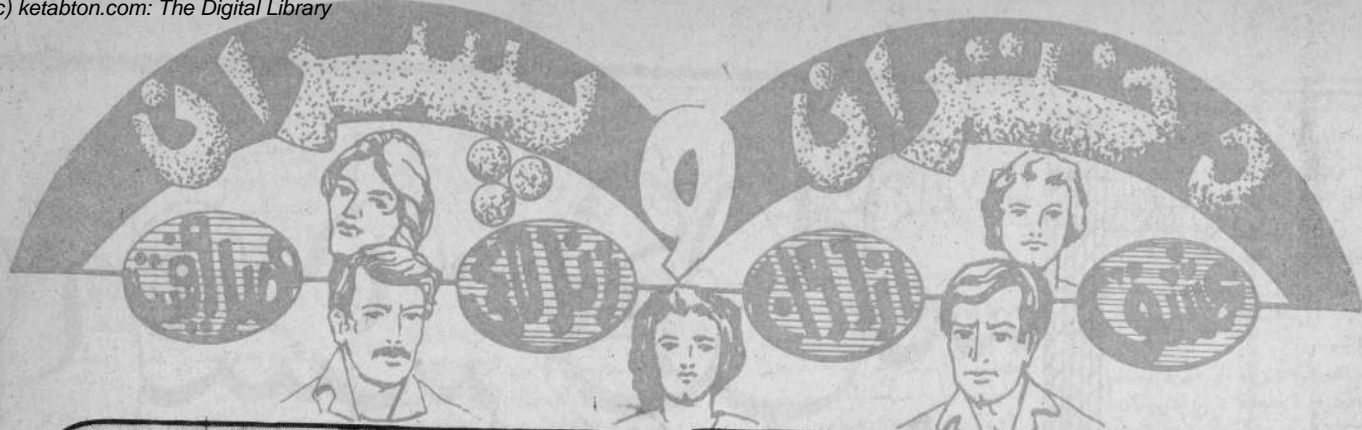
ترافیک بر علاوه جاده های که از آنجا تصادفات رسمی عبور میورند دارند به نقاط دیگر شهر نیز توظیف شوند مثلاً بارها شاهد حادثه های در مسرک جدید میگردیم چون چهارم بوده ام بختراست رعایت



خود " برخی وسایط تیز رفتار مربوط به فرماندهان های قطعات قوس یا سرمایدا را نیز روزی با چنان سرعت از جاده ها عبور می کنند که گویا طهاره می است که میخواهد در خط رنوی اوچ بگردد و جالب اینست که برخی از ترافیک ها بچسبای متوقف ساختن آنان برایشان سلام و لبخندی نیز اهدا می کنند این وضعیت ها موجب مسر افروختگی و صیانت شهریان میشود گاهی ترافیک کارنیزون شهر کابل در شهر حضور دارد که حداقل برخورد قاطع تر و جدی مخصوصاً با وسایط نظامی دارند

پروپلم دیگر مربوط به تقسیم ایستگاه های ملی پس و جاده های یکطرفه و دوطرفه است مثلاً جاده کنار راه مقابل فروشگاه بزرگه افغان برترم آنکه خیلی کوچک است اما چو حالی که در آنجا نیست از همه طرف موترها میروند چندان ایستگاه در آنجا متمرکز شده است گاهی ترافیک رفع مشکل را با ازین بردن کراچی ها و تینگ های دست فروش چاره می کند اما اینکه ممکن نیست به ایستگاه علت ازدحام در آنجا داده دارد آبا بهتر نخواهد بود که تعداد ایستگاه ها از آنجا کم شود و در نقاط

تقریباً در طول چند سال اخیر و مخصوصاً در یکی دو سال اخیر وضع ترافیک شهری بهنا بر ازدحام بیش از حد وسایط نقلیه محدود بودن جاده های شهر افزایش نفوس و عوامل متعدد دیگر خلی وحشتناک شده رقم سالانه و روزانه تلفات ناشی از حوادث ترافیکی بمقایسه نفوس شهر بسیار بلند است قربانان حوادث ترافیکی بیشتر به علت پراکنده گی افکار راننده و تهاپین و عداوت به علت سرعت بیشتر و سبقتجوی بوجود می آید ترافیک شهر برغم آنکه در طول روز در کرم و سرما به خدمت مردم قسرا دارند و ابتکارات متعددی را بکار می برند تا جلوی حوادث گرفته شود اما به دلایل زیادی تا کتوبن موفق نیستند طوری که ملاحظه میشود و بعضی از خازندها ترافیک در شهر با قادنستند که جلو سرعت برخی موترها را بگیرند یا اینکه توانایی آنرا ندارند مثلاً بارها دیده شده که یک واسطه نقلیه نظامی با سرعت خیلی زیاد از چراغها عبور کرد و با موترهای با همین سرعت چاده را میسود اند که هر کس آنرا دیده دلش هول کرده و گفته: " خدایا



سید عبدالله ستوان محصل در رشته کیمیا و بولوی در اتحاد شوروی

تالحال هیچ ارزویم برآورده نشده و فکر میکنم هیچگاهی هم بخت و طالع با من یاری نخواهد کرد زیرا ارزویم اتمت دا کتر شوم به پولیتخنیک کامیاب شدم خواستم بورس بگیرم برایم بورس در رشته تخنیک موتر دادند وقتی برای تحصیل رفتم اینجا در رشته کیمیا و بولوی معرفی ام کردند نمیدانم این رشته را چطور ببخشانم به هر صورت امید دارم که بتوانم با هر گونه تلاش و وساطت رشته خود را تغییر داده و به ارزوی اولم برسم.

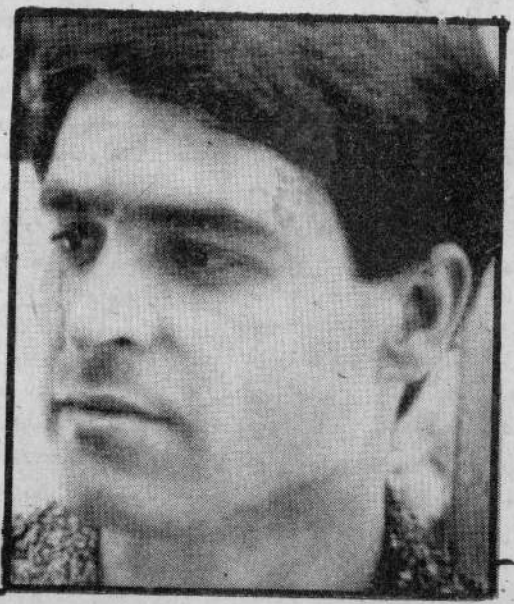
راحله رحمانی کارمند ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه :

آرزو دارم با پسری پیوند زنده گی بزنم که تحصیل عالی و اخلاق نیکو و خانواده نجیب داشته باشد تا بتوانم در کسار هم و به پای هم زنده گی خانوادگی را با فرزندان خود پراز خوشی و سرور و محبت سپری نمایم . تا مریضان خوبی در امور زنده گی باشم .



عبد الطیف سیدر محصل سال اول لسان خارجی در شهر پتسی کورس شوروی

یگانه خواستم این که روزی از ملک دور بم کشور خود بیایم و مادرم با خوشرویی دسترخوان را برایم هموار کند بگوید : - پسرم قیمت کپدا لو و گوشت پانچین آمده و ما میتوانیم بادل - جمعی و آرامش بیشتر میزبان گوشت باشم و مخصوصاً گوشت کو سفند .



محموده کارمند ریاست تعلیمات عمومی وزارت تعلیم و تربیه در زنده گی یک دختر جوان چن چیزی میتواند وجود داشته باشد به جز این که گاهی پدر میگوید دخترم را به فلان کسی میدهم و گاهی هم مادرو گاهی هم غنی میشوند و قیم ارزو دارم عروس خانه شان شود در هر صورت من هم درین کشمش های خانوادگی و خوبی قرار دارم که نمیدانم تقدیر بخت با من چن خواهد کرد ؟



ذکیر آرایشگری آرایشگاه کهرابنده
۹ سال است به کار آرایشگری خانم
ها مشغول هستم . البته هفتاد
دوست داشتی و مورد علاقه ام است
خیلی دلم میخواهد زنان و دخترانی
که برای آرایش صورت خویش میایند
بدانند که زیبایی شان در آرایش
ساده است . اما اغلب آنها تقاضا
میکنند که آرایش صورت شان بسیار
ظریف باشد . من شخصا طرفدار
آن نیستم .

تراز پیش شده بودند اما انگار در جستجوی
 ناپافته می بود که لحظه بی آرامش
 نهنگ داشت . زیرا او در باطنش چرخان
 گرمای مهال نهازی را احساس مینمود که
 نمیتوانست آنرا به کمک مویک و رنگها
 روی کاغذ بیاورد . به همین جهت بود
 که گاهگاهی تنگ آمده گی های سینه اش
 را بانواها و زمزمه های بی سرانجامی
 فریاد میکرد .

وی با هوای نقاشی در سر و ذوق مسو-
 سیقی در دل، آهسته آهسته در جستجوی
 ایماها و اشارتهای پنهانی درون پرده هلی
 ساز به سوی ا قلم های جاودانگی هنسر
 پانهاد .

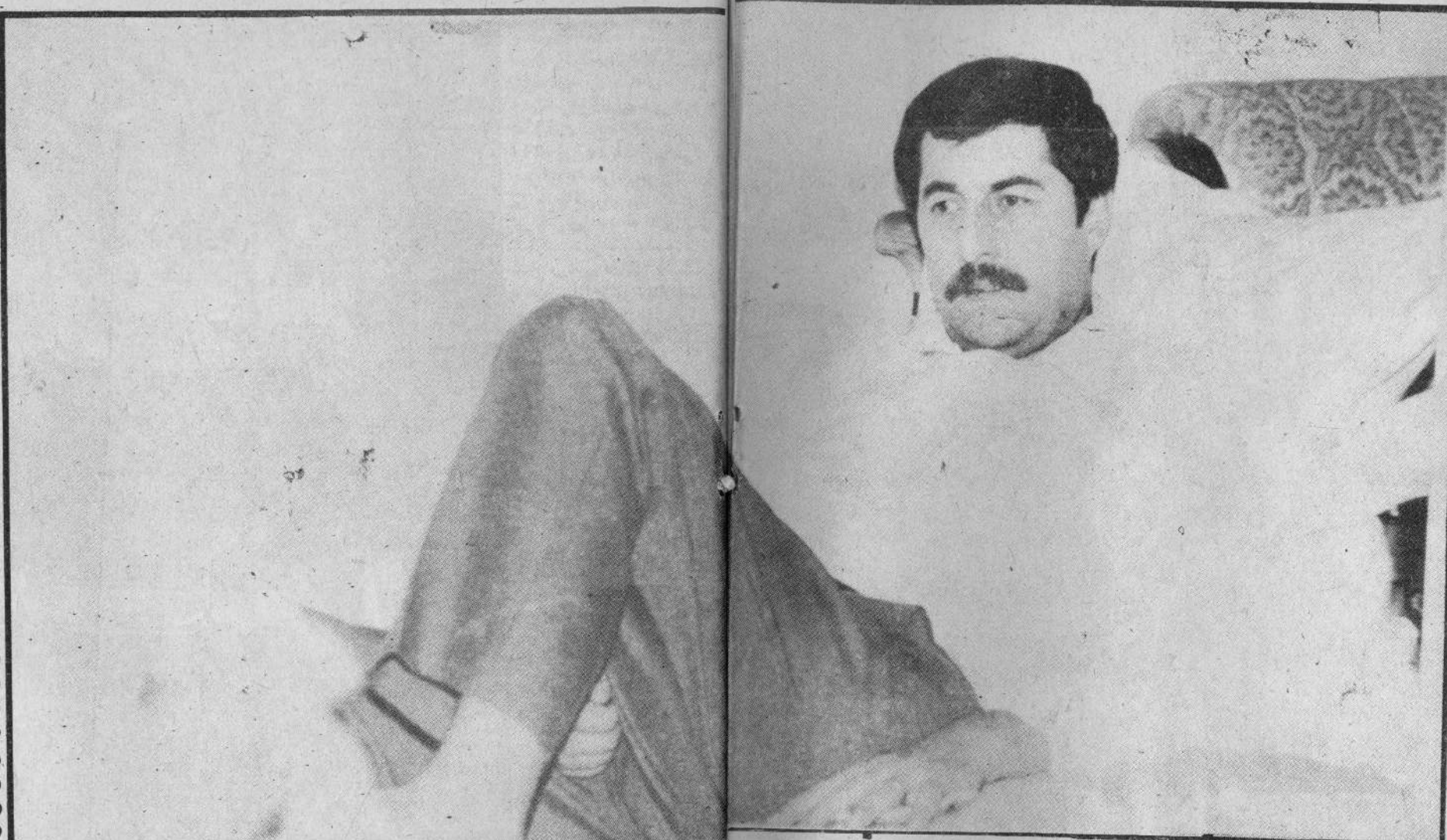
شاید پرهه همین امید های تمامی ناپذیر
 بود که او را تا سواخیل نامکشوف زند و کسی
 میرد .

♦ ♦

سفر جسی این هنرمند جوان نیز مانند
 دنیا له واد امخط نقط چین مویک کساره
 تا بلوهایش یک بعد بالنده را تشکیل میکرد .
 ذوق - رشار و جوهر های نهفته در روان
 هنر آفرین وی او را سرانجام پنهان
 در پارتمنت هنرهای زیبای پوهند - س
 زبان و ادبیات رسانید . این سه سال
 تحصیل، الهای دریافت تازه ترولو شنایی
 بیشتر به ناشناخته گی های ا قلم هنسر
 برای او بود .

انگار این همان نگارگری مویک
 رسام و غوغای پر شور دنیای رنگها بود
 که با سحر و اعجاز پرداخت های آواها و
 آهنگها به هم آمیخت و چونان منادی نا
 پیدا او را از سوی بسوی میرد و راه ها
 و راهکوره های دشوار گذاری را برایش
 شکن شکن چراغنداری میکرد دوستانش
 در یافتند که نجیب رستگار در همان
 تار بود چلوه های هنری در هر رشته
 بی تاب خورد و زمزمه هرمتی را تشکیل
 داده است . اما خود شرافاده دیگری
 دارد او زما نی گفته بود : در زنده گی
 من هنر رسامی از ریشه با هنر موسیقی دست
 به هم داده و در من ذوق شعر آفرینی
 را ایجاد کرده است .

اگر هنر وجود هنرمند چیزهایی
 را ایجاد کرده است و هنر آفرین نمیز
 در هنر و قانتیند یهای آن ایما دتازه
 تری می آفریند . به عقیده وی همانگونه
 که کمپوز در موسیقی مرکز توجه است
 کمپوز در تابلو ها و رسم هانوز چنان است
 یکی از نقطه نظرهای بسیار جالب
 و ابتکاری نجیب در این اصل نهفته است ،
 که روان هر تابلو باید آهنگ داشته باشد
 بغیه در صفحه (۲۰)



نجیب رستگار بعد از یک بیماری شدید در حال صحت یابی است

شعبه ویرانگر ملودی ها

هر با باد و قش پاك کوچک بهمه رانه
 از باد رش میبرد : امروز پدرم گپ زد -
 خواهد توانست ؟

مادریا امید واری نهرمند تراز در پروز با صبح
 کوتاهی را تکرار میکند : انشاء الله ...
 درست سه ماه از لب به همستن و چیز نگفتن
 و چیز نسرودن هنرمندی میگردد ولسی
 هنوز هم همزمان با طلوع خورشید سکوت
 برد روی یوار این خانه میناید .
 ... وجه درد انگیز است سطره - سکوت
 و غموف نار بر سر زمین ساز و آوازه تا غما
 نخستن !

♦ ♦ ♦

این غموف خاموش و غموفی همه خروش
 را می و سه سال آنسو تراز امروز پدر
 و مادرش - نجیب - نام گذاشتند . در کوب
 دکوپلا صهای آرام و حصاصی داشت .
 اما میشد به سهولت در روزی مصممست
 آرامش ظاهری وی به مقراری و پهنده کسی
 روح پر رنگایی را خواند که پیوسته
 او را به تلاش خسته گی نشاناس و میداشت .
 سالها بیشتر از آنکه راهی مکتب بود ،
 و معلم خانه راه دست راستش میدهند
 با کلکهای کوچک و بارکش بیشت عهده های
 نمازده کلکین های خانه چه کسک
 سیاهه های زغالی روی دیوارها ،
 روی خاک و چوب اینجا و آنجا را خط
 خط میکشید و چیز چیزهایی رسم میکرد .
 تا اینکه نوبت به ورقه ها هارسید .
 روزها تا شام کاغذ سیاه میکرد و هر چه راکه
 به دلش می آمد روی کاغذ میکشید ... و بدو
 ن اینکه خسته شود فردا باز هم همین
 کار را تکرار میکرد .

سرانجام روزی نجیب شامل مکتب
 شد .

بهترین سرگرمی همسنان و دوستان
 کوچکش دیدن کتابچه های نجیب بود .
 به خاطر اینکه او در تمام کتابچه ها پیش
 رسام میکرد و آرزوهای کوچک (و شاید
 بزرگ) خود و همسالانش را با زبان رنگها
 روی - پدیدهای کاغذ بیان مینمود .
 و به اینگونه خود نیز در میان پخته گی
 رنگهای آمیخته با آواها و ضیاء هابه سوی
 پخته شدن میرفت .

♦

نجیب رستگار شانزده سال داشت
 که شامل کورسهای صنایع مد نظره که
 در آن هنگام متوسط وزارت اطلاعات و کلتور بود
 گردید او برای نخستین بار جهت آمو زش
 فیه ها و روزنامه های نزد استاد خورشید
 باری میانی این هنر را فرا گرفت . دیگری
 تا بلوهای پکار کرد های او رنگین تر و مستودنی

زموڼيز په لويه نړۍ كې داسې ستوري شته چې كه يوشمير مكعب د هغه نه د معكسي برخه ولويږي همكه له منځه يي ژوندي كراوسد سر په دې په حال كې دې چې البته د هغه دوران ۲۰۰ كذا سو د نويه سرعت شپږ مياشتي سفرو كړي، په بيړته راتگ كې به زوكالسه د معكسي له عرضخه تپسروي وي.

پسر هسكه ته وكتل اوسه جراتيا سره هغو روڼانو ټكو ته چې شپږ پرمختل ناست وو محير شوه ۲۰۰۰ هغه شې دې اولي؟ ۲۰۰ دغه روڼانه ټكي هغه شې دې اولي وجود لري؟ ولي د شپږ ناري - سپوږمۍ (كله لكه زرين ټكي) هغلي ي اولكه هم لكليسيدي هلالې شي.

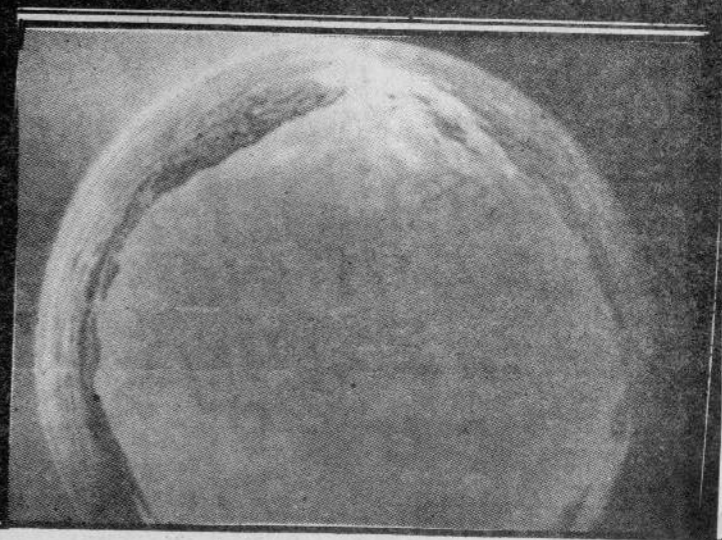
د بشر په وړاندي دغسې پوښتنې د ستوري پيژندنې لار پرانستله، هغه لوړې پلټنې ټكي چې پمې يا په صحرا كس د گسوزي چت لانسدي ناست وو اوله پمې شپږ ي بيا ترسهاره د ستورو حركت ته سترگې محير كړي وي ناخايه يوزار پوه شو.

هغه سرگردانه ستوري چې په مېنيو وختونو او وختونو كې رابنگار كيدل دغه راز يې ده ته ونيو. ده د پورته وليدل چه كم ستوري د بستر لې په راتلو اول باران په وريدو د بډۍ په گرس اوله لوله فصل سره سمون لري نوله جان سره يې وويل دا هغه ستوري دي چې د دوي كرنيدنه د انسان سرنوشت ټاكي.

دوي فكر كاوه چې ستوري خدايان دي يا خدايانو په لاس مري چې د هغوي وځاي كې بدلون راځي هغوكالو چې ستوري يې خدايان بلسل زهره يانا هيد يې د مېنيو خداي او مري يې د جگړې خداي، لښو لمړ خداي گانه اول هينو هم د مېنيو پوښتنې كاوه.

پايليان چې د سومر د قو موڼو د روڼانه تمدن وارثان وو لوپس نه كسان وو چې د ستورو د راز په پلټونو كې شول، او بابلي منجمينو د ستورو د خوځېدو لوري وټاكل، شپږ وځ، مياشت او كال يې محاسبه كړل. خو ستوري پيژندنه

زموڼيز ستوره نړۍ



د جاد و اوسر ترڅنگ گام پورته كاوه.

مصريان هم په دې لارې له بابليانو سره مخ ته لاړل اياكله چې مصريانو لوي هرم جيزاوه د معكسي اولر واټن يې سم ټاكلې وو چې د هرم لوړوالې يې د دغه واټن پيو مليارد مې برخه ونيوله، يا شپاړه نوري لمبې چې د هرمونو د اجزاوو ترمنځ په جغرافيايي نجومې واټنونو او انډرو ټاكل شوي، له كوسه لاس ته راغلي؟

د ستور راز نجوم خپلې كړې ته دوام وركاوه، د فيثاغورث پلويانو پوهانو د زره كره چې مخكه كړه ده بل يوناني منجم وويل چې همكه خوځنده ده اول مسر په چاپېر خرخي بل منجم هپارك د پوښتنې نظريې پر ضد تينگار كاوه، همكه يې د عالم مركز اوثابته وگڼله، خودغه سري د ستورو په پيو نورو رازونو پوه شو، بظلميو په هغه پسي لار اول بظلميو سر نجوم د كورنيد ترعصره په نړۍ حاكم وو.

كوسر ټاكه په ۱۱۷۲ كال د تورن په بناړي زېږيدلې اوله زده كړې وروسته يې په كليسا كې روحاني دنده غوره كړه، دغه مفكر روحاني كليساد اعتقاد لېو پرځه لاري چې د بظلميو د هپارك (نجوم علم) پر بنسټي معكسه كړه، گڼله، راز لار شو، او د لرغوني هيات اصول يې سره وپاتل اوثابته يې كړه چې همكه خوځنده ده اول مسر ثابت دي اول يوناني منجم عقیده يې چې له پاره وټلې وه، رازوندي كړه يې لكه دي چې پوهېږي كلونه مخكې هم چا د هغه عقیده يې ته ورته عقیده د لرلوده كور پرېك كتاب هغه وخت خپور شو چې دې مړ شوي وو، اول كليسا ونيوای كړي د هغه پر ضد كم اقدام وکړي، امام د بولي د كليساد قهر په اور كړ راگېشو، او ايتاليايي پوه يې د فكر په جبر پياوړي وسول او واركله تره ورسيد هغه د بنار ستر منجم شاگرد وو.

ده د كورنيد له عقيدې سره د خپل استاد د مخالفت سره سره د (كنيس) روحاني لاره ونيوله، كېلنر ته د اسان

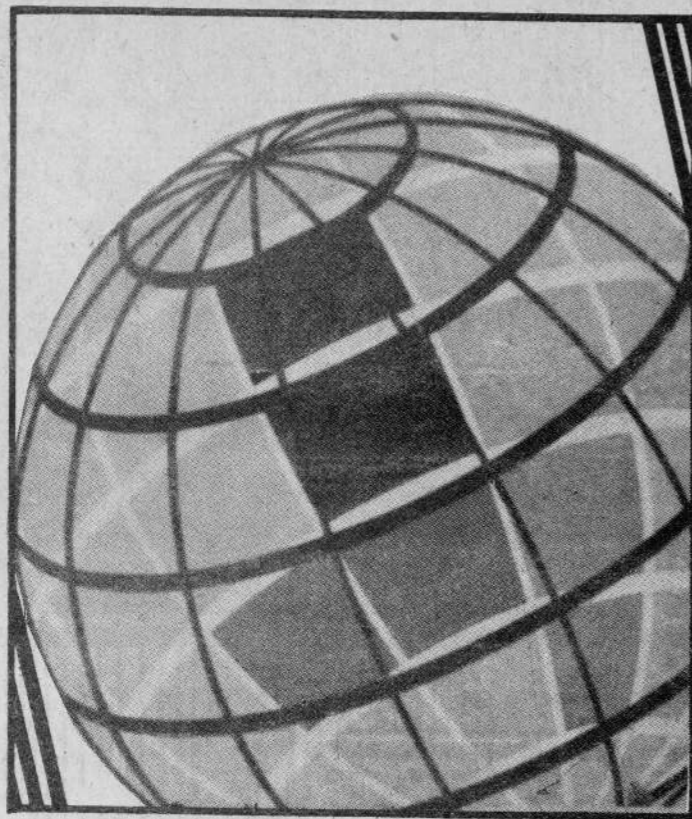
قانون اېښودنكي وايي، دې ووچي كشف يې كړه د ستورو مدار بېضوي بڼه لري، په دغه كشف او (نوي نجوم) د كتاب په چاپېرېږي كېلر لېبلې وو د بظلميو سره نجوم مړ شو او د مثبت تفكر او تجسس لاره خلاصه شوه.

د الخ بينك محاسبي په همدغه وخت كې د اسيا په زره كې د اسير تيمور كورگان لمسي الخ بينك وكولا ي شول د خپلو منجمينو اوله لښو كتابونو لكه عمر خيام او خواجبه بصرالد بن طوسي په مرسته لمبني كشفيات وكړي چې اړوياسي پوهان د تلسكوب له اختراع څخه بنحوسر كاله وروسته په هغه پوه شول.

د زياد شاه د متمصير او وچو پوهانو د زوږ زياتي او توطيېو په اثر استعفا ته مجبور شو او وروسته وژل شو، او كه د ستر منجم علي توشيجي مېرانه نه واي د الخ بينك اثار هغه له منځه تللي واي، په اولسه بېرې نې گله چې د الخ بينك كتاب په اروپايي خپرونو پوهان حيرانتيا كې ووب شول او وروسته تلسكوب ونيو له چس د الخ بينك اول دې خوا وي د نورو پوهانو محاسبي تركومه سمې وي، تلسكوب په ايتاليا كې اختراع شو، ايتاليا د (باد وي) د پوهنتون رياضي پوه كاليه، د نعيمك جبر وژنكي (زاجاري پانر) د كشف څخه په استفادې نجومون د وروښن اختراع كړ اول لوپس يې محل لپاره يې وركولا ي شول د سپوږمۍ سطح د خپل د وروښن په واسطه وروښ او متوجه شو چې د سپوږمۍ سطح د پوهانو وويلو برخلاف هوار يا صافه نه ده.

گاليه د پوښتوري چې له وروښن پرته نه ليدل كېدل كشف كړل، ده دغه شان هغه خلوږمونه چې د مشتري د چاپېر خرخي هم كشف كړي د كليسا قيام اول گاليه توبه خوټولو اوږدې خو علم اړوه برخه تلونكي وه او متمصير وو، نه د لرلود چې د پرمختك مخه ونيسي.

د جاد يې قانون اول نوري



د خپلې د موجودو موادو د استوږو په منځ كې واټن له منځه ولاړ شي، همكې كره وپانچ لارزې مگر سري

د گاليه له مريضې نه يو كال وروسته نيوتن ونيو په هغه ماشوم چې د خپل وخت ترټولو ستر مفكر مخزور كړه، داسې شو كې چې د سيملي د ستور رياضي پوه ارشميدس تر مړې وروسته لكه ده غوندي تر هغه وخت نه وپيښېدې اشري.

د جاد يې قانون اول نوري تپوري چې د دغه پوه د سلگونو ستورو كشفونو څخه وي، د نجوم په علم كې يې زياته اغيزه درلوده اول نفا د پلټونو كې پوهانو په مخ يې نوي لار پرانستله.

په پاريس كې د نهد خامسي جبر ول اړه هغه كې د ايتاليايي ستر پوه كاسيني كارل د فساد اسرار و د كشف په لار كې سترگام وو، كاسيني د زحل قروي كشف كړل او وروسته يې د همكې اولر واټن ۱۳۲ مليون كيلومتره وټاكه، واټن واټن ۱۴۹ مليون او شپږ سره كيلو متره دي.

په دغه لويه اړه يې پايه نري كې داسې كسري وجود لري چې كه يوشمير مكعب يې د محكسي پر مخ ولويږي، د دې امكان شته چې همكه لخوا د نوري توبه كړي، همكه د دغو كسريو پوهان الكټرون او پروټون ترمنځ واټن وجود نلري، د توضيح له پاره بايد وويل شي كه د محكسي د ټولو موجودو مواد و د اتم په منځ كې واټن له منځه لاړ شي د محكسي كره په خپل همدې عظمت سره د نارنج اندازې ته رسېږي، دغه اصل په لسو په نړۍ كې هم سمون لري، همكې كد كسرو او اتمونو واټنونه له منځه لاړ شي زموڼيز نړۍ بيا يې د نوري مليونونو كلونو په واټن د فوتيال د پوه توب په اندازه اړوي شي.

اوس فسر كړو چې په بيل كې د نوري توب موجودې نړۍ يې واټن په وي، د فوتيال د پوه توب په اندازه او وروسته دغه د فوتيال توب منفجر شو او چاودېد، د چاودېد و په اثر د اتم اوساسي كراتو ترمنځ واټن رامنځ ته شوي اول دغه يې پايه نري يې منځ ته راوړي اول كهكشايانو د سپوږمۍ لاهم د هماغه لوپس لاس چاودېدنې په اثر ده.

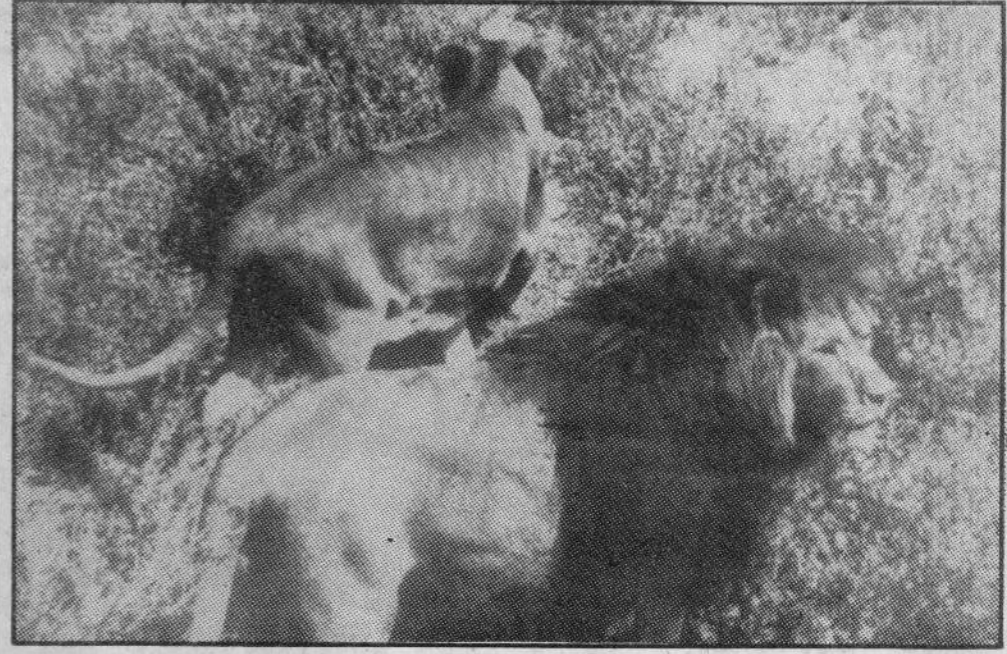
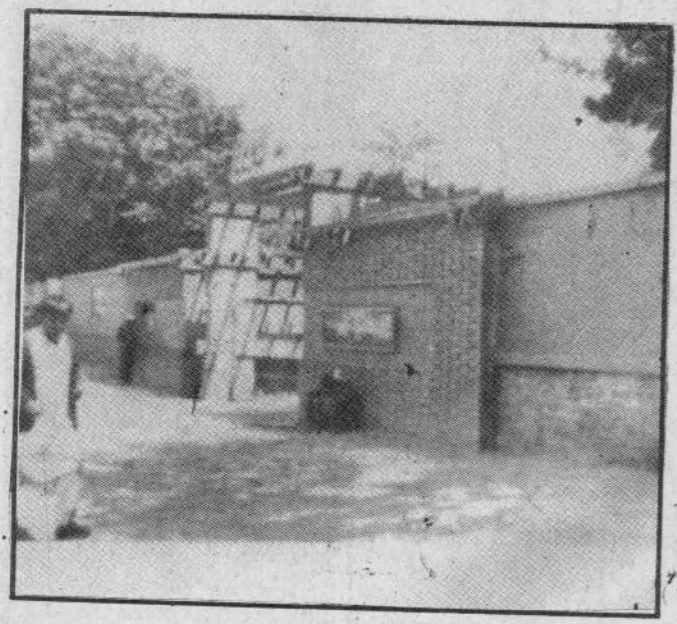
اوس وځو د نفا اوزمان هكه په خه پوهېږو، نن تا به شوي چې حركت او خويښت نه د وخت اوزمان د سكون لغزي والي سبب گومېږي، مانا چې كه يوه د سفينه د سر په سرعت (دري سوه زره كيلو متره په يوه ثانيه كې) وځو، همكې يې اوله د سفينه د همكسي د كسري نه د حركت له وخته شپږ مياشتي سفرو كړي او وروسته له شپږ مياشتو پورته راولگړي د محكسي له عرضخه زوكاله تپو شوي دي، په بله عبارته كه ۲۰۰۰ ميلادي كال كې نرضي سفينه د نورو سرعت له همكې نه وځو همكې يې اوسه ۲۰۰۰ كال پورته همكې ته راځي د مقياس د سرتېرې سر واټن لس كالن زيات شوي دي.

د دې محاسبي ملاحظو د هغو فضائونه اوسن چې فضا يې سفر يې په تگ اورتاك كې لسو وي، د وچې وگړي يوازې يوه ثانيه زيات شوي دي، په داسې حال كې چې د هغولو پاتې په (۸۷) منځ كې



چون ماهه روزه ما پدات را به پانك تحويل ميناييم از اين ستيماز صورت چگونه گسي ما پد و صرف چيزي نميد انيم

چون ماهه روزه ما پدات را به پانك تحويل ميناييم از اين ستيماز صورت چگونه گسي ما پد و صرف چيزي نميد انيم



است!

تداری از حیوانات کابل

رايو تاراو: ف اتفی

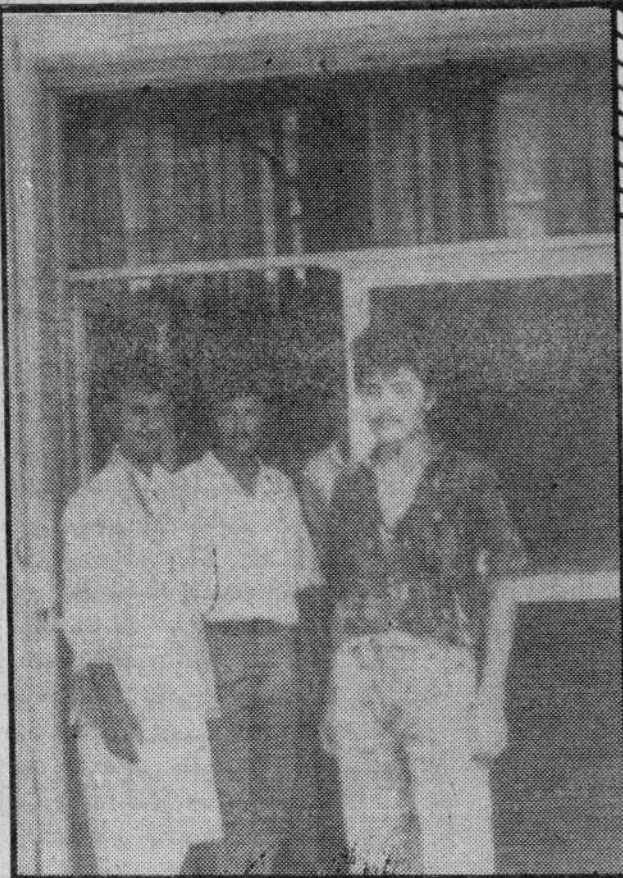
کد اشته وازوي در مورد باسخ هاي در يافت کيم

براي ماهيان به شکل زيادي تزئين گرده يده بزد اکنون به رستورانيت تبديل شده است



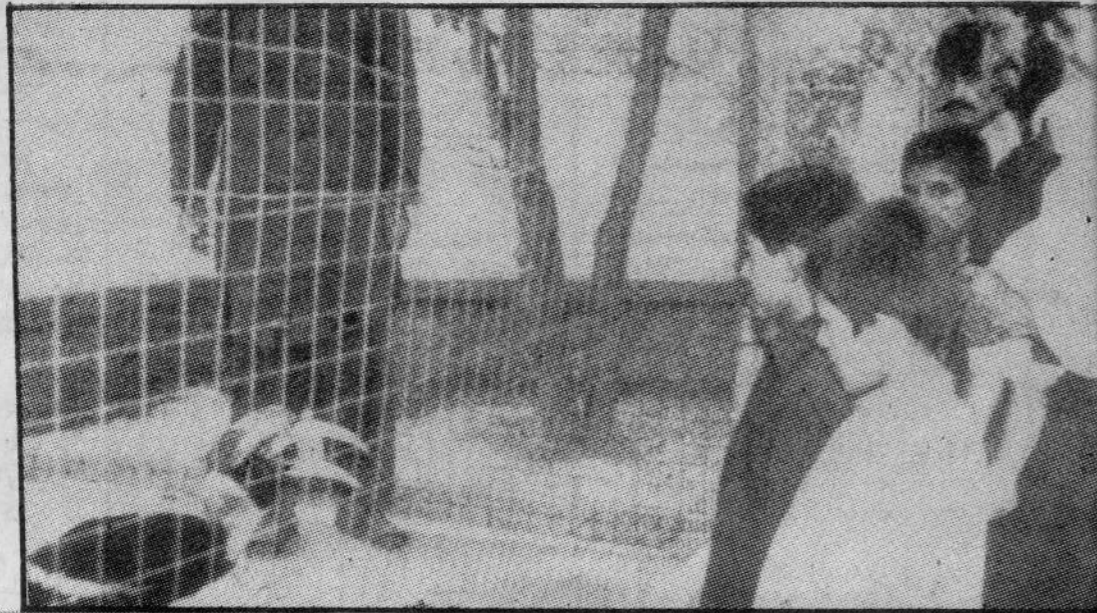
مختلف جهان آورده شده اند ايجاب مينمايد تاد در مورد نگهداري و پرورش آن ها توجه و وقت زياد صورت گيرد

باغ وحش کابل ران يده ايد؟ حتما عده بي زيادي از شهر پان مان را پلدا نه واگر کسانى ان را در گد شته هاد يده



دیگراره ماهیان رنگین باغ وحش

ماهی‌های نماینده است
آهوها اختصاص داده شد
غلی زیباست در آن جاسا
تیه گونه بی برای نشان ساخته
شده ، بادیدن باهی آهوها
تکریمانی که زیباترین منطقه
باغ وحش همینجا است
پس از تماشای آن
داخل رستوران نشستن آن
با بوی های سیاه رنگ و سبزیهای
بارش برای تریان تریب
یافته است و رقصی از آن جا
ماری را نکتد ناری مینماید
ماره خواب عمیقی فرورفته
بود هر قدر کوشش نمود بیم
تابه مابگرد هیچ توجهی
نمود
اما با تاسف ناگفته ماند
خواننده عزیز هنگامیکه
نزدیک قفس میمون ها شد بیم
همه استراحت بودند و از آن
جمله یکی هم به طرف ما
ندید نه آمد



به طرف قفس شیر رسیدیم -
شیرها هم آمده بودند
اما پناه خواهر تماشاچیان
آنها را از داخل اتاق نشان
بمردن نمودند یکی پایال های
بلند و آن دیگر کم لایق تر
نظر میآمدند هر دو غمزه در
چمنزاری که برای نشان اختصا
م داده شده است چند قدم
گذاشتم بعد در گوشه ای رسیدیم
ند آن ها هم موجودیت
احساسات و لبخند های آسان
هارا نایده می گرفتند
خانگی در مقابل قفس خود
میگفت (سبیل شوه چطور شد
بوی اس) شاید شوهرش
خود را نمیدانست
کرد و گفت: (خاصیتش هم بطور
اس)
آهنگها مشغول خوردن
غلف بودند جایی که برای



رفتیم
نخست از همه توجه ما سرا
اد و طاووس که در همین روزها
یک محفل آن هارا از آنجا در
شوروی آورده و برای باغ وحش
هدیه نموده است جلب نمود
طاووس ها آرام به نظر میخور
ندند شاید هم با محیط آن جا
هنوز آشنایی کامل نیافته
بودند ، باترس و هراس نزد یک
یکدیگر می ایستادند
بادیدن آن هارا مان
را دادند و دادیم چند
قفس خالی به نظر میخورند
اما نظیف و بان پس از طرس
مسافه کوتاه رسیدیم مقابل
جایگاه فیل قسمیکه از رنگه
ورخسار میاید خیلی خسته
بود انگار زنده گی پارک را بی
شانه هایش بیخ نیست فیل
سی و دو سال دارد یعنی فیل
بیواست ، پهرها هم با طاق های
شان فلتید بودند ، خیلی
سرحال معلوم نمیشد
قدم زدیم و با همسته
آهسته رسیدیم نزد یک قفس
توکها آن هاجنان تحریف
و لاف به نظر میآمدند که گوی
از کم خوراکیست ؟ اما نه ، آن
ما هم سخی شده اند

و همه فراز و فرود های يك پارچه اهنك در تابلوها نهمانند ریتم های موسیقایش و برجسته باشند و با گوش چشم شفته شوند و احساس پرتانگیز باشند .

در حقیقت میتوان به هم آمیزی و ترکیب موسیقی و نقاشی را یکی از خدمات غیر قابل فروگذاشت این هنرمندان نام آور دانست . بدون شبهه به چنین پنداری دست یافتن ، زاد و تصادف محض نیست . زیرا پیوست دادن دوروند آفرینشی با همدیگر در يك متن نمیتواند معلول و محصول اتفاق بدون ریاضت و ممارست باشد به ویژه وقتی که شوره چنین آموزه ای ایجاد عرصه سوم آفرینشی (هنر شاعری) میکرد .



نجیب رستگار با وجود آنکه از سه جلوه متفاوت (ولی به گفته خود ش غیر متفاوت) هنری بهره زیاد دارد اما به طر و رخا ص نقاشی را بر سایر عرصه های پرداخت خوشتر جرح میدهد . شاید به خاطر اینکه این هنر تنها بی های آدمست و نهازی به ارکستر و همکاران وجود ندارد . او منتها در د و قهاش نقاشی را صرف برای خود برگزیده است بلکه درص د تصویرگری مولودها برآمد ما ست او میگوید :

وقتی طرح اولیه يك تصویر چارچوب بندی میشود ، درست همان وقت بایستی هنر مند در نظر داشته باشد که غیر از سیماها و شمایل و زمانها و مکانها صورتها و آواها را فراموش نکند . به عبارته دیگر وقتی تصویر مناسب خزان در تابلو خود صدای آمیزش برگها را دارد ، صدای خشک شدن و از هم پاشیده شدن هر برگ آوای باد تا را جگر نیز باید ترمیم شده بتواند این داشته و قیست که خزان با کلپش تصویر شده باشد ، مثلاً ، وقتی تصمیم میگیرم تصویر يك طفل در حال گریستن طرح ریزی نمایم ، اگر در کارچوب تصویر گری موفق باشم ، آنگاه بیننده با دیدن رسم طفل در حال گریه صدای گریه او را میشنود . این پس منظرهای حقیقی هر بخش هنرمیتواند باشد . پس تصویر صدا تعلق دارد به تصویر حالت .



ایموشتر از یکصد تابلورا که بیشترین بازنتاب دهند ، زنده گی اصول و واقعیتهای عینی جامعه افغانی میباشد ، نقاشی کرده و چندین بار آنها را در داخل و خارج از کشور به نمایش گذاشته است . کما جمله تابلوهای زیرین توانست شهرت زیادی را کمایی

ملودی ما



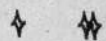
نماید :

به سوی کشتزار ، چوپان ، کوجه دریا - لای کوه ، برف در کوجه ، دختردهاتی - چوری فروشان ، دختری در لباس محلی .



نجیب رستگار افزون بر نواختن نغمات دلنواز فلوت و شهنایی که اوج قدرت و توانمندی استعداد او را ثابت میسازد اهنك های زیادی نیز به آواز گرم و گیرایش - روده است که با استقبال شایان و گرمی از جانب شنونده گان مواجه گردیده است . اشعار و تصنیف های از وی هم به شکل پراکنده در جزایر و نشریه های مختلف و هم از طریق گزیننه های شعری به نشر رسیده و نیز برخی از آنها توسط آوازخوانان معروف کشور اجرا شده است .

نجیب رستگار جهت آشنایی و دیدار به هم رسانی با محافل و حلقهات هنری خارج از کشور به کشورهای شوروی ، کوبا ، آلمان ، چکوسلواکیا ، هند و ترکیه سفرهای داشته که به یقین گامی بوده در جهت شناساندن فرهنگ کشور و هنر این هنرمند عزیز .



باد ریخ فراوان آگاه شدیم که وی از مدتی به اینسو و بنا بر هجمه ناگهانی خوشریزی دماغ ، تبادل صحن خود را موقتاً از دست داده است و اینک در خموشی به سرمیبرد . خوشبختانه حالت صحن این هنرمند گران اوج بهسوی بهبود رفت و قرار نظریه دو کشوران معالج احتمالاً به زودی ها صحت کامل خود را باز خواهد یافت .

وی که هم اکنون نیز تحت کورس منظم تداوی و مراقبت طبی قرار دارد و با زبان اشاره از هواخواهان و دستداران با کمال صمیمیت و خلوص ، احساس عمیق مهمان نوازی و تعارف دسته گل های سکوت پذیرا - بی نموده و بروی ناملايمات پیروز مندانه لبخند میزند .



سپاوون با ابراز همدردی قلبی برای نجیب رستگار ، این هنرمند گرانمستگ قبل از شمه صحت کامل ارزو نموده و از درگاه خداوند تمنا دارد تا دوباره یگر با خانواده خوشبخت و کوچکش بخندد ، با زهم بنوازد بخواند و بسراید و باز نیز رستگار را در زیابند .

" سپاوون "

مرب المملها ورا بیده ما درستی

۱۹) با یک دست نمی‌شود دو تا هندوانه برداشت
عربی: لا یجمع سیفان فی غمد دو شمشیر در یک غلاف جای نمی‌گیرند
انگلیسی: you choose two horse both will escape you اگر دو اسب را انتخاب کنی هر دو از دستت می‌گریزند
ایضاً: Two watermelons can't be hold in one hand مشابه مثل
فارسی

۲۰) با یک گل بهار نمی‌شود
عربی: سنونو واحده لا یبشر بقدم والصفید یک چلچله تنها مزده آمدن تابستان نیست
انگلیسی: One swallow does not make a summer مشابه مثل
عربی
ایضاً: One flower makes no garland با یک گل تاج گل درست

بخندد تا دنیا برویت بخندد
عربی: اضحک یضحک العالم معک.
بخند دنیا با تو خواهد خندید
انگلیسی: Laugh and the world laughs with you, weep, alone
مشابه مثل عربی
۲۲) بد چو آید، هر چه آید بد شود
عربی: المصائب لاتانی فرادی بدیختیها تک، تک بسراغ آدم نمی‌آیند
انگلیسی: Misfortunes seldom come alone بدیختیها بندرت تک‌تک می‌آیند

۲۳) بر اثر صبر نوبت ظفر آید همچنین صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد
ایضاً: گر صبر کنی زغوره حلوا سازی
عربی: بشر بنفسک بالظفر بعد الصبر: پس از صبر مزده پیروزی را بخود بده

ایضاً: الصبر مفتاح الفرج (در فارسی نیز رایج است)
انگلیسی: Evryting comes to him who waits
کسی که صبر کند همه چیز برایش مهیا می‌شود
۲۴) بر نیاید زهر دگان آواز
عربی: لیس للمنیة لسان فینطق مرده زبان ندارد تا صحبت کند
انگلیسی: Dead men tell no tales مردگان افسانه نمی‌سرایند

۲۵) بشنو و باور نکن
عربی: اسمع ولا تصدق دقیقاً مشابه مثل عربی
انگلیسی: Belive not all that you see, nor half you hear
همه آنچه را می‌بینی و نصف آنچه را می‌شنوی باور نکن
۳۶) به عذر و توبه توان رستن از عذاب الیم
عربی: الاعتراف (الاعتراف) نصف المعذره اعتراف به گناه نیمی از معذرت است
انگلیسی: Confession of a fault makes half amend مشابه مثل
عربی

۲۷) (زبانان مگو همچو باران بیار):
(دو صد گفته چون نیم کردار نیست)
به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست
عربی: الافعال ابلغ من الاقوال اعمال انسان‌ها گویاتر از سخنانشان است
انگلیسی: Actions speak louder than words

عمل رساتر از گتمها است
۲۸) به کلاغ گفتند بچه کی از همه خوشگلتر است گفت «بچه من»
(هر چند که بچه رشک باشد در چشم پدر بهشت باشد) (ایرج میرزا)
عربی: القرد فی عین امه عزال: بچه میمون در چشم مادرش آهوست
انگلیسی: The monkey thinks his offspring is fearest
میمون تصور می‌کند بچه خودش زیباترین است

۲۹) پایت را به اندازه گلیمت دراز کن
عربی: علی قدر بساطک مدر جلیک مشابه مثل فارسی
انگلیسی: As long as the blanket, so far you may stretch مشابه
مثل فارسی و عربی

۳۰) تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد
عربی: للمرء مخبوءة تحت لسانه = مرد در زیر زبانش پنهان است
انگلیسی: What the heart thinks, the tonge clings
آنچه قلب می‌اندیشد زبان بیان می‌کند
۳۲) ترس برادر مرگ است

عربی: ان الجبان حثفه من فوقه، آدم ترسو مرگش بالا سرش است
انگلیسی: Cowards die often ترسوها اغلب می‌میرند
۳۳) تونیکی می‌کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز
عربی: اصرف ما فی الجیب پاتیک ما فی الفیب
انگلیسی: Forgive and forget ببخش و فراموش کن
ایضاً: Do good, and cast it into the sea

۳۴) چاهی نکن بهر کسی اول خودت دوم کسی
عربی: من حفر حفرة وقع فیها کسی که چاهی بکند در آن می‌افتد
انگلیسی: The arrow often hits the shooter تیر معمولاً به تیرانداز می‌خورد

۳۵) چو فردا شود فکر فردا کنیم (از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن)
فردا که نیامدست فریاد مکن - خیام)
عربی: لاتتهوللفند: غصه فردا را نخورید
انگلیسی: Take no thought for tomorrow مشابه مثل فارسی

۳۶) چون طبل غازی، بلند آواز و میان تهی
عربی: الصوت العالی، من الجوف الخالی: صدای بلند از محفظه تو خالی
انگلیسی: Empty vessels make the most sound
ظروف خالی بیشترین صدا را دارند

۳۷) حساب، حساب، حساب، کاکا، برادر
عربی: تحابوا کالاء خوان و تعاملوا کالاء جانب: مثل برادر همدیگر را دوست بدارید و مثل بیگانگان معامله کنید
انگلیسی: Be like brothers, and devide justly
مثل برادر باشید و عادلانه تقسیم کنید



امريکا ۾ ڪلارڪ هوايي اڏي ڊپر ۾ ڀنڊو لوهه حال کي .

گوموده سڀني به ناخچا پيئي
توگه د فليپين ۾ شمال کسي
د زمينال ۾ سيمه کي چي نوي
ڪيلومتره له مانيلاخخه واپتن
لوي د محيني له زره خخه دو
ونه اولهه راپورته نسوي
دغه د وڏ اولهه راپورته نسوي
چين ترڏي وري ورسيدني
اوپا وروسته ترهغه د (لاوا)
د ريب چاري سو .

دغه اورغور محول شهر وري
وروسته د جاپان د موٽ اوترن
داورغور محول خخه پيل شول
داورغور محول دغه سيمه
به اسيا کي د متحده ايالاتو
پوي ستره نظام اڏي ته
نزد پورته ده ۹ به دي توگه
امريڪا ۾ مامور اوتول نظامي
پرسونل د ڪلارڪ هوايي اڏي
راڻو پيل اڏي ڏي وري اصلان
وگر چي ڏور وڏي ڏي وري

سول سره نول شي اود وري د
انتقال زمينه دي برابره نسي .
پايد وول شي چي يوازي د -
ڪلارڪ هوايي اڏي کي شيا -
پ سره ته د خد ماتي پرسونل
به گد ون ڪارڪوي . د دغسي
اڏي وري به يوه تلوزيوني
وينا کي وول چي د سيمه
د خوشي ڪولو لپاره لائيند ا -
پوئو شوي اود ڪلارڪ له
هوايي اڏي خخه نولي الوتڪي
السوزل شوي . دي به مانيللا
تي د وڏا نولي وري اوسيمول وري هر
وندي وري وول چي ڪه اي شين
د موٽ پتتا نوي اورغور محول د
اوسرو وري .

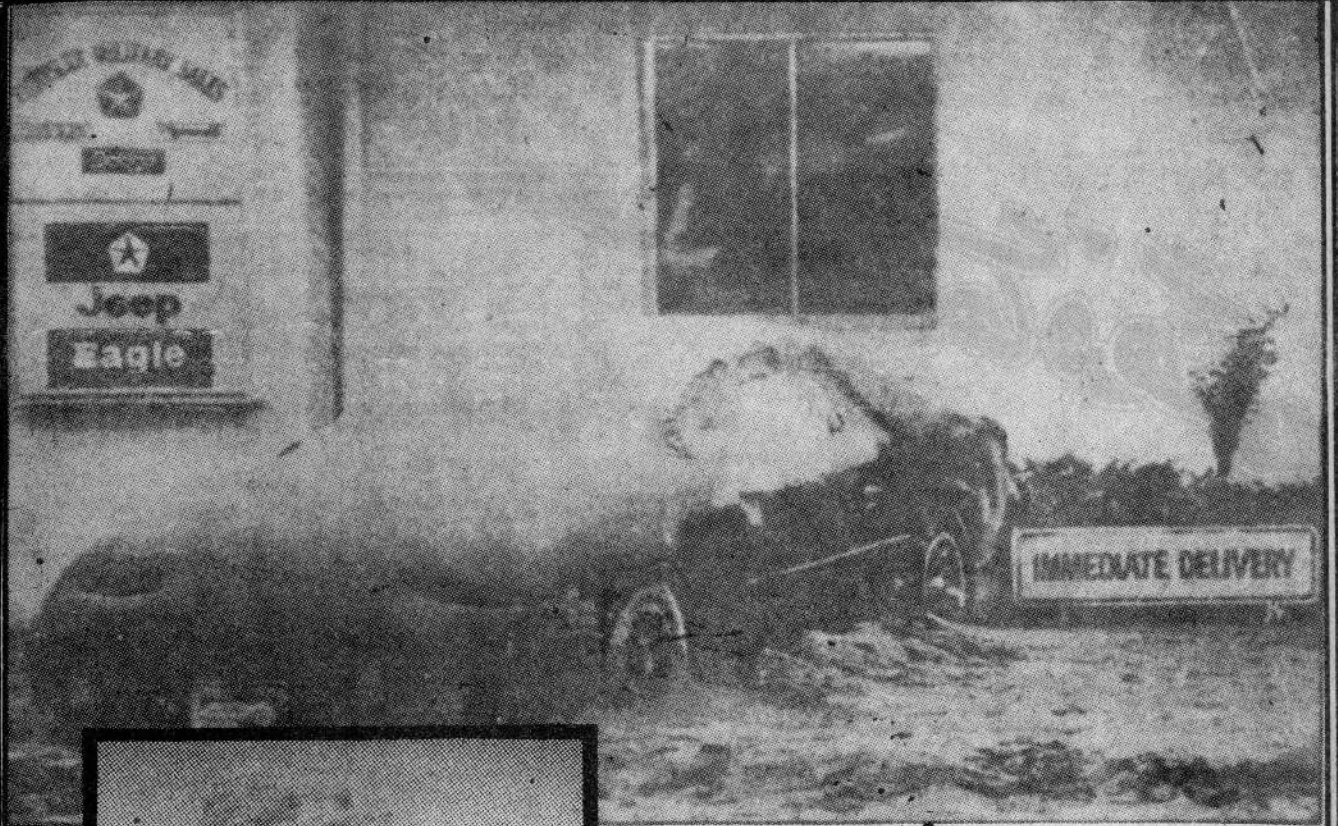
به دغه سيمه کي دلومر ي
محل لپاره د ايريل به مياشت
کي داورغور محول نيشي نشاني
وليدل شوي اوياخو مود مورو -
سته له هغه خخه لڙ خه لپهر ي
اوا وري باندني راڻو پيل وري
د زامبل اڏي ڏي وري وول چي
د هه خخه وري وڏا نولي خواته
وڏو دي شي ۹ خواته وري
اڏي د ڪار وڏو وري ڪر اي
پايد وول شي چي د موٽ
پتتا نوي وروستي چا وڏي به
۱۲۸۰ کال کي وه . همدغه
راز به فليپين کي پوڻي شيت
ڏوندي وڏا نولي همد ا و س
فعاليت کوي اود وڏو سوه به
شارخو اڏي مڙه وڏا نولي شته
پغليپين کي د وروستي
محل لپاره به کال ۱۹۶۵ کي
د وڏا نولي يوه ستره چا وڏي نه
منع ته رانله . د دي خبري
معني د اڏي چي د (سال)
وڏا نولي چي له مانيللا خخه

په فليپين کي پيو پيشت ژوندي ولکانونه همد اوس وفعاليت کوي اود دوه سوه په شاوخوا کي مڙه ولکانونه شته

امريڪي سمارٽ
د وڏا نولي اڏي وري
ٽولو امريڪا سمارٽ
ڪلارڪ هوايي اڏي
د وڏا نولي اڏي وري
د وڏا نولي اڏي وري
د وڏا نولي اڏي وري
د وڏا نولي اڏي وري

خوابي وري ۹ دغه راز
امريڪا ۾ مقامتو د هسته پي
وسلو غوند پيل به ڪلارڪ کي
رد ڪرل ۹ لڳه پولي اخبار
والا وڏا نولي خبره ڪر ي وه چي
گه چي وڏا نولي وڏا نولي وڏا نولي
سه مواد له هسته ي مواد و
سره پوڄاي شي نوڊ تشعشع
امكانات شته ڪه هه دغرو وڏو
اورغور محول ستره فاجعه سي
منع ته راز وڏا نولي اڏي وري
به تيو وڏا نولي اڏي وري خورا ستر
مد نيونه له منعه وري خو
داسي وڏا نولي اڏي وري چي به
فليپين کي د وڏا نولي اڏي وري
به ڪار شول اود خلڪ
ژوندي وڏا نولي

اتيا ڪيلومتره واپتن لري به
فعاليت پيل وگر اود وڏو سوه
تنه ي وڏا نولي به هر حال
گله چي موٽ پتتا نوي به
اورغور محول پيل وگر ۹ له
ايو خخه د د وڏا نولي سلفر
هم وڏا نولي وڏا نولي پورته
شو . ساينس پوهان به دي
عقيده دي چي دغه وڏا نولي وڏو
سته له شين وڏا نولي بيا به
فعاليت پيل وگر اود دي ڪار
امكانات له بخوا خخه موجو د
وڏا نولي چي وڏا نولي به فعاليت
پيل وگر د ڪلارڪ اڏي وري پيلو
خبر وکي پته ڪر ۹
هغه مواد وڏا نولي د وڏا نولي
له خولي خخه حريان وڏا نولي
د سانتي گراد ۱۸۰ درجي
تود وڏا نولي د وڏا نولي اوهر خخه
بي چي مخي ته راتل هغه
وڏا نولي ڪول . دغره له خخه خه
ناخه شلوزره تشو وڏا نولي ڪاوچي
ٽول له سيمي خخه وڏا نولي وڏا نولي
شول . د فليپين خلڪو امريڪا
ثيان ملامت ڪرل چي د وڏا نولي خلڪ



په عڪس کي مومونر ليدل ڪمزي چي تراپرو لاندني پت شوي دي

د موٽ پتتا نوي وڏا نولي به داس حال کي
ليدل ڪمزي چي لوگي اور وري تري پورته شوي دي .

په فليپين کي د اورغور محول وفعاليت

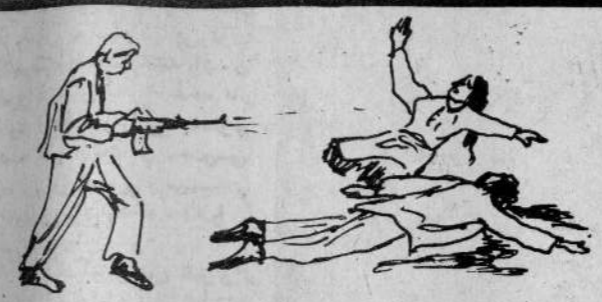
درد هلیزهای مجاکم چی خبر است

تپه کنده: لطیفه سیدی
بجای عروسی در توقیف



مسائل طلاق و تفریق و کهر
از خانه شوهر و فسخ نامز-
دی همه و همه ارتباط میگرد
به تصمیم عجلانه فامیلها در
مورد فرزندان شان که هنوز
سن قانونی ازدواج و پانامز-
دی را تکمیل ننموده اند که
حاقبت این تصامیم درد سرها
چیت بی حرمتی هایی را ازجا-
تب فرزندان شان نسبت به
حشمت و موقف اجتماعی فامیل
ها به بار میآورد.
انوس گل دختر پانزده ساله
با فتنه متاحبه هفتم شهرها پسر ی
به نام خان محمد سر باز دار-
یکی از قطعات قوای مسلح با
رضایت فامیل و مخالفت خودش
نامزد می شود و چون دختر
با نامزد خودش روی خوش -
نشان نمیدهد، با پسر همسایه
خود ارتباط دوستی قائم میکند
چون پسر همسایه شان در یک
حوالی با انوس گل زند و کسی

سایه بنا انوس گل از پسر
همسایه خواش می کند از اینجا
به محل دیگری نقل مکان نماید
تا از عقبش انوس گل فرار نماید
پسر همسایه حکم را میدهد هر د
و به محل دیگری نقل مکان
میکند بعد از گذشت سه روز
انوس گل به خانه پسر همسایه
رفته و میخواهد با او ازدواج
نماید. زمانیکه فامیل نامزد
انوس گل از بگوشی بساله آگاهی
پیدا می کند خواهر دوازده -
ساله انوس گل را به عوض انوس-
گل با پسر خود نامزد میسازد
و بدبختی دیگر اینکه پسر
همسایه انوس گل که اقتصاد
ضعیفی داشت و نتوانست لوازم
و سفار عروسی را مهیا نماید
پناهر جستجوی فامیل انوس گل
هر دو دستگیر و در توقیف به
سر میزنند.



شامزده مری به زن برادر و سه مری برای برادرش

و لحظه بی بعد صحنه بی را-
پذیرا می شوند که به کام نستی
ایمانرا فرو میرود.
عبدا لعزیز افسر یکی از-
قطعات و خانمش عین العزرا
در شب پنجم ماه سرطان به قتل
میرسند.
صدای فیر کلا شونگوف -
همسایه هارا وحشتزده میسازد

همه به سوپ منزل عبدالعزیز
سرازمی می شوند، در هموسن
لحظه برادر عبدالعزیز ناشیب
را در حالت فرار از دیوار منزل
میرسند. نظر به تحقیق محار-
نوال موغزف و قضیه طوری
بود که نامیب قاتل عبدالعزیز
و خانمش صرافه میان شان به
اصطلاح "شکر زنجی" موجود
آمده بود و همسایه هایش نوسز
نشد که قاتل شخص نهاییست
ولگرد وید معاشر است و همه همین
دلیل ابتداء با سلاح دست
داشته اثر سه فیر مری به جا-
تب برادر و شانزده فیر مری را
به سره گردن و سینه و بطن
خانم برادرش فرو میریزد. وحشت
ناکتر اینکه اغفال برادرش السی
سپیده دم با چشمان اشک آلود
به چمدن های بهجان و درخون
غلطیده پدر و مادر مینگرند.
آیا تصور میتوانید آنان چی
شبی را صبح کرده باشند؟

بنا تقابله از قلم ادم کشته

تاشای سخته های پربا چرخ
فلم های تلویزیونی حضا بالآخر
از قوه برداشت ذهنی اطفال
است و اغفال صرافه متکی به
قتل کشتار و خیزد های -
وحشتناکند استند و اطفال را به
آن واداشته است تا در کویسه
و بازار از اکت های هیرو هسا
وید معاشرن قلمها استفاده برنده
شاه سفانه پیامد های نسل
هنجار و ما بوس کنند. پسر را
در قبال داده و به پاید یکس
از این گونه حوادث را به حوت
یک واقعه حقیقی به پیرم کسه
در سینت خانه واقع در ناحیه
نهم شهر بخ داده است.
محمد همین پسر پانزده سا-
له در یکی از روز های مانگ شده
با پسر همسایه خود که در کویسه

شور شش اکل کرد



بعضا مرد هابه حدی در-
مورد خانم هایشان خوشا
صلاحیت میدنند که حتی باید
فرو بردن و بهرون آوردن نفس
زن باید به حکم و اراده آنها
باشد و کوچکترین اشتباه زن
برای چنین مردان گناه عظیم
پنداشته می شود.

با ناشایسته ترین عملی از
طرف یکی از مردان باشند و-
ناحیه دهم شهر کابل که از ذکر
نامش خود داری میکم خانیش
را به اسم صفا -
دستان خود موخایش را قطع
پایهتر بگردد مینماید.
که نه تنها یک مرتبه بل سمرتبه
است که به چنین عملی متوسل
گردد شده است.
البته بعد از کل کردن مور
های خانمش عقده های دلی
را در هر تار و موهای زن محسوس
رغم شده میباشد شاید سوال
خلق شود که چرا و به چه علت
علت همانا اشتهاها که چسک
خانم در امور منزل بوده است
که به این دلیل نمیتوان متعین
شد شاید شوهرش تکلیف روانی
و یا عصبی داشته باشد درجا
لیکه چنین نیست شوهرش گاملا
شخص نوربال و سرحال است.
موهای این زن به چاره سمانتی
پهنند شده بود که باید بدن
هایش تا شرعیتی برام دست
دا د.

اینجا خانه فساد است

سردار محمد شخصی که همه
روزه منزل محل جمع مردان
عماش و لگرو معتاد است.
این مرد فساد به هسه کسوت
که خانم و خواهر برایش مطرح
بحث نیست صرف چشمانش به
طرف دستانی خیره میشود که
به سوش پول پرتاب می کنند.
حوالی ظهر یکی از روز های
ماه گذشته که ازدحام مردان
عماش و فساد پیشه فضای اتاق
های کیف منزلش را به کلبه
نفرت انگیزی مبدل ساخته بود
در واژه منزلش درق الباب می
شود و چون سردار محمد مصر-
وف گفت و گو و قیمت گذا ری با-
لای متاع های متحرک خود بود
به قول از مسولین مبارزه با

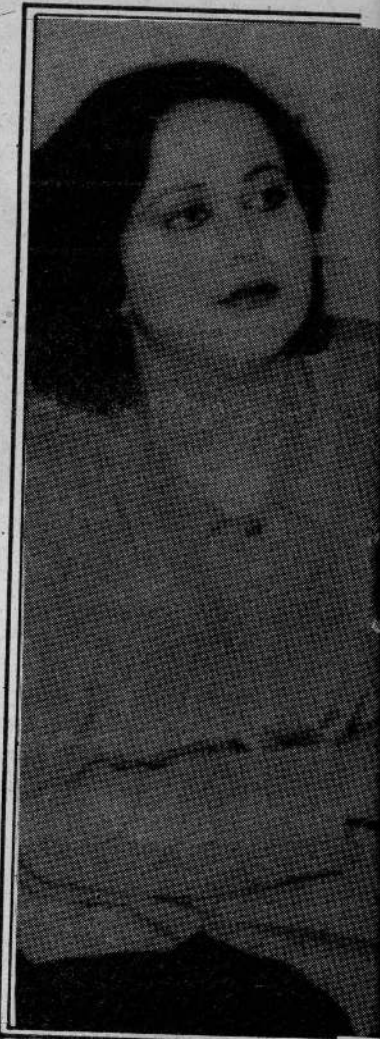
نشانی گفته و...

شوهه های مختلفی پسری
فرهنگن اشخاص از جانب در-
دان و راهگیزان به کار بسته
می شود و خانواده ها به این
شوهه توجه کنند و زن و دختر
چوانی در یکی از خانه ها در
کارت نو میروند و بهانایشان
خواستگاری دختر جوان خانه
است و از صاحب خانه آپ
اهامیدنی طلب میکنند در این
لحظه نوت هزار افغانیکسی
نشانی شده را زیر تلویزیون
شان میگذارند بعد از وده و
وهید های بعدی راه خانه شان
را در پیش میگردند لحظه پس
بعد موتر تکسی بی در کنار -
در واژه این منزل میباشد و را-
نده به مادر خانواده میگوید
که او را شوهرش فرستاده و گفته
است که تلویزیون و قالین
ویدیو و بعضی چیز هارا به

بفیه در صفحه (۸۷)



نویسنده: خلیل نیکمن



عملیات سلطان جنگ رادر دیده انعام داده است

سرطان انسانی در روزه عملیات سلطان جنگ انعام داده است. این عملیات که در روزهای گذشته در تهران و اطراف آن انجام شده است، باعث شده است تا به تعداد زیادی از افراد جوان و با استعداد، فرصت خدمت در این عملیات را داشته باشند. این افراد که در این عملیات شرکت کرده‌اند، به دلیل شجاعت و وفاداری خود، به انعام و پاداش رسیده‌اند. این عملیات که به منظور مقابله با دشمنان است، در روزهای گذشته با موفقیت انجام شده است. این افراد که در این عملیات شرکت کرده‌اند، به دلیل شجاعت و وفاداری خود، به انعام و پاداش رسیده‌اند.

بشمه در صفحه (۸۵)

تو ملی میگویند

تو به کار زکیبیا مانده



ملا علی طریف در مورد شهلا حیات



ملالی پیرکنده‌گی و سنگلی در کار رانمی‌سند

شهلا حیات در مورد ملا علی طریف

شهلا خواستش مهر برنامه راپیشانی باز می‌پذیرد

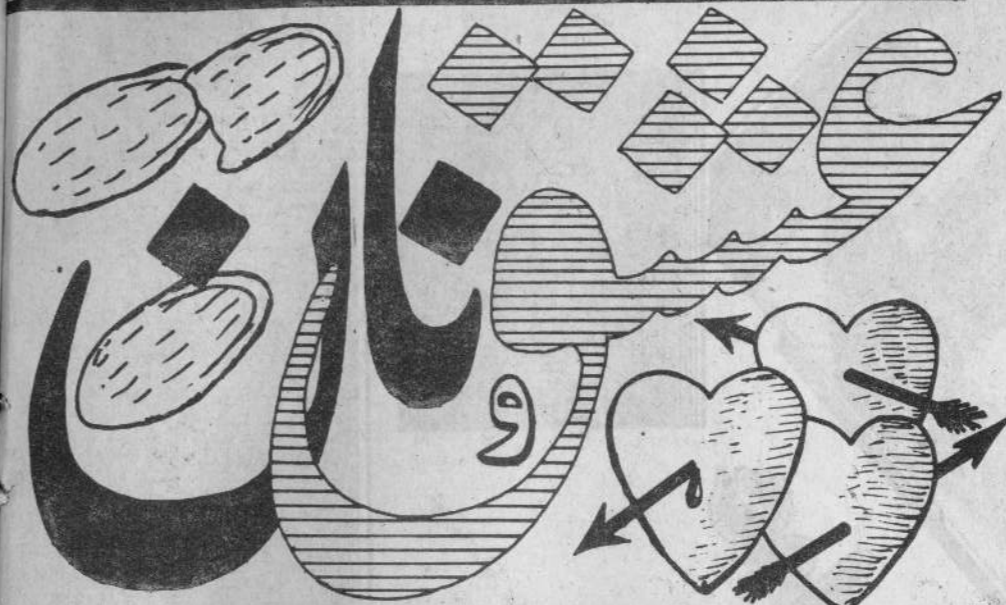
ادبی و ...
شهلا حیات به ایمن عقیده است که باید به بننده تلو یز یون و شنونده راد او احترام گذاشت و مسایل را طوری عنوان کرد که مفهوم اش را این نباشد که تنها او - مهاند و پس به بل که نتیجه اش را این باشد که شنونده و بننده احساس نماید که گوینده به خاطر آنها این مسایل را به خوا- نشوگرفته و به اطلاع آنها میرساند.

شهلا حیات می‌گویند که اینست مهر بان و صمیمی یکی از خصوصیات برجسته و قابل احترام او این است که هیچگاه نمی‌خواسته تا حرفی که باعث رنجش خاطر طرف میشود در میان بیاورد - خوانش هر برنامه که برایش سپرده میشود با پیشانی باز و بدون هر نوع خسته‌گی می‌پذیرد.
موفقیت و پیروزی بیشتر کار گوینده‌گی شهلا در - خوانش مطالب سیاسی و اخباری است تا مطالب

حکارت و علاقمندی مخلص زود بانه‌های پیشرفت را ببیند - ملالی پیرکنده‌گی و سنگلی در کار را نمی‌پسندد و دختر است انتقاد پذیر و به این عقیده که انتقاد بایست به شوه ایسراز شود که قصد توهین طرف زید - خل نباشد او مطالعه را یکی از اساسی‌ترین بخش برنامه زنده‌گی روزمره انسانها میداند.

ملالی در روابط اجتماعی خود دختر است مودب و بسا نزاکت و نهایت خوش‌برخورد ضنا با بذله‌گویی که دارد میشود ساعت‌ها را بدون کوه - چاکترین احساس خسته‌گی با او سپری کرده ملالی در کار گوینده‌گی تازه‌گام است و هنوز مدت زیادی از همکاری اش در رادیو و تلو یز یون - نیکگذرد اما او توانسته با

داستان کوتاه



مردان اوگاست استریندبری نویسنده داستانهای کوتاه رمان و نمایشنامه در سال ۱۸۶۹ در استکهلم سوئد به دنیا آمد و به سال ۱۹۱۶ از نیارفت دوران کودکی اش در دفتر گذشت پس از تحصیل در دانشگاه مشاغل زیادی را از جمله معلمی بازیگری استریندبری می آرزوی نویسنده گان برجسته دنیا است چنان که در حقش گفته اند: "او در تحلیل‌های تری ای که او از زندگی معاصر ایجاد کرده است بر اساس تفکیرهای روانی و شخصی و فلسفه خاص است"

ندارد ((و بعد در لوتیزا که راضی شده بود گفت:))
 ((به نظرم هر دوی شما مصمم هستید از دواج کنید و تردیدی ندارم که شما واقعا عاشق هم دیگر هستید - بنظر من این من باید بالاخره رضایت بدهم؛ اما فقط به این شرط تا مرد لوتیزا میبوی که سعی کنی در نهایت از یاد بگیری. گوستانف از خوشحالی می سز شد و احساس را با بوسیدن دست پسر مرد نشان داد. او چند روز خوشحال بود و لوتیزای او هم چقدر هنگامی که برای اولین بار برای قدم زدن بهرون می رفتند احساس غریب کردند. گوستانف عصرها همراه نمونه های چاپی که تصویفشان را مقابله کرده بود به دیدن لوتیزای رفت و این تاثیر خاصی روی آقا جان می گذاشت. اما یک روز عصر آنها برای تنوع به تئاتر رفتند و با گادی به خانه برگشتند و خرج تفریح آن روز عصرشان ۱۰ کرون شد. بعد گوستانف بعضی وقت ها عصرها به جای تدریس به خانه زن جوان می رفت تا با هم بهسرون بروند و کسی قدم بزنند.

چون روزی در سوئدشان نرسد یک میشد و آنها مجبور شدند اثاثیه ای را که برای آماده کردن اپارتمانشان لازم داشتند بخرند. و دستخواب فشنکه از چوب چهارمغز هاتشکدای فنری محکم و لحافهای نرم و پازیر فرو خریدند. سپس به مغازه لوازم منزل فروشی رفتند و از آنجا یک چراغ به آنها بقرمز هاتشکدای مجسمه چینی یک دست ظرف کامل و میز قد آخوری پارچه های بلور و عالی و قاشق پنجتجه و کارد انتخاب کردند که بخرند. موقع انتخاب و سایل اشیز خانه هم از راهنمایی ها و کمک های مان (مادر لوتیزا) بهره مند شدند. در این موقع گوستانف خیلی عصبانی بود و در به دنبال خانه می گفت. پرکاره کارگاه او رسوا کردن اثاثیه خانه نظارت می کرد ضمن اینکه گوستانف در آمد اضافه دیگری نداشتم اما می توانست پس از دواج به راحتی آن را جبران کند. آنها تصمیم گرفتند به بهترین صرفه جویی را بکنند یعنی برای شروع زندگی فقط به دواتاق قناعت کنند. با این حال پاره

وقتی گوستانف فالک جوان و معان مشاور اداره رسایه خواستگاری لوتیزا رفت اولین سوال پسر مرد محترم از او این بود که: "درآمد چقدر است؟" گوستانف گفت: "نمایه خانه تقریبا صد کرون اما لوتیزا ۱۰۰۰" پدر زن آینده گوستانف حرفش را قطع کرد و گفت: ((باقی اش مهم نیست. در آمدت کم است))
 ((آه اما لوتیزا من همه بگریا دوست دارم. مادر دو واقعا تصمیهانرا گرفته ایم))
 پلی احتمالا اما اجازه بده میبوی بهرسم اما کل درآمدتان سالانه هزار و دصد کرون میشود؟
 گوستانف گفت: ((ما اولش درآمد پنگر با هم آشنا شدیم))
 پدر لوتیزا مصرا نه نهاله حرفش را گرفت و پرسید: ((آیا علاوه بر حقوقی که از دولت می گویید درآمد دیگری هم دارید؟))
 خوب پلی. فکر کنم بتوانم درآمد کافی داشته باشم و تازه می دانم علاقه متقابل ما به هم ۱۰۰۰))
 پلی و کاملا درست است اما اجازه بده بیدار بگم صحبت کنم. خواستگار بهر صورت گفت: ((آه اما من می توانم بلا ضایعه کاری به از ایند از کافی پول بدست آورم))
 ((چه کاری و چقدر؟))
 گوستانف گفت: خوب می توانم زبان فرانسه بی درسی بد هم و کتاب ترجمه کنم. می توانم نمونه های چاپی را تصحیح کنم. پسر مرد در حالی که قلم در دستش بود پرسید: "چقدر ترجمه می کنی؟" (منی توانم دقیقه بگویی چقدر را اما فضلا یک کتاب فرانسه بی ترجمه می کنم که از هر ورقش ۱۰ کرون حق الزحمه می گویم. تمام آن چند ورق است؟"
 "به نظرم تقریبا ۲۴ ورق."
 ((بسیار خوب! این هم دصد و پنجاه کرون حق الزحمه دیگر چه؟))
 ((آه من دانم. مطمئن نیستی؟ آن وقت میخواهی از دواج بگویی؟ جوان هکیه تصورات عجیبی از ازدواج داری میدانی که بعد از ازدواج چه دارم و میبوی و میبوی خوراک و پوشاک شان را تامین و آنها را بزرگ کنی))
 گوستانف اعتراضی کنان گفت: ((اما میبوی زود به چه دارم و شوم. در زمانی ما نقد را عاقلی همه بگری خستیم))
 ((باید احتیالا پیش منی کرد که به دنیا آمدن چه ها هیچ غطسری

به عمون دلایل هم گوستانف او را روی چوکی می نشاند و چوکی را به پشت میز می کشید. شوهر جوان بلر نام وجود در خدمت همسرش است. گوستانف وقتی از شقایب صد ف می خورد و نوشابه اش را می نوشد فکر می کند چه لذتی البته اوقلا بعدنی موقع تجرد هم زیاد غذا خورده است اما چه لذت و حظی برده است؟ هیچ (این مجرد ها چقدر رابله اند که ازدواج نمی کنند و صیغه رخود خواهند باید همان طور که به سگها مالیات بسته اند از آنها همالیا بگویند اما لوتیزا به اندازه او سختگیر نیست و با مهربانی و ملاحظت تمام می گوید که شاید به چاره های که تجرد و اختیار کرده اند قابل ترحم باشند. به نظر او بدون شکار گرانها استطاعت داشتند از دواج می کردند. گوستانف احساس می کند قلبش کمی سرد آمد ما است. معلما خوشبختی را نباید با پول سنجید نه نه اما اما... خوب مهم نیست بزودی یک عالم کار خواهد کرد و میبوی



مردان اوگاست استریندبری نویسنده داستانهای کوتاه رمان و نمایشنامه در سال ۱۸۶۹ در استکهلم سوئد به دنیا آمد و به سال ۱۹۱۶ از نیارفت دوران کودکی اش در دفتر گذشت پس از تحصیل در دانشگاه مشاغل زیادی را از جمله معلمی بازیگری استریندبری می آرزوی نویسنده گان برجسته دنیا است چنان که در حقش گفته اند: "او در تحلیل‌های تری ای که او از زندگی معاصر ایجاد کرده است بر اساس تفکیرهای روانی و شخصی و فلسفه خاص است"

همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت. حالا فقط مهم کیک بریان خوشمز و با چاشنی مخصوص است. این تجملات برای لحظه می زندگ خطرناک برای همسر جوان به صدا در می آورد و انگار از گوستانف می پرسد آیا می توانند با این ولخرجیها زندگی کنند؟ اما گوستانف به اوقوت قلب می دهد و از نگرانی های بی موردش می گاهد و می گوید: (یک روز که هزار روز نمی شود آد میاید تا می تواند از زندگی لذت ببرد. آه چه زیباست زندگی.)
 ساعت شش ناگادی، دو سبه زیبایی در جلوی خانه آنها می ایستد و عروس و داماد میگردش می روند. لوتیزا همان طور که به راحتی به عقب تکیه داده است و وقتی از میان پارک می گذرند و به آنها می پیاده بر می خورند کاشکارا متحیرند و با نجات معظم می کنند. مسخوری شود. حتما آنها فکر می کنند که گوستانف خوب از دواج کرده و دختر بیولاری گرفته است. حال آنکه آن چاره ها مجبورند بیاد می کنند؛ اما سواره رفتن بدین زحمت آن هم در حالی که پشتی نرم گادی تکیه داده باشی چه صفایی دارد و این مظهر ازدواج دلنشینی است.
 ما اول میرش از خوش میبود آنها با انواع و اقسام مهمانیهای دعوت می شدند و دامی به تئاتر می رفتند. با این حال بهترین اوقات آنها اوقاتی بود که در خانه بودند. چه قدر وقتی گوستانف شبها لوتیزا را از خانه والدینش به خانه خود می آورد و در زیر سقف خانه شان طوری که دلشان میخواست زندگی می کردند، لذتبخش بود. وقتی به ابار تانیشان می رسیدند شام مختصری می خوردند و بعد روی میبل لیس می نشستند و شاد میروقت با هم گپ می زدند. گوستانف طرفدار صرفه جویی بود البته در حرف یکروز عروس جوان و خانه دار ماهی دودی و کچالو درست کرد و چقدر هم خوشمزه اما گوستانف از آن ایراد گرفت. وقتی باز هفته دیگر نشستند قادی ماهی دودی شد و گوستانف از بازار یک جفت کیک خرید. و چون کیکها را یک کرون خرید میبوی، از این معامله عالی به خود می بالود؛ اما لوتیزا از این کارش راضی نبود خود او یک بار همین تعداد کیک را زانتر خریده بود. وانگهی خوردن کیک و شکر و ولخرجی بود با این حال خوب نبود. سر این مسائل جزئی با شوهرش مخالفت کند.
 بعد از دو ماه حال لوتیزا فالک

نامه بی اخرا به ما رسید گمبا
 حظی برخی کلمات آن لازم -
 دانستم آنرا نشر نسایم تا
 ازین سرگذشت جوانان درس
 بگیرند ؛
 به ادا ره محترم مجله
 وزین و دوست داشتی بها -
 وون ؛
 بعد از عرض سلام بتمسلم
 دست اندر کاران عزیز مجله
 سبب وون غم قلبم را به این شرح
 مینگارم امیدوارم که در صفحه
 سلام پسران به دختران آنرا
 نشر نمایند .
 این غم تازه مهبان قلب نا -
 توانم شده و سنگینی این غم

انقدر زیاد است که تمام لحظه
 های زنده کی ام را تلخ نموده
 است .
 فقط چند روز پیش همسری
 که او را ز یاد تر از جانم
 دوست داشتم همسری که
 تمام خوشی های زنده گسرام
 بود بصد خبیانت نمود و من
 در دهلز محکمه ناحیه ۷ -
 سند رسوایی و طلاق او را -
 ایشاء نموده و بدستش دادم
 و بدست آوردن سند طلاق را
 برایش تهنیک گفتم .
 درین جا میخواهم که تمام
 خیانت ها و جفا های که او -

کرده بنویسم فقط میخواهم بنویسم
 بسم که او زن بسیار بی وفا
 و پر جفا بود او با وجود تمام
 فداکاری هایم او با وجود تمام
 انسانیت و شرافتم چرازنده گوی
 ام را خراب نمود و میخواهم
 برایش بنویسم که تو راستی دختر
 بد بودی تا اخلاق فلسفی
 بود پسکود آشتی تو راستی که نمی
 توانستی یک همسر خوب برای
 من شوی و در سینه ای تو قلب
 زخمی یک زن نه بلکه قلب
 شریف یک بدکار بود ز تیش است
 و میخواهم برای مادرش
 که ذلیل تر از خودش بود بگویم


که تو انسان نی بلکه یک وحشی
 بودی و از خداوند عالم آرزو -
 دادی که برای هیچ زنی چنین
 مادر و برای هیچ شوهری -
 چنین خوشی را نصیب نگردا -
 ند . همه سخنان تو بادم
 است که می گفتی برای ما مرد
 هیچ عیبی ندارد که زن
 به شوهر خیانت کند ه این
 گفتار از مقوله های خوشبسم
 بود که برخ کشید و من
 دانستم که این ها شرافت
 ندا زند ه این ها همه چیز
 رادر پله های پول وزن مس
 بقیه در صفحه (۸۴)

قصه خانه خود ما

لری اونسی کولای دختری
 مستقل چه هکله تمام
 زنسی . که غم هم تراوسه
 ز روز به روزی که خبر نه ده
 یاده شوی مغزوه داس فکر
 کم چی زینا ورسته به ده خبره
 با پیزی اوزه به دختری
 راتلونکی ژوند به هکله یوک -
 ل بها تصمیم نیسم . مگر مکنسی
 تردی بزه پلستی مانه
 رانغ ته کیزی چه زه بی
 خورا جدی کم او هغه
 زیاد درو با همیانو ژوند اوراتلو -
 نکی ده . به دی چه پوهیز
 چی که زه له بل چاسره واد مکنم
 زیاد لوسری مسره کوره نیسی
 به هغه کی مد اخله کوسی
 اوزیره سخته ورنه اندی تا -
 پیزی . به دی مسره
 کی به هغوی غیلی اپه کی
 له ماسره وشلوی اونه تنجه
 کی داساله زیاد پرد و کوجنهانو
 باندی سخته اضری کوسی
 وان چی د هغوی راتلونکی

ژوند به هم مستوزو دک و ی
 له پلی خواز یاد پلار کوره نیسی
 ته هم زیاد ووهم کل لپاره
 پا ده کول ه هغه هم له
 کم پردی سره مغزوا سخت
 هم دی . که چیری زنده اخیره
 رابرسره کم زما د پلار کوره نیسی
 اوزما د هغور کوره نیسی د پاره زما
 به خلاف لاسونه سره ورسکی
 اوزما به تصمیم کی خنوبه
 چی حتی له مستوزو سره
 به می سخاخ کزی . اوس نو
 بوزه له به بزه دوه لاره کی واقع
 هم . بوی خواته می دوه کوب
 چنهان اوزره نی ولایه ده
 ایللی خواته می دیوانه تو ب
 ژوند چی به سخل وار سره
 له مستوزو یوک دی . که
 پوهیز چی به کم بزه نیسی
 پس کیز دم اوتری مسره
 هم .
 به دی پول می کیده
 تا سخته کوره تر کوستا مونظر به
 هم تر لاسه کم اوزیره یوک کل

بها به دغی موضوع بانسی
 بیه فکر کوره اوتصم ونسم .
 گرانی خوری ؛
 ستاسوکسه بولوستله . به
 ریبتا سره هم ستاسو
 مستوزده د توجه ورده . زسوز
 به تولنه کی ستاسی به
 شان پیری بخی دغه
 کپا وینه زنی اود پول بی ول
 مجبوریتونه امله هفوته ظاره
 زدی . به هر حال مژ ته
 هم سخته ده چه تاته زنده نظر
 در کوره مگرد بوی خبری کول
 لای دی او هغه داچیسی
 (کونده د خیل خان و له
 لری)
 ته هم به موضوع بانسی
 بیه فکر کوره او شلور خواوی سی
 مستوزده تر کوفدای به کسری
 به داسی مستوزده کی راگه
 نیسی چی به ماسره لاس تکوی
 مگر هخ هس به به لاس نه
 روکی . ستاد ریختا به
 اوزما بهی به هیله .

باتی له ۳۴ خ کی

 جسم سل میلارد واره تر
 لغره روینانه دی او همدارنگه
 دوهم فضای جسم دی چی
 دیمکن له کزی شخه ن پروان
 لری .
 ستورویژندونکو دغه جقم
 د ایزاز نبوت تلسکوب به
 برسته د کاری له جزیره شخه
 و لید . باید وویل نیسی چی
 دغه اجسام راد بوس نیسی خبر
 وی او پوهان وای چی ددغو
 نول ستوروی به منغ کی کدی
 لیدل کیزی . دلوسری مصل
 لپاره د شیتو کلو نویه سرکی
 دغه نول ستوروی کشف شول
 ی یوزر اوخلور -
 ستوری بیژندل
 وی دی .

کف شناسی علم وسع بوده و نظریه اهمیتیه که دارد توجه انسانها را در طول تاریخ به خود جلب نموده است. یک تن از علمای قدیم توفیق انسانرا بر سایر حیوانات مریهون دست خوانده است و هم چنان دست به نام خد متکا ر بدن یاد گردیده است در عصر حاضر تعداد زیادی از علمای برجسته و نامدار در علم کف شناسی تبارز نموده اند و آثار زیادی در زمینه نوشته شده است.

محمد اکبر هوتکی آفغان سال کشور که از سالها پیش اینسو دور از نام و شهرت در این مورد به مطالعات و تحقیقات پرداخته و اینک سی سال میشود که با کف شناسی سروکار دارد و او سالها مقالات و مقلله های مختلف خود را در ژورنال های مختلف و همچنین روزنامه کاروان به چاپ رسانده است و اکنون کارنامه علمی او بسیار زیاد و ارزشمند است. از این میان میتوان گفت نود فیصد مرا که میتوان گفت نود فیصد مرا

در مورد کف شناسی میتوان گفت که این علم میتواند رهنمای خوبی برای انسان ها باشد. محترم محمد اکبر هوتکی بهشتی مراجعین شما را چنان کسانیکه تشکیل میدهند؟

الف: در مورد کف شناسی باید گفت که خطوط دست انسانها متفاوت میباشد که توسط آنها سرنوشت انسانرا میتوان از زمان تولد تا هنگام مرگ مشخص نمود. هر خط دست از خود مشخصات به خصوصی دارد از روی آن میتوان حتی در مورد تشبیه هویت اشخاص استفاده کرد. در کف شناسی تعیین عمر و

سال خوشبختی و اقبال - منطق و تبلیه و فسق و فجور و مصیبت و جنجال و خشونت و نرسندگی و سیاست و علاقمندی به موسیقی آموختن موسیقی، سرد مزاجی و زیانکاری، بپرد باری سفرهای کوتاه و دراز بستگی و بندش روزگار ارامی و رنجش دوران زنده گی با جمعی بودن منزوی بودن و ازدواج معتدد فردی و تعداد اولاد و تعیین جنسیت آن دختر و یا پسر عیاشی و تعیین مرضی و تکالیف نسایی و جراحات و عملیات خیالپا نی غالب بودن زن و مسا شوهری بالای یکدیگر زندگی و خود خواهی کاملاً امکان دارد و همچنان باید افزود که ناخنهای دست و پا و کف پا و انگشتان از خود تا نهرات نیز دارای مثلثات نیز فسی و کم فسی و نمک بختی و تعداد اولاد و فسق و فجور و مصیبت شدید و اصلیت عقل و دولت و وفات شوهر پیش از زن و یا برعکس آن سردی مزاج و غیره نیز از نشانه دست مستقیم با این اعضا دارد.

چهارگانه یعنی خاکی - بادی آتشی و آبی وابسته است. هر یک از این عناصر از خود خاصیت های جداگانه دارد. مثلاً بعضی عناصر با هم ضدیت دارند مانند باد با آتش در تضاد همیشه واقع است. در مورد شناختن و فهمیدن طالع مرد و زن همچنان از حساب ایجاد کار گرفته میشود و از آنجا نمی به عناصر چهارگانه نیز تعلق دارد. همچنین برنج به حساب عناصر پر دشته های ذیل تقسیم می گردد. حمل - اسد - قوس هر سه برنج آتشی اند.

ثور - سنبله - جدی هر سه برنج خاکی اند. جوزا - میزان - دلو هر سه برنج بادی اند. سرطان - عقرب - حوت هر سه برنج آبی اند. همچنین باید علاوه نمود که بعضی برنج با بعضی دوستی و با بعضی دشمنی دارند و بعضی برنج با هم میآویزند یعنی نه دوست و نه دشمنی که بدین ترتیب میباشد: (۱) برنج حمل و اسد با هم دوست بدرجه میآیند. (۲) ثور و عقرب دوست بدرجه میآیند. (۳) جوزا و قوس و دلو با هم دوست بسیار.

(۴) سنبله و حوت دوست اوست. (۵) میزان و حمل دوست بدرجه اوست. (۶) جوزا و سنبله دوست بدرجه میآیند. (۷) جوزا و میزان دوست بسیار بدرجه اوست. (۸) سرطان و عقرب دوست بدرجه اوست. (۹) اسد و قوس دوست بدرجه میآیند. (۱۰) سنبله و جدی دوست بدرجه اوست. (۱۱) اسد و حوت دوست بدرجه میآیند. (۱۲) حمل و سنبله دوست بدرجه اوست. دوستی و دشمنی کواکب ستاره ها: (۱) آفتاب و مریخ با هم دوست بدرجه خوب. (۲) زهره و زحل با هم دوست بدرجه خوب. (۳) عطارد و آفتاب دوست بدرجه اوست. (۴) عطارد و مریخ دوست بدرجه اوست. (۵) قمر و مریخ دوست بدرجه اوست. (۶) شمس و زحل دشمن بدرجه اوست. (۷) مشتری و قمر دشمن. (۸) عطارد و زهره با هم دشمن بدرجه اوست. که به این اساس دوستی و دشمنی توافق روحی میآید و غیره خواص مرد و زن فهمیده شده میتواند.

د: پیشگویی ها: هر سال و هر ماه از خود روزهای سه خصوصاً نخست وسط و آخری و اکبری دارد حساب هفته ها مشخصات به خصوصی دارند که تا نهرات مثبت و یا منفی را در سال میداشته باشد. حتی اگر نوروز به یکی از روزهای هفته تصادف می کند در آن سال تا نهرات به خصوصی خود را میداشته باشد. لازم به یاد آورست که حتی تا نهرات روزها در پوشیدن لباس مخصوصی ها و گفت و بگو در صفحه (۸۶)



در ضمن در قیافه شناسی آواز نیز مطرح بحث است آواز جری بلند و باریک آواز سست و ناخوش دلیل تکبر و حماقت و بد اصلی میباشد. بده قهقهه سبب هیجای و تبسم دلیل حمای شخصی میباشد و ضمناً و قار و شکستن شخص را نشان میدهد. ج: شناخت و فهمیدن طالع هر انسان از خود تمام مشخصات را در این نام بانام مادرش یکجا به حساب ایجاد جمع و طرح ریزی میشود. حساب ایجاد امر ضروری محسوب میگردد طالع و سرنوشت انسان به حساب بعضی ستاره ها و صرح ریزی آن می توان دانست که به کدام عناصر

ب: قیافه شناسی: میتوان از روی قیافه و مشخصات دانست که شخص دارای چگونه شخصیتی است اشخاص کجنگار و زحمت کش با استعداد همی استعداد امروزه چون فراموشکار لجاجت فریبکار باحیا بی حیا و سبک سر و غیره را



پاسخ: تحصیلات خصوصی به طور مکتب و مجموعی در علوم اجتماعی علم کف شناسی و قیافه شناسی تعبیر خواب و پیشگویی کردن شناختن و فهمیدن طالع و همچنان تعویذات دارم و تلاش وسیع من برای کسب دانش بیشتر ادا به دارد و از مدت سی سال بدینسو من درین مورد به مطالعه و تحقیق پرداخته ام. محترم محمد اکبر هوتکی آیا کف شناسی علم است؟ کف شناسی سابقه طولانی دارد که از تجربه های سرنوشت نوشت و زنده گی مردم الهام گرفته شده است. در تمدن قدیم چین باستان هند کهن یونان و مصر مطالعات خطوط دست انسان رواج داشته است و بابه وجود آوردن کف شناسان ماهستر اصطلاح خرافات و جادو از روی این علم برداشته شد.

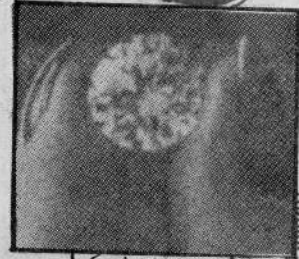
دکتر محمد اکبر هوتکی

او این روز را میآید

آيا الكاسين نشانه پيوند جاودانه كى است؟

ورنگه آن . اين سنگ سخت در سال ۱۴۷۵ به مغزيبك گوهرشناس بلژيكي به نسام (لود ويكبركن) خطور كرد و او با تلاش نمودن اين سنگ قيمتى آن را بصورت گوهر درخشان درآورد .
 اين كه چرا الكاسين سنگ عشق و زناشويى شد و از چه موقع و به چه علت انگشتر و حلقه از رواج اكثر زنان عالم - را ننگين هاي كوچك و بزرگى از الكاسين زينت ميدهد به اين سوال و سوال هاي ديگر (فراخوان گول) فرانسوي كه اكثر سال هاي عمر خود را در تجارت اين سنگ روزني دادن هر چه بيشتر صنعت الكاسين گذراننده پاسخ داده است كه ميخوانيد :

- وي ميگويد : در اروپا الكاسين را چنين توصيف ميكنند (الكاسين ابدى است) و از آن جا كه هر زن و مرد ي آرزو دارند عشق وازن و جشان ابدى باشد



زمين است درخشش و كيايى اين سنگ باعث شده كه لوكنس ترين و گرانبهاترين سنگ قيمتى جهان باشد .
 ارزتر الكاسين بستي به چهار اصل زيوارد :
 - پاكي ، وزن ، تراش

جواهره زينت دلخواه و ابدى زن است و با ارزش ترين و نيمس ترين جواهرات د نيا را با سنگ الكاسين جلوه ميدهد . اين سنگ بدون شك درخشان ترين ، سخت ترين و شفاف ترين سنگ معدني د روزي كره

لد الكاسين را برا بگشتري و حلقه از رواج خود ميشناسد البته در موفقيتهاي ديگر همه زن ها از ريفات اين سنگ و مرد ها از هده به كردن آن لذت ميبرند .
 حتماً تعجب ميكنيد كه چرا مرد ها از هده به كردن الكاسين لذت ميبرند ؟
 پاسخ ساده است . هر مرد ي علاقه مند است به زن مورد علاقه اش . الكاسين كنه از اين سنگ نشانه يسي خواهد بود بر موفقيت او هم در زمينه عشق و هم در زمينه كار و ثروت و ميدهد نم كه مرد ي آرزو دارد در عشق و در كار بجز و ز موفيق باشد و س از سه دست آوردن اين د موفقيت است كه احساس غرور و رضاي خاطر ميكند .
 هوي يان بگهداشتن الكاسين - معمولاً كس صابون د ر آب گر جل ميكند و به كمك برس ياسواك نرم سنگ را در آن ميشويند .

الكاسين سنگ سختي كه قلبهاي لطيف بخاطرش مي تپد

دغه زوم سري جي دورخي پنخه وليشت هلكي خوري

داس نظر وركري جي دغه داهتا كلن سري بدن له دغو خورو سوه عادت موندلسي او كولس موازي به سلوكسي انلسر كولمترول جذبهوي دغه د اكلو زياته كره جي به خيل ديارلس كاله طبابت كس د دغه سري به شان دغفرا قوي كخوره نه ده - ليدلسي .

بواسكاسي جي اته ايئا كلن دي دورخي دچركسي پنخه هشت هكي خوري ؛ خو بيا هم تراوسه پوري سسي دوهني كولمترول ندي له سر شوي .
 دنهوانكند دطبي ژورنال به حواله ، اروا پوهانو دبنغه وشت دانش هكيو خورل سو اجباري امر بللي دي .
 دغه سري كوره ني طبيب



خليد وني سوريه ورته ليركشف شو

انگلستان درويال گر -
 مروج زهدخاني او كمپرهج پوهان به دي بهالي شول جي هوليديونگ شس به نضا كى كشف كړي .
 دالمان خبري منابعو روت وركر جي ستوري پوزندونكسي وايي جي دغه ستوري زناد - لمر نيا به پرته زياته ده .
 ددغو پوهانو له لى مخه يو وهل جي داستوري ته ورته پاتس به (۸۱) مخ كس

دلندن دطبي تاريخ موزم به دغو ختوكى اعلان وكر جي داوه سو وينغوس گراسو به وزن يوه تيكه دپوهانيا كلن انگلسي سري به باغچه كس له اسانه راو لوبده .
 پاتس به (۸۷) مخ كى

د انگلستان كى اسماي پيكه راو لوبله

پونتها: در مورد "استعداد" برای یک آوازخوان فنی و فطری بودن یا اکتسابی بودن آن چه نظر دارید؟

لنا: کیفیت صدای انسان فطری و طبیعتی است و کسی که دارای حد بالای آهوست می باشد اما همانگونه که بیشتر گفتیم مهارت های مانندی نمایش او طرز آواز او را تعیین می کند. کسی که گزینش کلمات و ترکیبها و تکنیک های نفس کشیدن که شخصی یادداشتن فرجه نسبتاً خوب میتواند به سعادت آنها را فراهم کند. بی استند، مثلاً توانمندی - تلفظ ماطفیس - بخشیدن به آواز هنگام سرافش یک پارچه آهنگ چیز نیست که صرف تنی چند از آوازخوانان انگشت شمار به اجرای آن قادرند.

ما تعداد زیادی آوازخوانان را داریم که با وجود داشتن پس منظر خوب و داشتن آموزش از لحاظ فنی بگانه کاری کارشان ناتوانی در همین تلفظ ماطفیس بخشیدن است.

البته هدف و منظر مورد نظر من هرگز به این معنی نیست که آوازخوان باید هنگام اجرا کردن یک آهنگ غم انگیز حق تعالی و شاد باشک برآورد و یا به آواز بلند آنها می گوید کند. آخر اینها به هنر آواز مبرسانند. آواز باید با تمام ظرفیت انتقال داده شود. مهارت مراعات کلمه و ریتم و دقیق آن. مثلاً وارد آوردن فشار و تکنیکه خفیف یا قوی روی سیلابهای مشخص پایان هر مصرع و به نظر داشتن دقیق و معنای هر حرفه...

این ها همه بخش از آن چیزی است که من آنرا "تاب" یا "ترو" میخوانم برای سرگرفتن آن باید صرف استعداد داشت زیرا از طریق آموزش در این ساحه چیزی به دست نمی آید. پونتها: پاک داشتن شما به روی هر صده در دهه چهل تمام

فست اول این مصاحبه در شماره پیشتر به چاپ رسیده است



تکنیک آوازخوانی کوتاه اما یک خط لا یتناهی

فضا و تحلیل هاد باره "آواز قابل پذیرش" را از رهنه تفهیم داد. به خاطر اینکه آواز شما درست در نقطه مقابل آواز هنرمندان شناخته شده و پیروز بندی چون نور جهان هزیره بهایی و شفا بودم قرار گرفت. آنها همه آوازهای سنگین و به اصطلاح "بنا" می یافتند. در حالیکه حنجره شما از یک نوع ملایمت و لطافت و افزون بر آن از داشتن یک موج بلند بر خوردار است. آیا این را چیزی جدا از یک تصادف در متن تاریخ میدانید یا چگونه؟

لنا: پاسخ گفتن به چنین پرسشی بسیار دشوار است. فکر می کردم مردم پیوسته خواستار یک دگرگونی و یک دگرگون پذیری اند. آواز من بنا آن هنرمندان نام آور زمانه شان یک تفاوت عجیب و غریب داشت. آنها اکثراً به گفته شما آواز سنگین مواج داشتند. جالب اینکه آواز شما همگام بود و نه مانند دیگران سواج و تلاطم. پونتها: خوب شد از گیتا - دست گفتید و وقتی گیتا دست شروع به آواز خوانی نمود آواز من در میان سنگینی و تسبیح یک قسم به اصطلاح کشیدار و دیر جنب بود. اما پس آنرا بهبود قابل ملاحظه

حظه بی یافت و یاد نظر داشت چنین حالتی در باره - معیار جدید "شما چی حرف های برای گفتن دارید؟" لنا: درست میگوید آواز گیتا دست یک خاصیت استثنایی و بنگالی داشت که بن آنرا خصیصه موزون سراسری بنگالی مینامیم. آواز او تحت اثر و نفوذ آسوز - شهابی از جانب آهنگسازان چون او بی تروسچن دیو بر - من کاملاً تغییر یافت. سوزانجام آه شور و هیج "سرا -" پیش دست یافت که میتوان گفت به هیچ کس دیگر شهادت نمیدانم. من نیز بگانه دلیل پیروز روی او را به دست آوردن همین سبک میدانم. میدانم که دارای یک سبک ویژه و منحصر به فرد بودن چقدر با اهمیت است.

کنید اگر آهنگسازان بخواهند مثل "لنا" بخوانند در این صورت به من چی رهنمود های میدهند؟ لنا: قبل از هر چیزی به خاطر اینکه شما گفتید فرض کنیم "مانند لنا" آواز خوانی باید یکم که این به مفهوم "مجهولت" همانست. وقتی من تازه واردی بودم نبودم. بهیچاز حد به مطالعته در احوال و کارهای نوریجهان و کتد لامل سهیگل میبرد اخیتم و چیزی را که تلاش داشتم از آنها بیاموزم. روزها اختلافات بسیار چیزی آواز خوانی میگویند کسی ظرافت برش میزند آواز موسیقی و تمبیر و تمبیر موسیقی آنها بودند. من جزئیات و ظرافت کسی را ملاحظه کردم از جمله مثلاً

اندک به راحتی آواز تمام خوانند و های مشهور بنام رسیده و با مهارت تقلید کرده میتوانند. اگر به آنها بگوییم مانند لنا - منگوشکر بخوان - با هنرنا می های شان یک قیامت برپا میکنند و این کار را چنان موفقانه انجام میدهند که به شکل میتوان آن را زلتای اصلی تفکیک کرد اما قضیه صرف زبانی چنین است که آنها آهنگ را میخوانند. و اگر آهنگساز پارچه دیگری را به آنها بدهد در آن صورت همه چیز از هم فروریخته میشود. حتماً متوجه شده اید کسی که به کاپی خوانی مصاب شده باشد. این عملیه بسیار یک تقلید محض آواز و با یک تقلید خام همان پارچه پایا

درست است؟ لنا: بله درست است. من به خاطر احترام زیادی که به نوحاد صاحب داشتم و دارم آن وقت چیزی به روی گفتن نتوانستم. اما در ذهنم در برابر این خواست او یک جواب بلند و صریح داشتم و آن عبارت بود از یک بیت: پونتها: در باره تمبیر کما رید اشغال شان چی میگوید؟ این ها باید چگونه کنند؟ او اقصاء در معارضه مشخص با صد رفیع به جهان هنر آورده شد. به نظر شما تمبیر کما رید چگونه باید راه اصلی خود را پیدا کند؟ لنا: فکر میکنم برای تمبیر کما رید یک مهارت پر شده است. او در همان یک مهارت و در خط موازی محسوس شده است.

لنا: کیفیت آواز یک نعمت خداداد است اما سبک روش یک پدید شخصی است



این را که لفظ "پس" را چگونه ادامیکنند؟ به فتح "ه" یا به کسر "ه". به هیونگونه تلفظ واژه "بخت" به فتح یا کسره حرف "با" و چگونه کسی بشدد "ب". در این حال بسیار محتاطانه به آموختن تنها چیزها می میبرد اخیتم که به صدای خودم به نحوی مناسبت داشتند. باشند و به این ترتیب وقتی آواز خواندم من لانا منگوشکر بودم. نه نورجهان و نه کتد لامل سهیگل. تقلید هیچ انسانی را به سرمزقل نمیرساند. امسوز در هندوستان یک گروه جوانان آوازخوان تازه کاری پیدا شد و

مهد برد و من بسیار کوتاه دیدانم شما آگاهی دارید یا کمین هم زمانی میتوانستیم بدون استثناء از تمام آوازخوانان هندوستان تقلید موفقانه نمایم. من قادر بودم به سهولت از خود یک کانتینر یا لانا نورجهان بسازم. اما همینکه کمین نورجهان پارچه های تهیه شده شانرا به خودم دادند. تصمیم گرفتم از هیچ انسانی پیروی نکنم، با وجود آنکه اینجا و آنجا توسط برخی ها ازین خواسته شد تا مانند نورجهان بخوانم. پونتها: اگر فقط نشنیده باشم نوحاد صاحب از شما خواسته بود. مانند نورجهان بخوانید. آیا این

گروه من احساس میکنم که اگر او خود میخواست به هر کسی با شد. به کلی یک قسم دیگر میخواند. و اما محمد رفیع... با این دید بیم که رفیع رفیع بود. هک هکتس... بیکرانه کن مردم دنیا... هرگز او را فراموش نخواهند کرد. پونتها: اگر لطف نموده بگوید که شهرت برای شما یعنی چه؟ لنا: والله این هم یک پرسش دشوار است. چی بگویم؟ شهرت یک نعمت خدایی است که نمیتواند زمانی عظمت بیشتر نزد داشته باشد. شهرت ارزش خاص خود را دارد. نکته بی بقیه در صفحه (۴۳)

بیماردهان علمی گندم ها

گزارشگر: دکتر وکتور ظاهری

قبلاً در مجله سیارون گزارشی به نشر رسیده بود و در باره پروژه تحقیقات انجمن بادی گندم مطالبی در آن در شمد بود. ما اصلاح کرتیم که پیش از آن پروژه کارهای دیگری نیز درین زمینه صورت گرفته که توجه شما را به گزارش درین باره جلب میسازیم.



گندم های میوات قناعت بخش است. ما تصمیم داریم این عمل را چندین بار تکرار کنیم. در صورتی که نتیجه ثابت باشد آنوقت نمونه های بعد دست آمده را تکثیر می نماییم تا به حیت تخم های اصلاح شده از آن در زراعت سراسر کشور عملاً استفاده به عمل آید.

وقابل استفاده به ملاحظه رسید. طوریکه قد نمونه اصلی ۱۵۰ سانتی متر بود در حالی که از میوات ۱۲۲ سانتی متر رسید. مدت خوشه کشیدن: در این مورد ۵۰ پیگر چه تصمص دارید؟ - عملاً نتایج تحقیقات ما در زمینه کوتاه شدن قد مقدار حاصلات و مقارنت

و در ۱۰۰۰۰ راد ایسین تغییرات به وجود آمده بود. از نظر قد: اصلی: ۱۲۱ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۲۷ روز میوات: ۱۲۲ روز در ششم ۱۵۰۰۰ راد از نظر قد: کوتاهی قابل ملاحظه

از جنجال نبود؟ و زیاد تراژیک و دشنام این دو هنر آفرین همسایگان به ستره می آید. روزی بالزاک اثر (راهله) را به خانه اش آورد و مطالبی ازین اثر را به او خواند. لئوسانده که کاسه صبرش لبریز شده بود فریاد زد: ((زود از اینجا بیرون برو مرد بی حیا!)) و لسی بالزاک بالمقابل او را به قهر مخاطب ساخته گفت: ((همسایار خوب... من میوم... اما اینرا فراموش نکنید که شما زن نادان و خرد فروش میسازید که تظاهر به عفت میکنید.)) اما چنین پر خاش هاما نعی شد که این دو هنرمند بر آوازه برای همیشه از یک پیگر به دور شده اند بلکه هفته نه گذشته دوباره بالزاک با خنده های قهقهه ظرافت های لئوسانده را استقبال میکرد.

رسیده بود. او خانه زوزمانه را چنین معرفی میکند: ((هم بهشت است هم جهنم. درین خانه فرشته ها و ابلیس ها بهلوی بهلوی نشینند و بلند بگرانی میکنند. صرف چیزیکه همیشه بچامیانند خود زوزمانده است که همه را به سخره میگرد این اصعبه زمان دردوران زندگی خود که ۷۲ سال راد برگر-فت، شصت رومان، بیستونج نمایشنامه، دوازده مجموعه مقالات و بیست و پنج مجلد نامه ها به میراث گذاشت. در شفر پراشویبار صراحتاً خام زیبا با اولین آمدن خود در زمین شوهرش را طلاق داده گفت: (نمیوان قلم و شوهر را هردو را اختیار داشت.)) بعد از آنکه شهرت از خانه او برآمد، در اولین روزها نویسنده نا-تدار آرزوی فرانسه (الفر دیموسه) و آهنگ ساز بر آوازه (تو-پن) به خانه اش راه یافت و این دو کس بود که از زوزمانده گل شرمند پارسی ساختند. او با اجمن نویسنده گان راه یافت و به شیوه و مانتیکی به نگارش پرداخت. ولی فراموش نمیکرد که سالون خانه اش را نباید از خوشبویی عطر نسترن، شامپاین و دود سگرت به دور نگهارد. او با بالزاک آشنایی درین داشت ولی این دوستی خالصی

۱۰۰۰ آرزویه اکادمی علمی کشور سزدم. در آنجا دریافت که با وجود محدودیت های مالی و لایبر اتواری فعالیت های بزرگ و چشمگیر علمی به همت دانشمندان عالیقدر کشور در جریان است و لسم خواست تا از هنر بخش اکادمی علم کشور گزارش های مفصل و جداگانه تهیه بدان و صحبت های هم یاد اشمندان عرصه های مختلف انجام بدهم و حاله نخستین مطلب را برای خواننده گان گرامی پیشکش مینمایم. اندیشه آن تصمص هنوز هم با قوت خود در ذهن باقیست.

به هرحال در نخستین دیدارم از این موسسه علمی وطن، به ریاست عمومی مرکز تحقیقات زراعت، بیولوژی و کیمیا مراجعه کردم در آنجا صحبتی داشتیم با رئیس عمومی این مرکز محترم دکتر سکندر حسینی که جریان گفت و شنو در ذیلا تقدیم میگردد: - شافلی حسینی صاحب تاجاییکه در جریان صحبت با کارمند ان این موسسه آگاهی حاصل کردم در بخش های مختلف این مرکز، پروژه های علمی زیاد روی دست میسازند برای آینده گذاشته است. تقاضا می کنم که لطفانه در زمینه تحقیقات اتومی که بالای گندم های محلی کشور در این مرکز صورت گرفته معلومات ارایه فرمایید. - قبل از همه از شریف

همچنان گندم های میوات در مقابل مرض (سرخس) که یک نوع مرض گندم است نسبت به گندم های اولس فوق العاده مقارنت نشان دادند. قابل یاد آوری است که نظر به تطبیق اندازه شعاع نیز تغییرات وارده فرقی داشت طوریکه نمونه های بیمار شده با ۵۰۰۰ راد به تغییرات ذیل مواجه شده بودند: از نظر قد: اصلی: ۱۴۸ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۲۴ روز میوات: ۱۲۸ روز میوات: ۱۲۱ روز

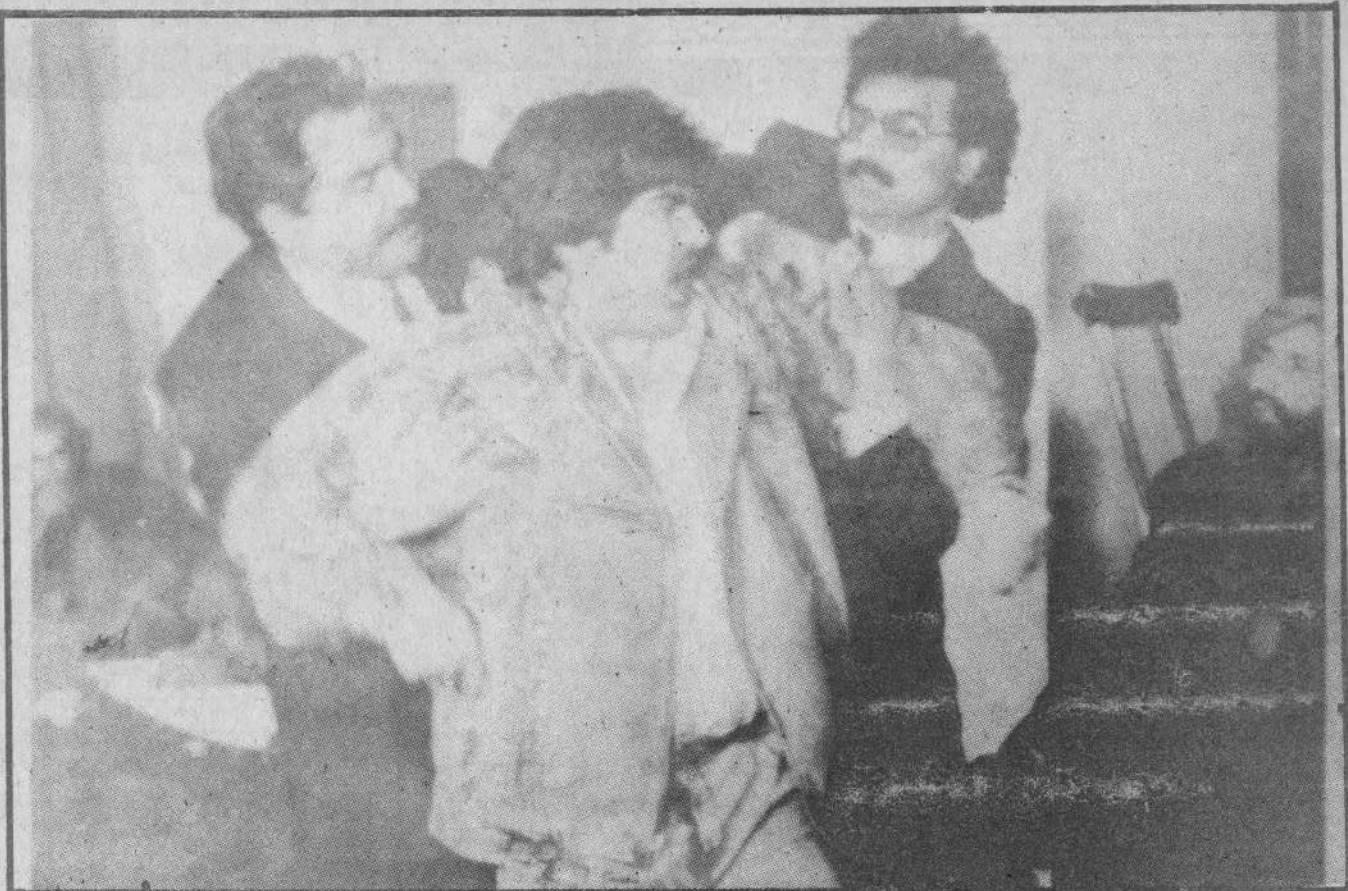
مورد مطالعه به خاطر کوتاهی شدن قد از ۲۰۰ راد یاد حاصل و ایجاد مقارنت در مقابل امراض نباتی بود. بعداً نمونه های اصلی نمونه های معروض باشماع (میوات) در مساحت ۲۰۰ متر مربع زرع گردید که بعد از خسته شدن نتایج ذیل از آن به دست آمد: نمونه های که باشماع بیمار شدند میوند از نظر قد درت نمونه به نمونه های اولی قویتر بودند. به همینگونه قد گندم های اصلی ۱۲۴ سانتی متر بود در حالیکه از میوات به ۱۲۶ سانتی متر میسازند تغییرات جنیتی در گندم های

آوازه این خانی که عصرش به جمال و کمال اوفتخار میگرد و تخیلات هنر آفرینان را به جنب و جوش می کشاید، بنام زوزمانده شهرت داشت. او که در نیمه اول قرن نوزدهم در آلمان ادبیات کلاسیک درخشید در نیمه دوم قرن مذکور با آفرینش های خود ماجراهای بزرگی ایجاد نمود. او که در یکی از شهرستانهای فرانسه چشم برزیده گسی کشود بهود در جوانی خود روزهای سقوط امپراطوری ناپلیون اول و بعداً بحران های بی دری در زمان شارل رادیده و آنگاه کلو-بی فلیپ تاج فرانسه بر سر گذاشت. خانه زوزمانده به حرکت آمد و لاله زمان به پارسیان موده داد که دختری را به آنها ارمان کرده است که تصویر شان را هنرمندانه ترسیم خواهد کرد. او به اولین آثار خود پولو فراوان بدست آورد و خانه درباری گرفت که نخبه های آنروز در آن به عیش و نوش و حست های پر جنجال سیاسی وادبی میسازند. در جمله کلتیکه به این خانه رفت و آمد داشت یکی هم د ونوره دیالزاک نویسنده بر آوازه و نویسنده اثر کمدی انسانی بود که شهرتش به همه کشورهای اروپا و به آسیای اوقیانوس (امریکا)

میراث ادبی زوزمانده

مستد ابراهیم عطاشی

رد پای کجا می رود؟



هنر نه پایست و صرف به
 ترمیم و نشان دادن حوا -
 دت بهر از به بل هنر اصل
 و تمهید پایست در پی انگیزه
 و عوامل حوادث و تحویل
 منطقی آن ها بر خامسته
 دلایل رخداد آن ها را روشن
 بسازد - زیرا تقلید محض
 و نمایش محض و وظیفه هنر -
 نیست -
 در هنر سمنما و بنا بر
 غصت کارگروهی و غرضت
 حادثه پردازی و بسته کسی
 حوادث با هم ضرورت تما

تمام نداد ها و صحنه ها روی
 پرده و در تپانی با هم قرار
 گیرند -
 به روشنی پیداست و که
 در روی پرده نه تنها کرکتر
 ها حرف میزنند بل رنگها
 اشیا شامل صحنه و حتی
 گاهی کترین حرکت نیز در
 ترمیم صحنه ها و زبان سمبول
 لیک خود را داشته هر یک
 در جای مفهوم بزرگ یا کوچک
 را آرایه مدها رد - با وضاحت
 این که کرد و کش کرکتر ها ه گام
 به گام و تک تک قابل تامل

و وقت میباشند - از همینجا -
 است که در بررسی و نقد یک
 فلم پایست گره بندی و نمایش
 همه مرا حل و جزئیات را مورد
 بحث و نظر قرار داد -
 به تاریخ ۱۳ سرطان هتازه -
 ترین محصول افغان فلم به نام
 "رد پای" در حضور عده سی
 از مقامات رسمی و علاقه مندان
 سمنما نمایش داده شد -
 رد پای از بلهارد بازی و
 صحت دو همشیک بشمول و -
 شروتنند و در اتاقی آغاز می
 باید - سپس کش میشود به

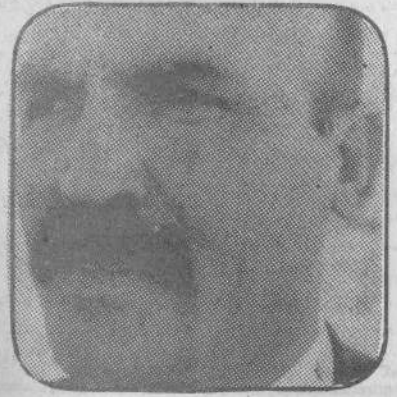
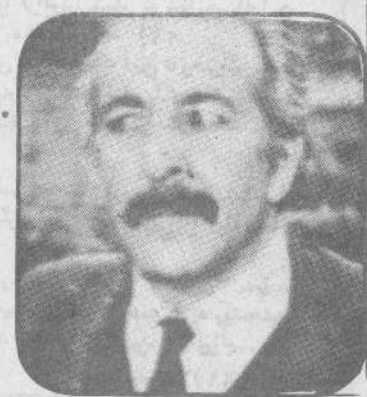
روی جرم و جنایت و تجاوز و
 قتل و قتل دیگر باز هم اراده
 قتل سوم و اما پیروزی قانو -
 نند بر جنایتکار و در پایان
 سقوط بید رنگ فلم به دامن
 قانون -
 رد پای یک فلم جنایی "قا -
 نونی" است - و از آن جفا
 که فلنامه نویس خواسته است
 تا پیروزی قانون را بر جنایت
 و جنایتکار باز تاب دهد -
 پیداست که بیشتر به سطح
 حوادث افتاده است و تامل
 به عمق آن ها و از همین سطح

سنا هست - عظیم جسر
 کارگردان - فقیر نیس
 معاون کارگردان - قادر رفخ
 لیسردار - سید مجید حسینی
 منتاژور - قدیر رشیدی
 صد ابردار - قاسم کپیس
 سایر - ۳۵ ملی مترسب و سفید
 هنرمند ها: قادر رفخ
 عبدالله آرام، جوانمیر
 خدیژی، نهد نیس، فرید
 میرا و دیگران

یست که رد پای از قاعده
 کلی و جامع برداشت و تحلیل
 هنری به دور میماند -
 چشمید که شریک تجارتخانه
 نذیر خان است و زمینه از -
 دواج دختر جوانی به نام
 سلما را با او میجا میسازد -
 و بهنند زرف کا و از همینجا
 در می باید که حتما "زیر کا -
 سه نهکاسه است" - زیر کا -
 در غیر آن پایست چشمید شریک
 یک و دوست خود را از میادرت
 و پیوستن به چنان عملی مانع
 میگردید و یادست کم برایش
 میفهماند که از دواج او در
 این بر ساله کی ه پایست دختر
 جوان هرگز مناسب شخصیت
 او نبوده بل عملیست نادرست
 و قبیح -
 تا این جا هیچگونه نهیمت
 روشنی از کرکتر و شخصیت -
 چشمید به دست داده نشده
 است و نزد بهنند فلم همین
 پرسش ها ایجاد میگردد که:
 چشمید کی بوده؟
 چشمید با سلما چی پیوستید

مشروع یا نامشروعی دارد؟
 نذیر خان که مرد شروتنند و
 متولیت و چرا حاضر است
 با دختری که هیچگونه وجهه
 مشترکی با هم ندا رند از دواج
 نمایند؟ و ...
 اشرف و پسر نذیر که در کد -
 شته با سلما رابطه نامشروع
 داشته و حتی غفت وی را به
 باد داده است و کرکتر منفی
 و هرزه چندان نداده که
 دل بر مجرمیت قبلی او شده
 بتواند -
 نذیر خان به قتل میورسد
 پولیس به دنبال قاتل میگردد -
 در ابتدا اشرف متهم قتل پدر
 خود قرار گرفته و زیر نظارت
 و شکجه قرار میگیرد - اما به
 زودی بهنگاهی او ثابت شده
 آزاد میشود - پولیس در اشرف
 تحقیقات و به دست آوردن برگه
 به در یور نذیر خان مشکوک
 میگردد - در یور با آگاهی
 از موضوع "بادستان خالی"
 از جنگ پولیس فرار میکنند و
 سپس در ویرانه بی واقعه در

در رن جنگل انتظار آمدن -
 چشمید را میبرد - چشمید
 باز مرسد و پس از یک سخن
 "آوردی؟ آوردم" با کارد
 بر او حمله میکند و بعد از زد
 و خوردی در یور را از یاد رمی
 اندازد - این جا نیز پرسشی
 ایجاد میشود - که در یور
 از چشمید چی میخواسته؟
 چرا فرار نکرد؟
 حالا نیت سلما است -
 چشمید به خانه سلما میورد
 و از وی میخواهد که باید مظا -
 بق دستور چشمید عمل کند -
 سلما تمهید پرد و چشمید با
 آن که مورد شک و تعقیب
 پولیس قرار دارد و اسرار هر
 دو قتل را که مرتکب گردیده
 است یک یک به سلما تعریف
 میکند - اما آنها این قاعده
 نزد جانی ها وجود دارد؟
 فلم میبایست با صحنه گر -
 نتار شدن چشمید و فرو -
 افتادن الیک به دستهای
 او پایان بیافت اما دیده -
 میشود که فلم چند شات دیگر
 لطفاً صفحه برگردانید



عظیم جسر - سنا هست -
 در سنا روی فلم رد پای
 تصرف صورت گرفته است -

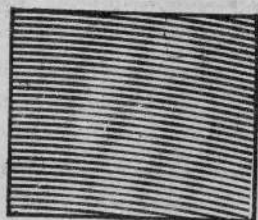
فقیر نیس کارگردان -
 البته فلم کمبود بهایی هم دارد -

قادر رفخ - معاون کارگردان -
 با تجربه ناچیز مادر ساختن
 فلم های جنایی فکر میگردد
 فلم "رد پای" یک فلم
 موفق است -

جوانمیر خدیژی - با نقایس و
 کمبود بهایی فنی و تکنیکی که
 دانشگر و تیمگران و هنرمند
 های ماست "رد پای" یک فلم
 موفق است -



دوپا یک فیلم جنایی 'قانونی' است



نیز به دنبال دارد که ایمن
کار تکرار است بر تکرار و ناپه
جا .

در فیلم رد پا اکثر مرکزی
وجود ندارد ، یعنی این که
فیلم در تمامیت خود عاری از -
قهرمان است . و باید پرسش
این، که پرورش چند کتر قهر-
مان نیز در داستان ها و سنا،
بها ها ممکن است ، این رقم
را نیز در رد پا در نیس یا هم
زیگلیت سنا روی فیلم در اراگند -
گی قرار دارد .

فلمبرداری نسبتاً خوب و -
بازی موفق چند تن از هنر-
مندان شناخته شده چون
قادر فرخ ، اسدالله آرام و
جوانشیر حیدری تاحدی فیلم
را از خشکی محض بیرون آورده

است .
باید گفت که آن گونه که
سینمای متعهد ، هنرمندانه
در پی تحلیل و حلاجی حوا -
ت و قضا یا از سطح به عمق
گرایش دارد ، رد پا حرکتیست
از سطح در سطح و در آنها -
یت صرف نظر از نواقص و کا -
ستیهای فنی و تخنکی چون
سستی سوند " آواز " اجرای
دیبا لوکها و غیره برداشتهای
یاد کرده تا این جا ، رد پا
تلاشست قابل توجه و درنگ
به این امیدواری که دست
اندر کاران سینمای ماه در
اینده با تجربه های بیشتر
دست آوردهای بهتر و جالبی
در زمینه فیلم های جنایی
داشته باشند .



پایه از (۲۷)
 و آنکه من میخواهم بتوانم این است
 که با مهارت مغفولت نتوانم
 دیگر از دست ببرم .
 پوزنتا : بیانی که من خود
 بودم . صفحه " مجوسی را بر روی
 خانه شما (در پیکر کوچک) دیده
 بودم . خدا در انتظار مورتان
 کنار سرک ایستاده بودید و هر گد
 وان همینکه چشم شان به شما
 می افتاد ، به پورنگه می افتاد
 می آمدند همه پاهای تان خم
 میشدند و راه خود را در پیش
 می گرفتند . پیمان آنها حتی
 نگاه نه گان نیز میبردند که
 به من یک کلمه سخن گفتن
 به شما تعظیم معنوی میکردند
 و می رفتند . در این باب چیزی
 نگویید !
 لذا : هرگز نمیتوانم بگویم که
 چنین کاری مرا خوشحال میسازد .
 من کجالیهاقت و ما هسته کسی
 این همه حرمت فراوان از جانب
 مردم را دارم ؟ حتی باور نکنم
 من این راه نهادم که مردم
 چرا چنین میکنند .
 خوب در نظر داشته باشید
 اکنون مثلاً " غلام علی خان را
 ملاقات کنم بدون شک به پاهای
 پیش خم میفهمم و از خم خواهد
 شد ، اما این پلک دیده ، پذیرفته
 شده ، مربوط دنیای موسیقی و بنا
 سبب در پیش در میان این
 عرصه است . اما کاری که مردم
 در برابر من انجام میدهند ،
 از کارها بسیار فرق دارد . ما
 برای فلانها ، میخوردیم . و لذا
 اگر مردم چنین احساس بر خود
 در برابر شخص خود چنان هم
 انجام میدهند ، من مغفولت
 ناراحت میفهمم .
 پوزنتا : آیا این ها همه
 حقیقت ندارد که شما هنگام
 اجرای آهنگ " آچار هردیها
 برای فلم مد هوستی (آواز تانرا
 باخته بودید ؟
 لذا : دقیقه " چنین نیست
 البته من آن زبان (یعنی
 ۱۹۶۰ هنگامی که باید آهنگ
 " کبیر " به بی جلی کبیر " برای
 فلم " بیس " سال بعد میخواستند
 یک پرالم آواز داشتند در حقیقت
 از اسالیهای آوازین دهه پنجاه
 به بعد من به تکلیف نمیتوانم

هاد چار شد م . فکر میکنم یک
 کتله گلی مانع آواز من میشد
 نمیتوانم اصطلاح طبعی آن چه
 قسم است : انحراف پرده بینی
 یا هم چو چیزی .
 بعد ها حمله این تکلیف من
 با تب و حرارت و گلودرد میشد
 بیشتر یافت و من با همه تیرگی
 های مشکل نتوانستم آهنگ
 " کبیر " به بی جلی کبیر " دل ترا
 درست ثبت نامم ، به خاطر
 اینکه در آن وقت حتی درست
 گپ زده نمیتوانستم چه رسد
 به آواز خوانی هیچ داکتری
 مرا کمک کرده نتوانست گفتند
 که باید عملیات صورت گیرد این
 راهم خوب شدیم که عملیات
 آواز را اصعب میسراند ، باید
 اعتراف کنم که زیاد ترجمید بودم .
 همه را که به نظرم می آمدند
 باید برای همه آواز خوانی
 را ترک کنم و از همه مردم
 سرانجام تصمیم نهایی خود را
 گرفتم ، باید نزدیک متخصص
 به خارج کشور بروم .
 و سرانجام روزی از سفر
 برگشتم و آهنگ " کبیر " به بی جلی
 کبیر " دل " را ثبت کردم .
 یکبار متوجه شدم که شایعات
 عجیب و غریب در میان من
 پخش شده است که کبیر " لذا
 آواز اصلی خود را باخت
 است و آهسته آهسته همین
 آواز کنونی خود را نیز از دست
 خواهد داد .
 تا آنجا که حتی از هر
 خوردن روابط من با شریکا
 داستانهای دنباله دار ساختند ،
 که گویا تنها به من از فرط حسادت
 برگ زهر در میان را خوراندند
 است . جالب اینکه آنها
 همه در روزنامه های مهم نشر
 شده و هر وقت که من و شریکا
 دروغها را خوانده ، مجوسی و دو
 دوست جدایی ناپذیر
 بودیم .
 پوزنتا : شما اکثراً از اثرات
 مرگ نابه هنگام پدرتان
 بالای زنده گی و سرنوشت خود
 یاد کرده اید ، اینکه در سیزده
 ساله گی مجبور بودید اید تا نقض
 نان آور خانوادگی را به دو
 داشته باشید ، آیا مجوسی
 همین حوادث شما را
 به

جهان فلم کفاند ؟ و هر
 دیگر این است که اگر
 فرزند " چنین نبود . از زندگی
 شما چه مسیری را میپسند
 لذا : هر چند پدرم به من
 سببی کلا سبک تدبیر من نبود
 و هر چه مرا به یادگذاشتن
 جهان هنر آواز خوانی نشانی
 میکرد ، ما هر دو پیش از حد
 به اصول اساسی جامعه
 از جهان فلم و فلم بازی
 داشتیم و از آراهای
 بسیار بدش می آمد .



تا منگیشگر در یک کلمه یعنی موسیقی

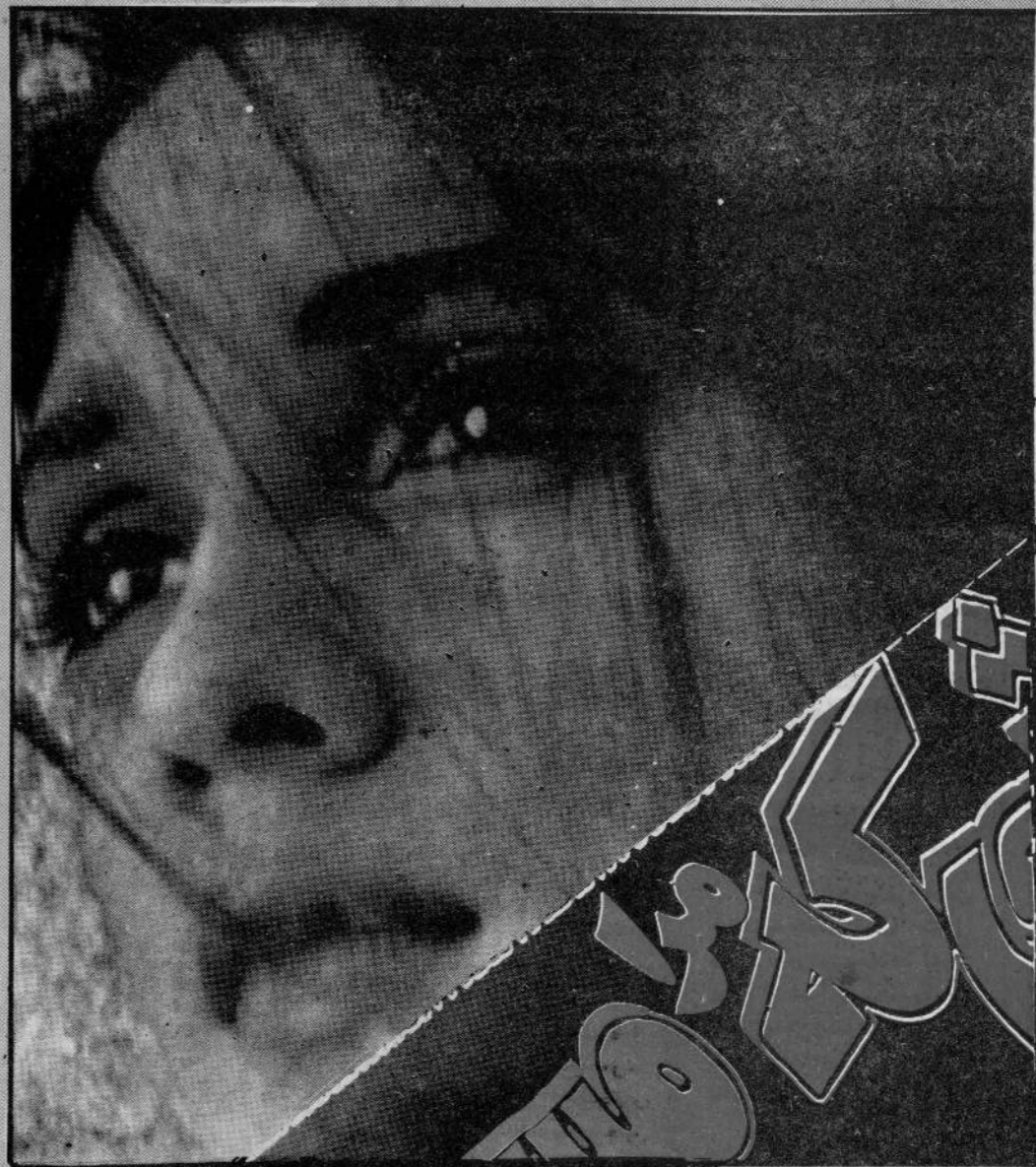
آن وقت ها برای فاضل
 شدن به جهان سونما احتیال
 یک در میلیون نیز وجودند
 پوزنتا : شما میخواهید بگویید
 کفاکرا ایشان زنده میبودند
 ما امروز اعجازی به نام
 لئانگوشکر نهاداشتم .
 لذا : با بودن پدرم
 کتاب و نهایی ترین کاری
 من میتوانستم اجرا کنم
 نبودن اود و عرصه " موسیقی
 کلا سبک میبود آن هم برای
 یکصدت معین ، زیرا او
 مرا به شوهر میداد .
 پوزنتا : میگویند شما را
 نمیشنید چندان به تماشا
 فلم ها هم نمیبودند ،
 شدن با معاملات تجارتی

فلس هندی نیز خوش
 نص آمد . از جانب دیگر
 وقت نهادتان را به سفرهای
 خارجی سپری میکنید شما
 پیروزمندی آهنگهایتان را
 روی چی چیزی در میباید ؟
 لذا : در هفتاد و چند
 موزی و آنقدر مشکل
 نیست ، وقتی یک پارچه
 موفق و مشهور شود من از طریق
 وسایل اطلاعاتی گوناگونی
 با خبر ساخته میفهمم . مانند
 تماس های تلفنی ، پیام
 کارت ها ، شاد باش
 و مراسم تبریکی از جانب
 کمیته های ثبت و
 مواجه شدن در روزهای
 مردم در برخی از محافل
 و مجالس و تقاضای اجرا
 کنسرتها به همین ترتیب
 جوایز و مدالیهای طلا
 مثلاً وقتی آهنگ " ترام
 مانی " پیروزها میزاید
 شد ، به من از چند
 چهل اطلاع داده شد .
 تعداد نامه ها
 در آن شوهرا داد
 آهنگ مورد بررسی
 قرار گرفته بود
 باور است .

پوزنتا : آیا شما به زندگی
 پس از مرگ ، معاد
 و تولد دوباره عقیده
 آیا استعداد و
 تانرا شوره تلا
 زنده گی قبلی
 لذا : من به تمام
 یک انسان مذ
 دل به خداوند
 میفهمم
 داشته باشد
 پوزنتا : در میان
 کرده بگویند
 کلمه چگون
 لذا : یک کلمه
 مگر من کلمه
 از خنده ها
 پسند :
 موسیقی .

از سلسله آشنای سوغت

ان وقت ها عشق و کشفی که از نگاه های مان منشاء سر گرفت ، بر ما سلطنت داشت نگاه های او طوری بود که احساس میکردم در تمام زندگی بنگاه با من دلبسته کی و عشقش من استم . همان بود که پس از روزگاری روزی برام گفت : "دوست دارم" دران -



و سالی که من قرار داشتم منی هنگامیکه قلب یک دختر ر با نگاه یک مرد مهربان من جوابی جز این نداشتم که چشم راهبه زهن بدوزم و خاموش بمانم . روزهای اول عشق همزودی آرام مقام عشق و صمیمت ما را - پیوندی احاطه کرد و ما نامزد شدیم اما هرگز هر فردایی کسی نمآید صمیمت صفای دسروز

رادر رابطه ماندا شتد زنده کی پدیده هایی استند که با - سرگرفتن کمال و زیبایی میباشند

آشنای سوغت

اما عشق هر نگاهیکه به نقطه وصل میرسد رنگبازد و زجردهنده میشود . مخصوصا هنگامیکه عناصر خواستن و نیازهای زنده کی با هم جمع میشوند . آرام ه آرام ، ماد یگر تنهاها - شقی نبودیم که از نگاه های هم سیراب شویم و یا با کلمات عا - شقانه خود را سیر سازیم او خوا - ست های داشت و من در مو - قعی بودم که باید به خواست هایش پاسخ میدادم و نیازها - یش را جوابگو میبودم . شاید هر زنی برای مرد همین مقدار ارزش داشته باشد و خواست های عادی مانتکرار میشد و ادامه مییافت و سر انجام آنقدر رجدی شد که پیش از مراسم عروسی من ماد ردم ، وقتی با او مطرح ساختم که فرزند او را مهرورانی یکبار هم چیز تخمیر کرده صمیمتی نزد او باقی ماند و نه عشقی . میان ما ، خدا یا ه او چه میگفت ؟ برای من قابل تحمل نبود ، چگونه میتوانستم این حقیقت را تحمل کنم ؟ چگونه میتوانستم آرام باشم و نگرم ؟ چگونه میتوانستم درین رسوایی سباه پوش نباشم ؟ او میگفت : طفلی که در بدن داری ازمن نیست .

من گریه کردم به پاهایش افتادم و از او خواستم باور کند که پای خیانتی در میان نیست از او خواستم که بپذیرد این طفل خون اوست و اشتباه من ... گذشت روز ها روانم را شکنجه میکرد ، به خودم نفرین می فر - ستادم هجی کرده بودم چه گناه عظیمی را د پای اعتساد این پیوند خویشت انجام دادم ، صمیمتی که داشتم نمآند ، بود و من مثل یک زبون به پاهای او زانو زدم و و این بار هم - ندی را که ما با عشق من ساختم من بخاطر رهایی از رسوایی با گدایی آرزو کردم بگفتم : فقط مرا عقد کن و بعد رهام کن تا از رسوایی در امان شوم .

او بلاخره حاضر شد مسرا

عروس خود بستازده اما من میدانستم چی سرنوشت شوم در انتظار منست ها و بامن عروسی کرد ، نمی گویم ما با هم عروسی کردیم زیرا من این پیوند را از او گدایی کردم . اتفاقی کسه پیش آمد چنین شد تا ماد تسمه دراز تری با هم بمانیم . درین مدت من صاحب چهار طفل شدم ، فکر میکردم کم کم بهانه ها می شود ، از فضای خانوادگی ما دور میشود ، آرام ه آرام من به زنده کی دلبسته شدم و او هم بیشتر کردید . محسوس میکردم برای او خود را وقف کنم . اما باز هم پای یک عشق د بگرد زنده کی شوهر پوار کردید اول فکر میکردم شاید دومین عشق او باشد ، اما بعد ها آگاه شدم که او با چندین دختر ، رابطه های داشت و برای آن ها وعده های برای زنده کی مشترک داده است ، برخی ازین دختران همبکه آگاه شده اند که با مرد زنده کی و طفل دار طرف استند ، شاید دلشان به خیال یک موجود مثل خودشان سوخته و نه خواسته اند سرنوشت یک مادر و چند کودک را با یک آرزوی زود گذر و یک هوس زهرنا عشق به سبه بختی بکنند .

این بار فضای خانوادگی که ما باز هم تیره شد ، او مرا با لست و کوب و شکنجه روانی از خانه بیرون کرد من به خانه پدر و مادرم پناه بردم به راستی اگر آن هارا نمیداشتم ، شاید امروز در شمار زنان روسی شهر ، یک شماره تازه میبودم ، چرا که در - کشور ما وقتی برای یک زن چنین بد بختی رخ میدهد هیچ جایی نیست که در آن جا به او پناه بدهند کاش پناهگاهی وجود - داشته باشد کوقتی یک زن بد بد بخت مثل من از خانه شوه راند می شود بتواند عزت و عفت خود را رانجانگهدارد .

برای زنی که شوهر دارد طفل دارد ، یک لحظه هم بدون طفل و شوهرش خوش نمگذرد ه آسای باو رکرد میتوانند که من در آغوش مادرو در پناه پدرم تنها

را برایم مانند دوزخی احساس می کردم و یاد فرزندانی چه شکنجه بزرگ بود که مرا کوچک ساخت . شبها تانیمه ها خواب - بسم نمی آمد ه اشک همیشه به چشمانم خانه داشت . برای قلب عاشق پشه او باز نمیدانستم چه اتفاقی افتاده که به خانه پدرم آمد و بهانه آورد که یکی از طفل های من مریض شده و باید به به خانه بروم ، این بار او با تضرع و نیاز به سوی من آمده بود . چقدر دلم خوش باور شد ، فکر کردم او بلاخره به صداقت و پاکی من باور کرده و حسی اگر گاهی هم داشتم ، او به نام کودکمان مانرا بخشیده است ه دل یک زن اگر سهار هم سخت باشد باز هم همانقدر نرم است که کوچکترین عاطفه او را میتواند شکل دهد . من بسته لبا سها - یم را گرفته آمدم تا در دیدار از کودکمان دل خوشی کنم و گریه سرد هم .

بعد ازین حادثه ما صاحب فرزند دیگر نیز شدیم و مدتی را باز هم زیر یک سقف به سر کردیم . اما او عاداتا به هر دختری ابراز علاقه میکرد ، دخترانی که به خانه ما میسه مهمانی میآمدند عاشقش میشد و در باره او فکر میکرد و طبعها که درین مدت من از جانب او اهانت میشدم و مورد لسه و کوب قرار میگرفتم ه در خانه بی که پدر ه مادرم مورد لست و کوب قرار میداد فرزندانشان بیمار و وحشتزده بار میآیند . آن ها از پدر میترسند و فردا بار - گرانی بردوش جامعه خواهند بود ه دلم به حال فرزندانی خیلی مسوزد که قربانی هو - سهای یک پدر میشوند ، من برای آن که هر نوع سوء ظن و تشو - یس شوهرم را برطرف کرده باشم از مدت ها است که در خانه استم و جایی نمبروم ه کارم را تشرک گفته ام و فقط خود را وقت کود - کان و خانواده ام ساخته ام ه تنها مصروفیتم کار برای آنها و عبادت برای خداست .

اما نمیدانم چرا همیشه دم دارد ه خداوند

با این حال که نه تفریح دارم و نه خوشی ، باز مراد چا رخادته ساخته است . شوهرم بار دیگر عاشق لبت د بگرشده مان دختر که زبانی چندانی هم ندارد میخواهد به سینه یک زن و قلب پنج کودک لگد کند و شهر آزه یک خانواده بد بخت را که بدون آن هم خوشی ندارند ، به سیر و زور رشته بدنام طلاق میسوزند . دهد . من باور میکنم مردی - مانند شوهر من که برای پنج فرزندش نتواند عاطفه بدهد و نتواند مهربان باشد ، برای هیچ دختر و هیچ زنی مهر - بان نخواهد ماند ، آدمهای مثل او بد بختی جاو دانسه دارند و بنا بر همین عقده می خواهند از تمام دختران و زنان خوشبخت محو بختی گدایی کنند ، ولی هر کسیکه با چنین مرد هوس باز همراه شود خودش بد بخت خواهد شد . شاید من ظلم بزرگ را تحمل کرده باشم و شاید هم قربانی سرنوشتی شوم که شوهرم برایم رقم میزند شاید فرزندانی نیز قربانی این عشق شوند ، اما دل من به حال زن دیگری مسوزد که در جای پای من در بستر دوزخی همسرم و در خانه کلان دیوارهای آزار و شکنجه میزند پامیکند . من مانند دخترانیکه خوانندگان درین سلسله در سهاورن خوا - نده اند کشتزار سوخته دیگری استم که سوختنم را میبینم و پیش از آن که تمام هستی ام بسوزد آتش را احساس میکنم و من - میسوزم و بامن پنج کودکم نیز مسوزند و یکجا بامن شوهرم نیز مسوزد ، آن دختر بد بخت کسه میخواهد همسر آینده شوهرم شود ، او نیز مسوزد این آتش این تنها یک کشتزار نه بلکه یک خورن را می سوزاند

ابراهیم و علامت رستخیز *
 مردم بابل در آغوشت خوشی بسر -
 میبردند. و از شاخسار درخت نعمت سایه -
 بان میساختند و ولی در شب در پیچور -
 گمراهی دست و پا میزدند و بتها را بدست
 خود می تراشیدند و آنها را پروردگار خود
 میخواندند و بعنوان خدایان برپا میدادند -
 داشتند و بجای پروردگار جهانیان پرستش
 و نهایت میکردند.

نمرود بن کئمان بن کوش در شهر
 بابل زمام مملکت را بدست داشت و خسو
 سرانه بر مردم حکومت میکرد: نمرود چون
 دستگاه عریض و نعمت بسیار و قدرت و -
 سطوت سرشار خود را دید و از میزان
 جهل و بخرید مردم آگاه شد و خویش را
 خدا نامید و قوم را بپرستش خدا خواند
 در زمین و سمع تنبیه و محو فاسد
 در مملکت بابل (۱) ابراهیم متولد شد و
 خدا تعالی او را براه راست و حق هدا
 یت فرموده تا با تباری صاحب فکر تا قسب
 و شور و حی الهی در یافت که خدا یکی
 است و آن خدای یگانه بر سر اسرجهان
 سیطره و احاطه دارد و آن بتها و تماثلهای
 که مردم آنها را میترسند و میپرستند و
 در برابر اراده الهی عاجز و زبونند ازین
 رو تصمیم گرفت که مردم را بتوحید بخواند
 و قوم خود را از پرتگاه شرک و زندقه برهیل
 کند.

ابراهیم دلی لبریز از ایمان و سلوا از -
 اطمینان و یقین بقدرت آفریدگار داشت
 ابراهیم در دعوت آزر ادب و ولایت بکار
 میبرد *
 ابراهیم بسوی پروردگار دعوت میکند و
 دعوت خود را بانگوشتر معبودات آن قوم
 آغاز مینماید.

آزر و جد مادری ابراهیم و ازیت پر -
 ستان و از تراشیدن گان و فرورسند گان بتها
 است و بنابراین او حکم آنکه بعد از وفات
 پدر زود یکسری مردم با ابراهیم و سزاوارترین
 ایشان بنصیحت و اخلاص است و بسایید
 زودتر از همه براه راست هدایت و به تو -
 جهد دعوت شود. خاصه آنکه او خود از -
 صورتگران بت و دعوت کننده گان بهت -
 پرستی و کانون شرک و ضلالت و از این
 روهدایت او در حکم ریشه کن ساختن فساد
 و شرکگمراهی است.

ابراهیم دعوت و تبلیغ آزر را بتسفیحه
 و نندوشتر معبودات و شفقش خدایان او آغاز
 نکرد و تا از دعوتش رهنده و آزر در ده
 و از شنیدن حجرتش کونی برنهند و بلکه بسا
 نهدترین سبک و اسلوب با او بگفتگویر -
 داخت و بالحن ملایم مودبانه با او
 شروع بمحاوره کرد و نخست از نبوت خود با او
 سخن گفت و تا از این راه خاطر او را بخود

توجه سازد و آنگاه علت بت پرستی او را -
 پرسید و گفت: یا اینکه بتها دعا و تناسی
 ترا نمیشوند و خضوع و خضوعت رانی -
 بهند و هر دفع بلا و بغض و دشمنی
 قادر نیستند و با وجود این چگونه در پیش
 آنها بزانو در میآیی و در پرستش آنها اصرار
 مینمایی؟

ابراهیم آزر را از سو عاقبت کفریم داد
 و از وبال و تبعات بت پرستی بر حذر ساخت
 و با آئین ادب برای جلب عواطفش او را پدر
 خطاب کرد و گفت: ای پدر من آزر آن -



سگهای راکه ایسرا

میترسد که بعد از الهی دچار شوی و در
 زمره یاران و اتباع شیطان در آئی.
 آزر بر عناد و کفر خود بیفزود و از -
 متابعت راهی ابراهیم با کرد. با تر شروئی
 و دشمنی با او مواجه شد و او بشفقتش
 را نادیده انگاشت و از سر تحقیر و عناد
 بالحنی خاکی از تعجب و تهدید گفت: آیا
 تواز خدایان من روگردانی و هر آینه اگر
 از این رویه برنگردی ترا بتمم خواهم ساخت
 و سنگسار خواهم کرد پس از شدت خشم من
 بهرهیز و آتش کینه و انتقام را بر میگزید و روز
 گاری در آزرین درو شود.

ابراهیم بتها را در هم می شکند *
 ابراهیم چون انکار و عناد آزر را دید
 از سدایتش نومید شد و سخت بر او گران
 آمد که خیرخواهیش را با خشونت رد کند و
 و از دعوت حقیر بهزاری جوید. ولی ایسن
 بهشامد تا گوار و بخورد ناهنجاره او را از
 ادامه دعوت بحق باز نداشت و از بهارزه

اشرك و قوم مشرك خود سمت ساخت
 بلکه اراده نهر و مندش مانند آهن آیدار
 در زبرضرت پتکهای گران محکتر شد و
 تصمیم گرفت که با کمال سرسختی در برابر
 عقائد فاسد قوم به پیکار پردازد و هر چند
 در این راه پارتجبهای گران و آزارهای
 فراوان مواجه شود.

یکی از امتیازات ابراهیم برهان
 قوی و حجت نیرومندی بود که در برابر خصم
 بکار میبرد و برهان و قیاس را چنان با مهارت
 بمصراع میساخته و دایره استدلال -
 را چنان بتدریج تنگ و محدود میکرد
 که ناگهان بطور غافلگیر خصم را در دام
 اقسام میکشید و و راه فرار را زهر سو بر او
 مینمست.

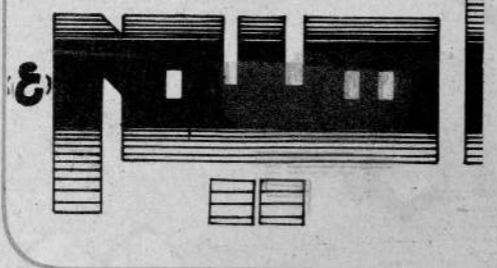
ابراهیم از قوم پرسید: معبود چیست
 و شما چه چیز را پرستش میکنید؟

گفتند: ما از آنجبت بتها را میپرستیم که
 پدرانمان را در پرستش آنها یافته ایم.
 ایشان اقرار کردند که بتها نمیشوند
 و مالک نفع و ضرری نیستند و ولی اقتدا میکنند -
 شتگان و تقلید از پیشینیان را مستمسک خود
 قرار دادند و قدمت و کهنگی عقائد خود را
 دلهیل حقاقت آن شمردند و باین ترتیب
 خویش را از روشنائی نظر صحیح و فکر سلیم
 محروم و محجوب ساختند.

ابراهیم گفت: محقق مسلم است که -
 شما و پدرانتان در گمراهی آشکانه بودید.
 قوم چون در زبربار حجتها نیرومندی
 ابراهیم بزانو درآمدند و آغاز ماجراجویی
 کردند و فریاد برآوردند که ای ابراهیم
 آیا کار تو بجای رسیده که از شان و مقام
 خدایان مامیکاهی؟ آیا راستی بتهای
 ما را نگوهر میتی و یا آرزای باز چیه و شوخی
 درآمدی؟

ابراهیم گفت: من از روی جد سخن
 میگویم و زیرا براه شما دینی محکم و استوار

شکست



آورده ام و شمارا براه راست میخوانم.
 همانا که پروردگار سزاوار پرستش شما
 آفریننده آسمانها و زمین و مدبر شئون
 و قائم بر امور آنها است.

اما این بتها مالک نفع و ضرر خودشان
 هم نیستند و اینها یکمشت سنگهای سخت
 و چوبهای تراشیده و میخکوبند پس باید
 از پرستش آنها اجتناب کنید و خود را از خضوع
 در برابرشان برتر دارید و از قنقه شیطان
 و اغواء او بپندید و بدیده عقل و -
 بصیرت خود را بکشایید و تا مبرهیدایت
 یابید.

گذشته از این حجتهای قوی و باید
 فکر کنید که من پیش از شما ازین بتها دوری
 گزیده و از پرستش آنها اجتناب کرده ام -
 و اگر ایشان قدرت بر سر برداشتن مرا در
 چار ضرر ساختن من دارند
 پس چون حجتهای نیرومند ابراهیم در
 قلوبهم اثر نیفتاد و از دعوتش رخ برتاقتند

و ابراهیم دید که گوشهای ایشان کردلها
 شان محجوبست و همچنان بدامن او هام
 خود در آویخته اند و به پرستش بتها اصرار
 میورزند و در کهن بتها شد و قسم یاد کرد
 که که خود را بتوجه آنها سازد و تا بحسن
 و عیان در بیاندک آنها قادر بر نفع و ضرر
 و دفع آزار از خود نیستند و قوم را از -
 عبادت نفعی و از ترن عبادتشان ضرری
 متوجه نخواهد شد.

قوم ابراهیم را عادت چنان بود که
 هر سال عید و جشنی بر پا میکردند و ایام
 عید را در خارج شهر بسر میبردند و طعام
 فراوانی در معبد فراهم میساختند و تا
 چون بشهر باز آیند با کواچی صرف کنند و
 عقیده ایشان بر این بود که خدایانشان
 در طول غیبت ایشان آن غذاها را برکت
 میدهند و هنگامیکه میخواهند از شهر
 بیرون روند از ابراهیم خواهش کردند که
 همرا هشان برود و ولی ابراهیم دعوت -
 ایشان را نپذیرفت و تصمیم گرفت که تخت
 بتهاشان را و از گون سازد و برای بهانه
 تمارش کرد و اگر چه بظاهر بیماری -
 نداشت ولی رو حتراسرده و ملول و دلش
 گرفته و محزون و از گمراهی قوم بسیار متاثر
 و غمگین بود.

قوم از ترس آنکه مبادا بیماری ابراهیم
 بد یگران سرایت کند او را در شهر تنها -
 گذاشتند و با عسرت و شادمانی بخارج -
 شهر شتافتند.

اینک شهر خلوت و آرام و معبد خاموش
 بخالی از ضجه و غوغاست و حتی خدمه و -
 سده هم معبد نیز از شهر بیرون رفته اند.

ابراهیم که شهر را خلوت و دشمنان
 را غافل یافت و ازین فرصت استفاده کرد و
 آهسته آهسته بسوی بتها روان شد و معبد
 در آمد و دورنمای آن صحنه و منظره بتها
 را تماشا کرد و طعامها را دید که پیش
 روی آنها گسترده اند و پس از روی -
 ریشخند و تحقیر ببتها خو شیاش زد و گفت:
 غذا نمیخورید؟

پس چون سکوت مستمرا ایشان را دید و
 بار دیگر لب با ستیزه گشود و گفت: چرا
 سخن نمیگوئید؟
 بدیهی است که سنگها و چوبهای
 بوجان یا رای فهم و ادراک و قدرت -
 سخن گفتن ندارند.

در این هنگام قسمتی از بتها را بباد سخت
 و قسمتی را با پای زمین زد و سرانجام چون
 شعله خشم و انتقام از دلش زبانه کشید و
 تیری را برداشت و سوراخ بتها رفت و سر
 دست بت بود که زیر ضربه های تیر بهوش پای
 ابراهیم خفاک افتاد و قطعات سنگ
 و چوب بود که تلی را در معبد تشکیل میداد

بتها همه از ضربت تیر و قوت بازوی -
 قهرمان تو عهد بهره و نصیبی کامل گرفتند
 و تنها بت بزرگ بود که ازین ماجرا ایمن
 مانده بود زیرا ابراهیم او را باقی گذاشته
 بود تا پایه احتجاج پر شور و هیجان خود
 را بر دوش او استوار سازد و چون قوم از
 انجام مراسم عید بشهر باز آیند و از او سپر -
 سند که کدام احترام معبدشان را هتک
 کرده و بتهاشان را در هم شکسته او را -
 نشان دهد و سرانجام ایشان را با اعتراف
 و اقرار آورد که بتها سخن نمیگویند و عقل
 و اراده ندارند و قادر بر نفع و ضرر نیستند
 تا مگر پس از این اعتراف صریح بخود آیند و از
 گمراهی بازگردند.

قوم بشهر باز آمدند و حال تباه
 خدایان خود را مشاهده کردند و هول
 آن منظره چنان عظیم بود که مدتی ایشان
 را مبهوت ساخت و پس از آنکه از حال
 بهت بخود آمدند و عیان اعصاب را بدست
 گرفتند در جستجوی مرتکبان عمل
 خطیر برآمدند و با هم میگفتند: چه
 کسی اینکار را بر سر خدایان ما آورد؟ هیل
 نا که او از ستکارانست؟

در این میان یکتن گفت: ما جوانی
 را میشناسیم که بتها را نام میبرد و بنام
 آن جوان ابراهیم است او ما را از سر -
 ستیز این بتها سرزتش میکرد و ایشان را
 تحقیر مینمود و پس چنین مینماید که او بر
 این کار جرات ورزیده و آنها را در هم
 شکسته است.

ازین راه شکند و بتها را شناختند و
 و تصمیم گرفتند که او را بکفتری متناسب با
 گناهش برسانند.
 آتش خشم و انتقام در دلهای قوم زبانه
 کشید و فریاد زنان احضار او را خواستار
 شدند تا محاکمه و کیفرش را تماشا کنند.
 مسلم است که اجتماع قوم در یک سر
 زمین یکی از آرزوهای ابراهیم بود که
 مدتتها در انتظار آن بسر میبرد تا بر ملا
 ود حضور همه افراد قوم حجت خود را
 بر سلطان عقیده ایشان بیان کند.

داستان ابراهیم بصرت برق در همه
 محافل و مجالس و بر سر هر کوی و برون منتشر
 شد و مردم دسته دسته برای تماشای
 ابراهیم و محاکمه و کیفر او فراهم شدند و
 تا از دیدن شکجه و عذاب سوزخشم را
 در دلها فرو نشاندند.

سخت قضا و ابراهیم را در حضور
 جمعیت خشمناک حاضر کردند و محاکمه
 علنی او شروع شد.

کدام آفتاب ه از چه عرضی برآمد ؟
 که شب در سرای خراسان سرآید
 کدام آستان دست شیطان گرفته ؟
 که از خاک ما بسوی خون سرآید
 چه ابری فراز آمد از قمر دوزخ ؟
 که پیکر سرو پارس اغکسراید
 زمین ه از س آماج نهی آوران شد
 زهر خوفه خونابه نهفتسراید
 نه دهقان رامانده پلوان به خاطر
 نه از بهل ها ه یاد آهنگسراید
 چه ترکیده در ترکه تا کزاران ؟
 که از گرد شان دوده احسراید
 کدام آتش آویزه لانه هاسد ؟
 که با باد بامینه دود پسرآید
 کج افتد قد ساسه شمسادهارا
 ز بس باد چو چو چا و لگسراید
 پس سینه ها زخم ناخن بخوردند
 نفس چون گزاهگر خنجر آید
 پس همقد نیکشان هنی کشیدند
 نسای غم از درزه هسرد آید

چه سستی د دیده به رگهای پیمان ؟
 چه پستی ه که بر قامت باورآید
 چه دایه سهاست ؟ که هرکاتبش را
 هوس برکلهداری کفسورآید
 چو با فر بهو بند شهر بشرا را
 به بام پری دیمو افسونگسراید
 نکون آمد این روز گاران که بینی
 زفن را هولبازی سنجسراید
 نه سلطان سلامت رود نس سهد
 چو سیلاب خون از چرفکسراید
 شهبخونی شمشکن خیز و مگزار
 که گفتار تاخانه گفتسراید
 چگر گنج لؤلؤ بهاید صدف را
 شنیدی مگره کز خرف گو هسراید ؟
 زمانه بس هرزه بارز بها لسود
 دگر از کدامین زمج زسور آید ؟
 در این دور بی خورد خروار خروار
 چه از مننی های منگه آورآید ؟
 جهان راز یک چشم دیدن نهاید
 که کج خطی از بینش اسورآید

بغندد به رهش خود آن بی تمیزی
 که مگ نکرد پده بر منبر آید
 هدف هتابه " جمل مرتب " نهیستی
 چه خیز دزد پلوان ه چه از دقتراید
 عروس سخن را ه چو سوزند مصحف
 دگر باچه آینه را بشکسراید ؟
 برین به شعوری برین پر شمعاری
 درخ از ور هر درخ آورآید
 نهیستد به جز پیش پا هیچ چشمی
 درخت برین و ادی محسراید
 به خشم خدا چشم گرداب خندد
 چو بر ناخدا کوری لنگسراید
 دگر از چه راهی ه رمان جویستی ؟
 چو رهزن به در بانسی داور آید
 بها سور سوزا بس بهار هم
 که آتش بر اندام آتشکسراید
 بهضم یارب چه روزی ه که روزی
 تنه از بس دشت خاکسراید

کابل سرطان ۱۳۶۷

آسرهین

دشمنان خاسته

ورمی اوغوتی

دلته د ژوند بسرلش وز می
 چی د سبایه وزودا لوتلی
 د پوی تاندی زغوشی خانی
 شکی غوشی تخنوی
 که د ابیلوتی و مسخری
 د لیسوانی به هوس
 او
 د گلخانگود شوی یا نیرتشنا
 د غور بدلی غوشی
 به بنایسته انگو
 د ی رابریوتی ضلایی ور انگی
 اوسری د عطرولولیزه بالی
 نه راه شوی
 د ژوند ون بسرلشوز موده

دباقی بریال
 دوه شعرونه

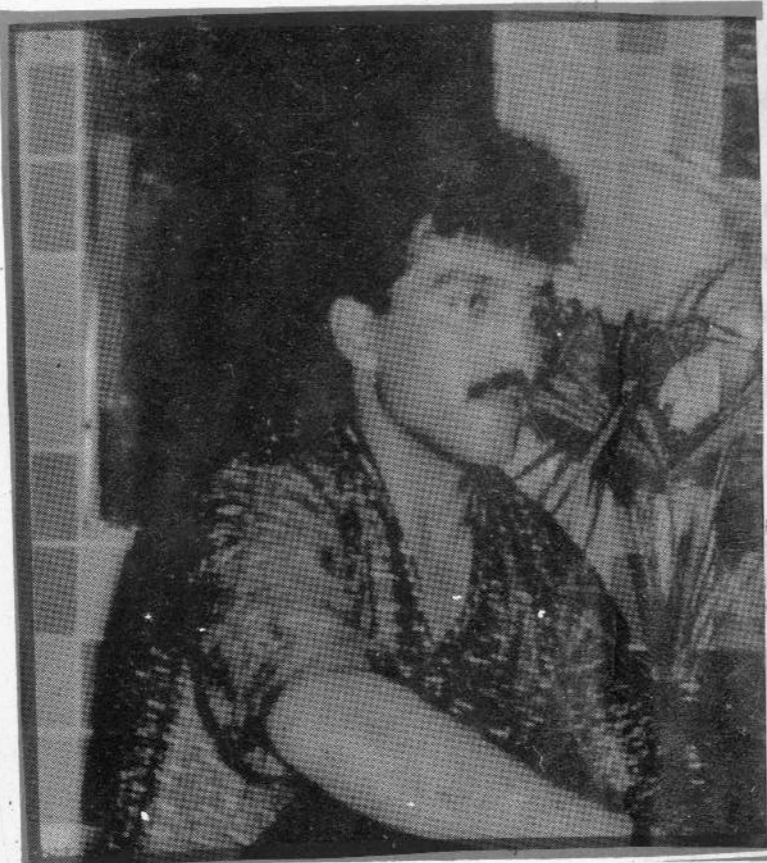
سکلا اوگره می

به زره ورتکترانیکسی ارازونه
 بالسه تا اورم دمنی غزلونه
 له سکلا سره گرمی شمرته ورکسا
 د خوی زی ئی نخری اوسکیزونه
 اوچی ستاره به دیرنگن چمن کی
 لاس ترلاسه چیری اخلم قد بونه
 له هرچه نه بهگانه مشونه شاکوم
 دلته ههله راته خاندی سر بکونه
 راته ناخی تر نظره کلنونه
 اوردهن اینه می وی رویتسانه
 ژوندون تبول د خوشالوانگازه می
 لههدلی متخهدلی می خمالونه
 جوړسک د شاعران هن به باغچکی
 ستاد غنود د گلپانیا تخورونه
 ستاد غر په شایسته سکلونغموکسی
 د شهبلی په شان دمنی پتارازونه
 چی زما دارمانوشی هرازه
 رنگنه وی هاشیسی هغه وختونه
 د سکلا پردی ناپایه تنداروکسی
 پوتربه برشودی غی سترکی زونه
 اوزاد شمرداری هوه پسرللی
 چی داستا په یاد پیکر سینگارونه

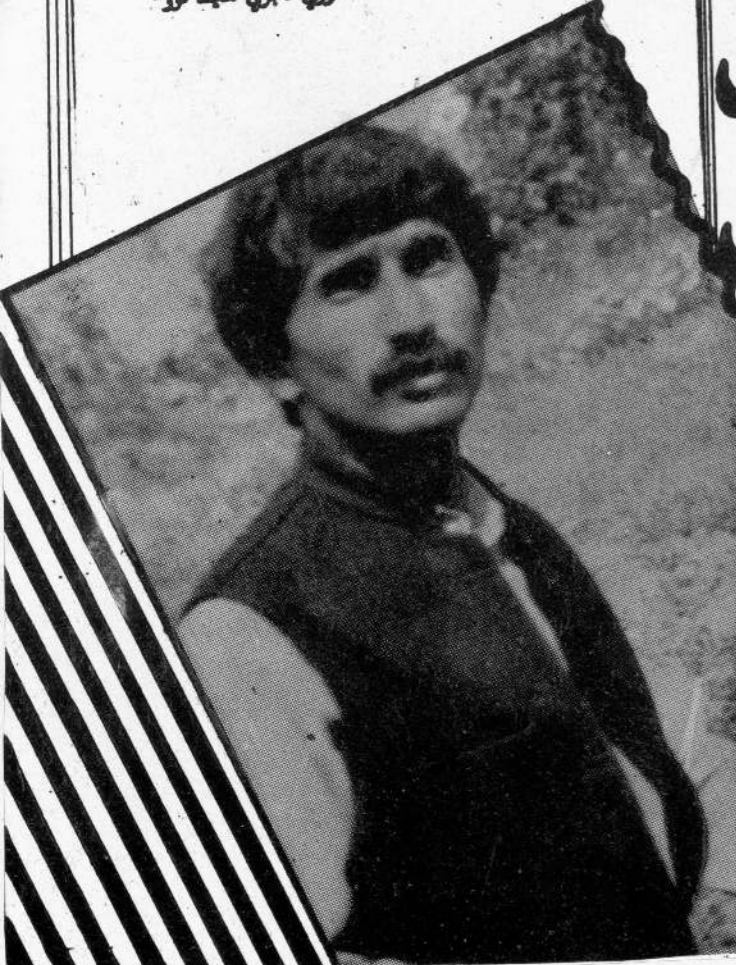
گل او غزل

پروگرام جو جو شو به دغه پروگرام کی د پښتو موسیقی سند رفاړ و ښایسته سند ری وپلی او په پروگرام کی د دغی فرهنگی ټولنیزو ټولنو کی په رسمی توگه د هنر څو ټولنو کی ته وپوښته له دغی هنری ټولنی په ترکیب کی د پښتو څو ټولنی سند رفاړی هم په ایشان مومند او شامند د سند رفاړ و په توگه او کمین گل، تورپالی، فاروق او معروف د ساز ټولنو کی په توگه په هنری فعالیت بوخت دی د ټولنی مشر شامند محمد دی او د ټولنی راتلونکی نغزات امید لري د ټولنی د پری هیله کوو.

د خوشحال فرهنگی ټولنی د پښتو موسیقی د ادبیاتو او فرهنگ د روی او پرمختیا د هدف د ترسره کولو په خاطر د خپلو ټولو هموندو په څنگه کی د موسیقی او په خاصه توگه د پښتو موسیقی د پښی د لاینه والی او د هی له پاره هلی علی کوی، چی لومړنی ټولنی یی د استاد اولمیر د کلین یی نمایندگی و او د ادبی د جزا د میاشتی په اته رښته نیت په دغی فرهنگی ټولنی لاسه خواد افغانستان د لاسی ضایعوه په نندارتون کی د گل او غزل ټولنی لومړنی



موسیقی اصلا می



ناروا آغاز کرده است او میگوید: «اولین آهنگی را که ثبت نمودم غزلی بود از حافظ شیوازی به این مطلع: «بامدعی مگویند، اسرار عشق رستی، کاهنگ آن را بنیز» خودم ساختم و در ۱۰۰ تکرار مکرر است. از در مورد د او بهای کیسون آرزو شای موسیقی را د ټولنو کی چی چی آرزو، بتویم، زیبا، سخن کگوشی برای شنیدن نش نیست چه سود از گفتن، صمیم در این بود گفت: «(آهنگهای زیادی در راهم و ټولنو کی بی شری لسی چرا شده اما از طرف کمیسیون بهمه در صفحه (۸۷)

پهرسم که: «پس چگونه موسیقی جاز را انتخاب نمودید؟» گفت: «په خاطر کی که فراگرفتن اسامات موسیقی شرق خیلی ها مشکل است و آدم نمیتواند به آسانی حتی یک جزان را بیاموزد.» «پس به نظر شما، موسیقی جاز از در کلیت موسیقی غرب به ساده کی قابل درک و فرا گیریست؟» گفت: «این طور هم نیست مگر نسبت به موسیقی شرقی تا حد و دی آسانتر است.» فرید صمیم: «از سال ۱۳۶۵ به این سو در راهم ټولنو کی

فرید صمیم یکی از جوانان نوا که در هنر موسیقی است که شاید او را در آهنگ (مصاصفای) دیده باشید. صمیم در مورد آغاز کارش میگوید: «دروسی استاد مشخص ندانم و نیز تحصیلات آکادمیک ننموده ام. من مانند دیگران، از کودکی با موسیقی علاقه داشتم. آهنگ های روانشاد استاد سراهنگ غلام علی واحد و لهر را خیلی دوست دارم و زیاد مینویسم و اکثر چیزی آموخته باشم. آن هم مرهون هموست.» شنیدن سخنان صمیم برای من، چیزی شگفتی آور بود. «سبب گشت، تا از او

گروه های متعدد موسیقی که نام خدا تعداد نشان خیلی زیاد شده گفت: خوب است که جوانان هنرمند با گروه های متعدد را بوجود آورند اما بهتراست در هلوئی آن به آموزش مسلکی نیز پرداخته و موسیقی را تا آنجاییکه لازم است طور فنی و علمی بیاموزند زیرا زمانیکه آنها این هنر را طور اساسی نه نعمت مشکل خواهد بود که فعالیت هد نمند داشته باشند. شاید چنین فعالیت ها بر جوانان موسیقی کشور و لطمه وارد نماید از شما سلیمان پرسیدم چهار روزی در دل دارید خندیده گفت: میخواهم با خالد آرمان گیتاریست جوان کشورم که فعلا در خارج است ملاقات نمایم.

در ارکستر ستاره های آریانا شامل است ولی اغلبا در کار روح الله روین دیده میشود. یا به این سوال ماکه گیتار چند نوع است و او که ام یک را بکار میگیرد گفت: گیتار انواع مختلف دارد اما اساسی همه را گیتار کلاسیک تشکیل میدهد بعدا به اسامی پیشرفت علم و تکنیک (لست گیتار) و (جاز گیتار) به وجود آمد. من تا حد و دی به همه آنها بلدیت پیدا کرده ام اما بیشتر (لیت گیتار) مورد علاقه من میباشد. یا سلیمان در مورد فعالیت

یا سلیمان هنرمند جوان نیست که با سرانگشتان گیتار را به صد او رسیده و نیمه دل انگیزی می شنوند. امروز جوانان زیادی در کشور اند که با هنر و باخشن گیتار آشنا شده و اکثر آنها کارشان را مد بین استاد توانا محمد حسین آرمان میدانند. یا سلیمان گیتار نوازی را در کورسی که چند سال پیش در ایر شده بود فرا گرفته و اکیسون



اویتار و سینوازد

مصاحبه از ملال سر



سنجی دست در برابر برادرش
گفت :
اگر دزد میبودم سلطان بودم
نی را با مملوینها شورتش نمیدزد
پدیده اگر از جمله لوازم خانگی
میبودم ، دوست داشتم بسک
چاروب یا شمشیر اکتره در
دست دخترها میباشند .
... اما روزی هم با ما اینی برام
پس گفته بود که تو و برخی از
دوستان " همروزاده ها"
استید .

تلاش
مان
میکویچ
اویچگونه است



ملکه آواز

سورس

یک زمانی بر سر بناهای دوست داران ورزش بوکس بود. در سال ۱۹۷۷ بعد از شکست تلخ محمد علی کلی با بوکسرخد حافظی کرد. چهار سال قبل تصمیم گرفت که در سال به این ورزش روی آورد. دلیل اساسی روی آوردن او به این رشته عضویت او در اتحادیه تشکیلاتی بود. بدین ترتیب با شکست خود روی توانست ۲۰ میلیون دلار بدست آورد و یکمان اغلب با این پول میتواند مدتی را مثل گذشته ها زندگی کند.

اما بازگشت ورزشکارانی چون نورمن، بوکس، مارن سپینساید و بی ایزد اشمن آن را بخود مصروف ساخته آنها از خود می پرسند که آیا برای این عده همه امکانات فراهم است یا خیر؟ چندین واقعه وجود دارد که ورزشکاران سابقه حتی در سن ۵۰ سالگی بعد از آنکه باید به تفریح و ورزش شروع کرده در نتیجه آن به نتایجی دست یافته که حتی جوانان سن ۲۵ نتوانسته اند.

علما و دانشمندان امریکایی اظهار می کنند که هنگامی فریبی بدن بصورت ۱۰۰ درصد آن تا سن پنجاه سالگی حفظ می گردد و نقطه آخری پیروی بدن بعد از سن ۴۰ سالگی تکلیف می گردد که کاهش یا بقیه در صفحه (۸۷)

های وی در یکی دو سال اخیر در این زمینه مورد ستایش ملامتند. ان اقرار گرفته است. در این اواخر تلاش بخش داد تا جهر موثقی بر این موزون را بهاد هنر وستان زنده بسازد درین راه مدونا پیروز تر از گذشته ها شده است.

بعضاً مدونا را تشویق می کنند که گویا او خصوصیت کلشنه زنانه را می شکند و مدونا به دلیل اینکه گویا تمام هوش استعداد خود را صرف ثروتمند شدن می کند مورد سرزنش قرار می دهد. هندیکسن از رویسپوران بزهتین امریکا مدونا را به اندازه مورد ستایش قرار داد که حتی موضوع دکترها و رویسپوری خود را هنرمند و نا انتخاب نمود.

گروهی از دانشمندان اخلاق اجتماع می مدونا و فعالیت هنری وی را مورد سرزنش قرار می دهند اما شامل بودن در خبرها می دست اول همیشه برای همه پردرد سراسر است.

چندی قبل چون نورمن قهرمان سنگین وزن بوکس جهان، پختا طرف بدست آوردن مقام قهرمانی در سن ۴۲ سالگی بیکبار بوکس وارد میدان بوکس گردید اما متاسفانه که جوان ۲۸ ساله هموطن او این آرزوی نورمن را برآورد نمود. بعد از این شکست وی دوباره به وظیفه اصلی خود یعنی مدبوکس و ورزش در تکزاس آمد. نام نورمن



کردند. مدونا بخاطر این موضوع سرودهای زیاد بلنسد کرد و سانسور (هنر) را مورد انتقاد قرار داد. این منسج قرارداد ان آهنگ جدیدی وی فروش کست جدیدی را به صورت سرسام آورده است. وی خوب درک نموده که در قرن ویدئو نمایش بدن ارزش خاصی دارد. مدونا توجه خاصی به لباس دارد. هیچگاه با یک نوع لباس دوباره روضه حاضر نمی گردد. نوآوری

جارتی، مدونا با مهارت زیاد توجه تماشاچیان را بخود جلب می کند. اگر در کمرتن متوجه گردد که کتوجه اجتماع بطور لایس آن به وی نیست این مطلب تا اثبات منفی برآورد می گردد. وی پیوسته در مرکز سرودهای جهان هنر قرار داشته است. زمانس وی بدون (شیر و حیا) سقط جنین خود در مطبوعات امریکا یاد آوری کرد. بیکار سرودا ی زیاد در باره ارتباط مدونا با هنر پیشه دوست داشتیمی جوانان امریکا (اوپنیت) ایجاد گردید و بالاخره پختا طراز و اجش با هنر پیشه د پگر (شوناینا) بارد پگر نامش سرزبانها افتاد. بعد ها خواست تا با ازدواج د پگر به گمان خود ش خوشبختی را بیابد از ازدواج با مانکن زبانی امریکایی بنام تونی پختا طر (مرد کامل) نبودن وی صرف نظر کرد که این حادثه نیز نام مدونا را بیکبار پگر (درد زبان پیوجوان در امریکا ساخته)

آهنگهای ویدئو مدونا اکثرآ سلکی ثبت گردیده است که تماشاچی را زیاد تحریک می کند. در یکی از آهنگهای اخیر وی خود بنام (عشق سرا برائت بد) استعداد خود را در دست آوردن سرمایه ثابت ساخت نشرین آهنگ را از طریق تلویزیون امریکا بدلیل بی نهایت سکس بودن آن منع

مدونا را همه به ستایش و ستاره مشهور موزیک (پا) و سمبول سکس می شناسند. درباره اینکه وی یک تاجر و زنده است خیلی کم اشخاص معلومات دارد. بعد از آنکه در سال ۱۹۸۲ اولین (ریکاره) وی به بازار عرضه گردید در مدت کم در حدود هشتاد میلیون ریکاره وی بفروش رسید که مدونا ازین بابت بیشتر از ۱۲۰ میلیون دلار بدست آورد.

مدونا را همه به ستایش و ستاره مشهور موزیک (پا) و سمبول سکس می شناسند. درباره اینکه وی یک تاجر و زنده است خیلی کم اشخاص معلومات دارد. بعد از آنکه در سال ۱۹۸۲ اولین (ریکاره) وی به بازار عرضه گردید در مدت کم در حدود هشتاد میلیون ریکاره وی بفروش رسید که مدونا ازین بابت بیشتر از ۱۲۰ میلیون دلار بدست آورد.

عکس مدونا اغلب اوقات در پشتی مجلات نرخی دیده میشود. بیکبار هم یک فوتوی وی در یکی از مجلات مشهور در زمین تاجران امریکایی با این شرح بچاپ رسید: (پا) استوارترین زن کاری امریکا در آند مدونا در سال ۱۹۹۰ به ۲۶ میلیون دلار رسید.

بسی از صاحبه های اخیر خود مدونا بچواب سوال گفت: برای وی لازم می افتد تا یک تعداد مسائل زیاد در تجارت رانیز مستقلا حل و فصل نماید. این مطلب برای وی غیر منتظر نبود. وی در مورد میگوید: من ملاقات با مردمان (کاری) را خیلی دوست دارم. من وقتیکه با آنها روبرو میشوم میخواهم به اشکال مختلف آنها را سرگرم نمایم زیرا امید آنم که آنها هفتگی سختی را پشت سر گذارند. اند. آنها را سرگرم میسازم و به این دلیل مرادوست دارند. (۰۰۰) علاوه بر استعداد خارق العاده



من در ماه شوال سال ۲۸ هجری با هفتاد غزار سرباز شهر "تاشکند" را که دارای حصار بود محاصره کردم و بسکه شهر اخطار نمود که علیه "الجا" تهبو محمد قولوق "شورش کنند و او را به قتل برسانند؛ ولی از طرف سکه شمس اقدام برای شورش علیه حاکم تاشکند - نشد. من بعد از اینکه مطمئن شدم شهر "تاشکند" بوسیله دهلغیز زیر زمینی راه بخارج ندارد بسر بازان خود دستور دادم که دو نغب حفر کنند که یکی از طرف شمال و دیگری از طرف جنوب منتهی به حصار شهر بود. من میدانستم هنگامی که ما مشغول حفر نغب هستیم و مخصوص در موقع شب مردان "الجاتبو" محمد قولوق "صدای کلنگه و بول نغیب زن هارا میشنوند و می فهمند که مشغول حفر نغیب می باشیم و هر کس که گوش خود را در موقع شب بزمین بچسباند می تواند صدای کلنگه زدن حفاران را بشنود "الجا" تهبو محمد قولوق "عده ای را مامور کرده بود که تا نغیب زن های ما سر از شهر بدر آورند آنها را به قتل برسانند و نغیب را ویران و کور کنند.

من فقط بطرف جلو توجه داشتم و از عقب آسوده خاطر بودم زیرا میدانستم که عقب من ه خصم وجود ندارد. در طرف فون من هم سربازانم می جنگند اما سر بازی که در طرف چپ من قرار گرفته بود کشته شد و پیش از این که سر باز دیگری جای او را بگیرد یک صرت شدید تهر زن روی پای چپ من فرود آمد. ضربت طوری سخت بود که تصور کردم پای چپ من از بدن جدا گردیده و در همین موقع یکی از سربازان ما جای خالی را پر کرد و دیگر من از طرف چپ مورد تهدید قرار نگرفتم وقتی آن ضربت تهر زن روی پای - چپ من وارد آمد من فریاد زدم و ننا - لهدم ولذا هیچ يك از سربازان من نفهمیدند که من مجروح شده ام.

بعد از غلبه بر "تاشکند" چون سکه شهر از دستور من پیروی نکردند و علیه محاکم خود نشوریدند فرمان قتل عام وجبا اول را صادر کردم و گفتم تمام مردان شهر را به قتل برسانند و تمام پسران و دختران و زن های جوان را با سارت ببرند تا اینکه بعد طبق قانون جنگلین افسران و سربا - زان تقسیم شوند و سر بازی که دارای پله پسر یا يك دختر جوان گردیده مختار است او را غلام یا کنیز خود کند یا به قتل برساند یا در بازار بفروشد. جنگ "تا - شکند" هنگام عصر روز نوزدهم ماه شوال خاتمه یافت و از آن پس قتل عام و چساول

شروع شد و انوقت من در صد دبرامدم که بدانم که زخم پای چپ من چگونه است اما نتوانستم از اسب فرود بجایم و سربازانم در خارج شهر مرا از اسب فرود آوردند و به خیمه بردند و در آنجا نوکرانم چهار آئینه و مغفرا از من دور کردند و جراح آمد و زخم مرا معاینه کرد و گفت استخوان زانو بشدت مجروح شده و نباید راه بروی و نباید پیوسته دراز بکشی تا

اشکر کرد و درین رفیغی زیاد نسبت بسزن ها بوجود آمد تا آن موقع من بیش از دوزن نداشتم و در آن هفت سال دوزن دیگر گرفتم ولی فهمیدم که باز خواسان زنهامی باشم من که مسلمان هستم نمیتوانم بوش از - چهار زن بگیرم ولی شرع اسلام بمردها اجازه داده که علاوه بر چهار زن عقد هر قدر که میل داشته باشند جاریه انتخاب نمایند و من هم چاره های معیت



تاریخ
مهرماه

مینه

سوره

انتخاب کردم

این که استخوان زانو بهبود یابد. ای که سر گذشت مرا میخوانی مگو که مردی چون من که فقیه هستم چگونه فرمان قتل عام سکه "تاشکند" را صادر کردم حکومت دارای قوانینی است که از اقلاد آنها وجود داشته و تا پایان دنیا وجود خواهد داشت و عوض نخواهد شد و یکی از آن - قوانین این است که مردم باید از حاکم بترسند و اگر از وی وحشت نداشته باشند او امرش را بموقع اجرائی گذارد و امر - او اوپاش بر - سکه شهر مسلط میشوند و بجان و مال و ناموس آنها تعرض نمینمایند. من از این جهت فرمان قتل عام سکه "تا - شکند" را صادر کردم تا اینکه برای سکه بلاد دیگر مایه عبرت شود.

بهبود وضع زخم من و شورش - شدن رعایان و رفاهت مردم درین نوز -

را انتخاب کردم. فرزندان و نوه های من آگاه باشید که آفت سلاطین عیش و نوش و زندهای زیبا است و هرگز خود را بدست عیش و نوش و زندهای زیبا نسپارید و برای يك مرد هفت - ای بیکاره زن کافی است و بیش از آن با - عه میشود که مرد تن پرور گردد و نتواند قدرت خویش را حفظ نماید.

فصل هفتم: بسوی مسلط الراس فردوسی و جنگ نشا - بل:

چنین گفت کای جوشن کار زار بر آسودی از جنگه یک روزگار کون کار پیش آمدت - سخت باش بهر کار بهر امن بخت باش

اشعار فرودس در گویشم طنین مها - نداخت و نمی توانستم آرام بگیرم. هفت سال خورده و خوابیده بودم و شمشیر و جوشن را کنار گذاشتم ولی موقع آن رسیدم که جوشن بیوشم و مغفر بر سر بگذا ریم و شمشیر بدست بگیرم و بسوی سرزمینی بروم که آنجا فردوسی سب و پنجاه سال قبل از من این اشعار را سروده بود. موم قع آن فرار رسیده بود که برای رسیدن به آرزو های خود گام بردارم و جهان را مسخر نمایم و تسخیر جهان را از خراسان شروع کنم.

من با این که شتاب کردم که بزودی خود را به نیشابور برسانم و نگذارم که دروازه نا را ببندند بر اثر رفت آمد کاروانهان ستانها ن جاده بقدری شلوغ بود که

بجنگد چون مرد تاد ر جنگه از موده نشود دارای لیاقت نمیکرد.

من بزرگترین هنر مرد را جنگیدن میدا - نس و گریه برای علم و صنعت و ادب قایل بارزش هستم ولی عقیده دارم که خداوند مرد را برای جنگیدن آفریده و مردی که نتواند بجنگد و از مرگ بیه داشته باشد از بنده گان خدا نیست.

حاکم نیشابور که دست بسته گرفتار شده بود گفت ای امیر جهانگشا سکه این شهر گناه ندازند و اگر من با نهاد ستور نمیدا - دم که دروازه هارا ببندند مقابل تو مقاو - مت نمی نمودند و تو می توانستی بسدوزن معطلی و زحمت وارد شهر شوی لذا من گناهکارم و مرابه قتل برسان ولی برجسان سکه این شهر ببخش و زن هارا اطفال - شان را با سارت مهربانانه بپرسیدم چند

از قتل عام نیشابور شهرهای دیگر خرا - سان تکلیف خود را خواهند دانست و وقتی قشون من به پشت حصار آن شهر هار رسید دروازه ها را نخواهند بست. بعد از این گفته جذا را احتضار کردم و هوا و گفتم سراز. بیکر امیر حسین جدا گشد و حاکم نیشابور به قتل رسید. قتل عام سکه شهر تا ظهر ادا شد و بعد از آن ه سر بازان من بر حسب اجازه های که من خود با آنها دادم شروع به چساول کردند.

مدت يك ماه در نیشابور بودم و دنباله کار ویران کردن حصار شهر را به پسر م جهانگیر واگذا شتم و خود عازر طوس - شدم در طوس کسی مقابل من پایداری نکرد و من قدم بشهر نهادم و آزار من به هیچکس نرسید.

در بین دانشمندی که نزد من آمدند مردی بود مقلب بامام اعظم و من با او مباحثه کردم و از او پرسیدم لاید تو نماز میخوانی؟ امام اعظم گفت این از بد - بیبهاست است. گفتم در سوره "الحمد" یکی از صفاتی که برای خداوند ذکر شده " مالک يوم الدين " است آیا تو میدانی که معنای " مالک يوم الدين " چه میبا - شد.

او گفت یعنی " مالک روز دین " گفتم من را مردی عوام تصور کن و برام شرح بده که مالک روز دین چه معنا میدهد. امام اعظم گفت معنای این آیه از سوره " الحمد " روشن است و احتیاج بشرح و تفصیل ندارد. گفتم ولی من معنای آن را نمی فهمم و باید آن را برای من تفسیر کنی. امام اعظم از گفتار باز ماند آن وقت من با او گفتم در این آیه " دین بمعنای جزا می باشد یعنی خداوند صا - حب روز جزا است. روز جزا یعنی روزی که هر کس بفراتر از اعمال خود پاداش یا کیفر می بخند و آن روز که روز جزا میباشد نا - محدود است و شاید هرگز پایان نمی - رسد چون در این آیه کلمه " يوم " یعنی " روز " معنای زمان را میدهد نه معنای يك روز از طلوع تا غروب آفتاب را و چون روز جزا زمانی است نامحدود لاجرم آفتاب در آن زمان طلوع و غروب نمی کند و شاید آفتاب نباشد. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که " روز دین " یا " روز جزا " چه موقع فرا خواهد رسید و هر چه در این خصوص گفته شود جز آنچه در قرآن هست افسانه میباشد.

امام اعظم با حیرت سخنان مرا شنید و گفت ای امیر تهور تو این همه داناشی را

بگوشا

سال از عمرت میگذرد. جواب داد شصت - سال سوال کردم آیا پسر داری؟ جواب داد دو پسر جوان من یکی موسوم به شهر بهرام و دیگری باسم شوزاد بدست سر - بازان تو کشته شدند.

امیر حسین گفت ای امیر جهانگشا من! برای خود از تو ترحم نمیخواهم ولی پسر جان مردم این شهر ببخش و هر چه از - آنها تا کتون کشته عده کافی است و بگذا ر که دیگران زند میمانند. گفتم امیر حسین اگر بجای این که من فاتح شوم تو فاتح می شدی آیا بر حال سربازان من می - بخشیدی؟ امیر حسین گفت پدران ما گفته اند که در جنگه باید خشونت و بی - رحمی داشت و بعد از پیروزی باید قوت بخروج داد و چون تو فاتح شستی قوت بخیر بده.

گفتم من نمی توانم از اصول جنگه منحرف شوم و طبق اصول جنگه سکه شهری که مقاومت می کنند باید قتل عام شوند. اگر من این روش را تغییر بدهم دیگر نمی توانم مبادرت بجنگه نمایم. چها - نسان باید بدانند که هر کس مقابل من پایدار بماند کشته خواهد شد و بعد

سواران من نمیتوانستند با سرعت عبور کنند و مانعواستیم در خارج جاده راه - پیمای نمایم زیرا در دوطرف جاده تا چشم کار میکرد مزرعه و باغ و آبادی بود و يك ذرع زمین بایر دیده نمی شد.

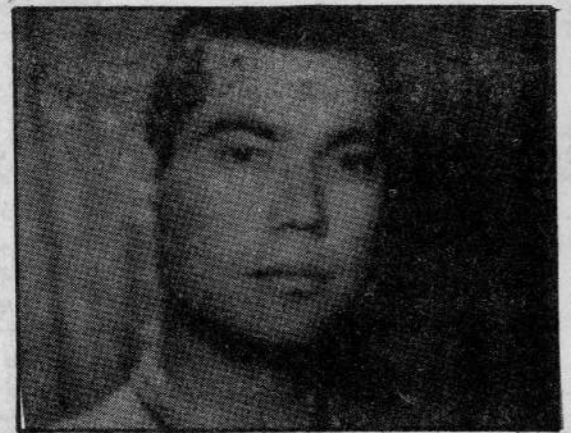
من برای آبادی دشت ها ماورا النهر بخصم اراضی سمرقند و بخارا بسپارم کوشیدم ولی بعد از اینکه وارد دشت نیشابور شدم مشاهده کردم که آبادی آن ماورا النهر است و شگفت آنکه نیشابور رود خانه ندارد.

دروازه شرقی نیشابور بعد از ساعتی گشوده شد و سربازان من یورش بردند و وارد شهر شدند به آنها گفتم تا وقتی که سکه شهر امان نخواستند هر کس را که دیدید به قتل برسانید زیرا سکه نشا - بور چون مقابل من مقاومت نمودند واجب - القتل هستند.

جنگه نیشابور به تاصح ادا شد و در شب من مطلق شدم که پسر "چها - نگه" زنده است ولی مجروح شده و - چون زخمش آنقدر سخت نبود نتواند به جنگ ادا به بدهد گفتم که همچنان -

کلیج و دراندنیهاست

مصاحبه کننده (سیدی)



— برای موفقیت در مسابقه به چن نکاتی ارجح بهتر قایل هستید؟

— نخست بر همه باید با اعصاب قوی و متحرک وارد صحنه مسابقه شویم و متکی به خوب شدن باشم و از هدایت های ورزشکاران به شکام استفاده نشا — بسته نمایم. فاکت مهم این که یک رژیم خاص غذایی را برای بدست آوردن انرژی بیشتر مراعات نمایم.

صحبتی با عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم اتلتیک خفیفه کلیج هدایت

— در رشته اتلتیک خفیفه چند نوع تکنیک وجود دارد؟
— اتلتیک خفیفه تکنیک های خاصی مربوط به خود را دارد — طو مثال در مسابقه های کوتاه (صد متر — دو صد متر) ورزشکار باید سرعت فوق العاده زود داشته باشد که میتوان از دوش سحرخی گامدار و سحرخی وقوی نوعی دوشی است که بنام «کلیج» که از شکل «چارنمسل» اسپ ماخوذ کرده شده است. دوش سحرخی جا به جا و — امثال آن در صورت جهاد نموده دن این تکنیک ها میتوان به موفقیت دست یافت و نیز هفت الی هشت نوع دیگر تکنیک در این ورزش وجود دارد که ذکر همه بی آن نظر به گنجایش صفحه مشکل میباشد.

اعظمی نماید تا بتواند به مدالی عالی در رشته خودش برسد.
— چه گونه اشخاص به رشته اتلتیک خفیفه پذیرفته می شوند؟
— به صورت عموم تمام ورزشکاران این رشته از نقطه نظر قوه فیزیکی و تناسب اندام و — جسامت قوی و بلند بر خوردار میباشند به ویژه در رشته — اتلتیک خفیفه قد بلند و چسبیده عضلات قوی ضروری میباشد و نیز داشتن اعصاب و قلب قوی از شرایط لازم این رشته میباشد زیرا دوش هادر اتلتیک خفیفه از نگاه طبی فشار مستقیم بالای قلب و اعصاب و عضلات دارد به خاطر یک این ورزش تاج ورزشها نامیده می شود و ورزشکاران باید متصف به همین صفات باشند.

عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم ملی اتلتیک خفیفه کلیج هدایت و عضو تیم اتلتیک خفیفه که در زمره ورزشکاران نخبه و مستعد حضور خفیفه را تشبیه نموده است در مورد ورزشی که خودش مصروف آن است در پاسخ به این پرسش که آیا در رشته انتخابی خوشش بود چه به پراپلی شده اند میگوید: — طبیعی است که هر ورزشکار در اوایل وقتی رشته مورد علاقه خود را انتخاب میکند تازه — نیکه با تمام احساسات و تخنیک ها و تکنیک های لازم آن رشته آشنایی کسب نمینماید به سلسله پراپلی های زودگذر مواجه می شود که راز موفقیت یک ورزشکار آن است تا همه مشکلات را با حوصله مندی و متانت متقبل شود و از هدایت و رهنمایی های تهرنر مر بسط در جریان ورزش استفاده —

سرم گرفته و در رد و صد و هشتاد ساله به مقام درجه اول پیروز شده است.
شهره پیروزهای چشمگیر او، کلسیزی از مدال ها — نشانها و اسنادی است که اینک نظم و ترتیب و نگهداری او را سحراب کوچک به دوش گرفته است.

پانزده مدال طلا و صدال نقره و سه نشان ستاره سرخ — درجه یک نشان بهترین تهرنر و صدال سکاد به یک دیپلوم معمه نشان ماستر سهرتسی و در حدود بیست و چهار دیپلوم امتیازی و افتخاری.
سلم شاه بهتران بهست مراتبه جهت نمایشات و مسابقات ورزشی اش به کشورهای مختلف جهان منگولیا هندوستان اتحاد شوروی ایران بلغاریا کوریا هنگری چکوسلواکیا و آلمان سفرها داشته است.

برای اسپورت جززندگی شده بود و بدین استثناء روز یازده ساعت تهرنر های مختلفی را انجام میداد همه روز صبح وقت از خیرخانه تامین هوا می رابه دوش می پیوسته و قهقهه او قاتل رابه رهمان کشی که هنوز در ی و با بازی ورشته اصلی اش که پهلوانی بود سپری میکرد.

شش سال مکمل با رهنمایی ها و تشننگ عالی شاگردان زاده ی رابه شمرسانید و در حلقه های ورزشی کشورها خوب درخشد.
او اواخر زمستان سال ۱۳۶۶ که سرما بهداد میکرد سلم شاه برای بهستو یکمین بار آماده شده بود تا جهت اشتراک در مسابقه دیگری با دوستان و همکارانش خارج از کشور برود.
همه روزه با شور و حرارت خارق العاده می تهرنر میکرد و در روزهای پاره پیروز تاز می را میدید.
آنانی که او را از نزدیک می شناختند بهش از تنگه در باره خود می بیند و به فکر یک مدال دیگری بودند.

اسان و ورزش

فصل مانی

وسر انجام ...

سحراب کوچک با اشتیاق تمام الیم خانزاده می اسراورق میزد هر بار با اشاره به عکس فرهاد میزد و میگفت: اینه بدوم. تا تصویهای پدر سحراب حقیقتاً زیاد جالسده بودند جایی در مسابقه دستش را به رسم برنده شدن — بلند نموده بود — جایی در حال بدست آوردن کپ قهرمانی وزیانی هم هنگام درسیات مدال بود.

بیشتر تصویهای او را در صحنه های مهیج سپورت ها به ویژه در میدان پهلوانی نشان میداد. در آخرین روز این الیم بزرگ به جای عکس های بزرگ سپورتی در پلیم و سندی که در کسج آن فوتوی کوچک پدر سحراب دیده میشود گذاشته شده است در آنجا میخوانیم: سلم شاه اقبال ماستر سپورت ترین تیم پهلوانی کلوب سپورتی اردو.

زنده می عجیب شنیدنی دارد چهارده سال قبل شامل بوتهی زراعت بوتهتون کابل شد اما بنا بر معاند پری فاکولته رانامام گذاشته به خدمت مقدس سربازی رفت پس از آن بوتهی اگاد می تخنیک را خواند.
از دوران کودکیها پیش علاقه سپورت بود و لوسی از ۱۳۵ به بعد برای تهرنر های ورزشی اش برنامه معینی طرح کرد و به زودی به عضویت تیم ملی پهلوانی کشور پذیرفته شد گوی در آن دوران در همفنانس های خوب به رویش لبخند میزدند پیغم نامسل مسابقات میگردید و فلها برنده خود شد در بیشتر از سه مسابقه مسابقه داخلی و خارجی



خلوريزه

چې کښور او گيلن برسره نه وي
مامورنه دي که هرغولري کون
په دي دوه خيز مامورين ل کښي
که دانه وي خوشي انوندي بطلون

د فلک ناد دي

✱ ✱ ✱

د لرگوار بکرو حاجت په خه وي
مامورين واره لرگي شول و اولک
هاپستي کولې بي وچي شوي په سپوره
د کښي کورکي نه لگي درک
کولې خه چې وينه چچه شوه رگورکي
له روزگار نه ورته چو شولو خسک
چې ميوه او شونه خوب کي ليد اي نه شي
د دي ژوند دي په اړوسو شوي تلک
د الهي اژد هانبار په خوله کي ونسو
د سل گون متاع په اخلي اوس په لک
اي (اشپزه) د ايه ياد برسره ساته
خه ناد دي وي چې ونه کري فلک

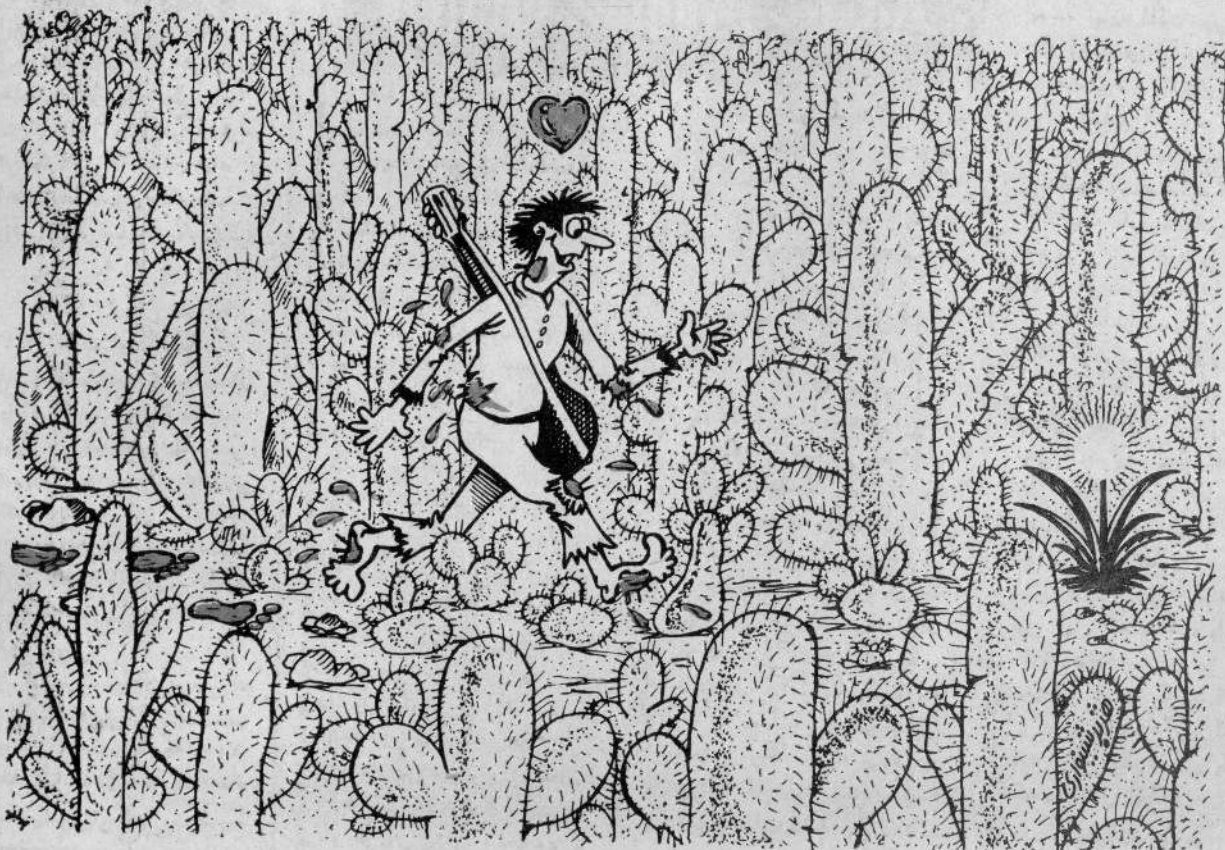
د لاجارې ماش

هغه ماش: تاشون

ماش (معاش)

نرخه دروني اود حيوياتو په
په کورنۍ کي ترډيرو کوچني
ده . د پورته تعريف له مخي
ويلاي شوچې ماش (معاش)
د عوايد و له يوه يوه کوچني
اندازه ده چې د بازار د پيسو
په وړاندي دي د پي د اوس
(مه) ارزنت هم له لري .

که چيرته د معاش په نوم کسي
د (ع) توري ليري شي ، نو
يوازي ماش په ياتي شي . ماش
پخپله دري نوم دي چې په
پښتو کي (مه) ورته واي . د
ميوه دانه د خړدوله داني غځه



نوی مقدری

د کابل ښار د آزاد و نړخونو د کمپون یوس پوځ خبرلما ی د بنجاره هتی ته خبروکر چی کله د کابل په ښارکون یوس کچالوله دوه زرو واوینشل لوگد نه د پکړی په پست کی مفره شوه .

دموښکانه د مطایبی مریزونه

هر انبه د پنازیزې چی پب غرپ کسی د هرنش له پاره حمایتی سازبانونه مرکونه شته . اودا کار د پوکراسی لسی مظهر پولسی خو موز هم په دې برخه ک کی وړمنی کم نه یو . نمکه همد ا اوس د لوړو مرکز وښاو سازبانو نو ترخنگ د موز کانوند حمایتی مرکونه هم علش اونکار فعالیت کوي . دغه مرکونه د مرگ مو د د اړو پلورنلی د ی چی دمو ز کانوند تکثیر اوجانفید و لپاره د (مرگ موش) په معای (زنده م گ موش) په خلکو لپورې .

د خوله کولو اود اوزې او بجه د پوستکی اچولو طبابت اوس هم په پهنو سیموکی بشپړ واک لري . که څه هم نن سباد پوستکی طبابت د پسونود قیمت کیدوله له کبله د متاخه تلوه حال کی د ی خو بخوله کولو طریقته بجه په مزه اود ودی بجه حال کی ده . زمونږ د کلی چنار کاکا کوم وخت رانگی وهلی و اوله خولی کید لو او خوجوشانده ولسه

(نسخی) په اسام ناروغ سعد ستی د کت له پامه خملاره اود ی پر ستی ی بری واچولی د کت لاندی ی هم ورته سیکاره تازه کر ل اوده درې تنه د ناروغ پسر ، پینوار کیده باندی خملاستل . خود خولو په وخت کی پر ستی له محاسه لپورې ته کړی ، او هوا یی ونه وهی . ناروغ چی هر غومره چیخی ووهلی او بیسی لاسونه یی واچول ترې ستسی لاندی یی چاچیغوته غوز

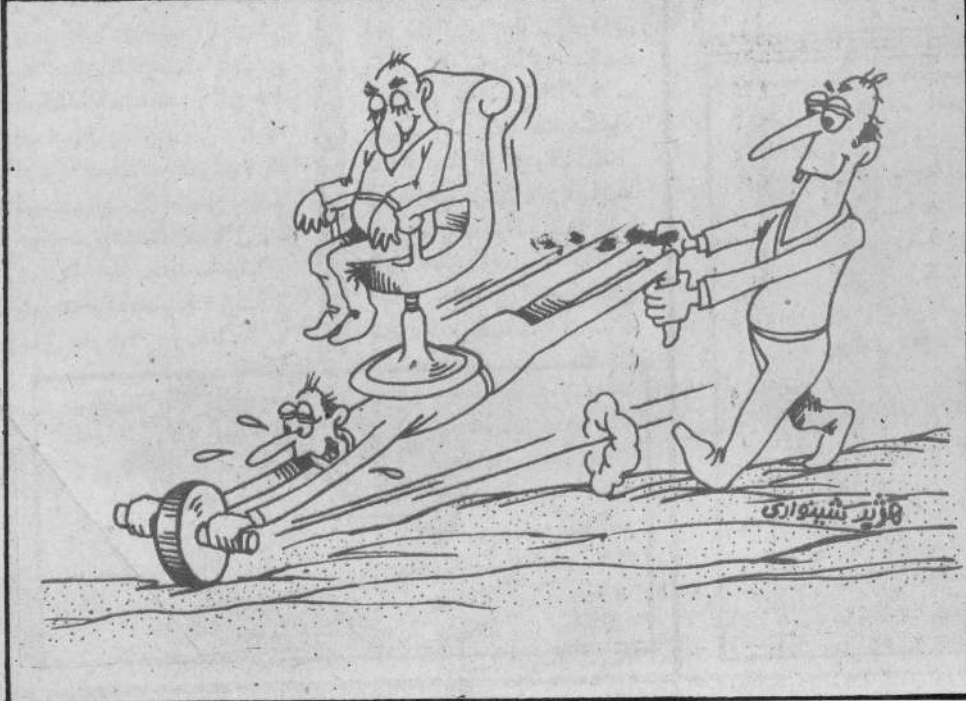
پورته کړی بود خواره کوتی ناروغ د شاپوستکی په لمنی پورې نیشی و اوله بیگانی خولسی سره یوهای ساه وړمنی وتلی وه . خو چنار کاکا ټوله پره د مرحوم په کورنی ورواچوله اود محناز ی بر سر ی ووهل : د ی خدای بخښل . ته ضرور د خولی په وخت کون د هر ستونخندی پورته شوی . د ی اوسه هوا وروستولی ده د خولی په وخت کی سره هوا سړی شخون کوی او زوی یی

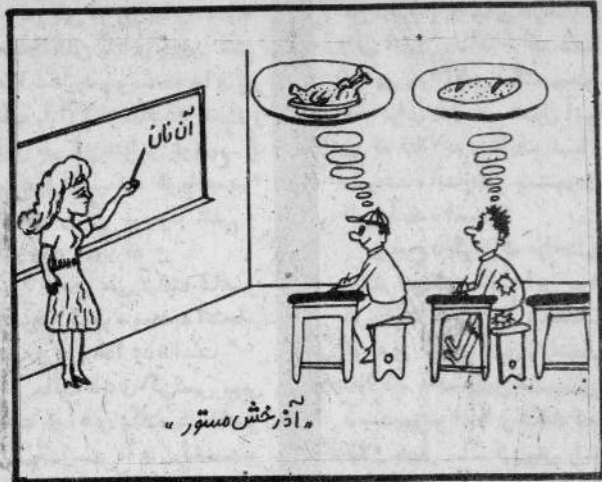
بی علمه شیخی

خښلو وروسته جوم شوی و . له هماغه وروسته به چی په نلسی کورکی خوک ناروغه شو ، کور چنار کاکا په ورته د خولسه کید لو سپارښتنه کوله . حتی کزدی چی د چا په لاس راوینسه هم ونی شول ، نود چنار کاکا په لار ښوونه یی دوه اودری پر ستی وړباندی اچولی کم وخت یی ترخنگ کانه ی باندی توده تبه رانگی وه اوجنار کاکا د خیل کانونو پتوب د حق ادا کولو په خاطر کورته د پوښتنی له پاره ووهلن و . د کور ورو چنار کاکا د

ونه نیو . له یس پناغلس د قهقرو وروسته ناروغ آرام شواود پسر مستول په پامه درې تنه وړمنی لپورې شول . ناروغ ټوله شپه آرام و . اوده له آرامی سره لوړی کورنه هم سباتر لمر خاته پورې آرام او پهنه خوب وکړ . کله یی چی سماز ناروغ ته در پورته کید و وکړ ، ناروغ معان ونه ښوروه ، بیای تفری پورې همداسی پریشود خو په خپله راوینی شئ ، خو می کلمی لوړ ما سپین پر ستی وړمنی

خوچی کله چنار کاکا مر نشو نوزه هغه وخت ماشوم چی لوړو کلیو الو پسر و ویل : (اخوازه کوتی په خوله کی وړان شو . که نود بیسی له خون و خوک نه د ی مر شوی)





فرار دیپوش

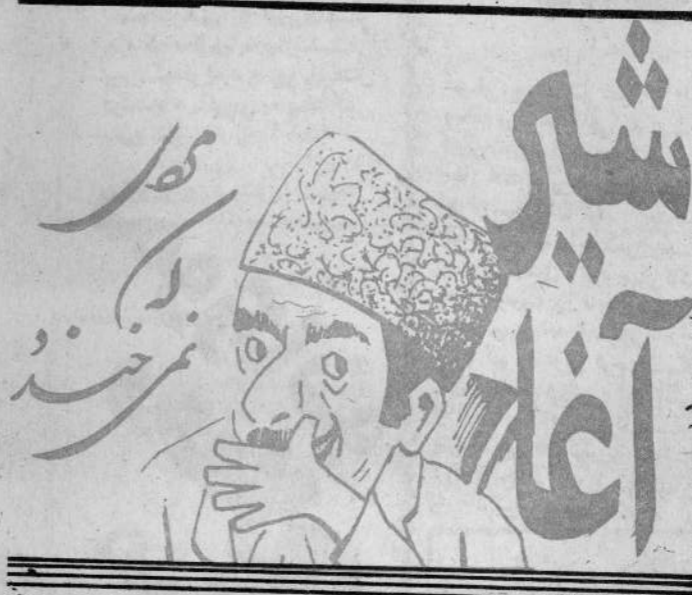
برای مردی که خانهدار چیده و زشت سبزی را عروس آوردند فردای شب عروسی زن و رو به شوهر نموده گفت: بگو میزیم حالا ازکی روی بهوشم و ازکی رو بهوشم؟
شوهر گفت: عزیزم تنها میتوانی ازمن رو بهوشی و دیگر به - خواست خودت است کماز کسی رو بهوشی و ازکی نهوشی

شخصی ارسطو را کبر آورده بود و آنقدر با وی حرف زد که عالم توانا را ناتوان ساخت در آخر گفت: ای دانشمند! مگر از صحبت من اینقدر رحمت زده و به فکر فرو رفته ای که؟
ارسطو گفت: نمبه خود همینم هستم که فکرمی کنم در حالی که دو پا برای فرار دایم و چرا از تو فرار نمی کنم!

رهنمای معاملاتی سیرانها

شهر آقا مرد هزاره هشتاد با روزی برای زنده گی هزاریل و چال را یاد دارد. در این روز - های آخر، در پهلوی کارهای تجارتی اش مغازه رهنمای معاملات نیز ساخته است. - سیرانها با ساختن رهنمای معاملات گوشه از مغازه اش را با گذاشتن یک سمت کسوف تزیین نموده و روز تمام روزهای سبزه و شهرت جوهر دارش پاراست. همان که میگویند "پتو برای غذا شال است" رهنمای معاملات بهترین منبع درآمد و ثروتمند شدن شده است. به خاطر آنکه فیصدی کمیشن معاملات او بالا برود عادتاً کرایه خانه و فروش اپارتمانها را خیلی بلند میبرد و هر روز که یک تا دو هزار به کرایه خانه افزوده می شود. و پنج تا ده به قیمت اپارتمان. مثلاً سال گذشته یک اپارتمان در اطاقه راهشده در واژه هزار افغانی کرایه گرفت ولی حالا از برکت معاملات شهر آقا یک اپارتمان دو اطاقه سی و پنج هزار هم یافت نمیشود چال دیگر شهر آقا این بود که صاحبان پنج اطاقه هارا در وقت وزمان شان نام خدا در مقامات آب

ونان داز کار میکنند و ده ها عرضه و درخواست شان به - خاطر از یاد فامیل مصره - نیت امنیتی شان وضیره و غیره نیت شعبات شاروالی و شهر - سازیمت تشویق نموده کم - به فروش خانه هایشان ن مایونر شده در عوض خانه های دو اطاقه و سه اطاقه خریداری نمایند.
البته شهر آقا نخواست تمام اپارتمانها و صاحبان آن را - افشاء کند زیرا به نظر او نگاه کردن راز در رهنمای معاملات یکی از کارهای بزرگ در دوران جنگ است.
شهر آقا به این حالها اکتفا نکرده در فروش تلفون، موتر، فرش و ظرف بعضی خانه ها - نیز تشبثات معقول و غیره - منقول مینماید. حالا از برکت او یک اپارتمان پنج اطاقه - مکرر بهان گش به دوصد و پنجاه لک تا بیشتر از آن رسیده است خودش میگوید: تا زمانیکه خریداران ساده فروشنده - کان هوشماری در اطراف و اکناف میخانه بین او وجود دارد شهر آقا در نماند.



تشریح روش شکن

روزی یک نرس با یک مریضی که تحت مراقبت وی قرار داشت در دلدل میگرد.
نرس رویه مریض کرده گفت: به همین زودی ها شما صحت یابید و خواهید شد و بعد از رفتن شما من در این جا چطور زنده گی کنم.
مریض گفت: عزیزم هیچ تشو - نش ممکن من هرگز صحت یاب نخواهم شد زیرا داکتر معالجم من و ترا در حال بودن دادن دیده است.
ار سالی عبدالصبور



میتا تو رنهای طیبی

- خنده های زهر لب و باور عشوه های پنهانی است.
- در صحنه خونی از نگاهها برنده هوس پال میزند.
- در خلوت خویش هر کس سلطان کشور خیال است.
- بعضی از مرگها یک عسر طول می کشند.
- بعضیها از آن چه دوست دارند فرار می کنند.
- مسولیت اکثر انسان است.
- انقلابیون هر برادر سلامت ها گستاخ اند.
- گاهی خود خواهی چاه صاف کن خود کشی می شود.
- بعضی از انسانها در زمستان زنده گی رویده اند.
- بعضیها ساختن خود را پیشه دیگران هدیه کرده اند.
- هیچ عاشقی در یاد معشوقه غریب نخواهد ماند.
- سرمایه هردلی تگتنبهای اوست.
- زمان شریقی است که هر قطره آن طعمی دارد.
- عشقهای واقعی در ره حال شکوفایی شوند.
- همسران همسر در همدیگر زنده گی می کنند.
- بعضی از خلوتها جمعیت آفرین می شوند.
- اختیار برای کسی که توان انتخاب ندارد گذشته است.
- سکوت هزار بنده ابهام است.
- عاشق و معشوق هر چه از هم بنوشند تشنه ترند.
- عاقل و غافل نمی شود.

نقاشی

شخصی به دیدن دوست نقاشی خود رفت و نقاشی در حال صحبت گفت: دلم میخواهد اول این اتاق را خوب سفید کنم و روی همه دیوارها نقاشی کنم. دوستش که خیلی شخص حماس بود گفت: بهتر است که اول نقاشی کنی و بعدا دیوارها را سفید کنی. -

در یکی از روزهای شنبه صبحگاهان بالای چوکی لم داده بودم و صفحه های روزنامه را از نظر میگذراندیم در این جریان عنوانی توجهم را به خود جلب کرد که واقعا از دیدن آن مبهور شدم و آن چنین بود که :

معروف اردو دست به اعتصاب نه خوردن غذا زده است . در حالت عادی اگر کسی می گفت که آقای شگفته یک شاعر معروف است ما دم را خنده می گرفت . یک آدمی را تصور کنید که - هم او در ادب - بیشتر از پنج یا شش شمر بی محتوا نباشد و او را شاعر مشهور بگویند . مجموع آنها - کسی که از شاعری چنین افترا دهد کف میگذرد از ده تا دوازده تجاوز نمیکرد . اینکه چی وقت و چگونه او از شهرت برخوردار شده بود ، برای من معمای اسرار آمیزی بود . به هر حال موضوعی که در لحظه کنونی مرا به شگفتی می آورد این بود که چی چیز آقای شگفته را - وادار ساخته تا به اعتصاب غذا دست بزند . شرح خبر مذکور چنین بود :

" آقای محمد علی شگفته ، شاعر معروف زبان اردو در - مقابل خانه صدراعظم - اعتصاب نه خوردن غذا دست زده است . او در مصاحبه می یازد خبرنگار را توضیح کرد که زمانی غذا نخواهد خورد که به همه جوانان هندوستان کار فراهم نگردد . او علاوه کرد که اگر اعتصاب به قیمت زنده گی او هم تمام شود ، به آن ادامه خواهد داد ."

متن کامل موضوع هنوز هم به تخیل آدمی می افزود . نخستین چیزی که باید به زودی معلوم میشد این بود که چگونگی شگفته نتیجه گیری کرد و دریافت که هر جوان هندوستانی می کار میکرد . سوال در اینجا - است که اگر همه کار دریافت میکردند باز سبزی فروش را

کی میکرد و یا سایر کارهای را کی انجام میداد . گذشته از این چرا آقای شگفته میخواستند به شمول آنها - بی که قبلا به وظایف شان مقرر شده اند در جستجوی کار برآمده است ؟

موضوع دیگری که مرا حسی بیشتر کنجگاو ساخت این بود که چگونه آدمی مثل شگفته که هیچ گاهی کاری را انجام نداد ، به چنین عملی دست میزند . آقای شگفته که قبلا چهار ساله گییش را - تکمیل کرده بود ، هیچ گاهی در زنده گی این کاری را انجام نداده بود . مردم میگفتند که او در سن هجده ساله گییش خانه اش را ترک گفت و در - چه متجوی کار برآمد . آنچه را در این زمان انجام داده بود کسی از آن خبر نداشت مگر یک چیز آشکار بود که او هیچ گاهی بعد از آنکه او را در کافی دیدم ، پشت کدوم کاری نگشته بود و در عوض راه خوب زنده گی کردن را یافته بود . او کسانی را همراهی می کرد که تمایل به شعر و شاعری نوع او را داشتند که به این طریق ماهوار بیست - رویه را از همه بی هواداران - نش جمع آوری میکرد . البته با گذشت زمان جمع او - همین مبلغ به وظیفه کامل او مبدل شد . او از ضربان قلبش می دانست که اگر به کاری هم گماشته شود ، نمیتواند بیشتر از دو صد رویه را به دست آورد .

باری من برایش وظیفه می دادم و دریافت کردم ، مگر بعد از یک ماه کار به تقاعد سوقش دادند . دلش این بود که آنچه را میتواند از رفقایش جمع آوری کند چو تلافی اضافی برای به دست آوردن آن میکرد . به این ترتیب آرام آرام شوه زنده گی او شکل دایمی را به خود گرفت . در هر ماه دو صد رویه را از دوستانش جمع آوری میکرد و علاوه بر آن اگر

کسی از او خوشش می آمد او را به سینما و یا نان شب نمیزد دعوت میکرد . گاهی هم بعضیها برایش یک جوره بوت و یا پتلون میخریدند . به این ترتیب آقای شگفته زنده گی آرام خود را ادا می میداد یگانه جهت نامناسب زنده گی او این بود که بعضا رفقای او را به سینما دعوت میکردند ؟ در - حالیکه او کسی میخواست و یا بعضا هم او را به نان شب دعوت میکردند . در حالیکه او به پتلون ضرورت داشت . شگفته هیچ گاهی در این مورد کدام احساس بدی ندا -

دست نخواهد زد . به هر حال علت موضوع باید دریابفت میگردید که چرا او به چنین کاری دست زده بود . در همین فکر بودم که ناخود آگاه با صدای بلند گفتم : " این خبر به کلی دروغ - است ."

خانم که برانروخته کسی یکبارگی ام را دیده بود و آنکه بداند در مورد کدام خبر حرف میزنم ، خاسر نشان - ساخت . در حالیکه قیمت خیر راست و دروغ یکسان است ، پس چرا روزنامه ها خبرهای دروغ را به چاپ میر -

شت و آن را از پیشرفتها پیش به حساب میگرد . بعضا او حالت فلهوفانه بی اختیار میگرد و با خود میگفت : " آنچه را آدم آرزو دارد ، در زنده گی به دست آورده - نمیتواند . حتی اگر منبع عاید به دست خود آدم هم باشد زنده گی من بهتر از دیگران است . زیرا حد اقل در - خدمت کسی خود قرار ندارم . یک آدمی که چنین نقطه نظر داشته باشد به آسانی میتواند بدون خوردن غذا زنده گی کند . مگر اوقصداه اعتصاب نه خوردن غذا

دست نخواهد زد . به هر حال علت موضوع باید دریابفت میگردید که چرا او به چنین کاری دست زده بود . در همین فکر بودم که ناخود آگاه با صدای بلند گفتم : " این خبر به کلی دروغ - است ."

خانم که برانروخته کسی یکبارگی ام را دیده بود و آنکه بداند در مورد کدام خبر حرف میزنم ، خاسر نشان - ساخت . در حالیکه قیمت خیر راست و دروغ یکسان است ، پس چرا روزنامه ها خبرهای دروغ را به چاپ میر -



سازند ؟ من در مقابل او چیزی - گفتمی ندا شتم ، مگر ایمن مساله هم حقیقت داشت که روزنامه ها خبر های مجلسی را به چاپ میروانند . کسی در همین جا به پایان نمیرسد بعضا چنان حرفهایی بگوش می رسد که از چاپ این نوع خبرها ، روزنامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور در روغن محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر

خواندم او به خاطر آورد که این همان شگفته است که چندین بار به مناسبت های مختلف در خانه ما نان مفت خورده است . من هم برایش گفتم که این همان شگفته است که جاکت پشمی مرا برای یک روز طلبی گرفته بود ، ولی آن را پس نداد و علقش را آمدن زمستان طاقت فرما وانمود کرد .

مگر حیف که آنچه به خانم گفتم تا نوری بالایش نکشد ؛ زیرا از گذشتن از صمیم قلب شگفته را به مثابه رهبر حقیقی خود پذیرفته بود . به نظر من

شگفته خوب نظر بینداز و واقعا آماده است که زنده گی اش را در راه دریافت کار برای هر جوان هندوستانی قربان کند . و باز هم خانم با گرمی شعار را سر داد که : " محمد علی شگفته ! زنده گی آنرا تکمیل کند من فریاد کشیدم : " زنده باد !"

در حالیکه حورت زده بودم دفعتا به خاطر آوردم که بهیچ وجه به یک آدم بیگانه زنده باد گفتم ام . به راستی که عقل احق بعد از وقوع حا -

" سکسنا " نیز مانند من از رفقای شگفته بود که برای پیشی بهست رویه میخواستند . آقای " سکسنا " در چای خانه جوار سون چای می نشستند از او پرسیدم : " چی میکنی ؟ " " من که با خانم بشاچره کر - ده می و در اینجا چای نوش جان میکنی ؟ " " من اینطور نیست . خا - نم در خانه نیست او رفقه تا مراتب احترام خود را به شگفته جان تقدیم دارد ."

دفعتا متوجه شدم که خبر آقای شگفته چقدر زود به اینجا رسیده است " سکسنا " نیز

بزرگواران

نوشته : ولیپ سنگه مترجم : ذبیح الله اسماعیل

مانند من کاملا گول خورده بود . او در حالیکه با من اندیشه اش را شریک می ساخت گفت : " یا اینکه این شگفته که به اعتصاب غذایی دست زده است شگفته مانیت و یا اینکه خبر دروغ است ."

زیر خسته پایش را بالای پای دیگر انداخته و در اندیشه فرو رفته بود . در اطرافش پلاکاردهایی نصب بود که بالای هر کدام شعاری نوشته شده بود .

" قافله ای که خواستهایم برآورده نشود از اعتصاب دست نمی کشم ."

" ما حق خود را خواهیم گرفت " و غیره و غیره . در حدود بیست تا بیست و پنج زن در قطاری نو بست گرفته بودند تا چشمهای شان از دیدن این مرد بزرگ روشن شود . در لحظه ای که شگفته جان ما را دید از زنان خوا -

هش به عمل آورد تا او را ببندد . رند که برای بدنی استراحت کند .

تا که مابه نزدیکی او رسیدیم زنها محل را ترک گفتند و ما به ملات کردنش آغاز کردیم . باز به چی نورنگی دست زده می ؟ تو در تمام زنده گی خود اقله یک کار را انجام نداده ای . مگر اکنون بسیاری دیگران کار میخواهی ! چنی فکر میکنی که صدراعظم کارها را در جیب خود نگاه داشته است . وقتیکه تو کار میخواهی او برایت میدهد ؟ کدام حزب برایت پول داده که به این کار دست میزنی ؟

برای شگفته مشکل بود ما را خاموش سازد و گفت : " رفقا برای من یک چانس بدهید لطفا گوش کنید که من چی میگویم ."

من برایش گفتم که بگو چنی میکنی ؟ تا به حال نتوانسته ای که اقله یک پول را بدست آری ؟

یکی برایت نان میدهد یکی برایت لباس میخرد یکی هم تو را به سینما میبرد و دیگری مشروبات الکولی برایت تعام - رف میکند . صدقانه بگو که چرا از روی جعل دست به اعتصاب غذایی زده ای ؟ " بقیه در صفحه ۸۴

دستان مقناطیسی

دخترکی را نشان میدادند که قدرت آنرا داشت تا با حرکات دست خود (بدون تماس بر آنها) اجسام فلزی را به حرکت آورد و تصمم گرفت تا این تجربه را با لای اعضای فاسیل خود انجام دهد. با تعجب زیاد متوجه شد که اجسام فلزی در قدرت همبسی مختلف اعضای بدن مارتای پنج ساله جذب می گردید. این تا "تورنمیتا" ضعیف در وجود پسر چهار ساله آنها نیز دیده شد.

در یکی دو دخترک متعلق صنف چهارم مکتب (تینا چانتوریا) از جمعی از پسران گرجستان، بعد از تماشای همچون پروگرام تلویزیونی خواست تا مطلب را با لای خود تجربه نماید. با کمال تعجب وی متوجه شد که قاشق، کاره و غیره اجسام فلزی بدستش جذب می گردید. بعد از نوبت آنورسید، آنرا نیز با قدرت خارق العاده جذب کرد. مادر دخترک میگوید که او بدین هیچگاه متوجه کدام استعداد فوق العاده دخترشان نشده بودند.

نویسنده کتاب (عجایب حیرت انگیز) چنین اظهار می کند: عجایب مورد قبول همگان وجود دارد اما توضیح قابل فهم همگان وجود ندارد. این اظهار نظر کاملاً به زندگی فعلی ما مطابقت دارد در حال حاضر در اکثران روان شناس در جهان مابانداری های مختلف تلویزیونی را در پی می و غیره همه را به تعجب می اندازد دخترک پنج ساله "مارتا ماروتا" اسکوتی در دهکده شورس و کرائین اتحاد شوروی توانایی این را دارد که با تماس دست خود درد سرد خود را رفع کند. ممکن است درباره ایوان کرده که هر طفل میتواند که با مالش (مان) درد سر کسی را آرام سازد فاسیل این طفل مطلب فوق را تا دیروزت. بلکه مطلب تصادفی فکری گردید بعد از متوجه شدند که با تماس دست دخترک در دندان نیز آرزین میزود. بعد از تماشای و صحبت با وی به جانب مقابل احساس خوشی و مسرت دست میداد. یک روز تصادفاً بدراین فاسیل که متوجه تماشا پروگرام تلویزیون بود در پروگرام



رژیم غذایی را دور سازید

از ازدواج فاسیلی نس باشد. از این بجاها میتوان بستند و این و سندی در ترنر اشاره کرد. هر داشت من از مطالبی که در پاسخ به سوال قبل فرمودید، این است که از مایشات گروهی برای تشخیص بجاها فاسیلی گروهی است و در ازدواجها فاسیلی ها نگران ابتلای فرزند به بجاها فاسیلی ژنی هستند و از بجاها فاسیلی گروهی را در این مورد به شما هشدار می کنند. اما در پسر نامه های تلویزیونی توصیه شده است که مردم قبل از ازدواج خود را با بررسی گروهی گروهی شوند و سپس به نامی که اغلب مراکز گروهی ژنتیک نیز برای مشوره های قبل از ازدواج فاسیلی آریا-پس گروهی توصیه می کنند. آیا به نظر شما این کار صحیح است؟

— غیر اصلاح صحیح نیست. همانطور که قبلاً گفتم و شما نیز آن را به درستی با این سوال مطرح کردید، ازدواج فاسیلی ها نس ابتلای فرزندان حاصل را به بجاها فاسیلی تک ژنی مغلوب افزایش می دهد و ژنهای محبوبه تنها در افراد سالم ناقل آنهاست. مثلاً زوجینی که برای مشوره قبل از ازدواج یا قبل از حاملگی به مشاور ژنتیک مراجعه می کنند، بلکه حتی در افراد مبتلا به بجاها فاسیلی ژنی نیز با بررسی گروهی تشخیص نس شوند. لذا بررسی گروهی نس تنها در این موارد قدرت تشخیص پیدا کرده بلکه با دادن اطمینان گاذب به بچه در صحنه (۲۸)

اسباب بیماری های ژنتیکی



اقتباس از مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران

آیا این نظر درست است که ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر عموی با پسر عموی به بیماری های ژنتیکی، بیشتر از خطر در ازدواج های فامیلی دیگر است؟

مربوط به ژنتیک پذیر نقد و خواهش من کنم به عنوان اولین سوال توضیح مختصری در مورد انواع بیماریهای ژنتیکی و نقش ازدواجهای فامیلی در آنها بفرمایند.

— بیماری های ژنتیکی شامل بیماریهای فاسیلی است که به طور کامل یا به درجاتی تحت تاثیر عوامل ژنتیکی به وجود می آیند. بیماریهای ژنتیکی را می توان به سه دسته بزرگ تقسیم نمود:

۱- بیماریهای تک ژنی: این بیماریها که هزاران نوزاد هر کدام تحت کنترل یک

ژن به وجود می آیند و به چهار گروه تقسیم می گردند:

الف - بیماریهای اتوزومال غالب.
ب - بیماریهای اتوزومال مغلوب.
ج - بیماریهای متصل به X غالب.
د - بیماریهای متصل به X مغلوب.

از میان این گروهها مجموع بیماریهای اتوزومال مغلوب کاملاً متاه تر از ازدواجهای فامیلی است و والدین مبتلای معمولاً سالم و ولی حامل ژن بیمار برای نطفه و مغلوب می باشند. به همین دلیل مهم ترین نگرانی مشاورین ژنتیک در ازدواج های فامیلی فامیلی فرزندان حاصل از اینگونه ازدواجها بیماریهای اتوزومال مغلوب است. مانند برخی از مغلوب لیتهای ذهنی و جسمی و نامتوازی.

۲- بیماریهای چند ژنی: این بیماریها تحت کنترل چندین ژن قرار دارند و ابتلای افراد به آنها نه تنها از وضعیت ژنتیکی آنهاست مبل به مقدار قابل ملاحظه ای متاه تر از عوامل محیطی نیز می باشند و به همین دلیل بهتر از دیگر انواع بجاها بیماریهای ژنتیکی قابل پیشگیری می باشند. مانند برخی از معلولتهای ذهنی ضعیف.

۳- بیماریها و ناهنجاریهای گروهی: این بیماریها بر اثر تغییر در تعداد و یا ساختمان کروموزومها به وجود می آیند و نسبت به موارد فوق به بخش نسبتاً کوچکی از بیماریهای ژنتیکی را در بر می آید تشکیل می دهند و پدیده آنها متاه تر

بهترین راه برای پیشگیری از تولد کودکان با نقایب ژنتیکی و آگاهی والدین و نسل جوان از چگونگی بروز این نقصها و انجام مشوره ها و اقدامات لازم قبل از تشکیل چنین و حتی قبل از ازدواج می باشد.

خوشبختانه اخیراً اطلاعات مردم در این زمینه تا حدی افزایش یافته است و ملی متاسفانه اعلام یک سری اطلاعات نادرست در بعضی از رسانه های گروهی از سوی افراد غیر متخصص و موجب ایجاد وحشت گاذب در میان مردم شده است و همین امر منجر به هجوم بی سبب خانوادها به مراکز محدود ژنتیک کشوریان شده است. لذا بر آن هستیم تا تعدادی از سوالاتی را که اغلب از سوی مردم مطرح می شود و متاسفانه پاسخهای نادرست و نقیض به این پرسشها داده شده است و با یکی از متخصصان ژنتیک کشوریان مطرح سازیم تا این شبهات و ابهام های بی مورد از ذهنان عمومی پاک گردد و جوانان بتوانند در مورد تشکیل خانوادها به راحتی تصمیم گیری کنند.

مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران این شماره را با یک دوگانه تخصصی مطرح نموده که در زمینه توجه شما را به پاسخ های دوگانه نورس میدهد. سوزند جلب بینایی. ضمن تشکر از اینکه قدرت ما را برای پاسخگویی به سوالات مردم در زمینه مسائل

زنده گی در مکروریا

وحیده از مکروریا سو :

زنده گی در اپارتمان های مکروریا ها تقریباً زنده گی مدرن است و از چندین سال بدینسو مردم ما عادت کردندند چس گو نه درین اپارتمان ها زیست نمایند اما گاهی عده از ساکنین آن بی مسولانه و بی توجه به این که در منزل پایین همسایه دیگری سکونت دارد کتا فت منازل شان را به پایین مهر یزند و آنها آنان گاهی به ایمن اندیشیده اند که زنده گی در اپارتمان مکروریا چنن نیست یا این که تا هنوز ندانسته اند چس گو نه خود را به چنن زندگی عیار سازند . در هر صورت از مسولین مجله سبارون میخواهم گزارش جالبی از پرابلم های ساکنین این محل تهیه نمایند .

اپارتمان ها و دکان های زها دی زینت یافته و تقریباً محل اساسی ترین فروش اجناس و سر لوجه داکتران و پرو نسران و سایر فروشنده گان همه سر لوجه های درشت لایراتوارهای شخصی نیز به چشم میخورد . لایراتوارها یکی هم چکا هسی نمیتوانند نتیجه دست داشته خود را به طور دقیق برای مرضی بی بضاعت دهند و آنها وزارت صحت عامه ازین دست مسوو لاین لایراتوارها آگاهی دارند که با اخذ بلندترین اجرت از مرضی و آن هم نتیجه بالمعکس را کف دست مرضی میگردانند خواهش میکنم مسولین این سطور را بخوانند و یک بار اگر هم شود سری به این لایرا توارها بزنند و ببینند که این ها سند چنن کار را در دست دارند ؟

لایراتوار شخصی یعنی چه ؟

جواد از کارته ۴ کابل

در صومر - سرك جاده میونس



از دهکده خبری
بیت

میزان افزایش احتمال ابتلای کودکان حاصل از یک ازدواج فامیلی به یک بیماری ژنتیکی اتوزیومال مغلوب نسبت به یک بیماری غیر فامیلی به عوامل متفاوتی مانند نسبت میزان خویشاوندی زوجین و سابقه آن بیمار ی در اقوام زوجین و شیوع آن بیماری در جامعه بستگی دارد . فامیلی توان گفت که ازدواج فامیلی نسبت به ازدواج غیر فامیلی احتمال و در صد ابتلای فرزندان حاصلی را به بیمار نهایی ژنی اتوزیومال مغلوب چند برابر افزایش می دهد . بنابراین بطور کلی احتمال ابتلای فرزند یک زوج خویشا وند نزدیک به بیمار نهایی ژنتیکی در حدود درصد است .
 در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی یکی از متخصصین گفته است که خطر و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر کا کا - پسر کا کا به بیمار نهایی ژنتیکی بهقدر از خطر و شدت و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج ها بعد دختر خاله و پسر خاله است . ممکن است در این مورد نیز نظر تان را بفرمایید .
 - اصلاح چنهین نیست و بطور کلی تا شهر ازدواجهای فامیلی ، دختر کا کا - پسر کا کا دختر خاله - پسر خاله و دختر عمه - پسر مامو و دختر ماما - پسر عمه بر افزایش شیوع بیمار نهایی اتوزیومال مغلوب بر اوست و این اعتقاد که تا شهر منفی ازدواج دختر کا کا و پسر کا کا بیشتر از تا شهر منفی دختر خاله و پسر خاله است و ممکن است تا شهر

یکی از دکتران گفته اند که ۹۰ درصد فرزندان حاصل از ازدواجهای خویشاوندی نزدیک دچار نقص ژنتیکی می شوند و در برنامه های دیگر یک دکتر دیگر گفته است که ۱۰۰ درصد فرزندان ناشی از ازدواجهای خویشاوندی دیر یا زود به نوعی نقص ژنتیکی مبتلا خواهند شد . نظر شما در مورد این در صدها و ایمنی ارقام چیست ؟
 - این ارقام اصلاح درست نیست و آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک طبی کافی است که قادر رستی این ارقام می برد . البته شاید نیازی هم به آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک نباشد ، بلکه تنها توجه به فرزندان اقوام و آشنایانی که ازدواج خویشاوندی نزدیک کرده اند کافی است که بی هیچم اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشا وندی سالم می باشند . البته برودیدا - نستن ارقام فوق و ذکر این واقعیت که اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشا وند میباشند ، مبتلا به نقص ژنتیکی نمیشوند . نباید ما را از این واقعیتها قائل کند که اولاً ازدواج خویشاوندی شانس ابتلای فرزندان حاصل را به بیمار نهایی اتوزیومال مغلوب چندین برابر می کند . و ثانیاً اغلب مبتلایان به بیمار نهایی ژنتیکی اتوزیومال مغلوب حاصل از ازدواجهای خویشاوندی می باشند .

اسباب بیماری های ۱۰۰

دختر و پسر خویشاوندی که شاید در خواب این اطمنان کاذب با یکدیگر ازدواج نمى کردند ، موجب تصمیم آنها به ازدواج با یکدیگر می شود . چون در موارد محتملی از اینگونه ازدواجها ممکن است فرزندان معلول به وجود آید ، لذا بررسی کروموزوم زوسی را نباید در مواردی که افراد نگران بیمار نهایی غیر کروموزومیس ، مثلاً بیمار نهایی تک ژنی هستند به کار گرفت .
 در موارد زیادی جوانان در واکنش به مطالبی که رادیو و یا تلویزیون در مورد مشوره ژنتیک و آرایش کروموزوم قبل از ازدواج فامیلی توصیه کرده است به مراکز ژنتیک مراجعه می کنند و فقط به دلیل فوق تقاضای آرایش کروموزوم می کنند . در این موارد مشاورین ژنتیک می بایست طبق علم خود عمل کنند و به خاطر بی اطلاعی یا دلخواهی مردم اندام به بررسی کروموزوم آنها نکنند . زیرا این اقدام علاوه بر تحویل هزینه های کلان می مورد به خانواده ها موجب اطمنان کاذب آنها به سلاتی فرزندانشان خواهد شد و نهایتاً در مراکز ژنتیک را طولانی تر می کند .
 در یکی دیگر از برنامه های تلویزیون

مباحث شهر

را توسعه دهید

سیا وون گون

خود را از دست ندهید
و این مسوولین با تشکر قیمت
بجای خواننده خود را واقعی
سازند.

قیام های سفید

را معرفی کنید

خفته هاشمی و کیهانطایی از
وزارت معارف و اوقاف
از مدت نسبت که مجله کمتر
مطالبی زیر عنوان "فرهنگ گناه"
های طبعی که خوب خواننده
در کشورها بیشتر یافت می شود
به نشر می رساند و با فایده هم
هیچ نشر نمی کند بلکه "ز"
قران بهایز راه صواب بسیار
آموزنده و طرف توجه است
آرزو دارم ادا به بیاید.

خبر محمد از نظارت و کنترل
پستی وزارت معارف و اوقاف
من علاقه زیاد به اشعار
دارم و نظیر این است که
اشعار کلاسیک صفحه جداگانه
و اشعار نهای با نوبه صفحه
جداگانه اقبال چاپ باید تا
هر بخش صفحه مشخص خود را
داشته باشد در هر صورت
فعلات تنها قیمت مجله قابل
بحث است که خواننده گان مجله
به طور عام و مخصوصاً
معلمان و کارمندان دولت
استند. بلند رفتن قیمت مجله
مانند نرخ مواد اولیه دلچسپی

— صفحه زیر عنوان "بهرگرازی"
دانشندان و شخصیت های
برجسته کشور و حادثات زندگی
کسی شان ایجاد شود و ماه
نامه سیا وون در آینده به یک
سالنامه تبدیل شود و تا آنجا
نواده ها بتوانند از یک بار
خوانشگر را خواننده دایمی
آن شوند.

قیمت مجله قابل بحث است

عبد الحمید نبی زاده مسوول
شعبه جوانان کتابخانه عامه
— تناسب حافظ مجله به
صورت دقیق و منظم در نظر
گرفته شود.
— به سلسله نشر گفت و شنود
های هنر تئاتر، موسیقی و
شطرنج گفت و شنودی نهی
در مورد نقاشی و خطاطی و
مناسبتی با پیش گامان این
رشته ها تهیه گردد.
— از آن جای که آگاهی دارم
تعداد زیاد خواننده گان
شماره اول سال اول سیا وون
را ندارند امید شماره اول
تجدید چاپ شود.

بقیه از صفحه (۳۹)

بها لزا که می گفت (بالزاک ترکیب فرشته و شیطان است صفات
مردانگی دارد. ولی اخلاقش به حدی است که نمی توان
لحظه بمقابل آن تحمل کرد او ایجاد گر بزرگ و هنرمند بی مثال
است. ولی بی مبالاتی اش به هنرش لحظه مزینه من هم عاشق
او می شامم و هم دشمن او. لحظه می باشد که میخواهم او را در قلب
خود جای دهم و موقعی برسد که اگر تصاب او را بندازند جدا
کند من از تسلیخ اولادت خواهم برد (۱۰)
خانم روز سانه که مانند مهتاب شب چارده برد امن پاریس می بردن
خشیده با پیوسته شدن او مانند فانوسیک در اخرویش رویه خاموشی
می رود آهسته آهسته آرام وی صدا می خورد بد (۱۰)
دهه ششم قرن نوزدهم مصادف با روزهای پیری این خانم
که روزی غمگین و حزین در پاریس ولوله می ماند اخت مصادف بود
از آنسوی کرانه های اوقیانوس آوازه های دموکراسی امریکا
می رسید از ابراهام لیکن قصه می شناسید و از ناز
و نوازش نویسنده کتاب (کلیه صورت) که رئیس
جمهور موقع مراسم سوگند ریاست جمهوری در جلوی انجمن
گذاشته گرفته بود که به ستم های که درین کتاب درج است خاتمه
خواهد داد. روز سانه را تحریک می کرد تا باقی زندگی خود را
در آن دنیا بگذراند (امریکا) به سرساند. ولی در پاریس
او را جان زنجیر می کرده بود تا این آرزوی سرور
او روزهای پراشید پاریس را در سر سفیدی با چشمان پسر
اشک تماشا کرد. او پیری های پاریس را آهسته از خون جوانان
به چشم سرد به و این آتشگر بیت شکن روزی که سگرت برگ پسر
لب می گذاشت چشم از جهان پوشید و آن سگرت به منم فرانسه
انتقال یافت.
سال مرگ این هنر آفرین ۱۸۷۶ بود و نویسنده پسر
الیزابت بارت برننگ در وصفش گفته
(نخستین زن ناپخته همه ساله و همه قرون و اعمار)

بها لزا که می گفت

از این تصور اشتباه باشد که مردان زنیهای
اتو زویال بیشتر یا موثرتری از زنان دارند
با توجه به مطالب فوق همین سوال پیش
می آید که چرا از یک رمانت به هم میوسی
یعنی تلویز بین چنین اطلاعات نادرستی
به مردم داده می شود؟ و ثمر این پند
آموزها چیست؟
— قسمت اول این سوال را مسوولین تلویز
بین و دیگران می توانند پاسخ دهند اما
در مورد قسمت دوم این سوال یعنی نشر
این پند آموزها همین نقطه به چند مورد که
مشخصاً زیاد با آنها برخورد کرده ام
اشاره می کنم.
۱- نگرانی اضطراب و وحشت زبانی در
زوجهین خوب خواننده حتی در آنهایی که
با رای چندین نوزند سالم و با هوای
هستند و دیگر قصد تولد مثل ندارند
پیش می آید.
۲- بعضی افراد اقدام به جدا شدن از
همسر خود نموده زیرا تصور می کنند مسا
بهانه می آورند که نوزندان آنها در این
ازدواج به احتمال ۶۰ درصد با حسی
۱۰۰ درصد ناقص خواهد شد.
۳- بعضی خانها اقدام به سقط جنین
های خود می نمایند زیرا تصور می کنند
چون با شوهر شان خوب خواننده نزدیک
هستند همچون آنها حتماً ناقص و معلول
است.

ماترنا

درباره سر نوشت و سرگ

میگویند همانطوریکه ماما شوخک در نوشتن مطالب طنز و تکانی مدین و عصری استعداد خاصی دارد به همان اندازه دپوسه شناسی هم دارای معلومات گاه فی میفاد . بنابراین درین شماره در مورد بوسه که بازاریابی گرم است سوالات خود را ترتیب نموده و از ماما شوخک خواهش کردیم تا سوالات ما را جواب بگویند .

این مساو این ماما شوخک شوخی انهن تان .

س : بوسه چیست ؟ چه وقت و در کجا اختراع شد ؟

اولین بوسه در کجا و توسط کدام شخص صورت گرفت و - پیامت اولیه بوسه چی بود ؟

ج : گرچه دانشندان و پژوهشگران بوسه شناسی در مورد بوسه تعریف های مختلفی نیوده اند که در تعریف نظر به وضع جغرافیایی و شرایط فرهنگ و کلتور هر جامعه فرق میکند اما جامع ترین تعریف بوسه که دیوان شعرا آن را هم تایید میکنند چنین است :



اولین روز و سینه
زبان را راج

اما " اوید " نویسنده مصر - وف روم باستان درباره اختراع بوسه داستان جالبی دارد که خلاصه آن ذیلا تقدیم میشود .

" در شهر روم باستان سرد پهنه دوزی بود که زن زبانش را داشت مگر زن او اخلاق خوش نداشت و همیشه شوهرش را با زخم زبان هر حرفی و انتقادات نابجا بی جهت سرزنش میکرد . یک شب که پهنه دوز از زخم زبان زنش به ستوه آمد باختم فراوان از جایش برخاست دستهایش را محکم گرفت و لبهایش روی لبانش گذاشت تا دهانش را ببندد . اما نسل گهان زنیش عیوش شد و با کمال حسرت دید که خشمش بکلی از بین رفت .

رتبیکه مرد لبهاش را از زبان زنش برداشت حیرتش چندین برابر شد اخلاق زنش بکلی عوض شد . زن لجاج و پرخاش گسر نبود بلکه به یک زن محسوب و کم حرف و مهربان تغییر کرد . زن با ملامت و مهربانی از شوهرش التماس میکرد که تماس لبهایش را تکرار کند .

بدینوسیله اولین بار بوسه به وجود آمد .

از آن پس مرد پهنه دوز و زنی خود را از خوشبختی ترین زن و مرد دنیا احساس میکردند .

اما این خوشبختی طولی نکشید . پهنه دوز بجز این اختراع به دادگاه کشیده شد و سر انجام بحکم قاضی دادگاه به سیه حال انداخته شد . او هم مانند دیگر مخترعین و مبتکرین به ذلت و فقر و بدبختی جان سپرد .

س : بوسه در کشور ما چه وقت بوجود آمد و اولتر کدام طبقه از آن پیروی کردند ؟

ج : بوسه در کشور ما سابقه طولانی دارد اما نه به این مورد امروزی .

مثلا - دست بوسی پدر و مادر و دیگر بزرگان و استادان نمونه با رزی از احترام به بزرگان محسوب شده و بوسیدن روی کودکان در ردیف شفقت به کودکان به شمار می آید که از جایب اخلاق حسنه اسلامی مردم ما یاد میشود اما رهیوسی مروج فعلی با آن متفاوت است .

اولتر روی بوسی یکدیگر بین زنان رایج شد ، و بعد بین جوانان و نوجوانان . سناریوی شیوع بوسه مت مگر با ایجاد تلویزیون و نمایش فیلمهای غریبی این مرض در بین کهن سالان شهری هم سرایت کرد اما اطرافیان بوسه سپدن روی یکدیگر را عمل مخصوص زنانی می بینند .

گذشت بوسه پاسخ میدهد



ج : هدف آنها از بوسه جلب توجه جوانان است که طرز بوسه مخصوصا " بوسه های غریبی را درک نکرده اند به عقیده بعضی دکتران طب در هر بوسه لب از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ میکروب از یک وجود بوجود دیگر انتقال پذیر است . هرگاه آنها ضرر بوسه را نفهمیدند تا نام بوسه را در علم نخواستند گذاشت .

بوسی آمدن این سه نوع بوسه از وظیفه چاپلوانان محسوب میگردد .

س : بوسه از نظر شما یعنی چه ؟

ج : در برابر کودکان ابراز شفقت و در برابر جوانان ابراز محبت ، در برابر پسران ابراز احترام میباشد .

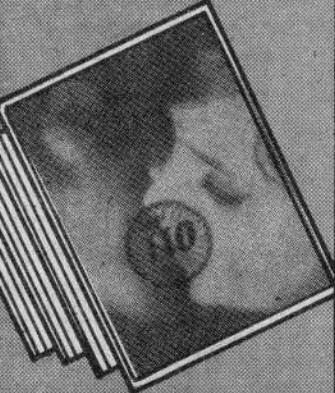
س : برای آن عده از علم ساوان که صحنه های فلم را مطالعه میکنند بوسه میسازند توصیه شما چیست ؟

س : اگر بوسه نیل بود دخترها و زن ها چی میکردند ؟

ج : در انصورت بنظر تبارز - صحبت یک دیگر را به چند کس حق به دندان گزیدن نوازش میکردند .

س : چه کم که کس ما را بوسد اما مجاز میدانند که در صورت خود پیوسیم لطفا ما را بوسید ؟

ج : ترک عادت موجب مرض است کسی که به بوسیدن تان عادت کرده باشد محالست که آنرا ترک کند حتی به نوشتن لوحه هم .



بوسه ای که در دست است
بوسه ای که در دست است
بوسه ای که در دست است

هد و میسود و علت انتقال میکروب آن بوسه های چسبیده لب به لب آنهاست برای مدت طولانی میباشد که در غرب مروج است .

در کشور ما بوسه هم تنها بقی بوده فقط گونه ها چند بارها هم تماس میکنند که بعضی مردم بنام بوسه های زنانه ای یاد میشود به آنهاهم توصیه اینست که توصیه ماما می بوسد شان را در حافظه شما سنجاق نمایند .

۱- اطفال را بوسید که بر علاوه انتقال مرض با اصطلاح " گنده بغل " او به بوسه دادن عادت میکند .

۲- جوانان را بوسید که طراوت و رخسارشان از این مسرود روی شان لکه پیدا میکند .

۳- اگر محل دایمته باغیهد تا بتوانند کهن سالان را بوسد . اگر مرض ایدس هم داشته باشید در صورت - فر با آنها کمک میکند .

س : بعضی ها تصور میکنند که بوسیدن روی رئیس مو " مسه چاپلوسی محسوب میگردد نظر شما چیست ؟

ج : به عقیده من بوسیدن روی رئیس به هیچ صورت چاپلوسی نیست زیرا در کتاب چهارب - لغرایب ما ماموشک دست بوسی - پای بوسی - چای -

س : درین روز ها چرا با زار بوسه گرم است باهر کس صافه کنی روین را برای بوسیدن پیش میکند ، ولو عرق آلود هم باشد ؟

ج : چون تابستان است از برکت هوای گرم نه تنها بازار بوسه بلکه بازار احتکار ، تقلب اختلاس و تزویر و تظاهر رشوت و کسبه بری همه چیز گرم است .

چون بوسه اقسام مختلف دارد از قبیل بوسه بی صدا - بوسه صد اداری - بوسه تعفند انبوسه - تبسم داره - بوسه ناز داره - بوسه ست - بوسه داره - بوسه سیا - سی و بوسه های بوسه دزدی .

بنابراین بوسه ای که از روی عرق آلود گرفته میشود بوسه تعفن دار میکنند .

س : میکنند یکی از عوامل صراحت مرض ایدس از طریق بوسیدن میسر است یا نه ؟

هر زاده های خود چه گفتی دارید ؟

ج : اگرچه خودم با مرض ایدس کدام پیوند قریبت و خویشاوندی ندارم ولی بعضی دوکتوران طب که بان آشنایی دارند چنین میکنند . ولی تا جاییکه من معلومات دارم مرض ایدس مرض سرمایه دار نیست که بیشتر در کشورهای سرمایه داری میباشد .

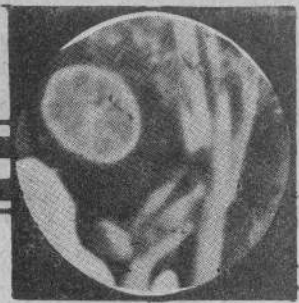


پکوره لوبیا



طرز تهیه :
لوبیا را جوش داده و از مابین تهر کنید و پیاز را ریزه ریزه کرده و سرخ نمایید یک قاشق آرد بالای پیاز انداخته شور دهید تا خوب بظبط شود و مدت پنج دقیقه گذاشته تا پنخته شود بالای این مواد لوبیاها هتخم ه در قاشق آرد هتخم و مرغ سیاه هم به آن اضافه کنید و آن را خوب مخلوط نماید.
از مواد آماده شده به اندازه زه کلچه های خورد گرفته در بین نان قاق میده شده الوده کنید بعد در روغن آن را سرخ نموده و بعد از آن که آماده شد با سالاد نوش جان نمایید.

مواد لازم : روغن ه شکر ه پیاز ه تخم ه آرد ترمیده ه نمک ه مرغ سیاه ه نان قاق میده شده و لوبیا ه



غذای تخم کبوتر و مفید داشته باشید برای خود

دلمه بادنجان سیاه



طرز تهیه :
گوشت ه پیاز ه دودانه مرغ تازه ه نیم پاد نجان روس را از ماشین بکشید ه مغز پاد نجان هارا خالی نموده پاک بشویید و علیحده بگذا رید . کوفته و مواد مخلوط شده آن را روی آتش زینا منقل بگذا رید تا آب خود را خشک کند مرغ را چند ساعت قبل سر کرده با گوشت مخلوط نموده بگذا رید تا با گوشت بجوشد تا این که به سر روغن آید بعد با قاشق خورد در بین پادنجان ها بر نایید .

- ۱- دو پاو گوشت سرخی
- ۲- ده دانه پادنجان سیاه
- ۳- سه پاو پادنجان روس
- ۴- نیم خورد مرغ پانک
- ۵- یک قاشق نانخوری مرغ سیاه
- ۶- پنج دانه مرغ تازه
- ۷- شش دانه سر
- ۸- نیم پاو روغن
- ۹- نمک چیده کی یک گلاس
- ۱۰- نمک به قدر ضرورت
- ۱۱- دودانه پیاز کلان



ملت

شما میتوانید خودتان در منزلتان ماست سالم و صحتی و از آن تهیه کنید . یک لیتر شیر را روی حرارت ملایم قرار بدهید تا جوش بیاید ولی نگذارید کف کند . ظرف را از روی حرارت بردارید و بگذارید تا درجه حرارت به ۱۰۵ تا ۱۱۰ درجه فارنهایت برسد . درین درجه یک قطره شیر را روی قسمت میخ بچکانید تا از مناسب بودن آن برای مایه کردن مطمئن شوید و یا اینکه انگشت کوچکتانرا داخل ظرف شیر فرو برید و تله ده بشمارید در صورتیکه سوزان نباشد آماده است . سپس دو قاشق غذا خوری ماست تازه به شیر اضافه کنید . آنگاه ظرف را بگذارید و حداقل برای پنج تا ده دقیقه آنرا از جای بترکانند بدهید . بعد از آنرا با پارچه بی بسوزانید تا ماست کاملاً ببندد بعد از حد اقل ۱۲ ساعت ظرف ماست را در محل سرد بگذارید تا آماده خوردن شود .

گشنیز صرف کنید اما

اگر از بوی بد دهان رنج میبرید از گشنیز استفاده کنید . یکی از سبزی های مفید که در تابستان و هم در زمستان بسیار یافت میشود که مصرف غذایی و هم مصرف دوائی دارد . گشنیز است که مورد توجه دانشمندان قدیم بوده و برای امراض قلبی توصیه میشده تا با غذای خود کمی گشنیز صرف نمایند . گشنیز از بالا رفتن بخار معده به طرف سر جلوگیری کرده و غذا را مدتی در معده متوقف میسازد و باید از این خاصیت برای معالجه اسهال و سرم شدن امعاء استفاده کرد . گشنیز گیاهی است علفی که ارتفاع آن ۱۴ تا ۲۰ سانتی متر است و در صورتیکه در طول ساقه که منقسم به رشته های باریک است و دیگری در قاعده که منقسم به قطعاتی یا بریدگی های کم عمق میباشد گل های آن کوچک و چتری مانند به رنگ های سفید یا صورتی است چتر های فیض آن را زاید در پایه خود میباشد و ولی چتر اصلی چتر زاید ندارد . شوره آن که به غلط آن را تخم گشنیز میگویند گرد بوده و دارای دو خانه و دارای دو حبه به هم متصل میباشد . گشنیز دارای ۷/۵ درصد آسنتین و ۱۲ درصد پروتئین است .

دلمه پیزید

ساخته در باره پختن دلمه معلومات دارید . ما برایتان در باره یک نوع دیگر دلمه که با سبزیجات فصلی آماده میشود معلومات میدهم . البته تناسب مقدار گوشت ه ترکاری ه سبزیجات روغن ه آب و نمک را شما میتوانید بر اساس تجارب آشپزی در نظر بگیرید . کچالورا پوست کرده و مغز آنرا توسط یک کارد نوکساز بکاوید و بعداً درون آنرا با گوشت کوفته شده که دارای مرغ و مساله میباشد بر سازید . پادنجان روس نسبتاً سخت را نیز گرفته بعد از شستن توسط شکافتن یک قسمت آن بگالی سازید و درون آنرا با گوشت کوفته شده بر سازید . کدو و مرغ و پادنجان سیاه کوچک که برای ترشی استفاده میشود نیز به همین ترتیب خالی شده و با گوشت پر ساخته شود . طرز پختن : میده های کچالو و روس و کدو را در روی دیگ

چوبک نمکی

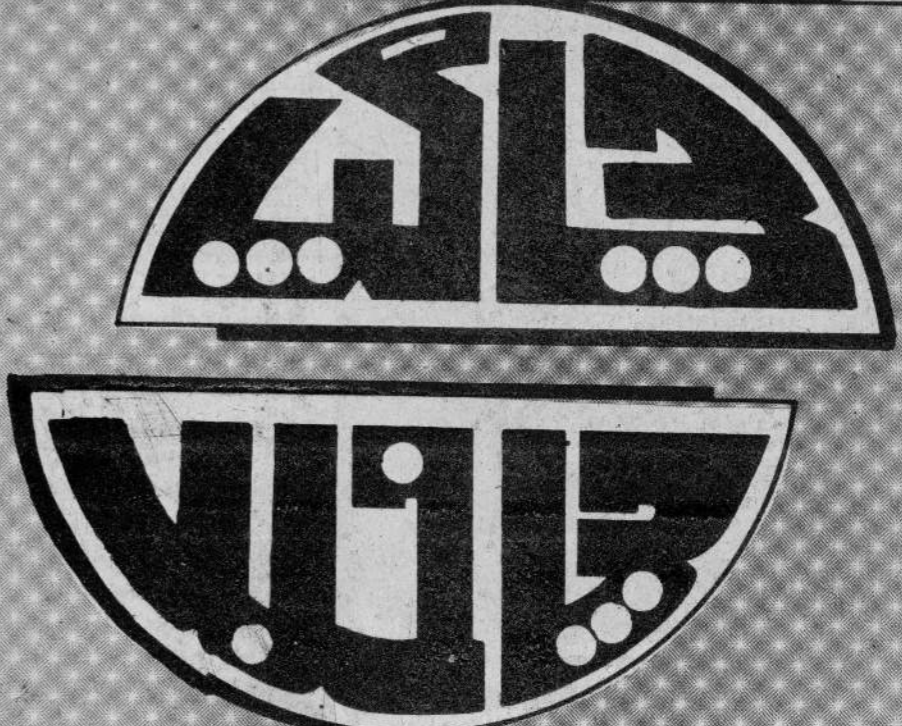
لازم :
دو گلاس آرد ترمیده ه یک دانه تخم ه چار قاشق نمک ه نخوری روغن یک قاشق چای ه نخوری پولی ه نمک و مرغ سیاه به قدر ضرورت .
طرز تهیه :
ابتدا آرد ه روغن و پولی و نمک را خوب مخلوط نمایید بعد از آن تخم را بالای آن بپانندازید و همراهِ آب شکر گرم خمیر کنید . خمیر نه بسیار نرم و نه بسیار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه شده یک یک ضغاله گرفته آنرا از درجه های یک و دو ه سه ماشین بکشید و به اندازه یک پلست قطع نمایید بعد از آن از خانه ماشین بکوشی کشیده و به دوطرف آن را مرغ بدهید وقتی که تمام خمیرها تهیه شد در یک ظرف روغن به قدر ضرورت انداخته خمیرهای مذکور را سرخ نمایید اگر میخواهید زیاد نمک باشد وقتی که از گرم خمیر کتبه بپانندازید و همراهِ آب شکر گرم خمیر تهیه سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه

سری دیوی مراد به سینما کسانند



داشت خوش اند و منو کردم
که میترام من هم در فلم های
افغانی کار کنم
- تا حال هر زمان خود
را چگونه ارزیابی می کنید ؟
- هنوز میترام چیزی
بگویم ولی به آینده امید
دارم. هر وقت شاید بتوانم روزی
به بریفیت های بزرگ برسم
در فلم الماس سیاه نقش داده
دارم و توانستم خوب بازی کنم
و همین اولین آزمون مرا امید
دار به آینده میازد
نقشه در صفحه (۸۴)

سینما را محبت ملت بسرا می
خردم انتخاب نمایم
- تا حال در کدام فلما ظاهر
نده اید ؟
- در فلم سایه نقش کوچکی
داشتم در سریال دکویدی زوی
هم نقش دارم ولی اولین
فلم من الماس سیاه است که
تا هنوز زوی بردن نیامده است
- کدام فلم افغانی مورد توجه
نما قرار گرفته شما را به کسار
در سینما تشویق کرد ؟
- فلم 'مرار' سزوه برداخت
آن سخت مورد دلچسپی ام قرار
گرفت از نقش که عادلانه آن بیس



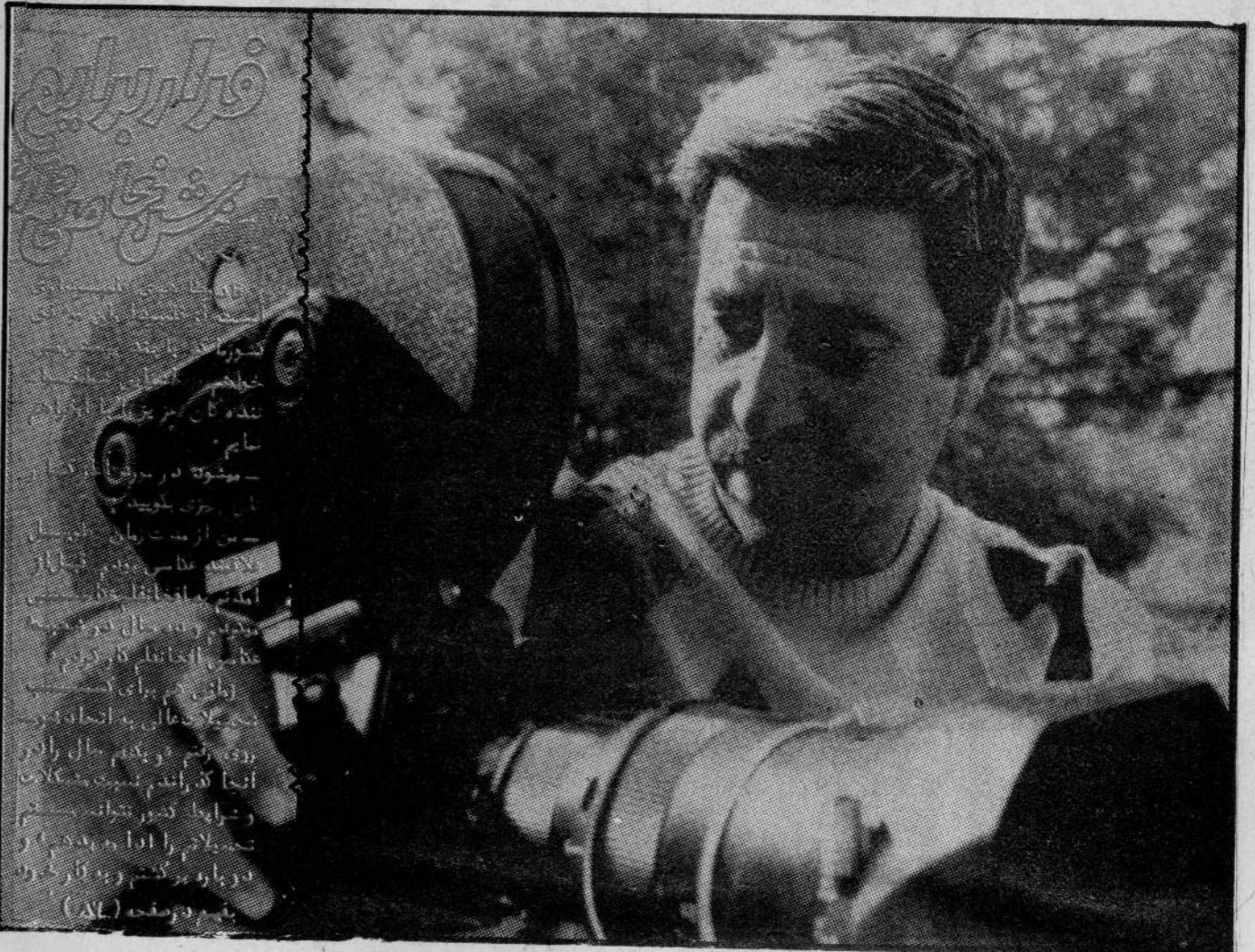
باد پتان چهره بشاسر لیا ن
پر خنده نسیمه سیاهی یک
مخاره سینمای راد برابرس
خودم، با بیم آورد ختر سینما
و خوش برخورد است یکسال
میشود که به سینما آورده تا
صفت هم مکتب درس خوانده
در رشته سینما تخصصیات سلنر
ندارد خواستم از زبان خود ش
بدانید که چگونه به سینما
رو آورده است ؟
- شوق و علاقه مراوان به فلم
های هنری داشتم مخصوصاً
فلم های سری دیوی را پس
کیور را زیاد دیدم و خواستم



فواد رامز با آهنگهای جدیدش به تاجکستان میرود

ما برایش موفقیت پس پایان آرزو
نمود ما امیدواریم اجرا یکسرتهای
مشهاره آورد های خوب بکنند و
برگردند
فراموش نباید نمود که فواد رامز
در این روزها کسرت جدید
تلویزیونی را روی دست
دارد که حاوی پنج پارچه
آهنگ جدید خواهد بود

سفری داشت ضمن بازگشت
به کشور مدت یکماه به دعوت
اتحادیه هنرمندان تاجکستان
شوروی کسرتی را در آن جا
اجرا نمود
قسمتیکه خبر شدیم در این روز
ها نیز فواد رامز از طرف
اتحادیه هنرمندان تاجکستان
اتحاد شوروی به منظور اجرای
کسرت دعوت گردید



فواد رامز
به تاجکستان
میرود
فواد رامز هنرمند جوان
و خوش صدای کشور که چندی
پیش به کشور چکو تلوکوا کس

تازه گامی دانش

خوردن صبحانه

نتایج یک پژوهش دانسته دار طبع نشان می دهد که صبحانه خوردن باعث افزای پش میزان چسبندگی خون و کندی جریان آن و در نتیجه سبکته های قلبی ناگهانی می شود .

مجله اخبار علمی در آخرین شماره خود نوشت تحقیقات دانه دا رخايم داکتر " ناتا کيفکيا " متخصص کار دیواروی در مرکز طبی پوهنتون نوسو فنلند و داکتر " مود مسمد جعفری " متخصص کار دیواروی مرکز قلب شفاخانه " هنری فورده " در شهر " دیترویت " نشان داده است میزان پش شتون پتاسیوم جی " که در طول

ساعات شب در خون موجود در رگها کاهش می باید بلا فاصله بعد از بیدار شدن انسان تا ۳۰ درصد افزایش یافته و باعث چسبندگی و غلظت خون بشود .

به نوشته این نشریه درصو رتیکه شخص به صرف صبحانه بهادرت ورژن میزان " پروشمن پتاسیوم جی " در خون کاهش می باید ولذا خون با سهولت بیشتری در رگها و در قلب جریانی می باید .

تحقیقات انجام شده نشان داده است علت اینکه اکثر سبکته های قلبی در ساعات صبح بوقوع می پیوندد به بالا بودن میزان " پروشمن پتاسیوم جی " در خون است .

اعضای ارگسترهای موسیقی و پیانو نوازین

نشریه ای طبی چرا پشمر از هر دو عضو ارگسترهای موسیقی یک نفر دچار اختلالات شده است . در این مقاله ارگستر سفینی سلطنتی دنمارک در اثر آزمایشات که در مورد اختلالات شنوایی تا حدود ۳۰ درصد از این گروه محدود ۱۳۰۰ اشغال در شنوایی هنگام گفتگو عادی بسیار ناراحتی گنگر اند . پس از هر برنامه اعضا ارگستر سفینی دچار سردرد و سرگیجه و پشردن صدادر گوشان می شوند .



یک گروه محقق در بخش تولیدات حیوانی در استرالیا موفق شد پرورش جدیدی کشف کند که به کمک آن پشم گوسفندان را به جای چیدن با تزریق امول از بدن آنها جدا سازد .

این ماده تزریقی که به کمک متخصص ژنتیک و به صورت منتز تهیه میشود عامل رشد " ایپدوم " نام دارد که می توان آن را در غدد بزاقی موش ماده یاقت ظرف ۲۴ ساعت از تکثیر سلول های بی که رشته های پشم را تشکیل می دهند

پشم گوسفندان را با تزریق جدا سازی

جلوگیری می کند و ضعیف الهاف جدید تولید شده را به بیرون می راند . گرچه هنوز حیطه اثر بخش این دارو کاملاً مشخص نشده است لیکن در گوسفندان باردار باعث سقط جنین می شود .

این خبر حاکیست که ۴ تا ۶ هفته پس از تزریق ماده پشم ها از پوست گوسفند جدا و بدن او کاملاً برهنه می شود . استرالیا نزدیک به یکصد میلیون رأس گوسفند مرغوس دارد و

چیدن هر رأس آنها ۱/۲ دلار مصرف در بر دارد از نظر زمانی نیز با روش جاری چیدن پشم حداکثر ۱۲۰ رأس گوسفند در روز امکان پذیر است در حالیکه با روش جدید به لوزیک می توان آنرا به ۳۰۰ رأس افزایش داد .

حمام سونا و کاهشی فن

فعالیت در آب انتخاب فشار

فشار ملایمی که آب به بدن وارد می کند، هم در تسهیل گردش خون، هم ماساژ آرام بدن مؤثر بود. و درد های جسمی را رفع می کند. شکی نیست که ورزشهای طولانی برای سلامتی بدن مفید بود؛ تراست. اما این ادعا در مورد بعضی هاستدی نمی کند. مثلاً خانمهای حامله، افراد مسن و اشخاصی که از آرتروز ویا آسمهای بدنی رنج می برند، از این اثرات مفید بهره مند نیستند. پس چاره این گروه که تعدادشان کم هم نیست چیست؟
توانند باشند؟ پاسخ این سؤال یک کلمه و آن "استخر" است.

آب ۰ فیصد وزن بدن را نگاه میدارد و فشار زیادی به فرد (از نظر وزن) وارد نمیشود. درحالیکه فواید بسیار در ورزشهای طولانی نیز، عاید وی می گردد. آب که در بدن را فرا می گیرد، فشار ملایم و ثابتی را به آن وارد میکند. این فشار هم گردش خون را تحریک می کند و هم اینکه مویجهایی که نقش یک ماساژ ملایم را ایفا میکنند، آرام و درد های جسمی را از آن مهزدایند.

لور - لی، که در نوبل پورک بقیه در صفحه (۸۵)

پوست جریان می یابد که بنوی به خود کار اضافی قلب را می طلبد. خصوصاً تمرین یا ماساژ در این محیط خطرناک است چرا که وظیفه قلب در جریان گردش خون برای رساندن خون به عضلات و پوست دو برابر می شود. ماساژ در سونا در یک ناحیه محدود بوده و به عرق اجازه تیخیر نمی دهد، و بخاطر فشار گرما به میزان زیادی درجه حرارت بدن را بالا می برد. و این به مصلحت افراد چه از نظر قلبی سالم و چه بیماران نیست که تحت چنین فشاری قرار بگیرند. بسیاری از افراد بلا فاصله پس از انجام تمرینات شدید وارد سونا یا حمام بخار میشوند. این به صلاح آنها نیست چون به دنبال تمرین گرما ی زیادی درون بدن جمع می شود و برای اتلاف این گرما و سرد شدن بدن، به یک محیط سرد نیاز است.

در سونا و حمام بخار گرما ی درونی بدن این افراد تا سطح خطرناکی بالا می رود. غوطه خوردن در آب سرد یا یخ در طی سونا و دشواری های اسکاندیناوی یک تمرین معروف است. فوراً عمیق خونی پوست منقبض شده و تمرین متوقف می شود که بسیار دلپذیر به نظر می رسد. این عمل نه تنها سودی ندارد بلکه احتمال بروز شوک را برای کسی که این کار را انجام می دهد، بقیه در صفحه (۸۵)

شود. اگر از دست دادن آب به مدت چند روز متوالی ادامه یابد ذخایر بدن کاهش یافته تعادل کیمیاوی خون و اعصاب هم می خورد. نتیجتاً مشکلاتی در قلب و سایر اعضا پیش می آید. بنابراین اگر در آب مصرفی برای کم کردن وزن محدودیت ایجاد نکنید در معرض صدمات فوق خواهد بود. برای حفظ سلامتی خود قبل از ورود به سونا یا حمام بخار خود را وزن کنید و بعد به اندازه وزنی که از دست می دهید آب بنوشید. خطر سونا های خشک بیشتر از حمامهای بخار یا مرطوب است. چرا که تمرین در سونا محتر بوده و بنابراین بدن در همان مدت آب بیشتری از حمامهای بخار به میزان بیشتری وزن را کاهش می دهند. چرا که با افزایش تیخیر کالوری سوزانده میشود. این یک واقعیت است ولی تخمین ذخیره انرژی مشکل است و احتمالاً دقیق نیست. حتی اگر تیخیر رسونایا حمام بخار کالوری زیادی را بسوزاند کاهش وزن با این روش بخاطر از دست دادن زیاد آب عملی به نظر نمی رسد. حمام بخار و سونا به خصوص برای بیماران قلبی بخاطر فشاری که روی قلبشان تحویل می شود خطرناک است. در اکثر موارد خون به میزان قابل ملاحظه ای به طرف

اینها تمرین تا حد افراط مفید است یا مضر؟
مفهوم "تمرین مفراط سلامتی می آورد"

بمفیده ما تا ثورات این تمرین غیرفعال خالی از هرگونه جنبه های مفید است.

بدن انسان را مثل یک مخزن آب تجسم کنید. عرق، از این آب که در نتیجه فعالیت جسمانی یا درجه حرارت بالا تیخیر شده و به حرکت در می آید، تولید میشود. از دست دادن آب از این طریق ممکن است بهش از حد باشد.

فوتبالیست ها و سایر ورزشکارانی که ورزشهای سنگین انجام میدهند آب را که در یک روز کم از دست میدهند، آنهن مقدار از دست دادن آب معادل ۶ پوند (۳ کیلوگرم) از وزن بدن است. چنانچه بسیاری از مردم هنوز فکری میکنند که در این موقعیت معادل ۳ کیلوگرم چربی از دست داده اند در حقیقت این کاهش وزن را می توانند بنوشند. مایعات جایگزین نکنند. ولی این جایجایی با جلوگیری از تنظیم حرارت درونی بدن برای فرد وضعیت وخیمی را بوجود می آورد. به این ترتیب خستگی زیاد و نهایتاً ممکن است مرگ عارض

روز سه شنبه ۳۱ شهریور به ایستگاه فضایی "مهر" پوسنت دو سر نشین مقیم ایستگاه "مهر" از سه فضا نورد استقبال کردند.

"سایوز تی ام" سفر خود را آغاز کردند. مراسم پرتاب سفینه توسط تلویزیون شوروی مستقیماً از پایتخت شوروی پخش شد. "والنتینا تروشکووا" اولین زن فضا نورد جهان در مراسم پرتاب سفینه در پایگاه "پایکونور" حضور داشت.

یک زن فزیک دان انگلیسی با دو فضانورد شوروی به مدت هشت روز ارضی مأموریتی در فضا شدند. "هلن شرمنسن فزیک دان ۲۲ ساله نخستین انگلیسی است که به فضا سفر کرده است. این فضا نوردان با یک سفینه

سفر فزیک دان
انگلیسی به فضا

به مناسبت روز ملی فرانسه



فرانسه

فرهنگ و زندگی

حتی يك كتاب هم نخوانده اند
 بهر كس فروش كتابها يرهناوم
 سود مند برای زندگي روزمره
 و فروش مجلات افزایش یافته
 است. همچنان داستانها ي
 كارتونی به سرعت از مغازه ها
 ناپدید میشوند. (۸۳) فیصد
 جوانان به خوانش داستانهای
 كارتونی مینگردانند.
 گوش دادن به موسیقی پدید
 همست در حال رشد (۵۰) -
 همچنان فرانسویان حداقل يك
 روز در میان موسیقی میشوند -
 در حالی كه جوانان همه روز به
 شنیدن جاز، روك و آهنگهای
 ذوق مینگردانند.

تلویزیون در همه جا حضور -
 دارد. از دو فرانسوی يك نفر
 هر روز تلویزیون مینماید. دیدن
 تلویزیون به هیچوجه جای دیگر
 فعالیتهای فرهنگی را نكرفته -
 است. مثلاً، پیوندها گان و خادار
 تلویزیون (آنانی كه بیشتر از ۳۰-

ساعت در هفته در برابر پرده -
 كوچك به تماشا میشوند) حتماً
 قل سال ده كتاب میخوانند و -
 به دیدن جاهای تاریخی مینروند.
 موزهها و " سنگهای كهن" بیشتر
 از يك چهارم فرانسویان را به
 خود جلب میکنند. يكی دیگر از
 نشانه های كسترش فعالیتهای
 فرهنگی افزایش هنرمندان آماتور
 است. (۱۴) فیصد فرانسویان

نقاشی میکنند و (۱۸) فیصد -
 آنان نواختن يكی از آلات موسیقی
 را یاد دارند. راه اندازی مرا -
 سم بزرگ فرهنگی در سالهای اخیر
 چون " جشنواره موسیقی" -
 جشنواره كتاب و " درهای باز"

آبدات تاریخی و با استقبالی
 مردم رو به رو شده اند. علی -
 الرغم تشویش چنانداران فرهنگ
 فاصله و هجراتیان گذشته های
 افتخار آمیز و وضع فرهنگی فرانسه
 چندان وخیم هم نیست. ازها د
 نسیمیم كه سه چهارم فرانسویان
 زندگي را بدون هنر تصور كرده
 نمیتوانند.

از (۲۵) فیصد به (۱۵) فیصد
 کاهش یافته است. (۵۵) فیصد
 فرانسویان اعتراف میکنند كه هیچ
 گاهي به تئاتر و نمایشگاه نرفته
 اند. شمار تماشای جهان سنان نیز
 پایین آمده است و سه چهارم -
 مردم هیچگاه به كسرت موسیقی
 كلاسیك و رقص نرفتند. -
 عرصه كتابخوانی روز: روز تنگ
 شده مینرود. مثلاً در سال -
 ۱۹۸۸ يك چهارم فرانسویان

(۱۹۸۸) استوار است.
 تخمین نتیجه جالب تغییر -
 رفتار در خورد مصرف كننده گان
 فرهنگ در حال پدید هسی
 فرهنگست. از پدید گاه آما -
 توران كلاسیك هنره فرهنگ و
 زنده گي هنری فرانسویان سهر
 نزولی دارد. دیگر از علاقه -
 مندانی دایمی و با برجای تئاتر
 اثری نیست. در طی پانزده -
 سال گذشته شمار تئاتر ریان

آخرین آمار در باره ذوق -
 های فرهنگی و فعالیتهای و -
 دلپسته گيهای فرهنگی فرانسوی
 بان همراه با تحلیل همه جا -
 تها گرايشها و سایل جدید -
 زنده گي فرهنگی جامعه مرا -
 نماز سوی وزارت فرهنگ آن
 کشور و سال پار به نشر و سهر
 تحلیل مینهاد اطلاعات سهر ویژه
 تحقیقی جامعه شناختی در -
 سالهای (۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱) و -

بعضی ازینگونه بلند

این ناتوانی

بد تراز نایبست

هرگز بر نیاورد

بدتر از نظر چشمان است

و حق در احوالی میگذری

بگانه و گریزان

(سرت در جایی دیگر غلبت و رفتن دیگر)

□

رازه نا چقدر مستحق اند

عشق من]

(دست نیافتنی

تراز اولت)

عشق من]

تویی که ساعت دیوار برادری شصت سالیم به صدا در می آوری

و از کامش نفسش بشن

گلیم میبرد و میشود

راز بزرگی را برایت میگویم:

سخن بروی لبهایم

تقریب

در بیابان

و بنمای برای دستانت

سخن بروی لبهایم

چونست که زور چتر تکاشها

خاکه - بشود

بدین گونه است که پیوسته فقط میگویم:

سرت در دست داری

ترا بلور شفاف جمله می و در اختیارند ام

تا آن را

برگرداند تا چیزی

راز بزرگی را برایت میگویم:

زبان . تویی

زبان . زن است

- نیازند ستایش و پاموس -

زبان . پیراهنست نه باید نام بیشتر را بزرگ

زبان . گویست کس هدف خانه بشود

زبان آنچه بیست که انصافا شیار میگرد

باز

سرت در همیشه

زبان تویی

وقتی در سینه میخوانی

(هنگامی که من پیدا می شوم)

زبان تویی

چون تازی که گفتم را بعد رد

چس تا توانم . آه]

در شبیر شکسته زبانی که این چنین است

چس تا توانم . آه]

در شبیر شکسته باد که چون خون درون دهانم در سینه است

از کتابها ما نام

(که چون آب ساد می روی آتش صدای ناگوار دار

□

از بزرگی را برایت میگویم:

از زبان که هسان تو است

نیوان سخن میگویم

از تو

نیوان سخن میگویم

از تو میترسم

میترسم از آنچه ماله ترا شصت سال تا پنجره ها همراه میزند

از حرکات میترسم

و از رازه ساین که نشود بر زبان آورد

میترسم

از زبان تند

از زبان صریح

راز بزرگی را برایت میگویم

ساده تر است

مردن

ایمانی بودن

پسندیده است

عشق من]

که باز میبینی را به پیوسته ام .

الزرا



لوی آراگون از شهر
 ترین شاعران و نویسندگان
 معاصر فرانسه است .
 پس از ویکتور هوگو نخستین
 شاعریست که در زمان حیات
 به کتابهای درسی مکاتب راه
 یافت و اشعارش وسیله آموزش
 نوجوانان فرانسوی قرار گرفتند
 وی افزون بر شعر رمانهای
 جالبی نگاشته است . مجموعه
 آثار او و آثار مشترکش با خانمش
 " الزاتری اولی " به پیش
 از ۴۵ جلد میرسد . آراگون
 نوآوری و مبارزه را در درخشان
 ترین جلوه های آن با هم
 گره زد .
 " الزا " ه " چشمان الزا "
 " دیوانه الزا " " دلبردیگی "
 " ناقوسهای شهر بال " از شمار
 آثار آراگون اند .

امریکا در آستانه قرن ۲۱

ایالات متحده آمریکا کشور است در شمال قاره آمریکا که از نظر جمعیت مسکونی و هم از نظر وسعت درجه چهارم را در دنیا به خود اختصاص داده است. مساحت این کشور ۹۶۳۱۲۳ کیلو متر مربع بوده و ۲۳۴۱۹۳۰۰۰ تن در آن زنده گی دارد.

ایالات متحده یک جمهوری فدرال است که مشتمل از پنجاه و دو ایالت می باشد. مردم این کشور از گروه های گوناگون قومی تشکیل گردیده که اکثریت آن را اروپائیان تشکیل می دهد. و متباقی آن سیاه پوستان، چینی ها، جاپانی ها و امریکاییان هندی اند.

از نظر اقتصادی ایالات متحده آمریکا از جمله بزرگترین کشورهای تولید کننده صنعتی جهان است. منابع سرشار منرال ها و مواد سوخت، این کشور را از جمله بزرگترین تولید کننده گاز طبیعی، سرب، مس، آلومینیم و سلفور و انرژی برقی و هسته ای ساخته است. به همین گونه تولیدات عمده این کشور را صنایع فولاد، موتور، مواد کیمیاوی، سامان آلات الکترونیکی و سایر مواد مصرفی تشکیل می دهد. با نسیست علاوه بر آن که چهار فیصد نیروی کار در این کشور مصرف زراعت بوده، پانزده فیصد صادرات را تولیدات زراعتی تشکیل می دهد. زراعت در این

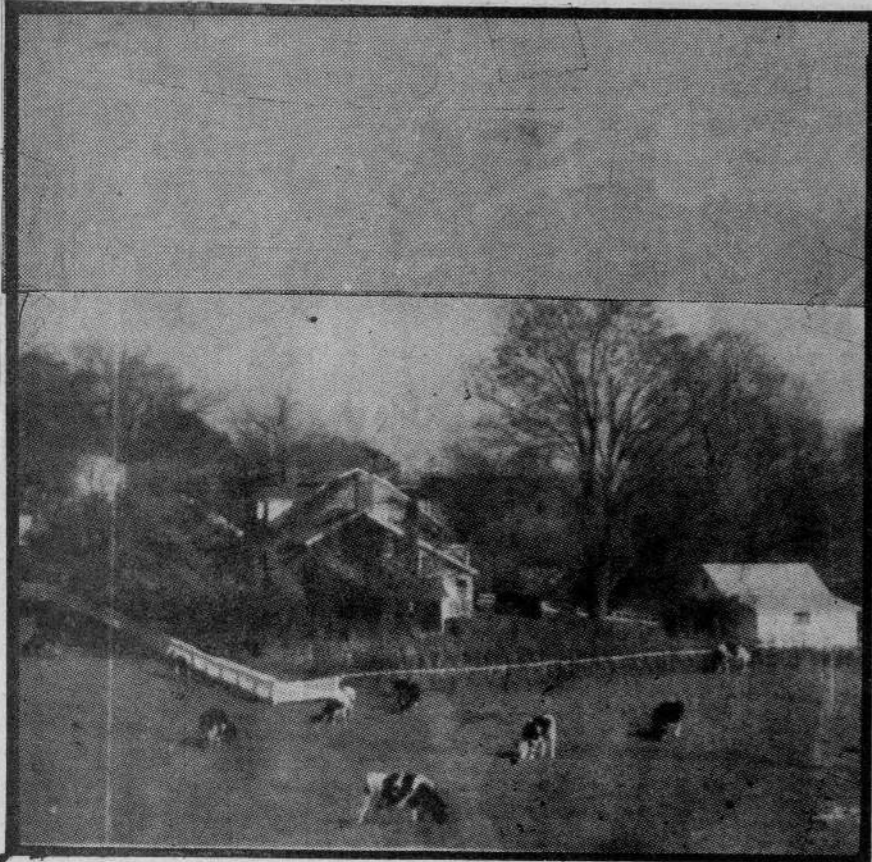
کشور خیلی ماشینی بوده از امراض زراعتی جدا کنترل به عمل می آید. با آنکه ایالات متحده هم از نظر تولید و هم از نظر صادرات یک کشور بزرگ است و مگر واردات نیز دارد. آمریکا نفت و مشتقات آن، مواد کیمیاوی، فلزات و ماشین آلات را به کشور وارد می کند.

امریکا که در سال ۱۴۹۲ توسط کولومبوس کشف گردید و از سال ۱۵۶۵ به این طرفی عمدتاً توسط فرانسوی ها، اسپانیولی ها و انگلیسی ها کزینتر مسکن در آن اختیار گردید. به هر حال در قرن هجدهم بین اسامیله های محلی بر سر پرداخت مالکات برخورد ها به وجود آمد. در سال ۱۸۶۱ کشور با جنگ داخلی مواجه شد. در مقابله با جنگ این بود که بعد از آن برده داری رافسخ ساخت و کشور به ترقیهای اقتصادی و صنعتی گام گذاشت. به همین ترتیب ایالات متحده آمریکا در هر دو جنگ جهانی سهم داشت و در سال ۱۹۴۵ رول خود را در به وجود آوردن سازمان ملل متحد به سر رسانید.

ایالات متحده بعد از سال ۱۹۱۳ با اتحاد شوروی روابط را محدود کرد. در اصلحه ستراتیژیک تقویت کرد و هم با کشور چین روابط دیپلماتیک برقرار ساخت. روابط ایالات متحده با اتحاد شوروی

در سال ۱۹۸۷ با امضای عهدنامهی در مورد سلاح هسته تقویت گردید. البته علت دیگر بهبود روابط ایالات متحده و اتحاد شوروی همانست که سیاستهای جدید اتحاد شوروی تحت رهبری میخائیل گرباچف رئیس جمهور آن کشور است. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا آقای جورج بوش است و انگلیسی زبان رسمی این کشور را تشکیل می دهد. کلتور مردم ایالات متحده در سطح بلندی قرار دارد. در قرن بیستم ادبیات آمریکا بیشتر ترانوا را فرا گرفته است که نویسندگان بسیاری معروفی دارد. این نویسندگان عبارتند از: ولیم فاولکنر، جان استین بیک، هنری میلر، توماس ولف، نورمن مایلر، ساول بیلو، جان اپریک و توماس پنیکون.

ایالات متحده آمریکا در حال حاضر در همه عرصه های ساینس و تکنالژی پیشرفت چشمگیر داشته و زنده گی در آن کشور کاملاً متمدن تر از گذشته است. یعنی همه چیز در همه موارد توسعه یافته. امروز هر امریکایی اداره و رهبری میشود. امروز هر امریکایی شخصی از زنده گی شخصی یا رسمی خودش را توسعه میدهد. کمیونتر کنترل و اداره می کند. امریکایی ها با پیشرفت تمدن خیلی ها عجیب به سوی قرن (۲۱) گام می گذارند.



بمناسبت روز ملی ایتالیا

ایتالیا کشوری است که در جنوب اروپا موقعیت دارد. سرزمین ایتالیا باستانی است. بعضی نقاط آن در شمال کوهستان نیست.

در این کشور هنوز هم زراعت از اهمیت خود برخوردار بوده، نباتات زراعتی عمده آن را گندم، جواری، انکوروز، تنوب تشکیل می دهد. صنعت نیز به سهم خود پیشرفت کرده و مخصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی به این طرف به سکتور صنایع توجه بیشتر شده است. صنایع عمده این کشور را نساجی، ماشین، موتور، مواد کیمیاوی تشکیل می دهد که همراه با آنها میوه و سبزیجات از صادرات آن است. منابع منرالها در این کشور آنقدر زیاد نیست و از همین سبب ایتالیا وابسته به کشورهای دیگر است. در کشور پلانهای به خاطر رشد و انکشاف انرژی هسته ای وجود دارد و هم توربینهای عمده عایدات این کشور را تشکیل می دهد.

شهر هنر در ایتالیا بعد از مسقط امپراطوری روم اساس گذاشته شد. با

ایتالیا سرزمین هنر

های باستانی هنر در این کشور اداسی دارد و مگر به تدریج تحت تاثیر مسیحیت قرار گرفت. سبک رمانسک در قرن ۱۱ و ۱۲ راهش را به طرف سبک گوتیک باز کرد و مگر هنر حقیقی ایتالی در قرن ۱۳ و ۱۴ هنگامی رشد کرد که اساس رنسانس گذاشته شد و شیوه های آزاد سخنرانی در فلورانس و ونیس و روم به وجود آمد. علمبرداران رنسانس عبارت بودند از: لئوناردو، میکلانژ و دیگران. بعد از قرن هفدهم هنر ایتالیا حرکت خود را به استثنای ونیس، از دست داد و مگر در آغاز قرن بیستم تحت تاثیر نوسان چهره دوباره احیا گردید. نقاشان برجسته و مدرن ایتالیا عبارتند از: جلیانی و چریکو.

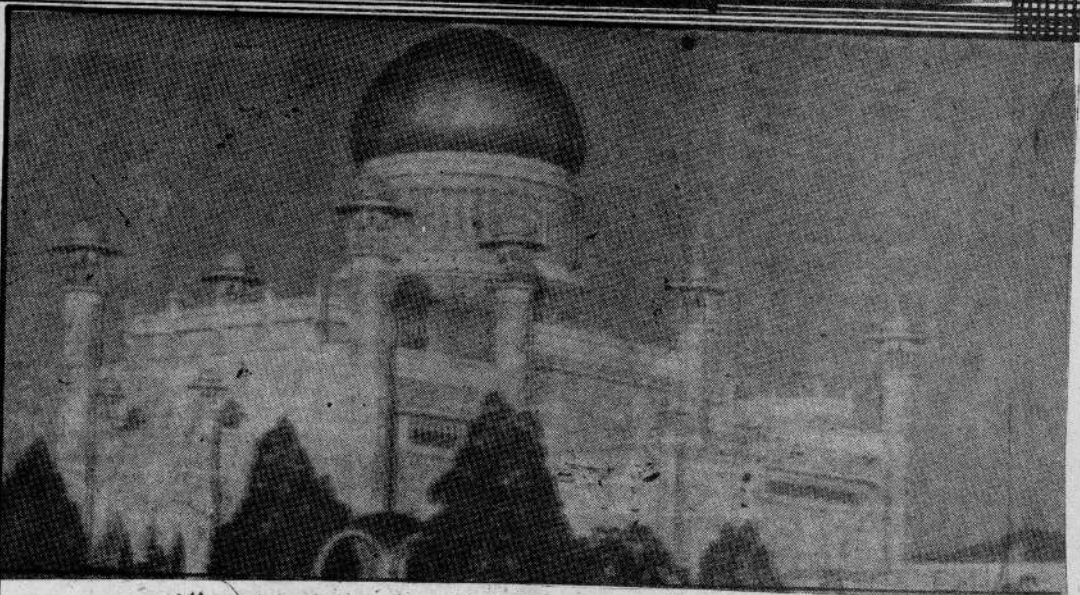
در ایتالیا زبان لاتین، زبان ادبی این کشور را تا قرن سیزدهم تشکیل می داد و آن درست زمانی بود که شاعران در وینس فرید یک اولیه تقلید از ایتالیایی اصلی آغاز کردند. عشق شاعران فلورنتین را در قرن چهاردهم دانسته تمقیب کرد و رشد تدریجی زبان ایتالی را بست و ماسهلی و تاسو در رنسانس به او جوش رسانید.

ترجمه: فادریمان

پروژه و تمندترین کشور



مجموعه ثروت پادشاه برونی ۳۰ میلیارد دلار تخمین شد



مسجد اعمار شده از جانب برونی در پایتخت کشور با محراب طلائی

جنوری سال ۱۹۸۴ آزاد ی -
 خود را اعلان نمود ، سلطان -
 برونی بالای تمام مناطق کشور
 حاکمیت داشته که همزمان پست
 های صدارت و وزارت دفاع را
 نیز بدست داده ، اکثریت آنها -
 لی کشور را مسلمانان تشکیل
 میدهد . اقارب نزدیک خود را
 نیز از یاد نبرده یک برادرش -
 محمد بالکلیخ وزیر خارجه و دیگرش
 وزیر مالیه کشور تخمین کرده -
 اند . این کشور عذتاً توسط
 فرمانبهای شاه اداره می گردد .
 در رابطه با قاطع بودن شایعیه
 تردد داشته . در سال ۱۹۸۸
 رهبری کشور حزب بزرگ کشور
 را بنام " حزب دموکراتیک ملی "
 بر دلیل اینکه میخواهد تسامح
 حاکمیت ملی لطمه وارد نماید
 غیر قانونی اعلان نمود . قوای -
 مسلح کشور با بهترین و مدرن
 ترین اسلحه جهان مجهز می
 باشد .

مستمر خدمات اجتماعی -
 برونی از جمله بهترین ها در -
 جهان بشمار میرود . مالیات -
 فواید در کشور وجود ندارد -
 خدمات صحی و تعلیم و تربیه
 با سطح عالی آن رایگان است .
 پول تقاعدی از خزانه پادشاه
 پرداخت میشود . از هر -
 چهار نفر اهالی برونی سه نفر
 آن موز شخصی دارد . برای
 جوانانیکه علائقند تحصیل در
 خارج از کشور هستند هرگونه
 زمینه مهیا می باشد در کشور
 یک تشنجات سیاسی وجود
 یافته در صفحه (۸۵)

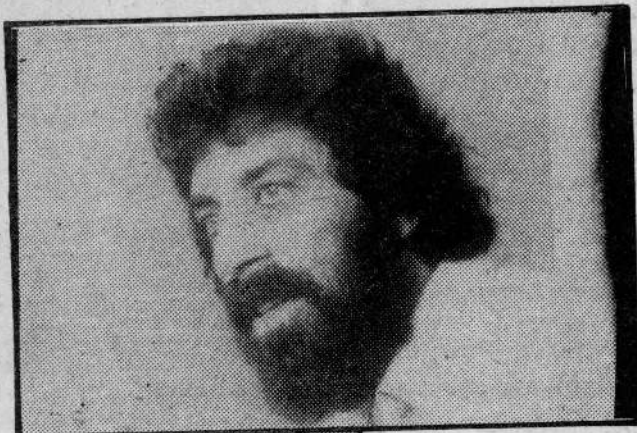
انجلس برسد . برای یک فرد
 امریکایی عادی بخاطر بدست
 آوردن همین پول ضرور است
 تا یک میلیون سال کار نماید .
 شاه حسن در حال حاضر بزرگ
 گترین کلکسیون موز را در جهان
 دارا می باشد هر علاوه موز
 شخصی موز هوی در کاراج خود
 در حدود ۳۵۰ موز مختلف
 النوع دارد . بدین ترتیب
 میتواند همروزها موز جدید
 رخت و آید نماید . اما بد بختی
 در این جاست که در کف
 کوچه گلی صرف صد کیلو موز
 سرک موز رو نورمال دارد .
 از سال ۱۸۸۸ الی ۱۹۸۴ -
 برونی تحت سلطه پرتغالی کبیر
 قرار داشت هبه تاریخ اول -

فته در هر ساعت ۲۲۹ دالسر
 به خزانه این کشور کوچک افزین
 می گردد . مجموعه ثروت پاد -
 شاه برونی را ۳۰ میلیارد دالسر
 محاسبه کرده اند . در حالیکه
 داری پادشاه می توان -
 سمودی به ۲۰ میلیارد دالسر
 می رسد .
 نظر به ارقام ارائه شده جمله
 تجارتی " فسور بس " چاپ
 امریکا داری پادشاه برونی
 بیشتر از ثروت کهنی مفسور
 جهان " جنرال موز " می باشد
 این جمله نوشته است که باو -
 لهای پادشاه برونی " حسن -
 بالکلیخ " میتوان کاروان موز
 این کهنی را خریداری کرد که
 طول آن از نیویارک تا تونس -

برونی کشور کوچک است که
 در سواحل شمالی جزایر
 کالیمانتان و سواحل بحیره چین
 جنوبی موقعیت داشته که همز -
 مان با کشور مالیزیا نیز هم سر -
 حد می باشد ، بعد از آنکه
 در آغاز قرن حاضر منابع بزرگ
 نفتی این کشور کشف و استخراج
 آن آغاز یافت همه یکی از ثرو -
 تندترین کشورهای جهان
 تبدیل گشت در آمد سرانصلا نه
 ۲۴۰ هزار نفر اتباع آن در حد -
 ود ۲۰ هزار دالرسی رسد . این
 رقم دو هزار دالسر بیشتر از ای -
 لات متحده امریکا می باشد
 ۹۹ فیصد درآمد ملی آن را -
 صادرات نفت و گاز تشکیل میدهد
 هد . قرار محاسبات انجام یافته

سلام سنگی دهند

ترجمه از: ...



شیره (پاناروما) (ژورنال
مطبوعات آزاد روزگوشه)
چاپ هفت در شماره ماه می
۱۹۹۰ خود تصویرنگه می
از سلام سنگی هنرپیشه
ساخته شده. افغانی رابه
چاپ رسانیده است که همراه
با آن گفت و شنودی دوشهمزه
سمورا با سلام سنگی به انگلیسی
نظر به نشر رسیده است.

پس از شناسایی مختصر زنده می
افغانی و برخی جوانب هنری،
معیار چینی می نویسد:

وقتی سنگی راهنگام راه
رفتن با آن قد و قامت، موهای
پنج بیج و پریشان، ریش
انبوه و چشمها، نافذ دیدم
تمام تصوراتی که در شماره
پنجمین خون گرم داشتیم
در نظرم زنده شد.

یک ستاره فلم ؟
از افغانستان ؟ جاهلیت ؟
گفت و شنود ادامه دارد. سنگی
از تاریخ ۲۰ ساله هنرپیشه
از صنعت فلم اردستان
کاران این عرصه حرف میزند
و میگوید هر جایی که تصدای
از مردم است و برق باشد در آن
جای تئاتر و سینما هست
و پس از فراز سرفراز دلچسپی
و گزاشیدن از دیدن نخستین
فلم شروع شد. ۰۰۰ طی ۱۸
سال سابق در حدود ۱۸ تا
۲۰ فلم داشته ام. در افغان
نخستین همه ساله ۶-۷ وگاهی
تا یک فلم که محتوای آنها غالباً
مانند فلمهای سایر کشورهاست
(رقص، موسیقی، زد و خورد
و درام) ساخته میشود. سنگی
در برابر یکی از پرسشها با-
وانمود ساختن اینکه (من
صرف یک هنرپیشه هستم)
از ابراز نظر در برامین اید-
بولوئی هادر هنر، حوادث
سیاسی ده سال و تصریح موضع
گویی های هنرپیشگان
خود داری کرد.

و پس از صحبت های
درباره فلم های خودش گفت:
در افغانستان مانند هند
هنر و اوکرتهای هنری تعیین
شده نیستند و به گونه مثال
از نقش های متفاوت خود از بره
سریاز، بیگانه، و از نوعی
تاریخی اثر در برخی از برنامه
های تلویزیون حرف زد. در
فلم ...
هنگامی که میگویم که ...

بوسندم و ترجیح میدهم در نقش
هنرمند باشم. وی افزود در افغان-
ستان مکتب آموزشی هنر
و تخیل فلم وجود ندارد کار
گردانان بنام رسیده. ما
انستیتوت (پونه) را خوانده
اند. در جایی هم تذکر میدهند
که تکنیک طی ۱۲ سال گذشته
به خاطر جنگه حال، استثنای
داشته است. در کابل صرف
یک لابراتوار تهیه فلم های
سیاه و سفید وجود دارد. فلم
های رنگه به منظور تهیه
و تکمیل به خارج فرستاده
میشوند.

سنگی از شرکت فلم
هادرستیوال های جهانی
و از سفرهایش به مسکو، چکو-
سلواکیا و کوبا، از محبوبیت
فلم های هندی، ایرانی، امر-
یکایی و روس در سینما و تلویزیون
ن کشور با تکیه بر این تکیه که
بهند، افغانی به یک داستان
خوب ارزش بیشتر میدهند
و تفاوتی میان معیار ات
هنری نقش هادر کرکسر
مثبت و منفی در هنر و کشور حر-
تعالی داشت.
آرد رساچه زنده می
شخصی اش گفته است که
همواره متکی به اصل میباشد

دروغ نگفتن، ضربه از پشت
نزدن و هیچ کارید نکردن.
سنگی میگوید فلم های
چون نشانیات، انجور و بندگتی
در افغانستان محبوبیت زیاد
کسب نموده بخاطر این که
در آنجا زنده گی حقیقی تصویر
شده بود. فلمهای تجارسی
نیز بهینه گان خود را دارند.
این اشاره به فلم (راو صاحب)
از ساخته های او بود. هتیا
آفاده نمود که تراشیدن موی
سرمه زن در یکی از صحنه
ها تا شایگان افغانی را به
تفکر واداشت. و متوجه تفاوت
بزرگ فرهنگ در رابطه با
شیوه برخورد با این مساله
در هنر و کشور ساخت باری سنگی
با خود داری از ابراهیم قدیم شخص
و سکوت اش در برابر ذکر نام
هنرپیشه و فلم مشخص از دوستی
و احساس صمیمانه خود نسبت
به همه آنها یاد کرد و گفت:
اگرچه حال همه آنها را میسندم
آنها سرسرا حرارت ندارند
استفحال کردند و از تصویر
های مشترکشان با استابه به چین
و نیرالدین شاه، دیوانه
راج بهر دهل کباب به وان برخورد
های صمیمانه آنها به قدر
دانی یاد کرد!

تغزنی سنگی

پانی له (۸۷) خ کی
شوی دی اوخومره آرزوسته
لسری ...

نن پوه شوچی توله لری
دده له پاره نه دمله دی امله
دغیر له شوکی کونجی او دای
هیچ نه م ... پوه کوچیسی
ذره م ... لیری نه بلکسه
حتی ده چی لکه مافزود ی
به په دی نری کی ...
کی ولوبه دی ... د خوی طرف
تجزی ثابت کریده چه
موجود مواد به تولوستورکی
شان دی ... لوهین دلایل
نه لری چی دملبارد و
ستوربه منع کی به ملیون
هاورد دزنده خاوند ته وید
هرکی بشرد غول لختورکی کپت
شووسی کپت و آچاره اوپه
شوچی هیچ شی نه دی. اما
ناخایه خیلو مافزود ته متوجه شو
هنه مافزه چی دی پایسه
نری به راز پوه شولوبه بیبا
انسان د قدرت به شوکی کپت
ست ... بلکه همان بی دکاپاتسو
کاشف وگانه ... همان یسی
د قدرت به لیر تپاک ولبند
لوری لیدل چی نری به خیرل
تول عقلت ددی خاوسری
رنگی اوگولعی مادی به وسیده
پژوندل شوی اوپژوندل کپت ی
ایادانه نیسی چی دانسان
عظمت او ازنت تر تبولوبی او
ارزشتاک دی ؟

بقیه از صفحه (۲۰)

قصه خانه خود ما

کنند فقط پول همه چستز شان است.

سخن را بعد از آن کشیدم من خواهم بنویسم که همسری را که در یک شب پر از ستاره گرفته بودم در روز روشن دورا طلاق کردم و برای او بی وفا من نویسم که خوب بیستمن باش که من بدون تو هم میتوانم خوب تر و بهتر زنده کسی کم من میتوانم درین تلسب سخت کسی دیگر را که به صد هار مرتبه بهتر و خوشتر از تو باشم پرورش دهمم زنده کی میتوانم ختم نسی شود تا وقتی که انسان خوب

دش ختم نمود
توساری و فابودی شو
آنقدر بی وفا بودی که من
در هیچ کتابی نخوانده و
نشسته بودم تو که نتوان
نتی خانه مرا آباد سازی
خانه هیچ کسی دیگر را نمی
توانی آباد سازی تو در هر
یا زود در لجن زار کفالت
غرق و نابودی می شوی تسو
بسیار بی وفا بودی و برای
تمام حیوانات که میخواهند
همسرتی نبیعت بسزاد و
می کم که اگر شمام مثل
من بدون شناخت قبلی زن
بگویم بعد از روس به زود
ترین فرصت به سر نوشت بنده
گرفتار می شوی دیگر مثل
اشتباه کنی عوض همسرت کسی
می گوید و آنوقت پشیمانی
هیچ سودی ندا رد آنوقت
مثل من شیشه های شقای
قلب تان از هم می پاشد و
ما بوس می شویم

باز چسبید

بقیه از صفحه (۶۵)

این بار آقای شکفته در
کپهای من مداخله کرد و گفت:
" من میبذیرم که این شما
مردم هستند که همه بی کار
هارا برایم انجام میدهند مگر
به خاطر دارید که همه بی
این کار هارا شما به خاطر
بر آورده شدن آرزو های خود
انجام میدهند ؟
شما برایم یک جوزه بوت میخرید
در حالیکه من به پطاون نیاز
دارم شما این کار را به خا
طری انجام میدهند که بسا
خداوند عهد میکند که اگر
از تقای نصیب تان شود به
کدام آدم بپچاره بوت خواهید
خرید . باز شما مرا به نان چا
شت دعوت میکنید که اقلا
در آن وقت من میخواهم سینما
بروم . چنین هم اتفاق افتا
ده از خاطر شما سه بار تان
چاشت خورد ام و یا عمن
فلم را چهار یا پنج مرتبه به
خاطر خوشی شما تماشا کرده
ام .
" سکسنا " پرسید :
مگر همه بی این کپها به
اعتصاب نه خوردن غذا چی
رابطه دارد ؟
" البته که رابطه دارد من
خو که ام آدم بی زبان
نویسم . من هم میدانم که
هیچ صدر اعظم در هندو
ستان نتوانسته که به همه بی
مردم کار را در یافت کند ؟ مگر
آنچه را من میدانم شما مردم
نمیدانید . من میدانم که هیچ
صدراعظم آدم احمق مثل من
را نمیکند ارد که با مرگش نام
شبهه را کسای کند . از همین
سبب است که او خدمتگاران

را خواهد فرستاد تا به اعتصاب
خاتمه دم و از بر آورده شدن
خواستهایم مرا متفق خواهد
ساخت . رفقا ! به من باوردا
شته باشید . هر لحظه بی که
نفر او با پیشنهادش نزد ام
به زودی آن راهوا هم پذیرفت
در همین لحظه من بالا پیش
صداکردم که :
" باز چی ؟ "
" دوست عزیز بعد نفسر
مذکور یک گلاس کلان آب نار
نج را به من تعارف خواهد کرد
البته میدانم که این شیوه قبول
شده پایان دادن به اعتصاب
نه خوردن غذاست .
" مگر آقای شکفته من هنوز
هم نفهمیده ام که چرا دست
به اعتصاب نه خوردن غذا زده
بی ؟ "
" این خوبسار کپ ما ده
است . امروز خواستم یک
گلاس آب نارنج بنوشم از این
سبب دست به اعتصاب نخوردن
غذا زدم . فهمیدم که هیچ
کدام از رفقایم مطابق میل من
رفتار نمیکند و آن را برایم نمی
خرد . بنا به خود فکر کردم
باید آرزویم را به این طریق
آورده سازم
اشنودن این حقایست
دی به لپهایم نقش بست
شگفتی که :
کر همین اکنون از طرف
ما به نشییدن یک گلاس آب
میوه دعوت میوی ، چطور ؟ "
شکفته به یکباره گی برجایش
ایستاده شد چهلکپایش را
رست کرد و روی جایی را از
خود دور داد و گفت :
" مهر بانی کنده در
صورتیکه هدفم قبلا بر آورده
شود پس چرا اینجا بیبوده
وقت ضایع کرد ؟ "
و تیکه با آقای شکفته به
طرف دو کان آب میوه میرفت
یک فکر بر سر ام آمد که چرا
از این مردم که در مقابل خانه
صدراعظم بوت کلب و مسا
محل رام لولا تجمع میکنند
کسی نمی پرسد که چرا جمع
شده اند و خواستههای تان
چوست .

ورزشی فلم را در نکتد مسلمان
تا شیر جنبه های مثبت بالای
او بیشتر است و در عکس قصبه
بیننده چیزی را می آموزد که
نمیاید از فلم هندی بیاموزد .
- فلم های افغانی از نظر
شناخت و راست ؟



بقیه از صفحه ۲۵ سری دیوی

سزده های خوبی برای فلم
های افغانی در نظر گرفته
میشود ولی سینمای ما هنوز
به پخته گی نه رسیده فلم
های خوب افغانی در حال
تکمیل شدن هستند مانند
گماشته و الماس سیاه که میتواند
برای جامعه مفید واقع شوند .
- در مورد زنده گی شخصی
تان چه گفته میتوانید .
- میخواهم زیاد بگویم
صرف همینکه عروسی کرده ام
و دود ختر دارم

- شما که علاقمند فلم هندی
هستید چه فکر میکنید فلم
هندی چه تاثری بالایی بیننده
افغانی دارد ؟
فلم هندی برای جوانان
میتواند هم گمراه کننده باشد
و هم تربیت دهنده ، اگر
بیننده آگاه باشد خوب

ارتیک حقیقه ...

بقیه از صفحه (۵۹)
- عاری از دلچسپی نخواهد
بود تا در مورد دستاورد های
ورزشی تان چیز های بگویم ؟
دستاورد های ورزشی ام
که در مسابقات مختلف به آن
ها مفتخر گردیده ام دو مدال
طلاسه مدال نقره و دو آزرده -
دیهلم ورزشی و سهیل های
ورزشی و تعداد زیادی از
نشان های ورزشی را در مسا
بقات مختلف به دست آورده ام
نمیباشد که در این زمینه
از همکاری استاد خوم محترم
عبدالکریم عزیز کپتان تهم
انتلیک حقیقه بسیار است

بقیه از صفحه (۵۹)
- عاری از دلچسپی نخواهد
بود تا در مورد دستاورد های
ورزشی تان چیز های بگویم ؟
دستاورد های ورزشی ام
که در مسابقات مختلف به آن
ها مفتخر گردیده ام دو مدال
طلاسه مدال نقره و دو آزرده -

برونزی ترومند ترین کشور

حمام سونا

بقیه از صفحه (۷۷)

تشدید می‌کند. پاکیزه کردن پوست از فواید دیگر برای سلامتی است که به سونا و حمام بخارنسبت داده می‌شود. این نظر منطقی است که ترمیم مو بتواند مواد زائد را از رشد عرق‌دهور کند ولی در تون سونا و حمام بخارنسبت که پوست را بطور قوی پاک کنند.

فکالتی در آب

بقیه از صفحه (۷۷)

برنامه ورزشهای آبی را پیاده کرده یک ساعت فعالیت در آب را معادل دو ساعت فعالیت در خشکی می‌داند و معتقد است که در این یک ساعت معادل دو ساعت فعالیت در خشکی به اصطلاح از بدن کاری کشد. دلیل این ادعا هم مقایسه است که در آب ۱۲ برابر خشکی در برابر بدن قرار دارد. بنابراین عقیده عامه ترمیم و فعالیت ورزشی به نوبه به آماده‌گی قبلی دارد.

بقیه از صفحه (۸۲)

تخصص داد. در سال گذشته سلطان برونی خواست تا در جشن تولد لیدی دختر پازده ساله خودش بوی تحفه بدهد. وی مدانست که دخترکش تا چه اندازه علاقه مند افسانه‌های قدیمی بخصوص افسانه "السادر سرزمین جادو" شدیده. علاقه دار سلطان خواست تا در این سالگرد دخترش تحفه افسانوی بدهد. بر اساس امر شاه انجینیران و دیپلماتان ورزیده انگلستان بخاطر اعمار قصر افسانوی دست بکار شدند در مدت خیلی کم تمام "پرسونل" شامل افسانه تهیه گردیده و محلها را شده اصلا نقاشی با همان محل افسانوی گذاشت. تمام مصارف جشن تولد دختر سلطان بر روی به میلیون دلاری رسید روزنامه انگلیسی در مورد نوشت که در جهان میلیونر ها زیاد اند اما هیچ یک از آنها دست به هیچو اعمالی نمی‌زند. جرات اینکار را صرف سلطان برونی دارد و پس.

قصر جدیدی با شکل بهتر آن اعمار کرد. بر علاوه سلطان برونی بهترین ویلاهای را در آمریکا انگلستان و سوئیس و غیره کشورها دارد. وی از همه کشورهای دنیا علاقه مند استراحت در انگلستان می‌باشد. در حال کشور برونی نیز خالی از پر ایلماهای اقتصادی نیست. به دلیل پایین آمدن نفت در بازارهای جهانی برونی ضربه شدیدی را از این ناحیه متقبل گردید. در سال ۱۹۹۰ از فروش نفت صرف ۶۴ درصد بودجه اسما را کشور تاءمین کردید. در حالیکه در سال ۱۹۷۶ این رقم را ۸۸ درصد تشکیل می‌دهد. سلطان برونی نیز این مطلب را مدست است که درک نموده است به همین دلیل در سال ۱۹۸۷ پلان جدید اقتصادی را روی دست گرفت. برای حل این پلان شاه کشور امر نمود تا در ظرف چند سال محدود بخش دیگر صنعت کشور را به سوی عالی ارتقا دهند. برای اینکار دولت برونی ۲ میلیارد دلار

نداشته باشد. اختلافات مذهبی و نژادی دیده نمود بنا به شکایت در هیچو مسایل نیز وجود نخواهد داشت. جوانان کشور بعضا شایسته می‌کنند که گویا در پایتخت کشور زنده گی خیلی خسته کن است. اما برای اکثریت اهالی کشور این پر ایلما خیلی به سه روزهای رخصتی آنها در همه طیاره و یاکشتی جهت تفریح بکشورهای همسایه سنگاپور و یا با تیکت می‌روند. اما پادشاه کشور ضرورت ندارد تا جهت تفریح قصر مجلل خود را ترک گوید. این قصر با عظمت که در کتاب "پرنکار" های گنسن ثبت گردیده است دارای ۱۷۸۸ اتاق بوده که مساحت عمومی آنرا ۲۰۵ هزار متر مربع تشکیل می‌دهد. بر علاوه در قصر کور گاراج برای صدها عراد موتور وجود دارد. سلطان بعد از آنکه با خانم دوس خود از دوایج کرد لازم دید تا مساحت قصر را زیاد کند. به همین دلیل

عملیات سرطان جگر

مجروحین جنگ در کشور ما است؟ جواب: متاء سفانه در افغانستان جنگ جریان دارد تا زمانیکه قوای خارجی در کشور وجود داشت جنگ موجه بود. حالا هیچ مضمومی ندارد و من منحصرا بین افغان شخصیت متاء شراستیم که جنگ در ام دارد و برادران ما یکدیگر را به قتل می‌رسانند. این یگانه آرزوی من است که صلح در افغانستان بویا باشد.

بوده اند. جواب: تاکنون چندین عملیات تو مو رهای مغزی و نومورهای سایر نقاط وجود انسان را موفقانه انجام داده اند. و چون درین نوع تدایر که ها و رشته های عصبی قطع نمی‌شود بصورت مطمئن امکانات فلج و یا خونریزی مغزی وجود ندارد در حالیکه در تدایر های قبلی چنین امراض (۹۵) فیصد امکانات فلج قسمی وجود انسان - عملیات های مغزی متصور بود. سوال: قسمی که اطلاع دارید در افغانستان جنگ جریان دارد و مجروحین زیاد اند نظر شما در مورد جنگ در افغانستان چیست و آیا امکان کم شما به

شش و ریه

از صفحه (۸۸) زن و بچه اش را می‌باید. اما هر وقت نمی‌تواند شش آنها را هم تنه‌ها باشد. روشی فریب‌دهنده به اندازه روزنامه می‌رست. اما تادم در خانه او را همراهی می‌کردند و او را سخت تمام از آنها جدا می‌شد. شاید بیست سال طول می‌کشید تا کشف می‌توانید همه قرضه‌هایش را تمام و کمال بپردازد و بعد چه ۹۰ ایازان به بعد دیگر می‌توانست خرج زن و بچه اش را بدهد. نه احتمالاً نه و اگر در این بین پدرش می‌مرد آنها بی‌خانه می‌شدند. به همین دلیل او را دیدار روزن سنگدلش متوسل هم باشد که آنها را با هم رخصتی از هم جدا کرد. او - پلی زندگی آدام واقعا سخت و بی رحم است. چارلی با این زمین به راحتی قوت خود را به دست می‌آورد. اما فقط آدام است که می‌تواند برودش آرزوست آری، تریه آواز است که در این زمینه کسی همه می‌تواند مجانی کیک و سوسیس زمینی تهیه کند.

درف و دست (از صفحه ۲۳)

۱ زراعت و امور روزمره روزهای - هفت تا نیز از خود خاصیت به خصوصی دارد .

از جمله سالهای جا لب یکی هم سال کبسه ه میباشد در - سالهای کبسه واقعاتی رخ میدهد که اکثره در ذهن انسان هم خطور نمیکند مانند زلزله ها ، بادها ه طوفانها ظهور آتش فشانها ه قتل ووفات رجال برجسته تولدات انسانی و حیوانی عجیب و غریب و امثال آن . به طور مثال سال جاری " ۱۳۲۰ " از جمله سالهای کبسه میباشد در سال جاری روزهای نیک زیاد تر بوده و امیدواری درخشانیه به سردم بهشمنی می گردد . البته امیدواری آرایش ادامه خواهد داد .

تمهذات : پس از دانستن - احوال شخص و مشخص شدن ستاره و طالع او تمهذ داده میشود که نوشتن آن نیز از - خود وقت و زمان مناسب دارد و نوشتن تمهذ اکثره از مشك و زعفران ه سیاهی ه رنگ سرخ و آبی کار گرفته میشود .

شرط اساسی در تمهذات - تشخیص درست شخص است در هر مورد کسانی که حسن مراجعه نموده اند تشخیص از طرف من تثبیت شده و بعد از نوشتن تمهذات نتیجه مثبت داده و مورد تأیید قرار گرفته است چگونگی همه اینها از قران مجید گرفته شده حتی در قران مجید از تسخیر مهارت توسط انسانها تذکر داده شده است پس علاج بشر هم ممکن است .

و قران مجید هتاهن ورهنما جامع برای همه بشر است .

- محترم هوتکی صاحب در - اخیر اگر گفتنی برای خواننده - کان مجله داشته باشد .

- میخواهم بگویم که کک های من اختتامی نبوده بلکه برای همگان است آنچه خداوند بزرگ برام اعطا فرموده است من حتی الوسع می گویم در خیدت مردم باشم .

هارا میتوانند نام ببرید ؟

- فلم های مستند نهاد ساخته ام و فلم مستندی ساختم از - پرواز مشترک کهنانی افغان شوروی که ارزش تاریخی و فخر - هنگی دارد ، این فلم را خودم دایرکت و فلمبرداری کردم چون این فلم رنگ بود لند ا امکان شستن آن در کابل مو - جود نه بود ولی وقتی برای شستن به اتحاد شوروی رفت دیگر سراغی از آن ندا م .

فلمی همین اکنون رویدت است از فعالیت های صدیق افغان ه این فلم را در حدود سی دقیقه دایرکت و فلمبرداری کرده ام و به شکل سیاه و سفید تهیه میشود .

- کدام جهات کار صدیق افغان را در فلم انعکاس داد - ده اید ؟

- کشف معادلات و فورمولها و پیشگویی های او به اساس ریاضی فلسفی به سطح کشور و جهان .

- خوب در مورد زنده کسی شخصی تان هم چیزی بگویند .

- عروسی کرده ام پنج طفل دارم پسر بزرگ پانزده سال دارد و تا حال هیچکونه علاقه بی به پیشه پدر ندارد .

- خوب از شما يك جهشنان صفاست موفقیت و کامگاری برای تان آرزو میکنم .

مسافره پرنده های مهاجر سفره آرمان و فلم های هم تا تمام است مانند الماس سیاه خاکستر که کار فلمبرداری آن تمام شده است .

- کدام فلم تانرا از نگاه فلم - برداری برتری میدهید ؟

تمام کار هام را دوست دارم اولین کار که فلم " فرار " بود هیچ فلم دیگر برام جایش را گرفته نمیتواند ، در آن با اعلامندی زیاده و انرژی - بیشتر کار کرده ام .

فلمبرداری پرنده های مهاجر که در فستیوال سال ۱۳۱۶ - مسکو شرکت کرده بود مورد توجه قرار گرفت و نقدی نیز بالای آن صورت گرفت .

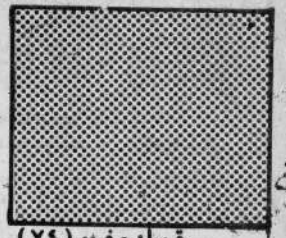
- تفاوت فلمبرداری فلم های مستند و هنری در چیست ؟

- فلم هنری به طور دقیق قیلا صحنه آرایی میشود و فلمبردار حتی ده بار يك صحنه را تيك میکند اما در فلم مستند زمان ارزش خاص دارد فلمبردار باید صحنه را طوری فلمبرداری کند که لحظه فوت نشود .

- چه وقت در يك فلم هنری تصویر زیبا بدست میاید ؟

- تصویر سینما هر قدر بهال باشد به همان اندازه زیباتر است .

- از فلم های مستند تان کدام



قرار برایش (بهم از صفحه ۷۴)

در افغان فلم ادامه دادیم . شما که تحصیلات مسلکی ندارید چگونه کار را آموختید ؟

- مکتب تخنیک عالی را در سال ۱۳۵۱ به پایان رسانیده ام من گفتم که قیلا عکاسی میکردم تعداد فلمبرداری هم عکاسی است در مدت یکم سال که در قیلا شوروی بودم ه با استادان مجرب کار کردم و قیلا در افغان فلم مشاوره میدادی - شتم از او نیز تجارسی اندوخته ام .

- پس اولین کار سینمایی تان کدام است ؟

- اولین کار سینمایی فلم رنگ افغانی بنام فرار است که انجینئر لطیف مرزا یاد دیکه کرد .

- کدام فلم های دیگر سینمایی را کار کرده اید ؟

- اکثر فلم های رنگ سینمایی را فلمبرداری کرده ام مانند مرد هاره قول اس ه صبور سباز

گشیز را اگر روی زخم های جلدی بگذارید از شدت حرا - رت آن میکاهد . و باعث التهام آن میشود . کوبیده تخم گشیز با نمک و مبع حافظ گوشت و - سالن و سایر قدا هادر برابر هفونت است . با تاحف باسند گفته شود که گشیز با همه این خصوصیات اگر زیاد خورده شود باعث سمومیت و گنگسی میگردد . هرگز در خوردن آن زیاده روی نکنید ه اگر در اثر خوردن آن مسموم شده بده هر نوعی که شده استفسار کرده و بعد مقداری تخم مرغ رادر شهر حل نماید و صرف کند برگ گشیز مسومیت کتر دارد .

شمره گشیز هم میگویند شمره گشیز که از خوردن ساقه و برگ آن به دست میاید دارای انواع ویتامین ها بوده و سود آن از تخم و خود گشیز زیاد تر است . دود کردن تخم گشیز مجرای تنفسی را ضد عفونی میسازد ه سردردی را تسکین میدهد و زخم های جلدی و بواسیر را درمان میکند ه ولی برای کسانی که نسبت به آن حساسیت دارند خوب نیست برگ گشیز ممکن التهاب صفرا و معده بوده و تشنگی را بر طرف میکند ه کسی که عطشی کاذب دارد میتواند از حسن خاصیت استفاده نماید . برگ

گشیز (بهم از صفحه ۷۲)

گشیز تفوی به کننده قلب و مغز میباشد ه خفقان را از بین میبرد و تشنیه را کم میسازد -

بهست در صد تخم گشیز - بهترین دوا برای امراض معده و قولنج است ه جوهر گشیز از راه ادرار دفع میشود و مجرای آن را ضد عفونی میکند و زخم سوزاک و سایر زخم های مجاری ادرار را درمان مینماید ه برای معالجه اسهال خونی که با دوا های دیگر معالجه نشود بهترین دوا آب گشیز است که به آن

عمری لرو رومی زیات شوی دی
د اد خلقت د جیو رازولـ
خخه یواز د ی
د فضا بوله (سرحد) چیری
د ی ؟

زمونیز سسره نړی

پاتې له (۱۰) مخ کی

که یوه سفینه د نورو په
سرعت حرکت وکړي (باید پوه
شوچې هېڅ یو جسم له اجرامو
خخه د دې وس نه لري چې د نورو
په سرعت حرکت وکړي لکه ه
په هغه صورت کی تجربـ
کوي اوتیای په لور بدل شي)
یوازي دوه سوه کاله لانج د ی
چې وکړای شي له عمک خخه
نمان د شمسی نظام سرحد ته
ورسوي اوده شمسی نظام له
لر اوسنوی قرونو اوسنای
اجرامو سره د هغه کهکشان
یوه برخه ده چې منځی یوه
برخه هرښه د انسان په
پراخه فیک کی د شید په رنک
وینو

د یوه لږ لږ نوري نوري دورون
په واسطه لیدلی زون خخه
پولسیون نوري کاله واټن لري.
په بل عبارت دغه کهکشان
زون د لیدنی ده نظره د فضا
په سرحد کی واقع د ی برداسی
حال کی چې پوهنیز وفضاحـ
اوسن ته لري اود هغه کهکشان
ترشاوور کهکشانونه هم وجو د
لري.
باید پوهنیز وچې زمو ز
کهکشان د خلویتومیلارد نه
حد وده وکی ستوري لري چی
زون د لرغون پراخوې او دا
سی محاسبه شوي چې د دغو
خلویتومیلارد و ستورونون ۱۶۰
میلارد لږلی له لر خخه زیات
د ی اوبیاهم باید پوهنیز وچې
زون کهکشان د ژرندي د تنډي
په شان په خپل شاوخوا اخرن
اود هري خرخیدن رخت
دوه سوه ملیونه نوري کاله د ی
اما د تود و ستور و فضـ
د دغو کهکشانونوکی د ی
داسی وه

اوده کهکشان له خپلو
میلارد ونوستور سره د هغو
زرگونو کهکشانونو له د ی خخه
د ی چې په یی باید نري کی
په سرعت سره په حرکت کی د ی
شمسی نظام ته تر یولونز د ی
کهکشان ۸۰۰ زره نوري کاله
زون سره واټن لري اوتر یولو
ليري کهکشان چې پشـ

پنای پوتنی لنډی پاشا
ري بری چی پوهنیز و پلنو
نکی اوشغور انسان د د فـ
پراخی نري په لوي والی کی
خیره قدر لري.
زون د ملکی کره د نری ی
د عظمت په وړاندي حتی د لگر
د ونود هغو زونه هم کوچن
ده چی منځی د لمر په نسا
کی په کره کی وینو. اما دغه
کوچنی اوگرده لکه د انسان
لرونکی ده اوانسان د ملغزولور
نکی ۰۰ مافزه د زونه تر یولو
حیاتی بد پده ده اود فـ
بد پده کولای شي ستورنزي
اومجهول شیان کشف کړي
هغس چې کشف کړي یی
هم د ی
ایا ز نري په لویو کـ
کهکشان کی انسان وجود لري.

هرستوري په بیل کی د ی
لوي د ی په مخصوص لسنز وزن
سره ، بعدغه رخت کی ی
رنگ سور د ی ستوري وړور و
تقصی نډي اوجرات یی
زاتنډي هرخوره چی انقبـ
غزاتنډي اود ستوري مخصوص
فک د ی نډي رنگ یی هم
تخیر کوي ، یعنی لمره نه
وړسته ، روپانه سور وړسته
سپین ته نژدې زهر اوباشین
شی . اوه د ی رخت کی یی
حرارت خپل وړستی حد ته
رسنډي اوبخته د ستوري رنگ
زهر روپانه سور . نډي
ترخو سره رنگ ته ورس اوباش
سورشی .
زون لر اوسن د تورچمن
سرورنگ په حال کی د ی ا و
د سر پد و خواته شی چی البته
دغه دوران ملیونه کلونه
په مرکی نیس .
پلنونکی اوشغور انسان

ولی وجود لري ؟
خنگامکان لري د اس پوتوري
یی لور ترانز ۲۵ فیصد نه ممکن غو
نډی شرا پلور لري متفکر موجود ا
وجود و پلور یی
پشرد زوره همان فوینونکی
و چی تصویر یی کاوه هرغه
دده له پاره د ی اوهغه
خه چی پاس د ی دده د خو
نه اختلپوه خاطر اینډول
شوی د ی امان یوه شوچی خه
پاتې په (۸۲) مخ کی

پاتې له (۲۴) مخ کی
په افغانستان ...
د اکو راپرت هاجمین
په فیده ، چی په دغو نوم
نی یو کار پوه د ی له شیز
وخت کلو راپه دخوا د لور
وړی عمل د ی چی یو تیک له
اسانه را لویږي . دغه اسان
نوتیک یی له شکه له مینخ
عنه راغلی او علوه نه لور
پاتې سوه کاله هر لری .



ملیونا

په ازمفحه (۵۵)
متن ان خپلی آرام انجام میگرد
برده باری وتحمل اعظمی در
سین ۲۰ سالگی د پده میشود
که بعد از تکمیل ۲۰ سالگی
این خصوصیت انسان کاهش
می یابد ولی خپلی کم ا نمیکد
در سالی

بقیه ازمفحه (۵۱)
صفا، صفا...
از نیا یی پاس میشود ، که به
نظر من در این مورد مثال ها
زیاد است و من نمیخواهم به
کسی طرف قرار بگیرم مگر تقاضا
از کمیسیون اینست که کسی
پاسوریت قضاوت نمایند
و نگذارند که انگهای بی سر
و بی لی اجازه نشر یابند (۱)
آزود ارم . فرید صمها
صمیمیتی که مویسبی دارند
عشق بیشتر بپوزند و انگهای
خوبتری به هنر دستمان
مرضه بدارند

بقیه ازمفحه (۲۰)
تنگ و تنگ...
بگدا رد بانصفا، خانم و
دخترش هغس پاینده را اگر
پهینند هغسنا ستملطه بعد
باز هم دروازه ان خاندنق آلیاب
میشود و همان واننده مایه و
میگهد که او و سایل را که گویا
کسی توسط مو ترا و پوده است
گهر او زده و باید کسی از خانه
انها به دفتر پولس مراجعه
کند به این ترتیب خانم و
دختر جوان ان مرد نظیر و د
می شود ، ما این قضیه را هغند
یم اما نفس این حادثه متواتر
هعداری باید به خانواده ها
که از هر نوع نشانی گسری و
احقاد به دزدان اجتناب ورزند

عشق و عشاق

بیت از سنه (۲۱)

به طرز عجیب بد شد . آیا سرما خورد و سرد ؟
پاشاید به خاطر استفاد ما ز ظروف فلزی آشپز
خانه ؛ مسخ شد بود . با کتری که با -
لاسرش آمده بود ، فقط خندید و گفت : که
مسلمان تشنجی عجیبی بود . چون حال
زن جوان وخیم بود ، شاید هم کافند
دیواری ها آرسنیک داشت . گوشتاف
تکه ای از کافند دیواری را پیش پستک
کمیاد آن بود و از او خواست که آن را در قفسه
آزمایش کند . گزارش کمیاد آن حاکی از آن
بود که کافند دیواری ها حاوی هیچ ماده
مضری نیست .

درد همسر گوشتاف کاهش نیافت . به
همین دلیل هم خود گوشتاف شروع به
تحقیق کرد . که مطالعاتش در کتاب
طبی منجم با مطینانش نسبت به
نوع بیماری همسرش شد و بعد همسرش
را با پاپ گن باشویی می کرد و یک ماه بعد
افلام کردند که حالش کاملاً رضایتبخش
است .

و این خیلی ناگهانی بود ، یعنی
انتظار نداشتند به این زودی باشکند .
با این حال چقدر ریو ریو در شدن شوهر
بود مسلماً چه پس بود . شکی در این نحوه
فقط باید فکری راجع به امضی کردند .
در این میان لوئیزا شوهرش را کنار کشید
و به او یاد آوری کرد که از بوقی که با هم
از دوایج کرده اند ، درآمدی غیر از حقوق
قشند داشته است و چنان که پیدا است
اصلاً کفاف زندگیان را نمی دهد و خوب
درست است . آنها تا آن موقع تا اندازی
در رفاه زندگی کرده بودند و حالا باید
روشان را تضرع می دادند و بعد دیگر
همه چیز مطابق میلشان می شد .

روز بعد گوشتاف به دیدن دوستی
که وکیل بود رفت و از او خواهرش کرد که
سندی را برایش نوشته کند ، و برایش
توضیح داد که می خواهد با آن پولی را
که احتیاج دارد قرض کند و برخی از مخارج
اجتناب ناید بپردازد . این نزد یک
تامین کند .

و دوست وکیل او هم تصدیق کنان
گفت : (پولی از دوایج و راه انداختن امور
خانواده ، مشغله پرخرجی است . خود
من که تا حالا نتوانسته ام از همه اش سر
بیاورم)

گوشتاف از درخواستی که کرده بود -
حیالیت کشید و وقتی دست خالی به
خانه برتست ، به او خبر دادند که در دلت
بیگانه به در خانه اش آمده بودند و سراغ او را
می گرفتند .

گوشتاف هم فکر کرد محتاجند تا
از دوستانش افسران نظامی بخواهد
اگر آمد بودند ؛ ولی گفتند : (آنها نمی توانند
افسر باشند) و او گفت : (او پس حتماً
از دوستان سابق در پستگاه آمده اند) -
(شاید شنیده اند که از دوایج کرده ام و
آمده اند مرا ببینند) و فقط مستخدم
بود که اینها را گفت ؛ (نه آنها پستالایی
نمودند ، استکفالی بودند و -
دستهاشان بود . گوشتاف گفت : (-

گوشتاف دیگر برای به دست آوردن -
بول راحتی نداشت . اکنون خوار بار فروش
مردی که اسب کرایه میداد نسیه میدادند
چون آنها هم می خواستند به زن و بچه ها
پشان نان بدهند .

و بالاخره روزی که فرامی رسد . گوشتاف -
ف مجبور است اجرت پرستار همسرش را تامین
کند و وقتی دختر نوزادش در مجلسی
است ، صدایش می زند تا طلبکارها پیش
را آرام کند . صدایشهای جدید خبلی
برایش سنگین است و تقریباً زهرنفسا ر
از یاد آورده است . درست است که او موفق
شده سفارش ترجمه بگیرد . اما چگونه می -
تواند وقتی هر لحظه باید دنبال کاری برود
ترجمه کند . به این حال وضع است که
او به رزقش متصل میشود . پیوسته
بمسردی او را بد برسانند و می گوید : (این
بار به تو کمک می کنم ، اما فقط به بار چو ن
در آمد خود من . به زور کفاف زندگی ام را می
دهد . و تو هم بچه من نیستی) گوشتاف
ف باید برای مادری که غداهای لذت
کباب مواد گرانقیمت تهیه کند باید اجرت
پرستار را نیز بدهد .

خوشبختانه همسرش بزودی روی دیو -
پش ایستاده مثل دختر بی بار یک و قلمسی
میشود و رنگ پریشی چهره اش جای
خود را بمسخر می دهد . اما پدر لوئیزا
به طور جدی با دادمان صحبت میکند .

(لطف کنید و دیگر بچه دار نشوید -
مگر اینکه بخواهید بد بخت بشوید) -
نواد که کوچک گوشتاف همچنان برای مدت
کوتاه د بگری به زندگی خوش بر پایه عشق
قرضهای روز افزون ، ادامه داد . اما
بالاخره به روز ورشکستگی در خانه شان را
به صد آورید . خبر دادند که اسباب
و اثاثیه منزلشان توقیف شده است و بعد
پیوسته آمد و لوئیزا و بچه اش را برد . وقتی
انها با گادی می رفتند پیوسته با اسرگی
فکر کرد دخترش را به جوانی داده که حالا
پس از یک سال با بی ابروی بی فرستاده -
است . البته لوئیزا حاضر بود با کمال میل
بمب گوشتاف بماند ؛ اما چیزی برایشان
باقی نمانده بود تا با آن زندگی کند و -
انها گوشتاف را در حالی که مأمورین ضبط
اموال چوب بدست گذاشتند ابارت را خراب
از بل و تخت خواب و ظروف سفالی و قاشق و سنج
و ظروف آشپزخانه خالی می کردند . نگاه
می کرد ، پشت سرگردانند و رفتند تا اینکه
ابارت خالی خالی شد .

اینک زندگی واقعی گوشتاف شروع شده
بود گوشتاف موفق شد شغلی به عنوان
مصحح در روزنامه صبح برای خودش بدست
و یاکند . به همین دلیل هم مجبور بود
هر شب چند ساعتی را بابت میزبانی کار کند .
و چون در واقع ورشکستگی او را اعلام نکرده
بودند ، اجازه داشت مقامش را هم در اد -
اره دولتی حفظ کند . اگر چه دیگر نمی توان
نست امیدی به ترفیع داشته باشد ، بعدر
زنش موافقت کرده بود که او روزهای یکشنبه
بقیه در صفحه (۸۵)

عجیب است . خیلی عجیب است) اما
بی شک آنها برمی گشتند .
دیواری شوهر جوان برای خرید پیوسته
رفت و وقتی زمین به قیمت ارزان خرید
و سپس پیوسته آن به همسرش گرفت ؛
(فکرش را بکن ، تو زمین خریدیم یک
کرون و نیم ، آن هم این موقع سال)
همسرش گفت : (آه ، اما گوشتاف
منم ، مای توانم از این مخارج چیزها
بر آیم)
(هم نیست ، قبلاً برنامه اش را
ریخته ام ، کمی اضافه کاری می کنم)
(اما قرضهایان چه ؟)
(قرضها ؟ چطور مگر ؟ یک وام کلان
می گیرم و همه را یک جاسی دم)
لوئیزا اعتراض کنان گفت ؛ (آه ، اما
مگر خود این هم یک قرض دیگر نیست) -
(خوب باشد ، مهم نیست . می دانسی
که خودش یک مهلت دیواری است -
اصلاً چرا ما راجع به این چیزها بحث
می کنیم ؟ چه وقت زمین است ؟)
آن روز لوئیزا وقتی بی از خواب بعد از
ظهور بیداری میل ، بیدار شد ، از اینکه
دیواری می خواست راجع به موضوع قرض
ضمانت صحبت کند ، از شوهرش مندر -
ت خواست و گفت ؛ که باید از راست شوهرش
از چیزهای کارسجور است بگوید ، صعبانی
نشود . صعبانی ؟ نه ، البته که نمیشود .
اما موضوع چیست ؟ آیا پولی برای خرج -
خانه می خواهد ؟
لوئیزا گفت . (هنوز پول خوارها ر
را نداده ام . قصاب مارا تهدید میکند
و آن مرد هم که اسب کرایه می دهد اضرار
دارد که حسابان را تصفیه کنم)
و گوشتاف گفت ؛ (همین ؟ همه را فردا
یک جا تا تران آخرش می دم ، اصلاً بی
به یک چیز دیگر فکر کنم . دوست داری
با گادی بیوم بارک ؟ چه ؟ بهتر
است با گادی بیوم . خیلی خوب تر است
اما هم هست ، بر با ترا میوم)
و به بارک رفتند و در اتاق خصوصی رستوران
شام خوردند . ضمن اینکه سرگرمی خوشی
هم بود . چون آنها می در سالن عمومی
رستوران غذا می خوردند . فکر کردند که
آن دو عاشق و معشوق شاد و پر نشاط هستند
و این فکر باعث تفریح گوشتاف شد ؛ اما
لوئیزا اصرار بود . به خصوص وقتی
صورت حساب فزادید . چون پسان
پول می توانستند در خانه فدای بیشتر
بخورند .
چند ماه گذشت و حالا بانه تدارک
واقعی ، تهیه همواره ، لباس بچه و غیره

از کجا فرا گرفته ای و آستادان تو کسی بودند که تو را این چنین پروراندند؟ گفتم من چند استاد در ماوراء النهر داشتم ولی بزرگترین استاد من قرآن بود من قرآن را خواندم و حفظ کردم ولی نه آن طور که دیگران میخوانند و حفظ میکنند. من هنگام خواندن و حفظ کردن قرآن کوشیدم که از هیچ آیه نفهمیده نگذرم و معنای تمام آیات قرآن را درالنگتم. امام اعظم گفت: ای امیر بزرگوار آیا ممکن است مرا بشاگردی خود بپذیری و من را معلم بدی؟ گفتم من فرصت تعلیم ندارم و زندگی من تا پایان عمر زندگی یک مرد جنگی است و من وقت ندارم در جنگها بخواهد گذشت اما اعظم گفت افسوس که تو فرصت نداری مرا تعلیم بدی و گرنه من با کمال خشنودی شاگردی تو را می پذیرفتم.



همه دستار بر سر داشتند که سر پویش عمومی سکنه شهرهای خراسان است آن عده و مقابل اسب من توقف کردند و یکی از آنها که ریش سفید بود با صدای بلند شروع به خواندن شعر کرد و اشعار پدیدین مضمون خواند: ای امیری که خورشید و ماه و فلک در اختیار تو است و جز با اراده تو گردش نمیکنند قدم تیره بشروه مبارک باد و ما سکنه مکه این شهر تا آنجا که توانائی داشته باشیم ازین برای تو گوازی می کنیم.

وقتی که اشعارش تمام شد از وی پرسیدم امیر این شهر رکوست آن مرد گفت این شهر را امیر ندارد گفتم چگونه ممکن است شهری امیر نداشته باشد و بدون امیر چگونه امنیت و این شهر حفظ میشود و احکام شرع و عرف را کجا اجرا میکند؟ امیر گفت ای امیر بزرگوار مادر ما این شهر امیر ندارد و احکام شرع و عرف را خود ما اجرا میکنیم گفتم من و صفات هم شمارا شنیده بودم ولی تصور نمی کردم که بشروه امیر و حاکم نداشته باشد چنانچه آن مرد گفت ای امیر بزرگوار برای اینکه بدانی شهر ما امیر و حاکم ندارد خوب است قدم رتبه نمائی و وارد شهر شوی و وضع شهر ما را ببینی.

در آن موقع به یک کارگاه نساجی رسیدم و دیدم که درون کارگاه چهار نفر مشغول پارچه بافتن هستند. حسین بن اسحاق گفت ای امیر هرگز هاشی که مردم این شهر جمع آورسی نمایند صرف بافتن این پارچه کرکی که مو سوم به برك است می شود. آنگاه دستور داد که طاقه از آن پارچه را برای من آورند تا ببینم و پارچه مزبور که با کرک بافته می شد از پارچه های ابریشمین چین که بخصوص در سرسره قند فراوان است نرم تر و لطیف تر بود و من تا آن روز پارچه ای بان لطافت و نرمی ندیده بودم از حسین بن اسحاق پرسیدم که بهای یک طاقه از این پارچه چقدر است جواب داد نیم دینار. بهای پارچه بسیار ارزان بود و هنگامیکه خواستم از کارگاه هاج شوم دست در جیب کردم که بهر يك از نساجان که در آنجا

غریمت به جنوب خراسان

من می دانستم که زورمند ترین حریف من در خراسان علی - سوف الدین بود. امیر سبزواری بود که به قتل رسید. بعد از وی در خاک خراسان کسی وجود نداشت که آن اندازه قدرت داشته باشد که در جنوب خراسان چند امیر بودند که هر کدام یک متشون داشتند و من می خواستم آن ها را نیز مطیع خود کنم من میدانستم که خبر قتل عام سبزواری و بران شدن آن شهر با اطلاع تمام شهرهای خراسان رسیده و امرای آن سرزمین حساب کار خود را کرده اند معینا بهترین بود که از جنوب خراسان اطلاع حاصل نمایم. چند روز بعد نزدیک شهر بصره ریه رسیدم که می گفتم تمام سکنه آن دان نشنند هستند همینکه سواد شهر نمایان شد دیدم که عده ای پهاد بصری من می آیند و معلوم شد که از سکنه شهر هستند من حدس زدم که آنان از بزرگان شهر می باشند و آمدند تا ما را مورد استقبال قرار دهند.

ولی وقتی بنزدیک من رسیدند مشاهده نمودم که همه از نوع روستائیان می باشند و جامه همه آنها کرباسی است و چون هوا خنک سرد شده بود قباها از پشم روی آن پوشیده اند تمام جامه ها آبسی و تمام قباها خاکستری بود و گویی که در شهر آنها غیر از کرباسی رنگ و پارچه پشمین خاکستری پارچه دیگر وجود ندارد.

کار میکردند چند - که زود بهم ولسی همد یک از آنها عطیه مرا نذر رفتند و گفتند ای امیر بزرگوار دیدار جمال تو ما را کافی است و ما پانجه از راه کار بدست می آوریم قانع هستیم بهش از آن احتیاج نداریم.

از کارگاه خارج شدم و بعد از طی ده قدم به یک دکان بقالی رسیدم و مشاهده کردم که زنی مشغول خریدن چیزی است و مرد بقال قبل از این که دست چترازو ببرد گفت: **بیل للمطقیین الموقین اذا کتبت لوجه الناس یستوفون** من از شنیدن کلام مزبور که آیات سوره "المطقیین" در قرآن بود متعجب شدم چون انتظار نداشتم که آن مرد بقال قرآن بداند و آیات گفتم ای نیک مرد ه آنها که در کودکی آموزگار من بودند نمیتوانستند مثل تو و با من خوبی قرآن را مخفی کنند ولی تسو برای چه در این موقع این آیات را بخواندی بقال گفت ای امیر الامراء هر وقت که من بخوام دست چترازو بهم این آیات را میخوانم تا این که خدا را ناظر بدانم و کم نفروشم.

من با اتفاق شیخ از خانه خارج شدم و مشاهده نمودم که دکاندارها جامه خود را عوضی کنند و هر کسی که جامه را عوضی کرد و لباس بهتری پوشید را مسجد را پیش میگرفت بدین این که در دکان خود را ببندد زیرا در شهر بصره همه سارق و جود نداشت تا این که کسی از سرقت اجناس دکان خود بهم داده باشد.

از یک دکاندار که جامه پوشیده و از تن کان خود خارج می شد تا مسجد بروم پرسیدم برای چه جامه خود را عوض کردی و او بعد رنگه این آیه از قرآن را که یکی از آیات سوره اعراب است برای من خواند: **یا نبی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلووا و شربوا و لا تسرفوا انه لا یحب السرفه** یعنی: "به شیخ حسین بن اسحاق گفتم من تا امروز هرگز ندیده ام که کسی حافظ قرآن هستم و اینک می بینم که تمام سکنه این شهر حافظ القرآن هستند بعد از آن مرد پرسیدم آیا معنای این آیه را میدانی؟ او گفت خداوند میگوید ای فرزندان آدم هنگامی که من خواهم عهد عبادت کنید زینت خود را بپوشید و بخورید و بنوشید اما اسراف نکنید زیرا خداوند کسانی را که اسراف می کنند دوست ندارد.

یوگا

۲- بلند شوید و به حالت اولی برگردید • دستها را
تکان دهید و استراحت کنید •
هدف عمده :

سینه • بازوها و شانه را تقویت مینماید •

- ۲ -

فوتوی شماره (۳۷)



فصل هفدهم تمرینات زیبایی اندام برای تمام بدن

در سلسله تمرینات فیزیکی یوگا تمرینات بسیار موثر و مفیدی برای زیبایی اندام وجود دارد که زیبایی اندام را به سطح خیلی عالی تاء مینماید • برای هر قسمت بدن یک یا چند تمرین وجود دارد و آن چه که در زمینه مورد توجه بیشتر قرار میگیرد این است که هر پوز به صورت کل بالای تمام قسمت های بدن اثر میگذارد درست مانند فیته را بری که با وارد ساختن قوه در یک طرف آن تمام قسمت های آن به اهتزاز در میاید • بنابراین یک پوز شاید بالای یک قسمت مشخص بدن متمرکز باشد ولی تاء ثیر آن را بالای تمام قسمت های بدن نمیتوان نسا دیده گرفت • درین فصل تمریناتی پیشکش میگردد که در تقویت و زیبایی اندام شما از سرتابه پا کنگ شایانی خواهد کرد •

تمرین قسمت علیای بدن

هدایات :

- ۱- بالای دستها وزانهای تان انکاء کنید طوری که دستهای تان در حدود دو انچ بیشتر از عرض شانه هسا از هم فاصله داشته باشد •
- ۲- ساقهای پاها صوری قرار داشته باشد که در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع نمایند • طوری به پیشرو خم شوید که وزن بدن تان بالای زانوهای تان قرار داشته باشد • تنفس کنید •
- ۳- نفس بیرون بکشید • کمرو سر را راست نگه دارید و آهسته آهسته بدن تان را به طرف پایین بیاورید • و این حالت آرنجهای تان باید به طرف بیرون قرار داشته باشد •

- ۴- هنگامیکه بدن تا نهمی از ارتفاع قبلی بدن و سطح فرس رسیده این حالت را برای (۱۰) ثانیه حفظ کنید • نگذارید که قسمت بالای تنه تان بر سطح فرس تماس کند •
- ۵- بصورت کل یکبار به سطح فرس بچسبید • حالات شمارش چهار استراحت کنید •
- ۶- نفس بکشید • بدن را با فشار بر فرس بچسبانید و بعد تا نهم ارتفاع قبلی بر خیزید • این حالت را باز هم تا (۱۰) ثانیه نگه دارید •

تبصره :

صعی کنید در جریان اجرای این تمرین کمرو را صست نگه دارید •

تمرین خرد ساختن بطن

هدایات :

- ۱- پشت بر زمین هموار دراز بکشید و هوله را زیر قسمت سفلی کمرتان قرار دهید • دستهای تان را در حالیکه انگشتان تان با هم بسته باشند زیر سیر قرار دهید •
- ۲- ساقهای تان در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع کنید • زانو ها را فات و پاها را بلند کنید • قسمت سفلی کمر را خوب بر فرس بچسبانید • تنفس کنید •
- ۳- نفس بکشید و در عین زمان قسمت علیای تنه و لگن خاصره را از فرس بلند کنید طوری که آرنجهای تان به زانوهای تان بچسبید •
- ۴- تنفس عمیق اجرا کنید و این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید •
- ۵- آهسته آهسته به حالت اول برگردید و استراحت کنید •



گفردنی بسین
آدرس: بازار بزرگ، کابل
تلفون: ۲۲۲۲۲۲
ساعت کاری: ۸ صبح تا ۸ شب

فروشگاه ولی حاجی

ناب ترین فلمهای ویدیویی گلچین
پشتو، دری، هندی، عربی و غربی آماده
فروش دارد. همچنین فلمبرداری متعلق
توشی شمارا با شرایط سهل میپذیرد.
آدرس: چهارراهی انصاری، شهر نو

آریانا مارکت

تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و

لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بچگی

تلویزیون و غیره اجناس را طور عمده و پرچون برای مشتریان

محترم عرضه میدارد.

آدرس: ایستگاه و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلا



هفت سال...

سليم شاه به خاطر فکستوي چندمهره، متون نفقات و تلج قسم هردو را همگرازم برای یکسال در هفاخانه داخل بستر رساند.

یکسال هفاخانه هم صوری شد اما سليم شاه چیزی را که از دست داده بود به دست آورد نتوانست.

سليم شاه مدتهای را در چکوسلواکیا و هندوستان نیز به خاطر تداوی خود (به پول شخصی) سرگردان هفاخانه ها بود اما او که هم اکنون نیز در هفاخانه وزیر اکبرخان تحت تداوی منظم قرار دارد، مردیست موقر و آرام و با شهامت، در وجود او از دل شکسته گی و ناامیدی چیزی وجود ندارد.

در سال ۱۳۶۰ از دواج نموده و خان سردار در روزها روی منزلش می براید و آنجا که درستان نهر رودش منان و آب خانوادہ مختصرش را تهیه میکند، از زنده گی شکایت ندارد و به روی همه تأییدات امیدوارانه لبخند میزند.

در اوقات فراغت به افکار راحت و همت بلند به کورس لسان انگلیسی میبرد و هاید هنجو جوانه این آرزو را و صحت که باردیگر جهت تداوی بد خاطر از کشور برود.

که بزودی زینت بخش سینه این وزیر شکار افغانی خواهد شد.

دیگر به شروع مسابقه صرف پوست و چهار ساعت با قسی مانده است.

روز و شنبه دو بار هم در لوگو بود، عقربه های ساعت دو باره ظاهر نشان میدادند و ناگهانی در مورد سلم شاه مسافرت و اعتراض در مسابقه همه چیز در گریب شد.

در محل ترمین (کمیته ملی-المهملک) ناگهان سرور صدای عجیبی به راه افتاد، همه از یکدیگر میپرسیدند: سلم شاه؟ آیا باز اتفاقا شده است؟

تعدادی از حاضرین به سوی سلم شاه که در وسط میدان بهوش افتاده بود و تعدادی دیگر نیز دستهاچه اینصورت نمودند و دیدند...

باید اکثر اخیار کم... باید او را به هفاخانه برسانند سلم شاه سلم شاه

جرات برانگنده بی به هم می میختند هر کس چیزی میگفت و کسی که از گفتن مانده بود سلم شاه بود...

داکترهای معالج در اتاقی کفرانس در حالیکه به عکسهای بیمارشان اشاره میکردند نظرنهایی شان را راهی کردند: در اثر ضربه وارد درجه شان ترمینات صوری وزیر شکار ر

آیا طمان تان چیست؟

چیت دوستی
و استعداده
فوق العاده
با هم رابطه
دارند.

اموزان مقایسه کردند ۱۰ آنها در هر زمان به نمره کثرتی آورده بودند (۱۰ یا کمتر) ولی در امتحانات مکتب نمرات خوبی داشتند اعضای یکی از این دو گروه را به طور تصادفی انتخاب کرده بودند و گروه دیگر از لحاظ نسبت مطابق با گروه مورد بررسی بود. در مورد اینکه چرا تعداد پسرهای که استعداد فوق العاده از خود نشان میدهند پیش از ختران است و پایی و گلشنین معتقدند که پسر ها در ریاض به استعداد کفران محدود دارند نتیجه بهتری نشان میدهند. آنها به تحقیقی دیگر از بعضی محققان اشاره می کنند که دختران در تستهایی که زمان در آنها دخالت نداشته باشد، نتایج مشابه پسران، به دست آورده اند. این دو محقق در پایان اظهار می دارند: (وابستگی دختران به زمان، بسا که نتیجه تأثیرات ناشناخته خانوادگی و مدرسه ای باشد.)

به گفته وایی و گلشنین، امید از دانش آموزان هر گروه چید است بودند و درصد چید ستی در بین پسران هر گروه ۱۶ نفر بود. تحقیقات نشان می دهند که به طور کلی ۱۵ نیمی از چه ها و نوجوانان چید ست هستند. ولسی چید ستی ثابت که تا بزرگسالی ادامه پیدا کند حد و هفت نیمی است.

یک سوم دانش آموزان گروه مورد بررسی و گروه های مقایسه آزری یا آستند معنی این آمار چندان روشن نیست. چون آماري از نیمی کسانی که در کل جامعه آزری دارند در دست نیست.

پاراست دست و مثلاً اسباب بازی را با دست راست میگیرند یا چپ؟ بدینوسیله میتوان از میزان صحت یا نادرستی نتیجه گیریهای مزبور آگاهی به دست آورد و بالاخر احتمالاً تا بیدای قلمی بر نظر به وراثتی بودن چپ دستی یا راست دستی در اختیار و داشت.

چند سال پیش تحقیقی در مورد موفقیت های تحصیلی عالی به عمل آمد و چنین موفقیت هایی در نوجوانان ۱۲ و ۱۳ ساله یاد نشان ببولیونیک مرتبط شناخته شد: یکی چپ دستی بودن و دیگری الیونها. محققین این فرضیه را مطرح کردند که اگر چنین پیش از آنکه در مدرسه هر دو مردانه تستوسترون Testosterone قرار گیرد یا نسبت به آن حساس باشد، این نشانه های ببولیونیک در او تشدید و تثبیت میشود و در پسر ها به استعداد ریاضی و زبانی زود رس می انجامد ولی تحقیق دیگری که به تازگی انجام شد معلوم شد که در نوجوانان ۱۲ ساله با موفقیت های فوق العاده، چید ستی یا الیونها پیش از نوجوانان همان آنها که موفقیت های تحصیلی نیز دارند، نیست.

جنیفر وایی (Jennifer Wiley) و دیوید گلشنین (D. Gold) از دانشگاه استاتین (Stein) در کلدورک در برهام ۱۶ محصل (۱۹ پسر و ۲۲ دختر) را که استعداد فوق العاده از خود نشان داده بودند (در آزمای ریاضی نمره ۷۰۰ آورده و در آزمای استعداد زبانی لااقل ۶۳۰ آورده بودند)، با دیگر گروه به همین تعداد و همین سن از این

(ماوراء صرت) ایهامات یا تکرانهای بسیار ری از دوران واداران بر طرف شده است. باشیوه (سونوگرافی) می توان فهمید که جنین پسر است یا دختر اما جالب توجه اینکه با همین شیوه ممکن است چپ دستی بودن یا راست دستی بودن بچه را نیز حدی زد.

پهتر هپر (P.G. Hepper) روانشناسی از دانشگاه کولینز (در بلقاست) و همکارانش ۲۲۶ جنین را سونوگرافی کردند و متوجه شدند که ۱۴۸ نیمی از آنها انگشت شصت دست راستشان را می کشند و فقط ۱۲ جنین با ۱/۱۱ نیمی از آنها انگشت دست چپ خود را می کشند. به گفته هپر (ما شواهد روشنی در مورد چپ دستی یا راست دستی جنین به دست آورده ایم) وی می افزاید که این نتایج بر نظریه وراثتی بودن چپ دستی نسبت به نظریه اکسای بودن آن تأکید بیشتری میکند زیرا نظریه دیگری هم وجود دارد و آن این است که طفل به دست پدر یا مادر نگاه میکند و کار کردن با دست چپ یا راست را فرا می گیرد. اگر تجربیات منور واقعاً لالت بر چپ دستی یا راست دستی بچه ها دربر هم داشته باشند، این نظریه (آموزش اکسای چپ دستی) قطعاً رد میشود.

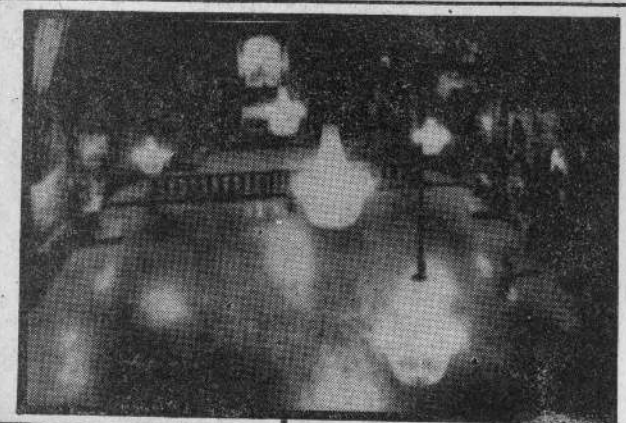
جنبه های چپ دستی، بعد از تولد و در دوران نوزادی بیشتر سرشان را به سمت چپ بر می گردانند و گفته هپر این یکی از علائم اولیه چپ دستی است. محققان مزبور در صدق تا وضعیت بچه های آزمای شده را تعقیب کنند تا ببینند که آنها در آینده چپ دستی میشوند یا راست.

شماره های از کودکان در هفاخانه نوزادی سر همایشان را به سوی چپ می گردانند که این یکی از نشانه های چپ دستیست.

تحقیقات نشان میدهند که به طور کلی نیمی از کودکان و نوجوانان چپ دست هستند. ولی (چپ دستی ثابت) که تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کند، تنها حدود هفت نیمی است.

چپ دستی چپ دست، پس از تولد و در دوران نوزادی، بیشتر سرشان را به سمت چپ بر می گردانند، که به گفته دانشمندان این یکی از علائم اولیه چپ دستی است.

برای بچه ای که فرار است به دنیا بیاید چه لباس تهیه کنیم؟ دخترانه یا پسرانه؟ امروز با امواج صوتی غیر سموع



راه به خود جلب میکند، بهیچ موزم همگرا تداوی و امتدوزش استفاده به عمل می آید.

سایر اطفال از بدین به این طرف پسر ها می در این منطقه به راه انداخته اند که در نتیجه امراضی چون روسا، تنب، حاسنهان معیسی از امراض جلدي و ضربه سر در تداوی قرار میگیرد. مملو بر آن در این انواع اقسام بکهای کیمیاوی و صنعتی و لابراتواری تولید میشود.

از یاد به عمل آمد، چنانچه در سال ۱۹۲۵ هشت صد هزارتن از آن دیدن کردند. از قرن سیزدهم تا قرن بیستم هنگامیکه استفاد ما ز منمن مذکور صورت گرفته، همه اش بر مبنای میتود های استفاد از ارمادان استوار بوده است. به این ترتیب مقدار نمک حاصله از آن در جریان هفتصد سال به بیست و پنج میلیون تن میرسد. به هر حال از بخش معدن کهن که توجه تورستها

زیرزمینی آن بیابانزنده گی منوی، عقاید، رسوم و عفته های مردم آن میباشند از همین سبب متخصصان یونکو در سال ۱۹۲۰ معدن کوز کوز را در دست انتخارات کلتوری جهان شامل ساختند.

باید گفت که تا چند سال اول جهانی بیشتر دانشمندان و هنرمندان از آن دیدن میکردند بعد از جنگ دوم جهانی در تعداد تورستها که به خاطر دیدن معدن مذکور می آمدند

در اینجا وجود دارد البته در اروپا دیگر ساحه بی وجود ندارد که از نظر موجودیست سامان آلات چنین غنی باشد. یکی از گرانیهاترین آنها وسیله بی است که به قرن هفدهم مربوط میشود، وسایل گدن کاری، چراغها، وسایل ترانسپورتی و غیره خیلی دلچسپ است.

معدن وینسکا از نظر هنری نیز غنای لازم را دارد. این معنی که عباد نگاه

دلچسپ می باشد. این معدن توجه تورستها را به خود جلب کرده و حتی در اروپا از جمله کهنترین معادن به شمار می آید. از قرن سیزدهم میلادی به این سوا معدن مذکور استفاد به عمل آمده است.

معدن مذکور حاوی یک کیلوگرم تاریخچه نماد نولند است. وسایل و سامان آلات ابتدایی تمدن که برای استفاد از معدن به کاربرد میشوند.

در نولند ناحیه بی کهنه هلمسکا یاد میورد و در ارایه معدن حله است که از نظر تاریخی خیلی

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

در فاقه و منازل شما همیشه تمی افراید .

اگر میخواهید اتاق های نماز از زیبایی خاص بخشیده آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پیر تیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنک وات منزل اول آریا ناماگیت تیفون ۲۳۷۴۷



فروشگاه جواد

این فروشگاه نمک ترین پلوه نهایی کادوبای مردان ، درشی های طفلان ، جپر کادوبای مردان ، جاکت دامن ، اقسام بوت زنانه ، سبیر مردانه و نس ، نس ، نس لباس های خود روزه را تازه دارد و قیمت نازل برای مشتریان عرض میدارد .

آدرس : فاریاب ، ماگیت زرغونه میدان تیفون ۲۳۹۱۲



سوپرا تلویزیونی که از روی داشتن انرا بدل دامتند

سوپرا تلویزیون مقبول مطابق خواست شما با با چه تعداد اجناس از این

۱- دارای دوش پشه بوده کشفیه اولی بویلاوه محافظت شیشه اصلی تصویر رابطه مجسم

و تصویر را بهتر نکشیدارد

۲- بطور اتوماتیک در ولتاژ های ۱۶۰ تا ۲۶۰ ولت عیار گردیده و فعال میشود

۳- به سیستم Pal B/G Secam BGDK بوده و ازین نظر دارای امتیاز

خوب است

۴- در ۳۰ کانال کار میکند

۵- قیمت آن نسبت به همه تلویزیون های جاپانی نازل بوده و خیلی اقتصادی است

شما میتوانید از دوستان تان اگر ازین تلویزیون داشته باشند اطمینان خاطر حاصل کنید

تلویزیون سوپرا را از فروشگاه مسکن باقیل شاروالی بل پهلوی فروشگاه دیپلایت بدست

آورید • تعداد آن کم است • فراموش نکنید سوپرا بادوش پشه و محافظتک پیشرفته دارای صوت

کنترل

تایر تیوپ لیس

شما که بخاطر تایر های جدید انتظار می کشید به مطمئن ترین تایر را جستجو می نمودید حال می توانید مطمئن شوید این تایر ها که از شهر ترین کمپنی تازه وارد گردیده در خدمت شما قرار دارد.

این تایر های تیوپ لیس ضد پنچری و دفع کننده فشار ضربه میباشد تایر های تازه وارد از سایر تایر ها ارزانتر بوده و به اقتصاد شما کمک میکند. این تایر ها چندین برابر تایر های بادی عمر دارد مطابق استاندارد بین المللی ساخته شده. ازین تایر ها برای کراچی های خاک ریز و کراچی های حمل و نقل اموال و ماشین های سیار استفاده میشود.

این تایر ها برای شهر ها و قصبات کشور یک محصول مطمئن است.

ازین تایر استفاده نماید و برابر همیشه از پنچ شدن و سوراخ گیری راحت باشید.

آدرس فروش :- کابل حصه اول جاده نادرینتون محمدی مارکیت دوکان غلام رضا

سالنگ و اب چهارراهی قوای مرکز سرای حاجی محمد عطا دوکان محمد رضا، ریا

تلفون ۳۴۹۸۱

عمال بیخوابی و رفع آن

(۵) سردرد شدید (۶) بیماری های عفونی و غیره.

رفع بیخوابی: (۱) یک ساعت قبل از صرف طعام در هوای آزاد گردش کردن. (۲) برطرف کردن هوای نامساعد و مرصدا. (۳) زیاد از اتاق خواب. (۴) مطالعه کتاب فحش بخش قبل از خواب (۴) بیرون کردن تمام افکار ناراحت کننده با زسر. ارسالی: عبدالمجید مشفق

از میان د معامل بیخوابی میتوان ازین عوامل نام برد: (۱) ناراحتی فکری (۲) سرو مدای زیاد در اطراف محل خواب (۳) هیجانات روحی (۴) ترس (۵) هوای نامساعد اتاق خواب (۶) خوردن غذای نامناسب قبل از خفتن و بالاخره مبتلا به یکی از بیماری های زیر: (۱) بیماری های معدده ووده (۲) سل ریه (سرفه-وتب) (۳) پرخونی یا کم خونی مغز (۴) درد های همی

محترم محمد قبی (اسمه پوشا) مطلب را جم بعروماد در روز پد برای ماریسد، یعنی پنجم - شش ماه بعد از روزها در در آینده اگر این گونه مطالب میداشته باشید، لطفاً آنرا - شش ماه قبل بفرستید.

از شما تشکر! رنگ پوشش باشید. - همکار خوشنودق مروحکیم اصغری از خصه دوم خیرخانه از دستکارت زیبای تان تشکر ولی ندانستم، که نوروزک ام سال را تبریک گفته اید؟ به هر صورت از شما یک عالم ممنون! ماهم عید سال آینده را از صم (دل) برای تان تعینت عرض میدارم.

- همکار خوب میثاقیه دوستدارا بهتر است خود شما تشرف آورد، سرگذشت تان را برای ما قصه کنید؟ زیرا خواندن کی بود مانند نشیندن.

- محترم با صبره حامد زاده از نامه طولی تان پسک نکته ریک حکایت کوتاه را انتخاب کرده ام:

- تحمل بهترین صفت است اما زنده می آن قدر کوتاه است که مجال تحمل را نمیدهد. - همکار عزیز کاره سلجوقی از لیمه استقلال.

ما منتظر مطالب جالبی و بلاستیک بیچ تان هستیم - محترم بهران ابدالی از شما نامرزیبایی را ماطا - لعه کردیم، شما هم بکشید همیشه اشعار زیباراه ماطا - لعه گوید (منتظر اشعار د پگرتان هستیم - همکار خوب شازیه نوا - سروده (رخت سفر)

نان بالاخره برای ما رسید از این که امکان نشر شمیر جوانان را نداریم، خدا کند که رخت همگاری تان را از مجله برنجینید.

محترم احمد جانید شمعی از خیرخانه.

به پاسخ سوال تان نزد یک بین عرض میدارم. از این که تیل نیست گزارشگران ما نمیتوانند توسط پایسکل، به خارج رفته هنرمندان و روزشکاران مشهور در نیار املاکات و همرایشان مباحثه نمایند از شما تشکر.

از برای یک

پروانه عاشق چرا شمع السلت

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد. قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند، پس پرواز آنها طوری است که همیشه اشعه خورشید یا زاویه ثابت و یکواخت به چشمشان برخورد مینماید. البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است، حشره وون آن که مشکلی برایش

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد. قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند، پس پرواز آنها طوری است که همیشه اشعه خورشید یا زاویه ثابت و یکواخت به چشمشان برخورد مینماید. البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است، حشره وون آن که مشکلی برایش

- همکاران خوب مجله نجایی و صوفیا نجایی از نورمحمد ناصینجا. از سخنان طلایی، دیوانی و نشر میکیم. منتظر سخنجان العالی تان هستیم. - در تن نحیف میتوانید اندیشه های هنرزی مسکن گردید. - یک ساعت زنده گنی با انتخاب و شکوه به یک قرن گمنام زیستن می آرزید. - دوستدار مجله مریسم غیبی کارمند وزارت آب و برق! میکوشم تمام نظریات شمارا یک صد و یک فیصد عملی سازم. - محترم سلطانه از زانگور زبان! این هم از نامه شما: - اگر میخواهی به دروغ گردی بدی، همیشه راست بگو. هر وقت تصمیم گرفتید، درهای تردید را ببندید. - همکار دایی عشیق الله سخن زاده.

شما حال این نهاد کردید ما قبل از پیشنهاد تان آنرا - ز نظر گرفتیم و اینک صفحه سلام بچه ها و سلام دخترها همانست که میخواهید از شما تشکر. منتظر نظریات سازنده تان هستیم. - محترم علی محمد احمد یار محصل بولیتخنیک کابل! ای کاش لطف و مهر بانی کرده اند که میدادید کما این منزل زبعا نژا وید، نه هنر کیمت!

- دوستدار مجله فوزه سادات از لیمه محمود هوتکی: اگر از نزدیک بین پاسخهای جالب را انتظار دارید در نامه های آینده، تان لطفاً سوالات جالب بطرحید. - محترم مریسم غیبی کارمند وزارت آب و برق.

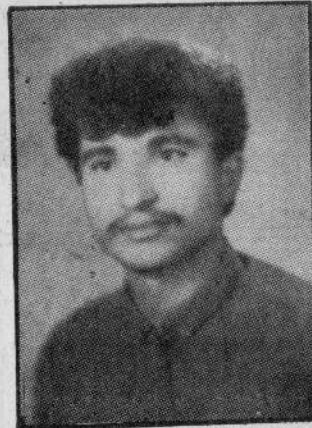
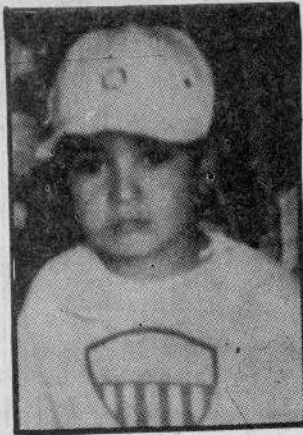
شعر بهاریه تان درستان برای ما رسید. نزدیک بین به شما مشوره میدهد که بعد از خواندن این سطور لطفاً آستین هارا بالا بزنید. مطالب زیستانی نوشته بفرستید، آن گاه بدین بها - نه بی نشر خواهد شد. - همکار عزیز هنر فرم حاصل انستیتوت طب کابل. فال تان را به فالبین مجله سپردیم، فال ببینید که نشر میشود یا خیر.

ارسالی: عبد القاسم سنکمن

چرا هنگام صحبت تلفونی هار میگزیند؟

چرا هنگام صحبت تلفونی
(هلو) میگویند ؟

نخستین کسی که به
فرستادن یک پیام تلفونی
توفیق حاصل کرد ، یک مرد
مجارستانی به نام شیواد اربوش
کاش (در زبان مجاری (هالو)
یعنی آیا میشنوی ؟ گفت . و
همین کلمه بود که به تدریج
به (هالو) و بالاخره به
(الو) تبدیل گردید . برای
همیشه در صحبت تلفونی به
کار رفت
ارسالی : حیات الله زر -
ش دولت زنی



فرهاد جان علاقمند
مجله سپا و ون

قیام الدین غوثی از جنگلک
کابل از همکاران خوب و
دایمی سپا و ون

— همکاران دایمی ظاهره
قلندری و ناهید قلندری از شهر
بلخمری !

دوستان عزیز ! قابل
تشکر نیست . این وظیفه
دورهین است . به همه حال
از این نامه تان این نکته ها
را برمیگزینم .

— نفرت و کینه هرگز به
وسیله خود شرف نمی شود بلکه
باعشق زوده میشود .
(پورا)

— از دشمنی که با توجه و
ستیز میکند ، هرگز هراس
مکن از دوستانی که به تو
تعلق میکنند سخت رحمت
کن
(ژانبل اوپرگون)

و در همین صفحه قلماطلس
در مورد خواب داریم . از
شما به اندازه گله های تان
تفکر و خواب شما خوش
هنگام همیشه کی محبوب الله
کوهستانی از ولایت پروان ازین
که از راه دوری ، نامه ارسال
کرده اید ، اینک از آن یک
بیت را انتخاب کرده ، نشر
میکم .

از وطن گنتم مسافر
بی دایره راه بین
سگم و روانه ند این
بی وقاری راه بین
همکاران ایی مجله عادل
نروپ از شهر مزار شریف
افسوس افسوس ، شما که استعداد
خوبی در مورد شعر دارید
سالها کات خوبی در شعرید
شعر ندارم . به هر حال
استعداد تان قابل آفرین
پاد است ، آفتاب زنده کسی
تان همیشه در وطن بهاد
همکار حتی ضروری مجله
لیلا سمات از بوختن بلخ
از نامه ها پتان دورهین به
اندازه سلیقه تان تشکر
میکند مگر شرط آن که نامه
های آینده ، تان خالص
از وطن و وطنز باشد .

از دور

— محترم محمد الله باختروال
محصل تخنیک نفت و گاز
مزار شریف

گله های تان سر چقم دور
بین . اما به سر گله های سرخ
وسپز تان قسم که ما همیشه در
این صفحه از شما یاد کرده
ام . ولی این که شما متواتر
شماره هارا تمقیب نکرده اید
گاه نزدیک بین و دورهین
نست همین لحظه بالای میز
دورهین سه نامه شما چار
زانو نهفته است که در یکی
آن گله در یکی آن عکس و
در سوس هم مطلبی در مورد
" خواب " نوشته اید . و پس
تا ه سف باید عرض به دارم که
این مطلب تان در همین شماره
قابل چاپ نیست . زیرا در
صورت نشر صفحه خواب السود
مشود یعنی در همین شماره

همکار خوب ما ناخوشه
چین از سوالی اند خسوی
امید وارم در نامه های آینده
تان چیزی برای جیدن وجود
داشته باشد .
— محترم روحگل افشار
از بلخمری !

دورهین به سرزند یک
بین قسم خورد که نامه تان
نرسیده . و اگر رسیده ، مطلب
تان تکراری بوده ، در غیر آن
ما به اساس نیت از تمام عزیزان
و دوستان مجله را که لطف
کرده مطلب میفرستند ، به نشر
میوسانیم ، اگر باورند ارسال
امتحان شرط است .

محترم محمد حسین هنر
بازار حصه دم خیر خان ولایت
چوزجان نامه تان جالب بود
ادرتان جالب بود ، سو
الات تان هم جالب بود
ولی افسوس افسوس که دورهین
خط خوانای تان را خوانده
نتوانست .

بهرینه روز

وقاحت گفت مرا با شاه
و اشتیاقات بیارید
ردالت گفت مرا با خلمست
فضیلت افشارید
خیالت گفت نتاج امانت بر
سرس نهید
ظلمت گفت از جور عدالت بر در
سرام باورید
تکر گفت برآیه زهر تراصع
سها کسی که
حق درین میان گفت : مرا برهنه
گدا رید و سوزای بی برین
میته بد من از ره کسی
شرمسار نیست
ارسالی :
رحمت الله رضایان بلخمری

حل کنید و جایزه بگیرید

گردآوری و تنظیم از لطیفه (سیدی)

سبک‌دلان

شا



پندرسین

ها

میروی :

- ۱- کاشف گردش زمین - ترک کردن است و در جنگ آتش بس را گویند .
- ۲- همان عشق است - ایضا - پاسپورت - پایتخت اروپا می عمله ایست دز حساب .
- ۳- ضعیف و ناتوان - برای مهت می خوانند - آرزوست و کمال مطلوب .
- ۴- مردی سوار بر اسب مجله ایست در شهر کهنه چهار و اشیا .
- ۵- خوکان را عرب گویند قرض نک در ازترین شب سال .
- ۶- از بازمانده گان هتلمی که زندانی شد - السنه جمع آنست - حرف دهم الفبای آلمانی .
- ۷- بنای عشق درهندستان پایه حیات مقدار عمر .
- ۸- امر خارق العاده ایکه از کسی دیده شود - مقنا - طمس .
- ۹- حمام آن معروف است نصیب و بهره و هم قسمت کننده را گویند - می آموزاند
- ۱۰- حرص و طمع - درای

به ان اشترین می گویند - منزل برای آنست .

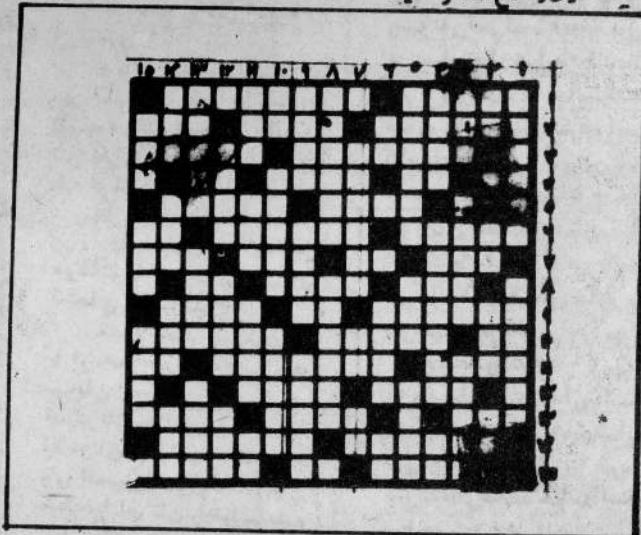
- ۱۱- مادر اصطلاهی - اگر "ها" میداشت نام یکس از اشد ما رفروغ فرخزاد میشد .
 - ساده است و خلاف مرکب حرارت غیر عادی بدن .
 - ۱۲- مقصود و خواسته شده از قهرمانان شاهنامه - و سهله کار همزم شن .
 - ۱۳- مداین جمع آنست پایتخت چکوسلواکیا - علف و نبات .
 - ۱۴- اولین پادشاه افغان - نستان - از مالک عربی دارایی و کالا - از انطرف خورشید است .
 - ۱۵- خو گرفتن - از فلزات پشت آب آن بیل بگیر .
- افقی :

- ۱- میله آن معروف است علم طبقه بندی اجسام حیه .
- ۲- داستان وقسه را گویند که رچه - خونها .
- ۳- اولی تنهات و دو می درگاه را گویند " دوکلمه " خر بظه که دران پولس میزند

- ۴- شما به لسان بیگانه فیلسوف حیوانات - ورم و پندیده گی - نصف رندی .
- ۵- همنشن صابون - جدا جدا نیست - قساد است و فنا .
- ۶- بلبل داستان آنست با تکرار حرف آخر - قناعت کرد است .
- از خنرات ناقل مکروب در - پختو .
- ۷- رسوا کردن و دریدن پرده رحمت الله علیه - گرم نیست بصحت و اندرز .
- ۸- تیز ورنده - همنشمن آستر - تکرار یک حرف .
- ۹- از پیشاوند ها است خندان و خنده روز را گویند .
- ۱۰- شخص سوم بفرد - شوخ در روز با چراغ بدنالش بود نجات یافته است و تخلص یکی از هنرمندان گروه گل سخ .
- ۱۱- داستان و افسانه پها میریکه پسرش چاه زمزم را پدید آورد - عشق به لسان بیگانه .
- ۱۲- مرهون و گروگنداشته شده - هر چیز گمتر ندسی را گویند .

- ۱۳- وظیفه معده - رفیق و دوست در اردو - مکرر .
- ۱۴- خلفای آن معروف است تکرار آن را گناه پنداشته اند .
- ۱۵- جمع شهره تخم - مسکه و امثال آنرا گویند - ازجا - لات دریا - هم صحبت رای در کلیله و دمنه .

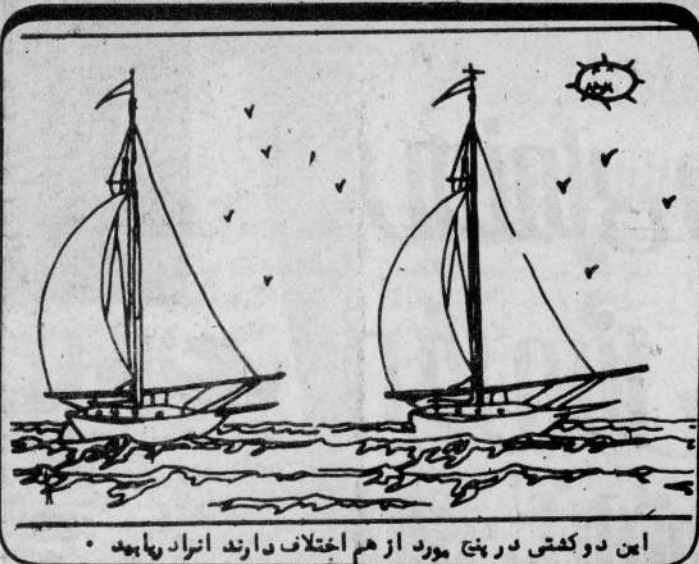
طرح جدول از : بیگانه



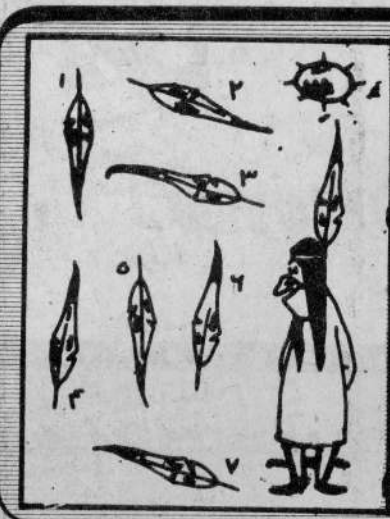
پایخ بدهید و جایزه بگیرید

شماره مطالعه فراوانی

- خربکس اثر کدام نویسنده است و محتوای آن از کدام موضوع بحث می کند ؟
- شب چراغ اثر کدام نویسنده است ؟
- نویسنده کتاب و موش ها کوش دارند کشت و مطالب آن روی کدام موضوع مچرخد ؟
- جلوه های زیبایی در هنر مربوط به کدام نویسنده کشور است و پیرامون کدام موضوعات معلومات آرایه میدارد ؟
- مر بای مچ مجموعه طنزی کدام طنز نویس کشور است ؟
- داستان درز دیوار روی کدام موضوع نگاشته شده است و در ضمن نویسنده آن کیست ؟
- و افتاب نمیرود مجموعه شعری کدام شاعر معاصر کشور است ؟
- گزارنده مجموعه قصه های اسطوره شهادت به دری مر-مربوط به کدام شاعر کشور است ؟



این دو کشتی در پنج مورد از هم اختلاف دارند انفرادی بایند .



در میان این پرده
کدام پرده پانزده است
که بر سر این شخص
دیدار شود ؟

مصراع اشعار
شاعر توانا مولانا
بلخ را تکمیل نمایند

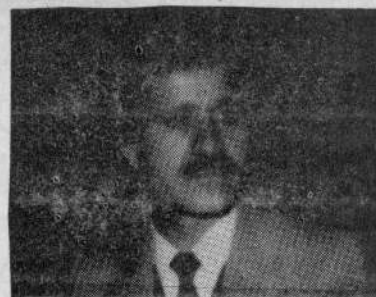
- تو هنوز ناپیدی توجمال -
خوندیدی
سحری چو برای
- حق ترا از جهت
آوردت
فتنه و ثور قیامت نکسی به -
چس کسسی
- بالله که شهر به تو مراحس می -
شود
..... و بهایانم ارزوست
- چو غلام به طریقه
ترجمانی
به نهان از او بهرم به شما -
جواب گویم
- فلك زهر به آورد شب -
و روز
من شکراند و شکراند و شکراند
شکر

اداره مجله سبادون برای برنده گان این صفحه
جایزه های عالی در نظر دارد .
در هر شماره برای سه برنده تحلیف متمناز داده میشود جایزه
های این شماره کتابچه های پس انداز بانک ملی فغان
در نظر گرفته شده که ریاست بانک ملی با صمیمیت
ببسترش مقرر داده است .

برنده این شماره



محترم ژلا نوری محصل سال اول پوهنځی حقوق و علوم سیاسي پوهنتون ټابل ، که همیشه با مجله دوست داشتني خویش -
سباوون همکاري دارد ، با حل جدول سرگرمه های مجله توانا -
نست جایزه می این صفحه را که یک جلد کتابچه پسرانده از
بانک ملی است نصیب کرد . که ما با صمیمیت این تحفه را
به وی تقدیم نمود و اظهار سپاس مینماییم .



رهنمایی در خرید و فروش خانه زمین آپارتمان و موتور

رهنمای مساعلات

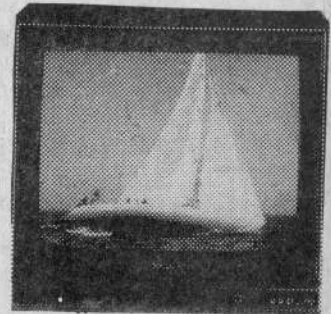
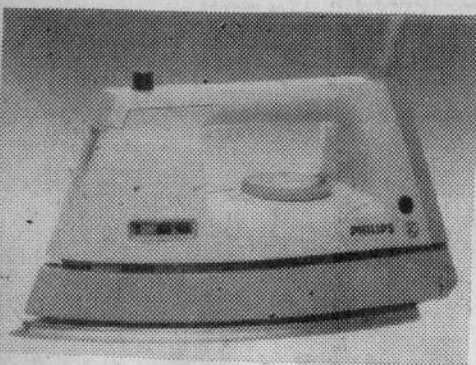
روح الله تقیری

آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب
متصل مسجد جامع شیرپور
تلفون ۳۲۵۲۹

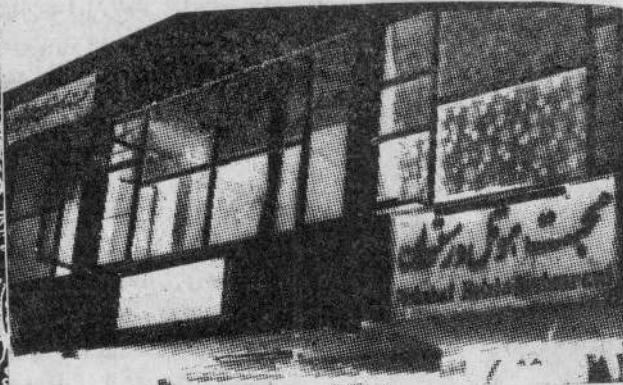
فروشگاه فلیس دلیات

فروشگاه دلیات شیک ترین اجناس
را از مشهورترین کمپنی های جهان می توان وارد
نموده و به ارشاد مشتریان عرضه می گردد.



توزیع کننده فلیس اتوماتیک ریپورت کنترل دلد - سایز های مختلف با یک سال
گارانتی، دیر دوکت شارپ چاپر مدل VC-M730E اتوماتیک دلد از قیمت عالی سیستم
ریپورت کنترل دلد، اقام رادیو کت، اتوماتیک فلیس، بادچک سر بریز، توزیع کننده اسفنج و
۱۱۵۲۰ رنج سیاه سفید رنگت اتحاد شمدر. آدرس: مقابل نبادالی کابل محمد جان خان ۱۱

دستورات محبت



ما نموده‌ایم و شیرینی‌ها را غیره می‌فروشیم تا دل در دستورات محبت بگذارد.
 ما نیت در دستورات محبت با محبت و خیر و شکر و طهارت و نیکوئی و غیره را خوب
 رعایت کنید و در همه اینها خیر و برکت است.
 پنجشنبه دستورات محبت هر روزه از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۲ ظهر
 در محله مهرت، ناسخ چاپت در قدمت، شهرت و محبت
 در کسری: حیدرآباد، جاده میوند، تقاطع خیابان آصفیه، پلاک ۲۵۷۶۶

اگر قصد سفر دارید
 در بسته‌های خمیله آرام
 دستریج ۳۰۳ سفر
 کنید.



بازار کبک پنجشنبه ریس شمارا
 از کابل به پشمخری، بستمنگان
 و هزار شریف مع الخیر میرساند
 آدرس: کابل - ساحه واقفانان و پل شادی

سفر
 بازار کبک
 پنجشنبه

تلفون ۲۱۷۸۴

ضرورت نیست هر کار را بجز در
خوش انجام دهید . در زندگی
کی باید این حقیقت را در نظر
بگیرید که خوبی و بدی ، زشتی
و زیبایی مانند روشنی و تاریکی
وجود پیدا می کند و لذا شما درین
میان به ارزش نیکی ها پی برید
درین روزها ملاقات مهمی در
پیش دارید که در سرنوشت
عشقیشان تاثیر دارد . از
خود مواظبت داشته باشید .

تور

میگویند برد و باری در اسما -
پش را باز میکند . توجه داشته
باشید ، مقاومت شما موجب میشود
که شما در برابر دشوار تر شدن
مشکلات زنده گی پیروز شوید .
به عشق باورتان را نگهدارید
به زودی یکی از بزرگترین آرزو -
هایتان برآورده میگردد .

چون

توانایی در دانایی است
ازین سبب سعی کنید در باره
آنچه که با آن سروکار دارید
گاهی داشته باشید . قضا -
وت عجلانه برایتان درد سر
های زیاد خلق میکند مخصوص -
صا از نظر وجدانی ناراحتی
هایی شما را سرگچه خواهد
ساخت . بگذارید شما را دوست
داشته باشند این احساس
خوبی است .



میگویند قول مردان چنان
دارد . سعی کنید به قول
خود ایستاده باشید همچنانکه
شما از آدم های دور و فریبگر
خوشتان نمی آید دیگران نیز
این صفت را در شما دوستی
ندارند . به ملاقات دوستی
مهرورید که برایتان خیلی خوب -
شایند است . توجه کنید که
درین روز مواظب صحت تن
باشید .

سبزه

هر وقت نسبت به کسی بی
حرمتی روا میدارید در حقیقت
تخم کینه و نفرت را در دل او -
زور می کنید . انسانیت مفهوم
بزرگیست که در آن احترام متقابل -
بل جای ولایتی دارد از عجله
در تصمیم خود داری کنید
اگر تصمیم از دواج دارید خیلی
مناسب است که پیش از زمستان
عمل کنید .

عاقل آنچه را میداند میگوید
و نادان آنچه را نمیداند میگو -
ید . ازین سبب از اطراف انسی
که شما را با حرف های جور و -
ناجور ناراحت می سازند آزرده
نباشید بلکه فکر کنید هر کس
نظر خود را در
نامه بی به شما میرسد که
میتواند در سرنوشت عشق شما
اثر بگذارد . به دیدار عزیزان
تان بروید چون آنها به شما
نیاز دارند .

اگر دوستی عمل است او را

نخور ، ضرورت نیست که محبت
و صمیمیت دوستان تا نرا مورد
استفاده سوء قرار دهید یا
تا مل در مورد سرنوشت خود بسا
اعضای خانواده تان تصمیم
بگیرید مخصوصا در تصمیم برای
ازدواج خود را با مشغولیت
های ناراحت کننده بیشتر ازین
ناراحت نسازید . موسیقی
میتواند شما را راحت نگه دارد

میگویند مصیبت دم دارد و
یک بدبختی به بدبختی دیگر
دست میدهد اما با این هم
سلسله بدبختی ها بس یار دراز
نیست شجاعت شما میتواند آنرا
کوتاه سازد اعتماد کنید و نسبت
به آنکه باور دارید مظنون نباشید
شاید . او نیز علاقمند و عاشق
شماست فقط باید او را درک
کنید .

بسیاری هادر جستجوی عشق
بودند اما خود را کم کردند
و آنچه را که میخواستند نیافتند
زیرا اراده شان قوی نبود . شما
میتوانید عاقلانه تر بیاندیشید
ممکن است درک شما احساساتی
باشد . دوستان خوب را در
روزهای بد آزمایش کنید .
کینه نسبت به عزیزان تان در
درا نگیرید .

میگویند نگذار زیانت گسوی
ترا قطع کنده انمان میتواند
خیلی تند و خیلی زشت حرف
بزند اما زشت صحبت کردن -
مفید نیست . با صمیمیت به
دیدار کسی بروید که همیشه
منتظر شماست . مواظب باشید
که در دام فریب و اغوی ذهن
خود نیفتید .

چرا از روی صمیمیت نمی پند -
یرید که او شما را دوست دارد .
اعتماد او را جلب کنید و خود
را از افکار باطل برهانید
انتظار تلخ است اما میتواند
برای شما اهمیت آنچه را آرزو
دارید برجسته سازد از دوری
او ناراحت نباشید به زودی -
خوشحالی بزرگ به سراغ شما
میرسد .

موتورهای انصاری دوات



آه شما هم حفظ کنید، هر وقت تکیه در موتور هستی.
 آیا با فضا و آسایش و الگا، ماسکیوچ مدل ۱۹۹۰ احسار کم دارید؟
 موتورهای الگا، ماسکیوچ ۹۰ و موتورهای انصاری دوات تازه وارد نمود است.

شما از نمایندگانی این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید
 و موتورده خواه تا آنجا بزنید مورد پسند انتخاب کنید. همچنان موتورهای
 انصاری موتورهای مدل جدید ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و یک هیای
 مختلف النوع را بدستور دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند.

که سر لا بار دیگر بخاطر داشته باشد.

تلفون ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین

ADKU
 مسلسل
 05
 350
 22 ص
 v4 l n4



پیک شکر بزرگ
 در فروشگاه بزرگ

فروشگاه بزرگ
 افغان

معافلی خوشی تان در دستورا
 فروشگاه بزرگ افغان بزرگ
 نماینده خاطر آن همیشه شد
 همانند
 وقت را بزرگ کنید

نمایند در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان در ولایت
 تویدر کشور این مجموعه را بشیر اور فرودست خود بپوشید خیر بپوشید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**